تلاش

شماره پنجاهم
سال دهم
شهریورماه ۱۳۵۴

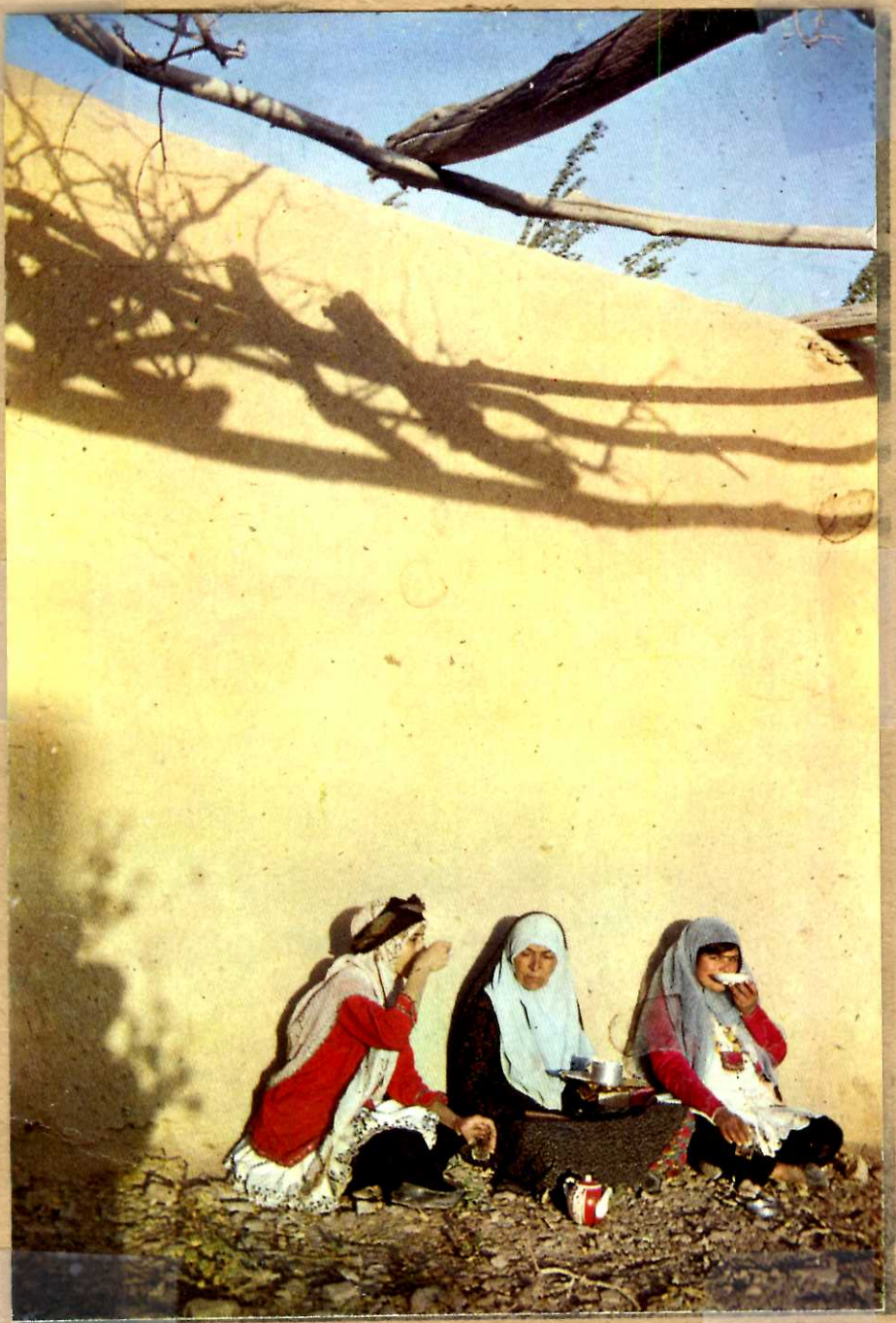

چای و گفتگو ـ هدیه مجله تلاش

تلاش

شماره پنجاهم
سال دهم
شهریورماه ۱۳۵۴

چای و گفتگو ــ هدیه مجله تلاش

www.KetabFarsi.com

فهرست

موضوع روز	صفحه
مشروطیت	۳
مرداد، ماه انقلابی ایران	٤
رویدادها	۸۳
تاریخ ادبیات	
آموزگار دوم	٦
خیام در بعد چهارم	٥٦
اقتصاد و سیاست	
اندیشه‌های مارکس و فاجعه سقوط	۱۰
بهره‌گیری از گاز	٦۰
فرهنگ وهنر	
گفتگو با استاد تاریخ	۲۰
من عاشق بچه‌ها و گربه‌ها هستم	۲٤
جشن‌هنر شیراز	٤٦
ادبیات	
گریهٔ شیخ	۲٥
کوتاه‌نویسی	۷۰
شعر وادب	۷٤
ایران‌شناسی	
سوابق مشعشع پایتخت	۳۲
یزد آرام	٥٤
اجتماعی	
آیا چاپار داریوش به‌خواب می‌دید؟	۳٤
دکتر آل‌طه به‌شهرک خود باز میگردد	٥۲
علوم	
نظریهٔ اتر	٤۰
قدرت باروری از کجاست	٦۸
داستان	
گناه	۷٦
گوناگون	
سخن ماه	۲
پیک‌تلاش	۲
بلال فروش دوره‌گرد	٥۰
زیبای ۱۳۰ سال پیش	۷۱
چند حکایت	۷۱
در ایران ما به‌این شوخی‌ها خندیدیم	۷۲

خواننده گرامـــی

در این شماره ، همچنانکه می‌بینید ، تغییرات اساسی‌در نوع مطالب مجله داده شده است .توجه ، بیشتر به مصاحبه و گفتگوست و بعد از آن به مطالب کوتاه ، ولی درعین حال مجله از توجه بـه مطالب علمی و سنگین نیز باز نمانده است . هدف این بوده است که صاحبان هر نوع سلیقه در میان انبوه خوانندگان تلاش خشنـود باشند .مطالب و نوع‌عرضه آن در صفحات "رویدادها" نیز بکلـی تغییر کرده است تـا گـروه بیشتری از خوانندگـان را جلب کنـد. بهر حال ما همهٔ تلاش خود را می‌کنیم تا " مجله تلاش" در هـر شماره بهتر از شماره پیش بـاشد . شمـا نیـز تا می‌توانیـد بیاری انتقادهای سازنده خویش ما را مدد کنید .

پیک تلاش

آقای‌عطاهنربخش ازآمریکا

امیدوارم سلام گرم ودرود صمیمانه مراازراهی بسیار دور بپذیرید . هنوزدوشماره‌تلاش رادریافت‌نکرده‌بودم‌که‌درشماره ۴۹خبرجالب‌ماهانه‌شدن‌تلاش منتشرشد ،کـه جـای بسـی خوشحالی‌است‌امااميدوارم که بااین‌تلاش عظیم برای ماهانه شدن‌مجله ،تلاش کمتری‌نیزصرف شودتامجله‌به‌موقع‌وحداکثر۱۵ روزبعدازانتشاربدست‌مابرسد ونه دوالی‌چهارماه چون‌دیگر واقعا "مطالب‌کهنه و از نظـر افتاده هست بخصوص بخش رویدادهاکه یکی‌ازجالبتریـن قسمت‌های مجلـه می‌باشـد . خوشحالم که‌نسل‌جوان‌ماشانس داشتن‌چنیـن مجله مفیـد و جوانی‌رادارند .

تلاش

این‌خواست‌شما خواست تعدادزیادی‌ازخوانندگان‌مانیز می‌باشد .همه‌گونه‌کوششی‌دراین مورد بعمل خواهد آمد تـااز شماره آینده تلاش سریع تـر بدست‌شماودوستارانش‌برسد .

* * *

خانم‌لیلی‌فرزین از انگلستان

شمـاره جدیـد تـلاش بدستم‌رسیدو در آن تغییرات بسیاربچشم می‌خورد ، بنظـر من از تعـداد عکسهای رنگی کاسته‌شده که جای تأسف‌است چون بـرای من در این مدت بهتـرین‌امکـان نشـان‌دادن گوشه‌های جدیدوقدیم ایـران باعکسهای‌بسیار زیباورنگی‌شما بود که باید به تنهایکی اکتفا شود که دراین شماره بـی‌روح بود .ازآن‌که‌بگذریم ، عکسهای مطالبی‌چون نمایش، سـاری ، شاهکارهای‌معماری‌وسنگتراشـی بدون‌زیرنویس‌بودند ،درحالی که بنظر من حتما " زیرنـویس لازم است برای آنکه بدانیـم عکس‌کدام نمایش و یـا کدام گنبد و یا کدام اثر سنگتراشی رامی‌بینیم وکار کیست . وجود داستانی‌بعداز مدتهادرتلاش جای خوشوقتی بسیار بـود و امیدوارم این فکر را دنبـال کنید .

تلاش

خواننده گرامی ،مانیز امیدواریم که بعدها امکان‌آن باشدکه‌عکسهای رنگی‌بیشتری درمجله چاپ شود امادرمورد گله‌شما ،کاملا "صحیح است که عکس‌این‌شماره بهترین‌نبود. دراین موردنیز کارکنان‌مجله کوشش‌خودرابرای زیباترکردن مجله بکارخواهند برد ودیگر آنکه سعی خواهد شد که در هرشماره یک داستان داشتـه باشیم .درباره زیرنویسها نیز انتقاد شمابجاست .ازاین‌پس عکسهـا بـا زیرنویس کـامل خواهندبود .

* * *

خانم‌توران جواهرازپاکستان

حالاکه مجله‌تلاش رویه

www.KetabFarsi.com

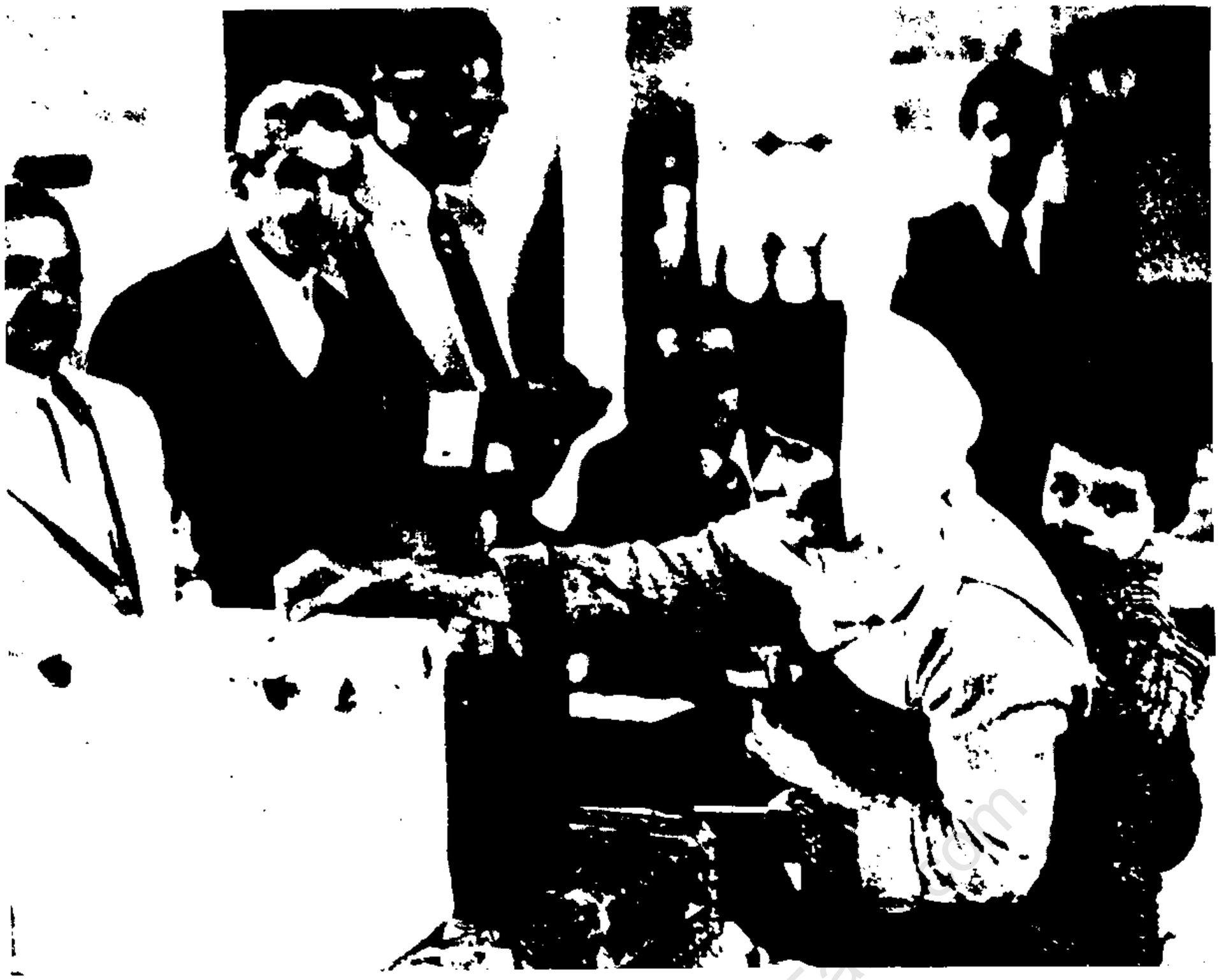

مشروطیت

اولین حرکت
از یك انقلاب ملی
که سرانجام در
بهمن ماه ۱۳۴۱
به ثمر رسید

مُ

از: بهرام

در تاریخ ملتها و اقوام [illegible] ماه [illegible] ، نقش [illegible]
ویژه‌یی دارد . مثلا" ماه ژوییه [illegible]
ماه مرداد برای ملت ما ماهی [illegible]
است که مرداد ماه را چ[illegible]
در این ماه ، [illegible]
رسما" در ایران [illegible]
این ماه بود که با یک [illegible]
[illegible] و از میان [illegible]
و راه برای [illegible]
هموار شد .
هم به ای[illegible]
فرمان‌روایی کا[illegible]
و اکنون ، به [illegible]
ماه انقلابی تا[illegible]
[illegible]
افزوده‌اند که [illegible]
جامعهٔ " تمدن [illegible]
شده است ، خوا[illegible]

در تکمیل [illegible]

انقلاب شاه وملت [illegible]
کامل انقلاب‌مشروطیت پیش [illegible] ، برقراری برابری و عدالت [illegible] شهروندی [illegible] شده است . اما با بودن اختلا[illegible] ژرف طبقاتی میا[illegible] دستان و دولتمندان بازیر دستان نه بر قراری برابر[illegible] و نه تحقق عدالت امکان پذیر می‌گشت .

در انقلاب شاه و ملت‌که نخستین‌اصلها[illegible] ششگا[illegible] آن‌در بهمن ماه ۱۳۴۱ دریک "همه‌پرسی "به‌تصویب‌اکثریت‌قاطع مرد[illegible] ایران‌رسید ، بنیادهای تازه‌یی برای روابط مردم با جامعه و با یکدیگر نهاده شد که راه را برای گسترش عدالت اجتماعی هموار می‌سازد .

بزبان دیگر انقلاب شاه و ملت امکان برابری اقتصادی را پیش می‌آورد که بی‌آن، برابری‌سیاسی وحقوقی‌مردم [illegible] شدنی است .

از زمانی که مالکیت خانواده‌های کشاورز بر زمین [illegible] جانشین مالکیت زمین داران بزرگ شد ؛ از زمانی که کارگران درسود کارگاههای صنعتی‌انباز گشتند و از زمانی‌که زنان ، گذشته ازبرابری اقتصادی خویش با مردان ، دارای برابری سیاسی و اجتماعی‌نیز شدند ، می‌توان انتظار داشت که دومین جزء شعار پیشتازان مشروطیت یعنی "برابری" عملی شده است .

می‌دانیم که شعار مشروطه خواهان " آزدای ، برابری، دادگری " بوده است .

باامکان پذیر شدن برابری ، می‌توان‌اجرای عدالت را عملی ساخت صاحبان پول و زور یعنی عنصرهای نابرابری ، پیوسته می‌توانستند ، عدالت را بسود خویش تعبیر کنند و ترازوی فرشتهٔ عدالت را در سمت کفهٔ خویش سنگینی بخشند .

انقلاب‌شاه وملت به این سان‌دو جزء ازشعار مشروطه خواهان [illegible] کرده است .

[illegible] عملی شدن کامل این دو جزء است که ، انقلاب مشروطهٔ [illegible] هدف‌اصلی‌خویش ــ یعنی‌آزادی سیاسی‌نیز دست‌می‌یابد . [illegible] قاطعیت [illegible] توان گفت راه انقلاب شاه وملت ، تحقق [illegible] مشروطه‌است و این انقلاب دوم‌است که [illegible] در تحقق بخشیدن به انقلاب نخستین برداشته و [illegible]

[illegible] مرداد ماه جاری ، در مراسم سلام جشن اسلامی بزرگ [illegible] کشور و رهبر انقلاب ایران دو اصل تازه را بر ۱۲ اصل [illegible]

[illegible] این دو اصل چنین خلاصه شده است :

* گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی
* تثبیت مداوم قیمت ها و مبارزه با گرانفروشی

بدین سان ، مرداد ماه باز شاهد یک حرکت انقلابی نو بوده است که بر سرنوشت جامعه ایرانی ، اثر ژرفی خواهدداشت .

هدف‌این هر دو اصل‌تحقق عدالت‌اجتماعی است ودرنتیجه برابری شهروندان ایرانی را مفهومی واقعی‌تر خواهد بخشید ، که ضامن بقای " آزادی " راستین در جامعه ماست که مقدس ترین وزیبنده ترین فضیلت جامعه انسانی ، آزاد بودن است .

از آزادی است که همه جلوه‌های روحی انسانیت تراوش می‌کند ؛ آفرینش علمی ، فنی ، و هنری ، کرده‌های قهرمانی و شاه کرده های انسانی ، همه ره آورد خواست آزادی است که در نهاد انسان به ودیعه نهاده شده است .

در پیوند انسان با جامعه و پیوند جامعه با انسان ، نوعی دوگانگی خاص باز تابیده است ، از یک سو انسان نیازمند جامعه و عشق و مهربانی است و نیاز به کار جمعی ، او را اسیرجامعه وتابع آن می‌سازد ، از سوی دیگر ، انسان‌شیفتهٔ آزادی است‌و می‌خواهد، دربرابرجهان‌بزرگ (عالم‌کبیر ــ ماکروکسم)خودرا که جهان‌کوچک (عالم‌صغیر ــ میکروکسم) است ، مستقل وآزاد ببیند ،این‌خواست استقلال وآزادی باخواست‌مهروپیوند به‌جامعه‌درکشاکش وپیکارجامعهٔ انسانی وفرد انسانی ، پیش می‌آید و خواهد آمد .

رداد، ماه انقلابی ایران

بنابراین وظیفه رهبران جامعه این‌می‌شود که این دوکشش را ، درحد متعادل نگه دارند و نگذارند ، یکی بر دیگری چیره‌گردد.

در اصول انقلابی ایران نیز توجه به آن بوده است‌که هرجا به آزادی میدان داده می‌شود ، نظم که وسیله انسجام جامعه است سستی نگیرد .

اگر مالکیت تعاونی و خانوادگی تشویق شده ، در برابر ، آزادی بکار انداختن سرمایه مولدنیز مورد تأیید و حراست ،قرار گرفته است .

اگر آزادی بدست آوردن ثروت و بردن سود پذیرفته شده‌در برابرمیزان بهره وسود ، به خاطر نفع جامعه نیز باید معین‌ومحدود گردد .

دو اصل تازهٔ انقلابی که در مردادماه اعلام شده ، باتوجه به هر دو جنبه تدوین گشته است :

گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی

بنابر اصل گسترش مالکیتهای تولیدی ، باید مردم در سهام سازمانهای بازرگانی‌و تولیدی بخش عمومی‌و خصوصی سهیم گردند یعنی مالکیتهای تولیدی و بازرگانی در ایران به گونهٔ شرکتهای سهامی‌در خواهد آمد که خود مقدمه برقراری مالکیتهای تعاونی خواهدبود. با شرکت مردم و دولت این امر گامی تازه درآزاد ساختن مالکیت و تعمیم آن بشمار می‌رود. در سازمانهای بازرگانی و تولیدی بخش عمومی ازهم اکنون چهرهٔ مالکیت تعاونی دیده‌ـ می‌شود ، چه تا ۹۹ در صد سهام آن سازمانها به مردم واگذار خواهدشد.

درسازمانهای بخش خصوصی ۴۹ درصدسهام به مردم‌انتقال می‌یابد و بازمانده از آن سرمایه گذارانی است که‌آن سازمانها را بوجود اورده‌اند .

چون هدف آن بوده است که سهم کار و سهم سرمایه هردو محفوظ بماندتأکید بر آن است که در درجه نخست ، کارگران و کشاورزانی که در سازمانهای تولیدی و بازرگانی عمومی به کار مشغولند از سهام آن سازمانها بهره مند و در آن انباز شوند ،ضمن آنکه سهم دولت و سرمایه نیز محفوظ بماند . در این سازمان‌آزادی درداشتن مالکیتهای تولیدی و بازرگانی‌گسترش یافته است وبزودی میلیونهاایرانی‌درمالکیتهای‌سودآورجامعه‌خویش شریک‌خواهند شد .

تنها با داشتن چنین مردم آسوده و مرفهی است که می‌توان به‌آستانه " تمدن بزرگ" رسید . درحال حاضر ، کارسهم‌دار شدن مردم ، از سازمانهای صنعتی آغاز شده است و کارکنان این‌گونه سازمانها و دیگرافراد مردم از سهام آنها بهره خواهندبرد .

شک‌نیست‌که این‌آزادی‌بایک‌نظم‌اجتماعی‌همراه‌شده‌است‌بدین معنی‌که‌بتدریج مدیریت‌سازمانهای‌اقتصادی‌اعم‌ازبازرگانی وتولیدی اداره کنند .

از مالکیت آن جداخواهدگشت و به متخصص سپرده خواهد شد ، تا بسود جامعه و با پیروی از برنامه‌های آن ،موءسسات یاد شده را

بسوی قیمتهای درست و عادلانه

اصل‌دومی که بر اصول انقلابی ایران افزوده شده است برای حفظ منافع‌اجتماع و دررعایت تقدم‌نظم‌اجتماعی بر آزادی فردی است .

بنابراین اصل ، جامعه باید بر قیمت گذاری‌ها نظارت کند و اجازه ندهد ، قیمتها از حد عادلانه و معقول بالاتر رود .

می‌دانیم که قیمت گذاری وسیله تأمین سود ، وسیله حفظ قوه خرید مردم ، مشوق سرمایه گذاری و وسیلهٔ بردن تولید و بازرگانی جامعه به سمت مورد نظر است .

با توجه به این همه آثار ، قیمت‌گذاری امر مهمی است‌که آثار اجتماعی عظیم برآن مترتب می‌گردد .

متأسفانه تاکنون در جامعه ما این امر را سرسری گرفته و اختیار آن را به صاحبان زر و سودجویان سپرده بودند .

چون جامعه ما ، بتازگی راهی دوران ماشین گشته ،اخلاق بازرگانی پیش از عصر ماشین و ضوابط مذهبی و روحی فرمان روابر آن ، سست گشته و بجای آن نیز ضوابط‌اخلاقی و وجدانی دوران ماشین جانشین نشده است ـ به زبان دیگر ، ما راه رفتن خود را از یاد برده‌ایم و خرامیدن را نیز نیاموخته‌ایم .

نتیجه ، بی‌انصافی و زور گویی و چپاولگری مال داران ازمزد بگیران وگران سازی و گران فروشی بسود سودجویان اجتماعی بوده‌است .

گروهی دلال از مکیدن خون مردم از راه قیمت‌گذاری های نامعقول ، به نعمت رسیدند و بسیاری را برنج و فشار گرفتند .

اعلام اصل دوم ، درست برای پایان دادن به این تاخت و تاز دولتمندان‌صورت گرفته است . از این پس ، با رعایت اصول علمی و فنی قیمت گذاری و با توجه به اولویتها و نیازهای جامعه بهای کالاها و خدمات تعیین خواهد گشت و کوشش ، آن خواهد بود که بهای خدمات بسود اکثریت جامعه افزایش یابد و بهای کالاها به تناسب کاسته شود .

تنها ازاین راه است که می‌توان از فربه شدن دولتمندان‌و لاغر شدن تودهٔ مردم ایران جلوگیری کرد .

از سوئی نیز ، با هدایت دولت در امر قیمت گذاری ،تولید آن کالاها و عرضه آن خدمات که برای جامعه سودمنداست ،تشویق خواهد شد و تولید آن کالاهاو عرضه آن خدمات که مورد نیاز جامعه نیست یا برای آن زیان دارد کاسته خواهد شد یادر زمان لزوم بالکل از میان خواهد رفت .

آموزگار دوّم

دکتر باستانی پاریزی درباره ابونصر فارابی سخن می‌گوید

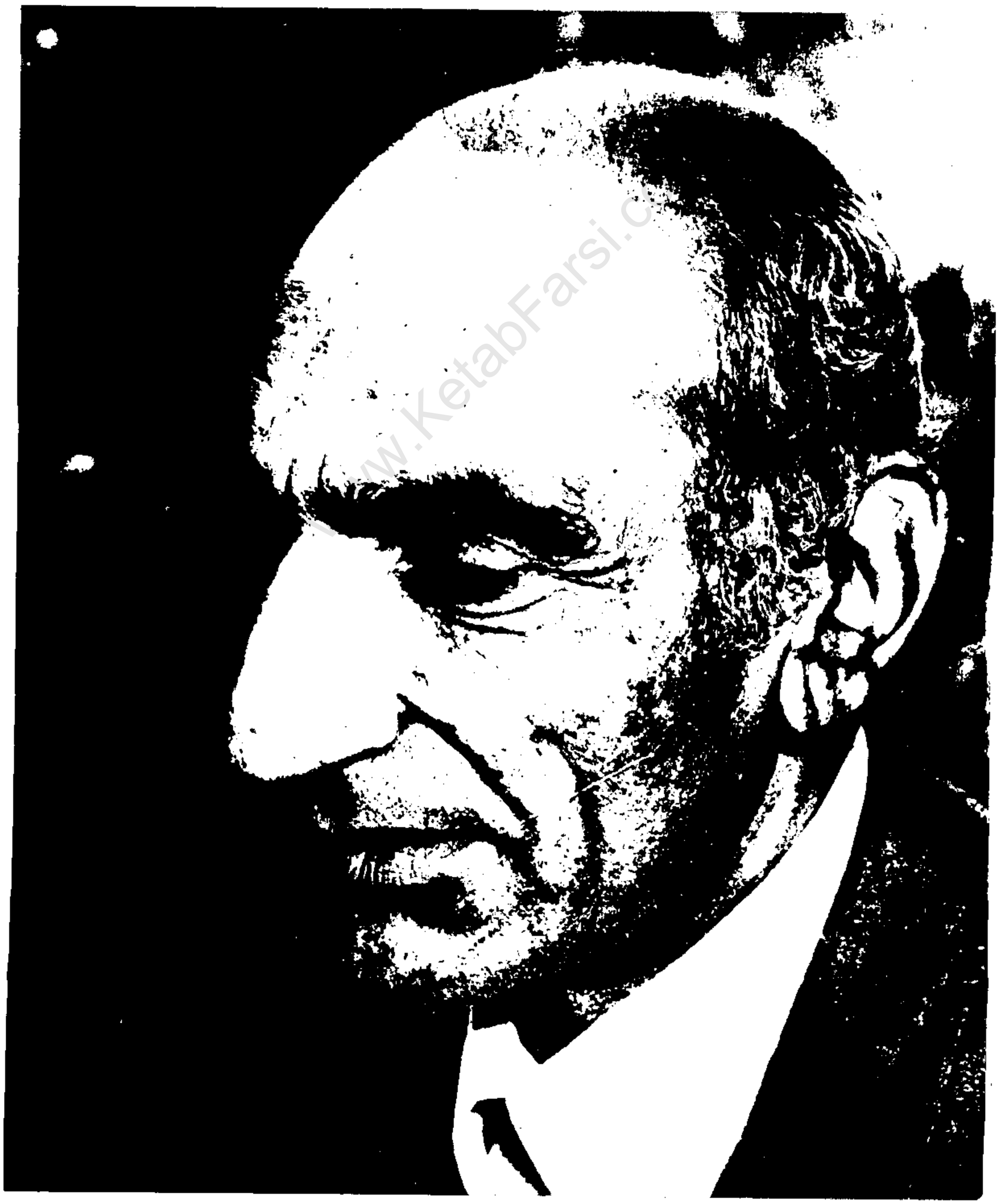

آقای دکتر خیلی متشکریم که حاضرشده‌اید باما درباره‌ٔ ابونصرفارابی فیلسوف و موسیقی دان برجسته ایران صحبت کنید .

ـ قطعا" اطلاع دارید که هم اکنون بسیاری از کشورهای اروپائی بمنظوربزرگداشت ابونصرفارابی مراسمی در کشور خودبرپا میکنند. بنظر شما اهمیت فارابی در تاریخ فلسفه اسلامی از چه جهاتی است. خیلی ممنون میشویم اگر مختصری درباره‌ٔ زندگی این مرد بزرگ صحبت بفرمائید.

بنده بسیار ممنونم که امکان آشنایی با خوانندگان تلاش را برای مخلص فراهم آورده اید ، هرچند بهانه آن فارابی باشد، مردی خیلی بزرگ که اندازه اطلاعات من درباره‌ٔ او خیلی کوچک است . لابد شما اطلاع دارید که مخلص در فلسفه مثل بسیاری از شاخه های فرهنگی دیگرخودمان سخت پیاده‌ام . امابه هرصورت بهانه را مغتنم می‌شمارم ، با توجه به آن مواردی که فارابی با تاریخ همراه می‌شود ، چند نکته کوچک عرض میکنم . اینها مطالبی است که مطمئنا" تازگی ندارد ، ولی درحکم اظهار نظر هرایرانی میتواند باشد .

احوال فارابی رادر این‌جا به تفصیل لزومی ندارد بگوییم که تکرار مکررات است ، فقط اشاره به زمان حیات اولازم بنظر می‌رسد. اودرسال ۲۶۰ هـ (۸۷۳ م) در قریه وسیج از توابع فاریاب متولد شد و در سال ۳۳۹ هـ (۹۵۰م) پس از قریب هشتاد سال عمردر دمشق درگذشته است .

بنده اشاره به زمان حیات او کردم از ینجهت است که این زمان‌یابی میتواند مارا به اوضاع و احوال‌سیاسی واجتماعی عصراو آشنا کند ، سال تولد این مرد همان سالی‌است که یعقوب لیث‌صفار بر محمدبن طاهر آخرین امیر طاهری خراسان پیروز شد و اورا دستگیر کرد و در سالن های بزرگ کاخ معروف شادیاخ نیشابور ، ریش سفیدان ورجال نیشابورکه تمجمجی میکردند و میگفتند "این مرد که از سیستان آمده ، فرمان خلیفه ندارد" ـ شمشیر را ازطبق سرپوشیده‌ای برداشت وبدست گرفت ، وگفت : " تیغ نه از بهرآن آوردم که به جان کسی‌قصد دارم ، اماشما شکایت کردید که یعقوب عهد امیرالموٴمنین ندارد؟ خواستم که بدانید که دارم . خلیفه را به بغداد نه این تیغ نشاندست ؟ مرا بدین‌جایگاه نیزهم این تیغ نشاند . عهد من وآن امیرالموٴمنین یکی است" !

و باز در همین سال بود که حسن بن زید علوی در گرگان وساری با اینکه مردی حجیم و بزرگ‌شکم‌و سنگین وکثیراللحم "بود، ناچار از بیم یعقوب‌لیث ،باقاطرمهیای خود به کوهستانها فرار کرد " چنانکه تا به آمل ، هیچ جای نتوانست ایستاد" و باز در همین سالها (۲۶۲ هـ = ۸۷۵م) بود که یعقوب پشت دروازه‌ٔ بغداد ،یعنی در"دیرالعاقول"با خلیفه "المعتمدعلی‌الله" به نبردپرداخت‌ودر همین جنگ بود که خلیفه به لشکریان یعقوب خطاب نمود و گفت : ای مردم خراسان و سیستان ، دین شما تمام نخواهد بود ،مگر اینکه از خلیفه اطاعت‌کنید . ماشک نداریم که این مرد ملعون یعنی یعقوب شما را تا اینجا کشانده است . اکنون ملاحظه می‌کنید که خلیفه و جانشین پیغمبر در برابر او ایستاده است . هرکس از شما به دین محمدی تمسک دارد باید از یعقوب جداشود ، و به خلیفه بپیوندد" . و همین جنگ سرنوشت بود که یعقوب را درجندی‌ـ شاپور خانه نشین و دق مرگ کرد .

وبازدر همین سالها (۲۵۵ هـ = ۸۶۸م) بود که امام‌دوازدهم شیعیان مهدی آخرالزمان از بطن نرجس دختر یشوعا از اولاد قیصر روم ، در سامرا به دنیا آمدو اورا هفتادو چهارسال (یعنی‌تا ۳۲۹ هـ / ۹۴۰ م ده سال قبل از مرگ فارابی) از دشمنان پنهان می‌داشتند . (غیبت صغری)و بعدازآن نیز غیبت کبرای‌اوشروع‌شد.

و باز در همین سالها (رجب ۲۶۲ هـ / آوریل ۸۷۶) بود که علوی صاحب الزنج رهبر سیاه پوستان بحرین و بین النهرین با یعقوب ساخت که با او برای دفع خلیفه همراهی کند در حالیکه تاپشت دروازه بغداد رسیده بود و راه حج را بسته و بس کارهای دیگر کرده ، امایعقوب ، درجواب او این سوره‌ٔ قرآن رانوشته بود: قل یا ایهاالکافرون ،لااعبد ما تعبدون ، ولاانتم‌عابدون‌مااعبد ، ولااناعابد ماعبدتم ولاانتم‌عابدون مااعبد ، لکم دینکم‌ولی‌دین"

فارابی چهل ساله بود که دولت باطنی اسماعیلی در نواحی مغرب ، توسط عبیدالله مهدی قوام گرفت (۲۹۷هـ/۹۰۹م)ودوسال از مرگ فارابی گذشته بود که خلیفه معز ، قاهره را پای تخت قرار دادو باطنیان مصر به وجود آمدند .

و باز ، فارابی‌سی‌و سه ساله بود که دولت حمدانیان درموصل تشکیل‌شدو ابوالهیجاء آن را به وجودآورد ودرحلب ،سیف‌الدوله به سال ۳۳۳ هـ (۹۴۵م) شاخه حکومت‌حلبی حمدانیان رابه وجود آورد ، وهمانست که شاعری مثل متنبی‌و موسیقی دان وفیلسوفی‌مثل فارابی در دربارش جای گرفتند .

فارابی از یک قریه کوچک در ماوراءالنهر برخاسته و مثل بسیاری‌ازبزرگان ایران ـ که من آنها را تحت عنوان روستازادگان دانشمند در جایی دیگر معرفی کرده ام ـ اهل ده و روستابود .واز شرق به غرب آمد که دانش اندوزد و تجربه بیاموزد روزگاراو روزگاری سخت بازیگربود :

هم‌آن روزکه مرداویج دیلمی همدان رافتح میکرد و شیرسنگی همدان‌را از فراز با روی همدان به زیر می‌انداخت ، تا آن روز که به اصفهان لشکر کشیدو جشن سده را آغاز کرد و میگفت " من شاهنشاهی ساسانی‌را بر می‌گردانم . و برتختی از طلا می‌نشست که در پائین آن تختی از نقره بود " (۳۲۳ هـ / ۹۳۴م) فارابی شصت وسه سال از عمر را پشت سر گذاشته بود ، و باز درآن سالی که معزالدوله دیلمی پابه بغداد گذاشت (۳۳۴هـ/۹۴۵م) و به کاخ خلیفه رفت و دو نفردیلمی پیش رفتند و خلیفه المستکفی‌بالله به خیال اینکه میخواهند دستش را ببوسند ، دست بسوی آنان درازکرد ، وآن دو نفر دیلمی‌دست‌خلیفه راگرفته و اورا کشان‌کشان بردندو حتی عمامه اش را به گردنش انداختند ، نیز فارابی هفتادوچهارساله بودو درست درآن روز که عضدالدوله دیلمی ۱۴ ساله‌به فرمان عمویش رکن الدوله به حکومت شیراز رسیدو خود در گذشت (۳۳۸هـ/۹۴۹م) درست یک سال مانده بود که فارابی‌در دمشق روی در نقاب خاک بپوشد .

اشاره به کیفیت تبدلات وقایع در این سرزمینها ،یعنی نقاطی مثل نیشابور و گرگان و ری و احتمالا" فارس و بغداد وموصل وحلب و دمشق که طبعا" خط سیر سفرهای طولانی فارابی بوده است ، بدین منظور بود که تحولات گوناگون فکری این مرد را در بازدید از حوادث عبرت آموز و وقایع عصر زندگانی او بدانیم ،مگر نه آنست که مرد ، علاوه بر نبوغ ذاتی و تربیت و تعلیم ،خود زاده محیط و روزگار خویش نیز هست ؟

بنظر بعضی‌از متفکران فارابی از بسیاری جهات برابن‌سینا وحتی برهمه حکیمان ایرانی‌واسلامی رجحانیت دارد . شما از این نظر چه فکر میکنید .

بعضی‌از محققین متوجه شده اندکه فارابی در بعضی از کتابهای خویش افکار ارسطو را با افلاطون اشتباه کرده است . آیااین امرواقعیت دارد ؟

ج ـ برتری فارابی بر ابن‌سینا از چه جهت ؟ از جهت نحوه فکری او یا از جهت تنسیق و ترتیب قضایا و نتیجه گیریهای فلسفی ؟ البته همه میدانندکه ابن‌سینا ،شاگردکتابهاورسالات‌فارابی بوده است . دراینجامسأله‌ٔ برتری در میان نیست ، مسأله‌اینست‌که فارابی وابن‌سینا و ملاصدرا و میرداماد و حاج ملاها دی سبزواری

و حکمای متأخر ما همه حلقه های اتصال زنجیری هستند که به "حکمت اسلامی" معروف و مشهور است . این پیوستگی برای کسی برتری و فضیلتی قائل نمیشود ، حقیقت اینست که اگر یکی از این حلقه ها نباشد ، چگونه باید زنجیر رابهم پیوند داد !

فضیلتی که به عنوان "معلم ثانی" برای فارابی قائلند ظاهرا" از جهت آنست که "ارسطو" چون در فلسفه و منطق در حکم معلم کل فیلسوفان اول بود ، پس عنوان معلم اول یافته ، یا به قول صاحب روضات الجنات چون نخستین عالم واضع منطق بود و تناسخ را ابطال نموده ، به این لقب مفتخر شده " و سپس به همین دلایل فارابی هم عنوان معلم ثانی و ابوعلی مسکویه یامیرداماد را معلم ثالث لقب داده اند .

البته این توجیهات همه بجاست ، وحرفی درباب آن نمیتوان زد ، ولی من ، در کوهستان پاریز از پدرم روایتی شنیده ام که هر چند هنوز منبع اصلی آن را ندیده ام ولی به هر حال بی مناسبت نمیدانم که آنرا نقل کنم ، زیرا آن پیرمرد طبعا" در آن کوره ده پاریز ، دلیلی نداشت مطلبی بیخود ساخته باشد ، لابد از معلمش شنیده بود . پدرم میگفت : چون ارسطو معلم اسکندر بوده ، مردمان از جهت اهمیت مقامی که به اسکندر قائل بودند ، بعدها عنوان معلم را به ارسطو دادند و فارابی هم چون ندیم جلیس و در حکم معلم سیف الدوله همدانی بوده (و به همین دلیل با لباس مبدل در مرگ فارابی و تشییع جنازه استادش شرکت کرد) و هم چنین به دلیل اینکه به یک روایت ، فارابی برای منصور بن نوح امیر سامانی کتاب "التعلیم الثانی" را تألیف کرده است ، او را به لقب معلم ثانی خوانده اند که معلم دو امیر بوده است که از معلم اول یعنی ارسطو متمایز باشد .

جمعی ابوعلی مسکویه را معلم ثالث گفته اند و احتمال دارد که آن نیز به مناسبت اختصاص او به ندیمی وتعلیم امرای آل بویه بوده باشد . میرداماد را هم معلم ثالث می‌خوانند و خودش هم وقتی صحبت از فارابی میکرد ، میگفت : شریکنافی التعلیم ــ (هم چنانکه درباب ابن سینا شیخ الرئیس میگفت شریکنافی الریاسة) شاید بدین دلیل که بسیار نزدیک وندیم شاه عباس و امرای صفوی بود ، هر چند اهل علم معلمیت اورا توجیه نکرده اند و ریاست او را هم قبول ندارند !

به هرحال بنده فکر می‌کنم ، چون اغلب فلاسفه و حکمای ایرانی وعربی به هرحال معلم بوده اندو مدارس و مکتب داشته‌اند (مثل غزالی و ابن سینا وغیره) وجه تعلیم یا فلسفه دانی و منطق شناسی نمیتواند برای آنها شاخصیتی از جهت عنوان معلم اول یاثانی یا ثالث فراهم کند و همین باید یک موجب خاصی داشته باشدو چه بالاتر از این که اینان معلم یاندیم امرائی مشهور بوده باشند . البته خودعلماء باملوک چندان تخلیط نداشته‌اندواین معلمی رابرای خودوجه شاخصی نمی‌شناخته اند . ولی مردم که این لقب رابه آنها داده بودند لابد برایشان اهمیتی داشت که افلانی معلم ارسطو یا منصوربن نوح یا سیف الدوله یاامیرآل بویه بوده باشد . و چه مقامی بالاتر از معلم سلطان روزگار در نظر عامه مردم ؟

مقصود بنده اینست به روایتی که گفتم ، چون این معلمان شاگردان خیلی معروفی داشته اند ، لقب معلم را بعد ازسرشان مردم برای آنها قائل شده اند (نه اینکه بخواهند مثل میرداماد آنرابه خودببندند !)

بنده این احتمال را بعید نمی‌دانم . نمونه آن در تاریخ ما باز هم هست . مثلا" خواجه عبدالله سبذمونی ازعرفا و فضلای ماوراء النهر چون ندیم ومعلم امیراسماعیل سامانی بود ، به همین سبب در تاریخ به لقب "استاد" معروف شده . یا چون معین الدین علی پسر جلاالدین محمد میبدی یزدی معلم ومربی شاه شجاع و سایر فرزندان امیرمبارزالدین محمد مظفری بوده است در تاریخ به معین الدین معلم معروف شد و هم صاحب تاریخ "مواهب الهی" است ، حتی در همین روزگار اخیر ما ، درکرمان ، آقامحمدعلی پدر مرحوم احمد بهمنیار ، چون معلمی فرزندان سرکار آقا رئیس طایفه شیخیه رادر کرمان یافته بود از جهت تبجیل ، در کرمان به "آقا محمد علی معلم" معروف شده بود وهم اوست که به تقلید حاج محمد کریم خان ، اسطرلاب "حلقه کریمیه" راساخته بوده است .

البته اطلاع داریدکه فارابی نیز مثل مدینهٔ فاضله افلاطون برای خود مدینه‌ای فکرکرده است . این دو مدینهٔ فاضله چه شباهت هائی بهم دارند ؟

مدینه فاضله فارابی هم ، مثل مدینه فاضله افلاطون ــ قبل ازاو ــ ومثل مدائن فاضله خواجه نصیر ــ بعد ازاو ــ معلول دید و تصوری است که از جامعه خود داشته اند . اصطلاحات هر کدام ازاینها ، لابدبجز مدینه فاضله مصداق وموردی در جامعه داشته است :

مدینه جاهله ، مدینه فاسقه ، و مدینه مبدله ، و مدینه ضاله ، مطمئنا" مدائن تصوری نیستند ، واصلا" در سیاست ، هیچوقت نمیشود به تصور تنها ، مدینه یاحکومتی ساخت جزمدینه فاضله .

شهرها و ولایات کوچک در سرزمین اسلامی قرن سوم و چهارم و پنجم هجری عموما" دارای حکومت‌هایی بوده اند نیمه مستقل ، باخصوصیات که میشود تا اندازه‌ای آنهارا با مدائن یونان (شهرها و ولایات نیمه مستقل در هرگوشه و جزیره‌ای) سنجیده و مقایسه کرد . این یک دوران از آزمایش حکومت هادر سیاست عالم است که امکان هرگونه تصوری رادر موردحکومت برای اهل فلسفه و حکمت پیش می‌آورده است .

اگر ارسطومی‌گفت " مدینهٔ ایدآل ، شهری است که بتوان از خانه حاکم ، دیوارهای باروی آن شهر رادید "ازین سبب بودکه گمان‌می‌کرد ، هرچه دایره وسعت مدینه کوچکترباشد ، امکان ادامه آن با فضیلت های اخلاقی آسانتر و بهتر است . افلاطون استاد ارسطو نیز از چنین تصوری دور نبود .

کافی است تصور کنیم که یکروز احمدبن عبدالله خجستانی مردی خربنده به امیری خراسان می‌افتد . به حساب اینکه در دیوان حنظله باد غیبی خوانده است .

مهتری گر به کام شیر در است — تو خطر کن به کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز ونعمت وجاه — با چو مردانت مرگ رویاء وی

و همین خربنده عیار ، توسط همان یعقوب لیث ، در همان سال تولد فارابی ، به حکومت نیشابور منصوب میشود وکارش به‌جائی میرسد که "در نیشابور ، یک‌شب سیصدهزاردینارو پانصداسب وهزار جامه می‌بخشد" ، فارابی چنین حکومتی را می‌بیند ، حکومت آل‌حمدان راهم می‌بینند ، دربار بغداد را وافسانه‌های هزارو یکشب آنراکه می‌بیند و می‌شنود ، و درعین حال‌خود ، به روزی چهاردرهم نقره مستمری قناعت می‌کند تا بتواند با فراغ بال وآزادی خاطر کتاب " آراء اهل‌المدینة الفاضلة" را بنویسد ، اوهمهٔ آن مدائن را که نام میبرد ، دیده است ، و باز در همان‌دمشق ، پس از مرگ فارابی به یک روایت ضعیف سیف‌الدوله حمدان ، ازجهت تعظیم علم و دانش ، با لباس ناشناس صوفیانه ، برجنازه فارابی نماز می‌گزارد . همین فارابی درباب "عقول‌عشره" داد سخن داده بود . و در پایان کار هم گویا ، به فارسی سروده بود :

اسرار وجود خام‌وناپخته بماند — وآن‌گوهربس‌شریف‌ناسفته‌بماند
هرکس به دلیل‌عقل‌چیزی‌گفتند — آن‌نکته‌که‌اصل‌بودناگفته بماند

واقعا " مدینه فاضله چیست وکدام است ؟ بغداد ، یا موصل یانیشابوریابلخ یامرویاشیرازیاقاهره؟ ویاطبس کوچک که در صدوده فرسنگی اصفهان ، ۴۱ فرسنگی‌نیشابور و چهل فرسنگی خبیض‌در۷۲ فرسنگی روزن ، دردل بیابان‌قرار گرفته ، و درست صد و پنج سال پس ازمرگ‌فارابی ، وقتی ناصرخسروبه سال ۴۴۴ هـ/ از آنجامیگذرد، درباب آن قریه می‌نویسد : " . . . وآن وقت امیرآن شهرگیلکی بن محمدبود ، و به‌شمشیر گرفته بود ، و عظیم ایمن و آسوده بودند مردم‌آنجا ، چنانکه به شب در سرایها نبستندی ، وستور درکویها باشد . با آنکه شهر را دیوارنباشد ، و هیچ زن رازهره نباشدکه با مرد بیگانه سخن گوید . . . "

بنده نمیدانم درباب کیفیت اداره این شهرک در دل کویر چگونه قضاوت کنم ، چیزیکه مطمئنم آنست که این حاکم گیلک ، نه از طبقه حاکمان حکیم ، و نه از گروه " حکماء حاکم "میتوانسته محسوب شود ، زیرابه هرحال ، به قول ناصرخسرو ، شهررا "به‌شمشیر گرفته بود" . ولی‌چنان‌مینماید درنظرناصرخسروکه خودحکیمی‌الهی است طبس شهر ایدآل بوده است .

اگر در مورد طبس این نظر ارسطو راتسری دهیم که گویا فرموده است "بهترین مدینه ها آن‌باشد که از دارالحکومت بتوان باروی‌شهررادید" بازهم درموردطبس مطابق‌نیست ، زیرا بر روایت همان ناصر خسرو ، اصلا " ، طبس را " دیوار نباشد " !

اینکه چرچیل هم گفته بود که : "دموکراسی بدترین شکل حکومت است ، جز آن شکل‌ها که تا کنون بشر شناخته" ظاهرا " از نظام‌حکومتی‌طبس گیلکی عصرناصر ، بی‌خبر بود ! با این‌مقدمات آیاسهروردی حق نداشت که برای مدینه فاضله ، ترکیب " اقلیم ناکجاآباد " را بکاربرده بود ، و مردم عادی ماهم‌آنرا "شهرنیست درجهان "تعریف کرده اند !

از فارابی موسیقی‌دان چه‌نکاتی را می‌توانید برای ما بیان کنید . اطلاع دارید اخیرا " در مصر بهمت دوتن ازمحققان مصری کتاب "موسیقی‌الکبیر" فارابی بعنوان دقیق‌ترین‌کتاب کهن دربارهٔ موسیقی‌در هزار و دویست صفحه بچاپ رسیده است . چرا خود ما اینکار را نکردیم ؟

بنده درباب فارابی موسیقی‌دان مطلب تازه‌ای خدمتتان نمیتوانم عرض کنم جز همان حکایتهاکه از چنته خودچوبک هائی درآوردوبهم‌پیوست و آهنگی نواخت که اهل مجلس همه‌خندیدند ، و سپس گریستندو بعد به خواب رفتند ، و او بر شتری سوار شد و شبانه گریخت و چندین فرسنگ راه را به یک شب پیمود که زنگهای شترها را با هم هماهنگ کرده بود و ما میدانیم که شتر به آهنگ زنگ راه سریعتر و بیشتر می‌پیماید .

• ولی‌همانطور که میدانید ، این مرد در موسیقی کتابی‌عظیم نوشته است و خوشبختانه‌در مصر به چاپ رسیده ، اما اینکه‌چراخود ما اینکار را نکردیم ، بنده صریحا "باید بگویم ، بهترکه نکردیم ، زیرا ، اولا" نسخه درست‌نداشتیم ، ثانیا " از عهده چاپ صحیح‌یک کتاب بزرگ به زبان عربی بر نمی‌آمدیم . اینکه مصریها یاسوریها یابیروتیهایا عراقیها کتابهای تمدن اسلامی را ــ که اغلب‌به زبان عربی است ــ چاپ می‌کنند ، برای ما عیبی‌نیست . باید آنهارا تشویق‌کنیم‌وکتابهارا بخریم و جایزه هم بدهیم تابقیهٔ آن راهم چاپ کنند .

آنوقت میماند این کار که ماباید همان کتاب‌ها را به فارسی ترجمه کنیم ، و بعد به همراه متن عربی آن چاپ کنیم .

دراینجاباید‌به یک‌نکته‌اشاره‌وتأکیدکنم . همانطورکه اروپاییها، متون یونانی و لاتین را به زبان خودشان ترجمه می‌کنند ، و یک صفحه متن رابه زبان اصلی (یونانی‌یالاتینی) و صفحه برابر آن را عینا " ترجمه آن‌رابه زبان خودشان (مثلا " فرانسوی یا انگلیسی یا آلمانی)میگذارند ، ماهم باید در ترجمه متون عربی‌چنین کاری رابکنیم . اینکه یک متن را فقط ترجمه و چاپ کنیم کافی نیست. بایدمتن عربی‌هم در برابرآن و حتی صفحه به صفحه برابرهم باشد که اهل تحقیق به اطمینان و اعتماد تمام این ترجمه را بخوانند . بنابراین ترجمه طبری یا البدء و التاریخ و یا ابن‌اثیر و یامسعودی ، اگر به این صورت چاپ شودخیلی مورد استفاده‌بیشتر و بهتر خواهد داشت . ومن متأسفم که در جلد اول "اخبار ایران از ابن اثیر " این‌کار رانکردم و به همین‌دلیل هم چاپ‌بقیه‌کتاب‌را متوقف ساختم . چنین‌کاری راتا آنجاکه من‌اطلاع‌دارم‌فقط یک بار مرحوم استادپورداود در مورد ترجمه اوستا کرده است که ظاهرا " متن فارسی از زبان آلمانی ترجمه شده و برابر متن اوستائی قرار گرفته ، و هرچند این امرهم وافی به مقصودنیست ، اما باز راهی به دهی می‌برد .

به هر حال ، عقیده من اینست‌که کتابهائی راکه مربوط به تمدن اسلامی قرون وسطی و اغلب به زبان عربی است ، تنها کشورهای عربی میتوانند با دقت ونفاست چاپ کنند ، نه کشورهای هندی ، و پاکستانی‌و ازبکی و روسی و تاجیکی وترک وفارس . منتهی این‌کشورها که وارث آن تمدن ، وخوداز پایه گذران آن هستندباید به دوائرنشرو کتابخانه هاو دانشگاههای عربی که متصدی چاپ‌این کتابهامیشود کمک ومددهائی هم برسانند تا هم تشویق به‌نشربقیه کتابهابشوند ، و هم شاید ازین راه بشود آنان راآگاه ساخت‌که‌کسی در دنبال‌ناسیونالیسم کاذب نیست ، بالنتیجه‌خودآنهاهم‌ازتعصب عربیت اند کی‌پائین بیایند .

تمدن اسلامی زاده محیطی است که عالمی‌از ماوراءالنهربه مغرب (مراکش) می‌رفت تا به فلسفه آن محیط پی ببرد . و مسافر و رحاله‌ای از مغرب به شیراز می‌آمد تا دنیای شرقی را بررسی کندو یک کرمانی از کرمان به مصر میرفت تا پایه اصول عقاید باطنی را پی‌ریزی کند یا رسائل اخوان الصفا را به اندلس برساند . تعصب این وآن در مورد چنین میراث عظیمی بی‌جاست که این میراث متعلق‌به هیچکس نیست و متعلق به همه هست ، حتی میراث‌فارابی که دلیل فارسی بودن‌او همین است‌که اسش از (فاراب) خراسان است ، اما من میگویم که میراث او متعلق به اسلام ونتیجه فرهنگ اسلامی است .

بعضی از مورخان از جمله ابن خلکان ، نوشته‌اند که ابونصرفارابی هفتاد زبان میدانسته است این مطلب قطعا " یک مبالغه است ، بنظر شما فارابی واقعا " بچند زبان تسلط و آشنائی داشت ؟

اینکه فارابی هفتاد زبان می‌دانسته البته شاید اغراق باشد ، ولی‌با کثرت‌لهجه های آن‌روزگار ، تاحدودی ازآن‌رامی‌توان قبول‌کرد بنظرمن سیروسفر فارابی از زبان دانی اوبیشتردرتکوین‌فکر او موٴثراست‌که :

سفرمربی‌مرداست‌درجمال و کمال کباب پخته نگردد مگر زگرداندن‌ماهم‌امروزدانشمندانی‌مثل‌بوزانی‌ایتالیائی‌داریم‌که‌چندین زبان (شایدحدود ۳۰زبان) رامی‌دانند و تکلم می‌کنند ، ولی دانشمندی مثل رنه گروسه هم داشتیم که جز زبان فرانسه به هیچ زبانی گویا آشنا نبوده است ، ولی تاریخ معروف "امپراطوری زرد "او هنوزبزرگترین و مستندترین تاریخ درباب مغولان و مغولستان است . اینجاست‌که باید گفت کمال زبان‌دربی‌زبانی است ، وهمدلی از هم زبانی‌بهتراست .

پایان

اندیشه‌های مارکس و فاجعهٔ سقوط

عنایت‌الله رضا سال ۱۲۹۹ شمسی در رشت تولد یافت و تحصیل خود را در آن شهر آغاز کرد و در تهران ادامه داد و به سال ۱۳۲۲ دوره‌ی دانشکده را به پایان رسانید.
نویسنده‌ی مقاله سال ۱۳۲۵ به خارج از کشور سفر کرد و سال ۱۳۳۰ در رشته‌ی علوم اجتماعی فارغ‌التحصیل شد و سپس به گذراندن دوره‌ی دکترای فلسفه در اتحادشوروی پرداخت و به سال ۱۳۳۵ دوره‌ی آن را به پایان رسانید.
نویسنده‌ی مقاله سال ها است که به کار تالیف و ترجمه در رشته های تاریخ فرهنگ و نیز علوم اجتماعی و سیاسی اشتغال دارد. از نوشته های مولف تمدن ایران ساسانی را می توان نام برد که به دریافت جایزه‌ی شاهنشاهی بهترین کتاب سال نایل آمده است.

«حزب کمونیست و مارکسیسم‌را هم‌پایه نمی‌توان شناخت درست است که حزب کمونیست مارکسیسم را چون درفشی در پیشاپیش خود به هوا برداشته است، ولی در همان حال آنرا آلوده و از ارزش آن کاسته است.»

هوارد فاست

روزگاری که در آن بسر می‌بریم، از بسی لحاظ با دیگر روزگاران متفاوت‌است. در طول تاریخ بشر، هیچگاه اندیشه‌ها تا بدین پایه رنگارنگ، ناهمگون و آشفته نبوده است. گاه احساس می‌شود که انسان به‌بن‌بست رسیده و کارش به درماندگی کشیده است.

بی‌گمان این وضع معلول انقلاب علمی و تکنیکی معاصر است که حد و مرزهای پیشین و بهمراه آن ارزشهای گذشته را درهم فروریخته و آزادانه راه خود را به همهٔ سرزمینها هرجا که زمینهٔ مساعدی‌بوده، گشوده و پیش‌رفته است.

انقلاب علمی وتکنیکی معاصر از لحاظ زندگی اجتماعی نیز روالهایی پدید آورده که همواره در جهان گسترده‌تر می‌شوند و به‌حکم جبر زمان همهٔ جهان و جهانیان و شیوه‌های اقتصادی موجود در آن را بزیر سیطرهٔ خود می‌آورند.

ارزشهای کهن درهم فرو می‌ریزند، در حالی که شکاف میان شعور اجتماعی (که وظیفهٔ پدید آوردن ارزشهای نو را برعهده دارد) با حیات اقتصادی جامعه عمیقتر می‌شود.

گمان می‌رود برای شکاکان سده‌های میانه، برگرفتن ارسطو از پایگاه نیمه‌خدایی و نشانیدن وی بر جایگاه راستین خویش بسی آسانتر از برگرفتن مارکس و لنین و نشانیدن آنان بر جایگاه راستینشان بوده است. حتی بشر در روزگار تجدید حیات علم و ادب (رنسانس) برای گذاردن ارزشهای نو بجای ارزشهای کهن هیچگاه متحمل اینهمه رنج و قربانی نشده بود.

مارکس اندیشمندی بزرگ بود. بجا است اگر نسل آدمی مقام و مرتبت او را گرامی دارد. اما گرامی‌داشتن، هرگز به معنای قرار دادن وی برپایگاه خدایان و نیمه خدایان نیست.

رشد صنعت و دگرگونیهای شگفت آن ایجاب می‌کند که دلبستگی‌های پنداربافانهٔ روزگاران کهن را به کناری افکنیم و ارزشها را چنانکه هستند، در مجموعهٔ دگرگونیها، فراز و نشیب‌ها و ضعف و ناتوانیهایشان بشناسیم.

در روزگار ما پنداربافی قربانیهایی بیشماری بهمراه‌دارد. راستی‌را این‌قربانیهای فراوان که بخاطر پیشرفت وترقی بشریت داده می‌شود، بهایی‌است سنگین وبس گران.

www.KetabFarsi.com

زندگی خود ما را به هوشمندی و آگاهی بخاطر رهایی از بند و زنجیر پنداربافیهای روزگاران کهن فرامی‌خواند. لیکن شگفتا که درایت ناتوان در چنگ بلاهت زورمند اسیر وگرفتار آمده است. گویی بروزگار برزویهٔ طبیب بازگشته‌ایم که می‌گفت:

« خلاف، میان اصحاب ملتها هرچه ظاهرتر، بعضی بطریق ارث دست در شاخی ضعیف زده، طائفه‌یی از جهت متابعت فرمانروایان وبیم جان پای بر رکنی لرزان نهاده و جماعتی از بهر حطام دنیا ورفعت منزلت میان مردمان دل در پشتوان پوسیده بسته و تکیه بر استخوان توده کرده و اختلاف میان ایشان در معرفت خالق و ابتدای خلق وانتهای کار بینهایت... و رأی هریك براین مقرر که من مصیبم و خصم من مبطل و مخطی. با این فکرت در بیابان تردد و حیرت یك چندی بگشتم و در فراز و نشیب آن لختی پوییدم البته نه راه سوی مقصد بیرون توانستم برد و نه بر سمت راه حق دلیلی نشان یافتم. به ضرورت عزیمت مصمم گشت، برآنکه علماء هرصنف را بینم و از اصول و فروع معتقدایشان استکشافی کنم و بکوشم تابینتی صادق و دلپذیر بدست آید. این اجتهاد بجای آورده و شرایط بحث اندر آن‌برعایت رسانیدم و هر طائفه را که دیدم در ترجیح دین و تفصیل مذهب خویش سخنی می‌گفتند و گرد تقبیح ملت و نفی حجت مخالفان می‌گشتند. بهیچ تأویل بر پی‌ایشان نتوانستم رفتن و درد خویش را درمان نیافتم و روشن شد که بنای سخن ایشان برهوی بود و هیچ چیز نگشاد که ضمیر اهل خرد آن را قبول کردی» .

ضمیر اهل خرد

اکنون نیز ضمیر اهل خرد از اینهمه دعوی بیشمار هیچ نگشاید. وظیفهٔ ما انسانها در این روزگار که ارزشهای موجود هر لحظه دگرگونی می‌پذیرد چیست؟

ارسطو

وضع دشواری که ما انسانها درآن بسر می‌بریم، حاصل و نتیجهٔ انقلاب عظیم علمی و صنعتی معاصر است که هرگز در همهٔطول تاریخ حیات بشر سابقه نداشته است. به جرأت می‌توان گفت که سرعت رشد صنعت طی سی سال اخیر برابر رشد صنعت در سراسر طول تاریخ بشر بوده است.

هرگاه میزان رشد شعور و ادراك اجتماعی و هماهنگی آن با پیشرفت صنعت را کز طی هزاران سال صورت گرفته است از نظر بگذرانیم و آن را با رشد شعور اجتماعی در روزگار ما و نیز در رابطه با سرعت رعدآسای تکنیك‌معاصر مقایسه‌کنیم، آنگاه به‌مشکل عظیمی که برابر نسل‌کنونی قرار گرفته است پی خواهیم برد.

همه از خود می‌پرسند: چگونه می‌توان رشد شعور اجتماعی را با پیشرفت سرسام آور اقتصاد و صنعت تاسرحد امکان همگام و نزدیك کرد؟

این نکته‌یی است در خور اندیشهٔ بسیار. اما بهر تقدیر برای ایجاد این نزدیکی و همگامی وبرای جبران این عقب ماندگی، کوشش مشترك همهٔ انسانها ضرور است. شرایط حیات اقتصادی جامعه، خواه ناخواه و دیر یا زود اندیشه‌ها را موافق ودمساز خواهد کرد. اما چه بهتر اگر این موافقت و دمسازی، باکوشش مشترك همه‌ی انسانها، آرامی و بی‌درد صورت پذیرد و شعور و ادراك همگانی به بیراهه وسنگلاخ کشانیده نشود.

در این دگرگونی صنعتی و اقتصادی بزرگ، هنوز اندیشه‌های سازندهٔ دمساز، یا در حال پدید آمدن هستند ویا اینکه روزگار کودکی و دوران رشد نطفه‌یی و پنهانی خودرا می‌گذرانند. روزی‌فراخواهد رسید که شرایط حیات اقتصادی جامعه، اندیشه‌های خود را نیرومند گرداند و پندارهای ناسازگار را به یکسو افگند. این کار خواه و ناخواه شدنی است. باز شرایط حیات اقتصادی جامعه به‌پیش خواهد تاخت و شعور و ادراك اجتماعی آیندگان از آن عقب خواهد ماند و روزی باآن موافق و دمساز خواهد شد واین دور وتسلسل‌همچنان دوام خواهد یافت.

حیات اقتصادی جامعه، راه خود را بسوی پیشرفت می‌گشاید. این سیری است ناگزیر. واما نقش آدمیان در این میانه چیست؟ آیا باید همواره ناظر باشیم تا دست نیرومند روزگار چگونه سرکشان را به

www.KetabFarsi.com

سولژنیتسین

متابعت می‌آورد، یااینکه‌ضمن درك‌واقعیت‌های زمان، اندیشه‌ها را با دگرگونیهای پی‌درپی موافق و دمساز کنیم؟ راه نخست هرچه و در زیر سایه هر آرمان زیبا و فریبنده‌یی که باشد، چیزی جز ارتجاع، کهنه پرستی و مقاومت در برابر نو نخواهد بود. تنها راه دوام است که می‌تواند ما را در مسیری عقلانی و کم و بیش نزدیك با واقعیتها قرار دهد و فاصلهٔ میان شعور اجتماعی با صنعت، وسایل تولید و شرایط حیات اقتصادی جامعه را کوتاه‌تر گرداند.

یکی از راههایی که در شرایط کنونی پیشرفت نیروهای مولده، نقشی غیرمترقی وارتجاعی دارد، فلسفهٔ «باطنی» کمونیسم معاصر است، که بناچار از آرمانهای‌انسانی گذشته روی برتافته و در خدمت منافع «طبقهٔ جدیدی» قرار گرفته است.

اندیشهٔ برابری، قرنها پیش از مارکس پدید آمد. بدین روال مارکس و انگلس نخستین منادیان کمونیسم نبودند. اما بهر تقدیر آنان دانشمندانی نیك‌اندیش و بلند پایه بودند که روزگار خود را بدرستی تصویر کردند. تصویری که مارکس و انگلس از روزگار خود دادند، اندیشمندانه و آمیخته با تفکر بسیار بود. اما افسوس که این مردان بزرگ، با همهٔ بزرگی به اندیشه‌های انسان، از جمله به اندیشه‌های خویش پربها دادند و این را وجه تمایزی میان خود و دیگر دانشمندان شمردند. آنها می‌گفتند: «تاکنون دانشمندان و فلاسفه به شرح و وصف جهان پرداختند، ولی نکته اصلی تغییر دادن آن است.»

گرچه مارکس و انگلس هیچگاه همانند پیروان خویش به‌اندیشه‌های انسانی پربها ندادند و نقش خود را همانند استالین تا پایگاه خدایی بالا نبردند، ولی‌بهر تقدیر در ارزیابی اندیشهٔ مرتکب خطایی شدند که منشأ دیگر خطاهایشان شد.

مارکس و انگلس گرچه متفکرانی دانشمند بودند، ولی هرگز نمی‌توانستند جز از گذشتگان خویش باشند.

تصویری که مارکس از جامعه زمان خود داده بود گرچه دقیقتر از تصویرهای دیگر دانشمندان بود، ولی با همهٔ دقت نمی‌توانست چیزی جز تصویر باشد.

مارکس باتصوری که دربارهٔ آیندهٔ جامعهٔ سرمایه‌داری داشت به‌پندارهایی دست زد که هرگز تحقق نیافت.

پیروان مارکس نیز در پنداربافیهای خویش گام فراتر نهادند و نتیجهٔ همهٔ این پنداربافیها مایهٔ پیدایی مذهبی شد بنام کمونیسم که نه تنها حقانیت تاریخی کسب نکرده، بلکه بخش بزرگی از شعور وادراك اجتماعی را به بیراهه کشانیده است!

وقتی اندیشه‌یی حقانیت تاریخی خودرا از دست دهد و در نزد اهل خرد نامعقول افتد، راهی جز توسل بزور و احکام‌قشری جامد نخواهد داشت.

بارها باخود می‌گفتم ، چرا اندیشه‌یی که تا بدین پایه خود را والا می‌داند، برای دستیابی به‌هدف، از پلیدترین شیوه‌های غیر انسانی ومنسوخ مدد می‌جوید؟

آیا هرگز آنهمه قربانیهای بیشماری که بشر در این راه داده است، اندیشیده‌ایم؟

اکنون بسیاری از کمونیستها و غیر کمونیستهای جهان بحق از خود می‌پرسند: براستی لنین چگونه شخصیتی بود؟ چرا از پی او استالین پدید آمد؟ چرا لنین بجای پیروی از اندیشه‌ی کلاسیکهای مارکسیسم، مسألهٔ «پیروزی انقلاب در یك کشور» را عنوان کرد؟ چرا بجای جامعهٔ مرفه و آزادی که مارکس و انگلس وعده داده بودند، «سوسیالیسم پلیسی» پا به عرصهٔ وجود نهاد ؟

اینها و بسیار نکته‌های دیگر است که همواره اندیشه همان کمونیستها را بخود معطوف داشته است.

آیا این مسائل در خور اندیشه نیست؟ آیا نباید این پدیدار بزرگ جهان نیز همانند دیگر پدیدارهای بتقریب شناخته‌شدهٔ عالم هستی، از نظرگاههای گوناگون مورد

تجدید نظر در تعالیم مذهب

در جهانی که تعالیم مذهبی مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند، چراباید تجدید نظر دراندیشهٔ اجتماعی معینی‌بنام مارکسیسم و کمونیسم کفر والحاد تلقی شود؟ چرا در قاموس کمونیستها تجدیدنظر طلبی کفر و ارتداد است؟ مگر کمونیسم مذهب است ؟

«برتراند راسل» فیلسوف انگلیسی بسال ۱۹۲۰ ضمن ابراز تهنیت به انقلاب اکتبر، درباره جمود فکری و جزمیت کمونیستی این نظر دقیق را بیان داشت:

«بلشویسم ، جهتی نیز دارد که‌بمراتب کمتر از جهت دیگر آن در نظر من قابل پذیرش است. بلشویسم نه تنها مذهب‌سیاسی است، بلکه در عین حال، مذهبی آمیخته با دگماتیسم (جمود فکری و قشرگرایی) بغرنج و آیات مقدس ویژه نیز هست. هنگامی که لنین می‌خواهد نکته‌یی را به ثبوت رساند، تاسرحد امکان این کار را با نقل قولهایی از آثار مارکس و یا انگلس انجام می‌دهد. کمونیست واقعی کسی نیست که تنها به‌این امر معتقد باشد که زمین و سرمایه باید به مالکیت همگان درآید، و در آمدهای حاصل از آنها تا سرحد امکان به‌تساوی میان همه بخش‌شود، بلکه کمونیست واقعی کسی است که به یك رشته دگمها (عقاید جزمی) واحکامی چون فلسفه ماتریالیسم نیز معتقد باشد. این دگمها و احکام ، شاید موافق حقیقت باشد، ولی کسانی که علمی می‌اندیشند عادت دارند آنها را ثابت نشده بشمار آورند. این عادت نشانه‌یی از رجاء واثق به تردیدی عینی نسبت به پدیدارها است ، وخود از عادتی سرچشمه می‌گیرد که از عهد رنسانس آغاز شده است. در این عهد، جهان اندك اندك، باگذر به شکاکیت سازنده و ثمربخش که مشخص و معرف جهان‌بینی علمی معاصر است، رها شدن آغاز نهاد. من برآنم که این جهان بینی علمی، برای بشریت بسیار پر ارزش وگرانبها است. هرگاه نظام اقتصادی عادلانه‌تر، به بهای ریشه کن کردن هرگونه کنجکاوی آزاد در مغز انسان بدست آید، آنگاه بشریت در زندان و تنگنای قرون وسطایی قرار خواهد گرفت. باید بگوییم که این بهای سنگین و بس گرانی است.»

انقلاب کمونیستی که سالیان درازی است کمونیستها در باره‌ی «جهان شمول» بودن آن داد سخن می‌دهند، هنوز نتوانسته است حقانیت تاریخی خود را در نظر جهانیان به ثبوت رساند.

کارل مارکس‌اندیشهٔ وحدت‌پرولتاریای جهان را برگونه‌یی مطلق‌گرایی پایه نهاد که هیچگاه با دیالکتیك هگلی و مارکسی سازگار نبود. شناخت غیر کامل سرمایه‌داری اروپا سبب یکی از بزرگترین خطاهای اندیشه‌یی مارکس شد.

مارکس که با درایت خویش اصل اندیشهٔ پیشرفت جامعه و حرکت آن از دانی به‌عالی را بزیبایی بسیار عنوان کرده بود، بهنگام بحث از سرمایه داری نتوانست بدانگونه استوار بماند و این خود یکی از خطاهای او بود که به‌منشا خطاهای دیگر کمونیست‌ها بدل گشت.

مارکس برآن بود که جامعهٔ بشر همواره رو به‌پیشرفت دارد. اوجامعهٔ برده‌داری را بر جامعه اشتراکی نخستین مرجح و جامعه فئودالی را از جامعهٔ برده‌داری پیشرفته‌تر می‌دانست. او این پیشرفت را در عامل اقتصادی و بازده کار انسانها مشاهده می‌کرد. ولی مارکس به‌این نکته‌توجه نکرد که پیشرفت اقتصادی در جامعه‌های طبقاتی با اینکه مایهٔ فربه شدن طبقات استثمارکر بود، معهذا سبب شد که طبقات استثمار شونده نیز از این پیشرفت طرفی به سود خود بندند. هرگاه رفاه نسبی استثمارشوندگان در مراحل نخست پیشرفتهای اقتصادی نمی بود، نقش پیشرفت نیز وجود نمی‌داشت.

راست است که در جامعه فئودالی نوعی استثمار جایگزین استثمار برده داری کهن شده بود ، ولی با اینهمه رعایا در جامعهٔ فئودالی به نسبت بردگان در جامعه‌های برده‌داری از امتیازهای اقتصادی معینی برخوردار بودند.

این نظریه دربارهٔ جامعهٔ سرمایه‌داری نیز صادق است.

«پرولتاریای» روزگار مارکس، نسبت به رعیت وابسته بزمین، از امتیازهای اقتصادی بیشتری برخوردار بود. مارکس که شاهد دوران معینی از رشد سرمایه‌داری در اروپا بود ، چنین می‌پنداشت که «پرولتاریا» همواره مسکینتر خواهد شد و نه تنها فاصلهٔ دو قطب فقر و ثروت فزونی خواهد گرفت، بلکه پرولتاریا همه چیزخود را از دست خواهد داد و چیزی جز زنجیر اسارت برای از دست دادن نخواهد داشت.

اینك نوشته کارل مارکس.

«کارگر معاصر بجای آنکه باترقی صنایع ، راه ترقی را طی کند، پیوسته به وضعی نازلتر از شرایط زندگی طبقهٔ خویش سقوط می‌کند. کارگر دمبدم‌مسکین‌تر می‌شود.»

در اینجا ما شاهد نوعی مطلق گرایی هستیم که بعدها از سوی لنین نیز ارائه شد. لنین برآن بود که در مراحل معینی از گذر جامعهٔ سرمایه‌داری، سطح مصرف نعم مادی و معنوی پرولتاریا **بطور مطلق** کاهش می‌یابد. لنین این کاهش مصرف را «**فقر مطلق**» نامید.

این اندیشهٔ لنین در نوشتهٔ او زیر عنوان «فقر در جامعهٔ سرمایه داری» که به سال ۱۹۱۲ انتشار یافت، بوضوح عنوان شده است.

شاید بتوان گفت در مراحلی از رشد سرمایه‌داری فاصله میان دو قطب فقر و وثروت فزونی می‌گیرد. **ولی این هرگز به معنای فقر مطلق نیست.** در سراسر دوران سرمایه‌داری سطح مصرف طبقهٔ کارگر در حال فزونی بوده است. ولی سهم کارگران بماند و این خود یکی از خطاهای او بود از درآمد ملی نسبت به‌سهم سرمایه‌دارای کاستی داشته است. این نیز در واقع چیزی جز فقر نسبی نیست .

هنگامی‌که واژه‌ی «فقر مطلق» عنوان می‌شود ، مقصود بدتر شدن مطلق سطح مصرف کارگران و یابگفته مارکس «دمبدم مسکین‌تر» شدن آنها است . حال آنکه این پدیدار هیچگاه دائم و مستمر نبوده است. شاید در مراحلی از رشد سرمایه داری، از جمله این کاستیها موقت و گذرا بوده‌است. در طول تاریخ سرمایه داری هیچگاه کارگر دمبدم و یا بطور مطلق مسکین نشده است.

نگاهی به‌تاریخچهٔ زندگی طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری مؤید این نکته است که طبقهٔ کارگر معاصر، دیگر آن پرولتاریای سدهٔ نوزدهم نیست، واکنون جز زنجیر اسارت، وسایل و امکانهای عدیده‌یی دارد که‌از آنجمله‌اند: خانه ، اتومبیل، اثاثیه ، یخچال ، تلویزیون، حق استراحت، حق درمان، حق تحصیل، حق بازنشستگی و بسیاری حقوق دیگر.

نادرستی اندیشهٔ فقر مطلق بمعنای انکار فقر نسبی نیست. براستی سهم کارگران از درآمد ملی بسیار کمتر از سهم سرمایه‌داران است. باید این بی‌عدالتی از میان برخیزد. (اکنون دربرخی کشورها باوضع مالیاتهای سنگین بردرآمدهای کلان و سهیم کردن کارگران در سرمایه، گامهایی برای از میان بردن این بی‌عدالتی اجتماعی برداشته شده است. مقصود نگارنده در اینجا آشنایی خوانندگان با برخی از اندیشه‌های نادرست وجلب توجه آنان به واقعیتها است.)

می‌دانیم دو قانون از مجموعه‌ی قوانین اساسی اسلوب معرفتی دیالکتیك هگل که دستاویز کمونیستها شده است قانون **وحدت ومبارزهٔ اضداد** وقانون **گذر ازدگرگونیهای کمی به دگرگونیهای کیفی** است که در آن تبدیل مداوم دگرگونیهای کمی به دگرگونیهای بنیادی و کیفی و تحول تدریجی به تبدیل جهشی عنوان شده است. باید یادآور شد که دراین اسلوب معرفتی هیچگاه وحدت و مبارزهٔ اضداد در خارج از نفس شیء عنوان نشده است. در این اسلوب معرفتی وحدت ومبارزه‌اضداد درون ذاتی و در نقش شیء است.

کمونیستها نیز به‌پیروی از اسلوب معرفتی هگلی ــ مارکسی، اضدادرا درون ذاتی و بمثابهٔ نیروهایی می‌شمارند که در عین داشتن وحدت عضوی، دافع یکدیگرند و نیز وجود یکی شرط وجود دیگری است کمونیستها بارها اعلام داشتند که در اسلوب معرفتی آنان هیچ‌شیء و یاپدیداری وجود ندارد که از جهات متضاد جاذب و دافع ، فارغ باشد. اضداد در یك شیء و یا پدیدار وحدت دارند وتصور یك جانب تضاد، بدون در نظر گرفتن جانب دیگر آن خطایی‌است بزرگ. انان‌براین عقیده‌اند که پدیده یا شیء از عناصر رویننده ومیرنده وبدیگر سخن رویاننده و میراننده فارغ نیست. این عناصر همواره با یکدیگر در وحدت و مبارزه‌اند. وحدت و مبارزه نیز خارج و جدا از شیء، معنا و مفهومی نمی‌تواند داشته باشد. کمونیستها وحدت اضداد را شرط ضروری مبارزه می‌دانند و برآنند که مبارزه درجایی صورت می‌گیرد که در جسم یا پدیداری واحد، جهات متخالف و متضاد موجود باشد.

دربارهٔ قانون تحول کمی وتبدیل کیفی نیز نخست وجود نفس شیء را شرط عمده می‌شمارند وبرآنند که نفس شیء یا پدیده، باید موجود باشد تا نخست تحول کمی و سپس تبدیل کیفی در آن صورت پذیرد. انان کمیت یا کیفیت را نمایشگر شیء یا پدیدهٔ واحدی می‌دانند که ضمن داشتن تفاوت، مجموعهٔواحدی راتشکیل می‌دهند. از نظرگاه آنان نفس شیء باید باشد تا تبدیل درون آن صورت پذیرد.

کمونیستها این اسلوب معرفتی خود را چه در طبیعت و چه در اجتماع صادق می‌دانند.

هرگاه بزعم کمونیستها در طبیعت وجود نفس شیء شرط وجودی جوانت مختلف تضادها و دگرگونیهای کمی و کیفی است، بنابراین در اجتماع نیز وضع بهمان گونه است. بدین معنی که برای هر دگرگونی در روابط اجتماعی، نخست‌باید نظام‌اجتماعی معین موجود باشد، تا در آن دگرگونیهای کمی و کیفی صورت پذیرد.

برای نمونه از جامعهٔ فئودالی یاد می‌کنیم . بدون جامعهٔ فئودالی، تضادهای درون‌جامعه مذکور نمی‌تواند معنا ومفهومی داشته باشد. بدین معنا که نخست جامعه‌ی فئودالی باید موجود باشد تا عوامل رویننده ومیرنده آن دستخوش دگرگونیهای کمی و کیفی شوند.

حال به‌بینیم کمونیستها به اسلوب معرفتی دیالکتیکی خویش که آنرا قانون لایزال اصل تغییر و دگرگونی می‌شمارند، در عمل تا چه پایه وفادار مانده‌اند.

یکی از انحرافهای بزرگ کمونیستها از اسلوب معرفتی خویش، ارزیابی نادرست آنان در مورد سرمایه داری است. این انحراف که زمینهٔ فکری آن بتدریج ازسال ۱۹۰۵ در کتاب معروف لنین زیر عنوان «دو تاکتیك سوسیال دموکراسی درانقلاب دموکراتیك» پدید آمد و قوام یافت، منشأ انحراف‌های بعدی آنان از نظریه‌های کمونیستی شد.

در سالهای نخستین جنگ جهانی (۱۹۱٤ ــ ۱۱۹۸) که سرمایه‌داری هنوز مراحل ابتدایی رشد وتکامل را می‌پیمود، از سوی کمونیستها «طفیلی»، «گندیده» و «درحال احتضار» نامیده شد . آیا این ارزیابی‌درست ومنطبق برواقعت‌بود؟ آیا بنا برنظریه‌هایی که کمونیستها خود از آن پیروی می‌کنند، از سال ۱۹۱٦ که کتاب لنین زیر عنوان «امپریالیسم بمثابهٔ بالاترین مرحله سرمایه‌داری» برشته‌ی تحریر کشیده شد تاکنون جوانب رویندهٔ تضادهای درون جامعه سرمایه‌داری رشدی برق‌آسا نداشتند؟

در کتاب «سرمایه»

مارکس خود در کتاب «سرمایه» بارها به‌این نکته اشاره کرد که بارزترین نشانهٔ رشد اقتصادی در هر جامعه بازده کار فرد و جامعه است. بدین معنا که اگر جامعه‌یی در حال زوال باشد. مناسبات تولیدی آن مانع پیشرفت نیروهای مولده‌می‌شود وبازده کار وبالنتیجه تولید آن از حرکت بازمی‌ایستد و کاهش می‌پذیرد.

آیا از شصت سال باز سرمایه‌داری که کمونیستها آنرا «مختصر و در حال تباهی» نامیدند، به تباهی رفت، یا اینکه بخلاف گفتهٔ آنان رشدی عظیم یافت؟ آیا نیروهای مولدهٔ جامعه‌ی سرمایه‌داری از حرکت باز ایستادند، یا اینکه به پیشرفتی بس بزرگ نایل آمدند؟ آیا از سال ۱۹۱۵ تاکنون بازده کار در جامعهٔ سرمایه‌داری کاهش پذیرفت، یا اینکه فزونی داشت ؟

اختراعهای پی‌درپی و رشد سرسام‌انگیز تکنیك در جهان سرمایه‌داری معرف‌افزایش خیال‌انگیز بازده کار بوده است. دست‌کم این نکته مسلم است که عوامل رویننده و یا رویاننده‌ی جهان سرمایه‌داری تا امروز با سرسختی و پایداری به حیات و رویش خود ادامه داده‌اند. کمونیستها چه بخواهند و چه نخواهند، این واقعیتی است انکارناپذیر.

در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری نسبت به سالهای نخستین جنگ جهانی دهها بازده کار کارگران در صنعت وکشورزی برابر شده است. حال آنکه در پیشرفته‌ترین کشورهای کمونیستی بازده کار در صنایع حداکثر دوسوم و در کشاورزی حدود دو پنجم بازده‌کار کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه داری است.

بازده کار را نباید با میزان تولید اشتباه کرد. زیرا میزان تولید به عوامل بسیاری، از جمله منابع انرژی، ذخایر ارضی و جمعیت و غیره مربوط است. ولی بازده کار جز از آن است. ممکن است کشوری از نظر جمعیت و منابع وثروتهای طبیعی فقیرتر و مجموع تولیدات از کشور دیگری که دارای جمعیت و منابع بسیار است کمتر، ولی بازده کار آن بیشتر و بالاتر باشد. حدود پیشرفت نیروهای مولده در هر جامعه با بازده‌کار آن جامعه مشخص ومعین می‌شود. بازده کار نیز با میزان متوسط محصول در میانگین زمانی آماده شده از سوی یك کارگر اندازه‌گیری می‌شود هرقدر میانگین محصول یك کارگر درزمان معینی بیشتر باشد، بازده کار آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود. عواملی که در بازده کار تأثیر مستقیم دارند عبارتند از:

۱ــ سطح پیشرفت تکنیك وابزار کار. هرچه ابزار کار کاملتر باشد مقدار تولید کالا درمحدوده‌ی میانگین زمان‌کار کارگر بیشتر خواهد شد. گذر از کار دستی به کار ماشینی وسیع، بازده کار را دهها و حتی صدبار فزونی بخشیده است.

۲ــ عامل دوم در افزایش بازده کار، میزان کارآیی کارگران و شدت کار آنان است.

۳ــ عامل دیگر، سازماندهی، مدیریت وجا بجا کردن صحیحتر نیروی کارگران

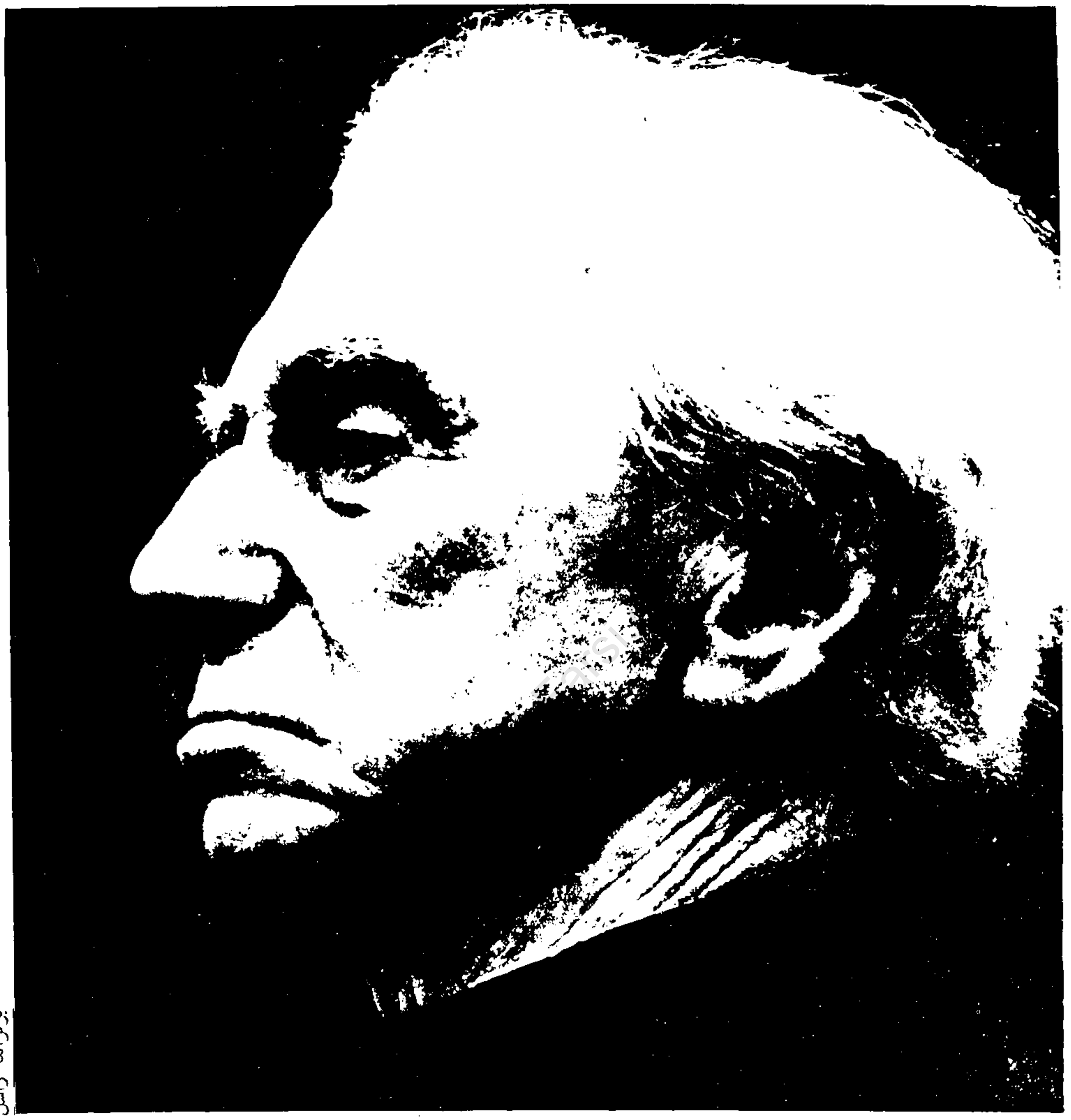

برتراند راسل

در جریان فعالیت تولیدی جمعی و نیز تقسیم صحیح کار است.

٤ـ عامل چهارم، سطح پیشرفت علم و میزان استفاده از تکنولوژی است.

اینها مطالبی است که کمونیستها بدان اذعان دارند .

پس از جنگ دوم جهانی تعدادی کشورهای کمونیستی و سرمایه داری دستخوش ویرانی شدند. ولی هیچیك از کشورهای کمونیستی تاکنون ازنظر آهنگ وسرعت رشد و بازده کار به‌پایه‌ی کشورهایی چون آلمان‌غربی وژاپن نرسیده‌اند.

بدین روال زندگی خود بی‌پایگی ارزیابی کمونیستها را دربارهٔ اقتصاد سرمایه داری به ثبوت رسانیده است. دیری نپایید که همین ارزیابی نادرست سبب انحراف کمونیستها در زمینه‌ی «امکان پیروزی سوسیالیسم در یك کشور» و خطاهای بعدی آنان در مورد انقلاب و پایگاههای آن شد.

اندیشهٔ «امکان پیروزی سوسیالیم در یك‌کشور» نخستین بار ازسوی و.ای.لنین در مقاله‌یی زیرعنوان «دربارهٔ شعار کشورهای متحده اروپا» که بتاریخ بیست و سوم ماه اوت سال ۱۹۱۵ در شماره‌ی ٤٤ روزنامه‌ی «سوسیال دموکرات» به چاپ رسیده بود، عنوان گردید. این‌اندیشه بعدها

نیز از سوی استالین بکار گرفته شد.

.کمونیستها که در نظریه، اصل وحدت ومبارزه‌ی اضداد و دگرگونی کمی وکیفی در نفس شیء را عنوان می‌کنند، به هنگام ارائه‌ی نظر «پیروزی سوسیالیسم در یك کشور» از همان نظریه عدول ورزیدند. آنان «پیروزی سوسیالیسم» را در کشوری نیمه فئودالی و عقب مانده نه تنها ممکن، بلکه حتمی دانستند وبعدها از این نیز پا فراتر نهادند و مدعی شدند که اقوام و تیره‌هایی که مراحل نخستین نظام فئودالی حتی نظام ابتدایی وعشیره‌یی‌را می‌گذرانند، قادرند از چند نظام اجتماعی بیکباره بجهند و در راه «سوسیالیسم» گام نهند.

چندی نگذشت که همان کمونیستها در حالی که هنوز به مراحل بدوی صنعت گام ننهاده بودند مدعی شدند که با «جهت به سوسیلیسم» نظام سرمایه‌داری را پشت سر گذارده‌اند.

آیا عمل کمونیستها با اسلوب معرفتی آنان دمساز است؟

هرگاه وحدت و مبارزه اضداد در خارج از نفس شیء نادرست و خلاف اسلوب معرفت دیالکتیکی آنها است، پس چگونه بدون گذراندن مرحلهٔ معینی از تکامل که درآن اضداد حتی فرصت پدید آمدن را هم نداشته‌اند، پرش به مرحله بعدی میسر بوده است؟ هرگاه دگرگونیهای کمی و کیفی خارج از نفس شیء معنا و مفهومی‌ندارد، آنگاه چگونه ممکن است بدون پدید آمدن نظام معین اجتماعی و یا بدیگر سخن خارج از نفس شیء دگرگونیهای کمی و کیفی آن صورت پذیرد؟ چگونه می‌تواند نفس شیء نباشد، ولی دگرگونیهای کمی وکیفی آن باشند ؟

کمونیستها که براستی به‌این ایرادها پاسخی ندارند، برای موجه جلوه دادن تناقضات موجود در تئوری و عمل خویش به خطای دیگری نیز تن در دادند.

آنانکه قوانین را دارای خصلتی عینی می‌شمارند و برآنند که «انسان هرگز نمی‌تواند بدلخواه خویش قوانینی را پدید آورد و یا آنها را تغییر دهد»، آنانکه عینیت قوانین را مستقل از اراده وخواست انسان می‌شمارند و هرتلاشی را که درجهت خلاف قوانین صورت گیردمحکوم به‌ناکامی می‌خوانند، چگونه توانستند تمام و کمال از اندیشهٔ خود عدول ورزند و عامل ذهنی را مرجح شمارند وانسان را به‌چنان قادر مطلقی بدل کنند که می‌تواند ذهنیات خود را برواقعیات عینی تحمیل کند. ریشهٔعدول لنین از اندیشه‌های مارکس و انگلس سابقه‌یی بس دور و دراز دارد. لنین برای خود قانون ویژه‌یی دربارهٔ انقلاب داشت که هیچگاه بااندیشهٔ مارکس و انگلس، همگون نبود .

نقش انسان

مارکس وانگلس نقش‌انسانها وذهنیات آنانرا در دگرگونی جامعه، بیش از اندازه بالا نمی‌بردند و برای اعمال زور در انقلاب که توسط انسانها صورت می‌پذیرد مقامی بالاتر از آنچه که باید، قائل نبودند. این دو فیلسوف دانشمند که توجهشان را به تضادهای اصلی درون جامعه، یعنی «تضاد میان نیروهای مولده‌ی در حال پیشرفت» و «مناسبات‌تولیدی» کهنه وپای‌بند معطوف داشته بودند، جامعهٔ کهن را آبستن انقلاب‌و جامعهٔ جدید را نوزاد آن می‌شمردند.

مارکس اعمال زور وبدیگر سخن نقش فعالانه انسان را تنها ابزار و وسیله‌یی در امر تولد نوزاد می‌دانست و هرگز بیش از اندازه بدان بها نمی‌داد. مارکس معتقد بود: «اعمال زور» برای جامعهٔ کهن که آبستن جامعهٔ نوی است، بمنزلهٔ ماما است. اعمال زور، آنچنان ابزاری است که‌جنبش اجتماعی بوسیلهٔ آن ابزار راه خود را باز می‌کند و شکلهای سیاسی محجر وبی‌جان را درهم می‌شکند .

اما لنین برای اعمال زور که وسیلهٔ انسانها صورت می‌گیرد و نیز برای نقش انسانها در انقلاب، ارزشی صد چندان قائل بود. لنین و لونتاریست که هزاران بار مارکسیست بودن خودرا برخ مارکسیستهای زمان خویش می‌کشید، از همان آغاز فعالیت نشان داد که وی بیش از هرچیز هدفهای سیاسی را دنبال می‌کرده است. همان هدفهای سیاسی نیز سبب شد که لنین برای نقش انسان وسازمانهای سیاسی بیش از حد اارزش قائل شود. لنین هنوز به‌سال ۱۹۵۲ که جنبش سوسیال دموکراسی‌روسیه روزگار شباب خودرا می‌گذرانید، درکتاب معروف چه باید کرد خود نوشت: **«به من سازمان انقلابی بدهید، آنگاه روسیه را زیر و رو خواهم کرد».**

هنگامیکه جامعهٔ کهن آبستن جامعهٔ نوی نباشد و زمان زایمان فرا نرسد، آن کدام سازمان انقلابی است که بتواند جامعه و یاسرزمینی را زیرو رو کند ؟

براستی «انقلاب سوسیالیستی لنینی» نیز چیزی جز حاصل ولونتاریسم لنینی نبود. حال آنکه انگلس در این مسأله با احتیاط فراوان پیش می‌رود و در همان کتاب «آنتی دورینگ» بهنگام بحث درباره «لزوم اعمال زور» واژهٔ «شاید» را بکار می‌برد و می‌نویسد: «شاید اعمال زور لازم آید».

هنگامی که برخی متفکران زمان به کمونیستها ایراد گرفتند و آنانرا به انحراف از نظریه‌های خویش متهم کردند، بلشویکها فاصله بسیار کوتاه میان «دو انقلاب اجتماعی»، (انقلاب فوریه وانقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷) را عنوان‌کردند وچنین وانمودند که‌گویا همه‌چیز برمبنای نظریه‌های مارکسیستی صورت پذیرفته است.

برخی از متفکران بحق می‌پرسیدند: آخر چگونه ممکن‌است ظرف چندماه اضداد درون جامعه‌یی بسیار بغرنج چون جامعهٔ سرمایه‌داری به مرحلهٔ رشد و کمال برسند و یکدورهٔ کامل تحول کمی صورت پذیرد و به تبدیل کیفی بینجامد؟

بنابر نظریه‌های مورد قبول‌کمونیستها، جوانب گونه‌گون اضداد، بی‌درنگ پس از هر دگرگونی پدید نمی‌آیند. بویژه در جامعه بروز وظهوراضداد بسته به‌پیشرفت‌های فنی و اقتصادی ودر واقع رشد کامل نیروهای مولده است. چگونه ممکن است چنین معجزه‌یی رخ دهد و یکدورهٔ کامل رشد نیروهای مولده که سالها و شاید سده‌هازمان لازم دارد، ظرف هشت ما. صورت پذیرد؟

این نیز یکی از ارزیابیهای نادرست واز خطاهای عمیق‌کمونیستها است.

مالکیت دولتی بروسائل تولید را می‌توان یکی از ویژگیهای جامعهٔ سرمایه‌داری واز شکلهای مختلف مالکیت سرمایه‌داری دانست. کمونیستها نیز بدین امر معترفند . در فرهنگ کمونیستی مالکیت دولتی موجود در درون نظام سرمایه‌داری، بصورت «سرمایه داری دولتی» عنوان شده است.

دربسیاری ازکشورهای جهان سرمایه‌داری مالکیت دولتی بروسائل تولید وجود دارد. در انگلستان که یکی از کشورهای بزرگ سرمایه‌داری است، برخی از صنایع و معادن در زمرهٔ مالکیت دولت درآمده است.

بنابراین مالکیت دولتی بروسائل تولید را نباید خارج از مناسبات سرمایه‌داری دانست. مالکیت خصوصی و مالکیت دولتی بروسائل تولید هردو از ویژگیها واز شکلهای مختلف نظام سرمایه‌داری بشمارند. بی‌جهت نبود که برخی از متفکران، «نخستین انقلاب سوسیالیستی» کمونیستها را (کودتا) و نوعی ادامهٔ انقلاب سرمایه‌داری شمردند که در آن مالکیت دولت بروسائل تولید حکمفرما است.

کمونیستها که مدعی انجام «انقلاب سوسیالیستی» بودند، در پاسخ منتقدان خویش می‌گفتند: «میان سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم دیوار چین وجود ندارد. مطلب عمده در وجوه تمایز میان سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم آن است که چه نیروی در رأس حکومت قرار گیرد: بورژوازی یا پرولتاریا».

این گفتهٔ کونیستها بدان معنا است که اگر پرولتاریا در رأس حکومت مبتنی بر مالکیت دولتی قرار گیرد، نظام آن جامعه سوسیالیستی خواهد شد، و هرگاه سرمایه‌داران در رأس چنین‌حکومتی باشند، نظام آن جامعه سرمایه‌داری دولتی خواهد بود.

کمونیستها برای اثبات این مدعای نادرست، تمام و کمال از اصول فلسفی خویش عدول ورزیدند ویکباره به پندارباف پیرو اصالت ذهن بدل شدند.

کمونیستهایی که قوانین را دارای خصلتی عینی می‌دانستند ومدعی بودند انسان هرگز نمی‌تواند به دلخواه خود قوانینی را پدید آورد یا آنها را تغییر دهد، آنها که عینیت قوانین را مستقل از اراده و خواست انسانها می‌شمردند، این بار به‌خلاف نظریه‌های خود، نقش انسان و در نتیجه، نقش ذهنیات را تاسرحد تعیین کنندهٔ نظام اجتماعی معین بالا بردند.

حقیقت عینی

کمونیستها در نظریه‌های فلسفی خویش مدعی‌اند که «ماده، طبیعت و وجود، حقیقتی عینی است که مستقل از ذهن و شعور مادر خارج موجود است... وبنابراین حیات مادی اجتماع نیز حقیقتی است عینی و مستقل از اراده‌ی انسان.» حال ازآنها می‌پرسیم: اگر به زعم شما حیات مادی اجتماع حقیقتی عینی و مستقل از اراده انسان است، دراینصورت چگونه انسان می‌تواند با در دست گرفتن حکومت که در واقع چیزی جز شیوهٔ ادارهٔ جامعه نیست، این حقیقت عینی را از حالتی به حالت‌تمام وکمال مخالف آن تغییر دهد؟

مگر شما خود نمی‌گویید که «هستی و شرایط حیات مادی جامعه هرطور باشد، مفاهیم، نظریه‌ها، نظرات سیاسی وسازمانهای سیاسی نیز به همانگونه خواهند بود»؟

هرگاه به‌این نظریه خود پای‌بندید، پس آنگاه چگونه ممکن است، انسانها و بدیگر سخن مفاهیم، پدید آورندهٔ هستی و شرایط حیات مادی جامعه باشند؟

هرگاه شرایط حیات مادی جامعه پدید آورندهٔ اندیشه‌هااست، بنابراین همان‌شرایط حیات مادی، اندیشه‌های ویژهٔ خود را پدید می‌آورده واندیشه‌های مورد نظر شما، یعنی اندیشه‌های پرولتری را تابع خود می‌کند. بدین معنا که اگر نظام اقتصادی واجتماعی جبراً برمبنای سرمایه‌داری دولتی باشد، حکومت و گردانندگان آن نظام اقتصادی‌و اجتماعی، اگر در بدو امر پرولتر هم باشند، بتدریج تغییر ماهیت می‌دهند و به بورژواهای مرفه و ورم کرده و بنابگفتهٔ میلوان جیلاس به «طبقه جدید حاکم و مالك استثمارگر» بدل می‌شوند. یعنی بزعم همان نظریه‌های شما تابع‌شرایط حیات‌مادی جامعه می‌شوند.

هرگاه این اصل پذیرفته شود، آنگاه بجرأت می‌توان گفت که در سراسر طول تاریخ بشرهیچگاه انقلاب سوسیالیستی روی نداده است.

دگرگونی اکتبر براستی چیزی جز دگرگونی حاکمیت و تمرکز قدرت در دست بلشویکها نبوده است. این آرزوی بلشویکها در تزهای آوریل و. ای. لنین بروشنی هرچه تمامتر عنوان شده است. لنین ضمن بحث درباره‌ی صفت مشخصه‌ی دورهٔ پس‌از انقلاب فوریهٔ سال ۱۹۱۷ـ آنرا دورهٔ انتقال می‌نامد. در این دورهٔ انتقال حکومتی قانونی و مورد اعتماد مردم برسرکار آمد که حتی لنین نیز نتوانست منکر آن باشد. وی درهمان تزهای آوریل دربارهٔ انقلاب فوریه و نتایج آن چنین نوشت:

«روسیه اکنون آزادترین کشور، واز جملهٔ کشورهای محارب جهان است.»

لنین ضمن تشریح همین دورهٔ انتقال چنین نوشت:

«صفت مشخصه این دورهٔ انتقال، از یکطرف وجود حداعلای قانونیت واز طرف دیگر فقدان اعمال فشار نسبت به‌توده‌ها و بالاخره روش اعتمادآمیز غیرآگاهانهٔ این توده‌ها نسبت به‌دولت سرمایه‌داران است.»

ببینید، پس از انقلاب فوریه، دولتی در روسیه برسر کار آمد که لنین آنرا «آزادترین کشور» می‌نامد و «حد اعلای قانونیت»، «فقدان اعمال فشار» و «روش اعتمادآمیز» مردم را از صفات مشخصهٔ آن می‌شمارد.

اکنون جای پرسش است:

در شرایطی که انقلاب فوریهٔ ۱۹۱۷ «آزادترین کشور» را پدیدآورد وحکومتی با «حداعلای قانونیت»، «فاقد اعمال‌فشار» و «مورد اعتماد توده‌ها» را بجامعه عرضه کرد، آنگاه چگونه تضادهای درون‌اجتماع، ازجمله تضاد میان‌نیروهای مولده ومناسبات تولیدی که‌دولت جمهوری موقت نمایندهٔ آن بود، به‌حداعلای خود رسید و زمینه را برای انفجار آماده کرد؟

آری، علیه همین «آزادترین کشور» بود که لنین و حزب او هجوم و کودتای تازه‌یی را تدارك دید که در نتیجه آن خونین‌ترین جنگهای داخلی درگرفت و متعاقب آن رژیمی پدید آمد که بالغ بر پنجاه سال دهشتبارترین نظام تفتیش عقاید مداوم را در جهان بنیاد نهاد.

از آن پس چه در آسیا و چه در شرق اروپا از پی خونین‌ترین و دهشتبارترین مبارزه‌های داخلی، جهانی پدید آمد که با همهٔ درد و اندوه شاهد وناظر آن هستیم.

پیش‌از اکتبرسال ۱۹۱۷ همهٔ انقلاب‌های جهان تااندازهٔ بسیاری خود بخودی و سازمان نیافته بودند. بااینهمه میزان خونریزی در آنها به نسبت دگرگونی اکتبر ناچیز بود. ولی دگرگونی اکتبر و بنا بگفتهٔ گردانندگان، این «سازمان یافته‌ترین انقلاب جهان» که از رهبری «حزب واحدی» برخوردار بود، دهشتبارترین قربانیهای تاریخ را برای بشریت به‌ارمغان آورد.

رژیمی که پس از انقلاب فوریه پدید آمد، آزادیهای سیاسی معینی را بهمراه داشت که در آن اختلافهای نژادی، ملی و مذهبی کمتر از گذشته بود. ولی انقلابهای کمونیستی که در واقع تنها هدف در دست گرفتن حاکمیت را تعقیب می‌کنند، نظامی پدید آورده‌اند که در آنها جامعه به بردگان وبرده‌دارانی از تراز نو بخش شده‌اند.

الکساندر سولژنیتسین نویسندهٔ مشهور شوروی، زمانی که هنوز به خارج از میهن تبعید نشده بود، طی نامه‌یی خطاب به زمامداران شوروی، با تکیه به محاسبهٔ دقیق پروفسور ای. آ. کورگانف استاد سابق آمار در لنینگراد چنین نوشت:

«جز از دو جنگ جهانی و تلفات آن، ماتنها به‌سبب اختلافهای داخلی ونابسامانی، و نیز تنها طی انهدامهای داخلی «طبقاتی»، «سیاسی» و «اقتصادی»، شصت و شش میلیون نفر قربانی دادیم.»

چنین است منظره‌یی بسیار ناقص از فاجعه‌یی که کودتای کمونیستی اکتبرپدید آورد. نگارنده دگرگونی کمونیستی اکتبر را از این رو کودتا می‌داند که با هیچیك از اندیشه‌های کارل مارکس دربارهٔ انقلاب انطباقی نداشته است.

مقدمه اقتصاد سیاسی

مارکس دراثر خود زیر عنوان «مقدمه اقتصاد سیاسی» چنین می‌نویسد:

«نتیجه کلی که بدان دست یافتم و بعدها جهت اصلی پژوهشهای بعدی مرا تشکیل داد، بطور خلاصه چنین است: مردم در تولید اجتماعی ناگزیر وارد مرحله‌یی از رابطه‌ها می‌شوند که تابع خواست و ارادهٔ آنان نیست. این رابطه‌ها مناسبات تولید است که با **مرحلهٔ معینی از رشد نیروهای مولدهٔ مادی جامعه مطابقت دارند.** مجموعهٔ این مناسبات تولیدی، شکل و استخوان بندی اقتصادی جامعه و مبانی اقتصادی را پدید می‌آورند که روبناهای حقوقی و سیاسی برپایه آنها استوار می‌شوند... نیروهای مولدهٔ مادی جامعه نیز در مراحل معینی از پیشرفت خویش با مناسبات تولیدی موجود (که در واقع تنها بیانی‌حقوقی است) و نیز با روابطی که مالکیت برپایه‌های آن استوار شده و تاآن زمان در حال پیشرفت بوده‌اند، در تضاد قرار می‌گیرند . این مناسبات که عوامل پیشرفت نیروهای مولده بشمار می‌آمدند، از این پس به مانع و پای‌بندی در راه همان پیشرفت مبدل می‌شوند. در چنین اوضاع واحوالی است که زمان انقلابهای اجتماعی فرا می‌رسد.»

در اینجا مسألهٔ عمده‌یی مورد نظر ما است و آن این است که «**مناسبات تولیدی با مرحله معینی از رشد نیروهای مولدهٔ جامعه** مطابقت دارند.»

هرگاه این نکته پذیرفته شود، بسهولت می‌توان درك کرد که مرحله‌ی نخستین انقلاب سرمایه‌داری ، هنوز آغاز رشد است. بالطبع مناسبات تولیدی موجود در آغاز انقلاب سرمایه‌داری نیز آنگونه مناسباتی است که تازه پس از انقلاب پدید آمده است، شاید از همان آغاز با همان نیروها تضادهایی حاصل کند، ولی هنوز نه تنها قادر نیست به‌مانع پیشرفت بدل گردد، بلکه درخدمت آن قرار گرفته است. مطلب بسیار روشن است. نیروهای مولدهٔ مادی جامعه که مناسبات کهن را درهم پیچیده‌اند، مناسبات نوی را برای رشد آتی خویش فراهم می‌آورند. این مناسبات از همان آغاز با نیروهای مولدهٔ جدید تضادهایی پیدا می‌کنند، ولی تا مدتی دراز در خدمت آن قرار می‌گیرند و خود عامل رشد نیروهای مولده هستند. تاکنون هیچگاه در تاریخ دیده نشده است که مناسبات تولیدی **جدید مانع رشد نیروهای مولده باشد.** بلکه این مناسبات کهنهٔ اجتماعی هستند که در مراحل معینی از رشد، به مانع پیشرفت نیروهای مولدهٔ جدید بدل می‌شوند. مناسبات تولیدی تازه همواره مایهٔ پیشرفت است، نه مانع آن.

در روسیه تزاری مناسبات فئودالی کهنه و منسوخ، مانع رشد نیروهای مولدهٔ جدید بود. این مناسبات با انقلاب فوریهٔ سال ۱۹۱۷ از هم فرو ریخت و مناسبات تازه‌یی که پاسخگوی رشد نیروهای مولدهٔ تازه بود پدید آمد و نظام اجتماعی نوی پدید آورد که لنین نیز آنرا «آزادترین» واجد «حداعلای قانونیت»، «فاقد اعمال فشار» و «مورد اعتماد توده‌ها» نامید. بدین روال بسهولت می‌توان دریافت که مناسبات موجود در جامعه آنروز روسیه، نه‌اینکه مانع رشد نیروهای مولدهٔ جدید نبود، بلکه زمینه‌های بسیار مساعدی را نیز برای رشد آن نیروهای مولدهٔ جدید روزگار خویش فراهم کرده بود.

اکنون‌جای پرسش است: هرگاه‌مناسبات تولیدی جدید، مانع‌پای‌بند پیشرفت نیروهای مولدهٔ تازهٔ درون جامعه نباشد، آنگاه دیگر «انقلاب اجتماعی» چه مفهوم و چه ضرورتی می‌تواند داشته باشد ؟

در شرایطی که پس از ماه فوریهٔ سال ۱۹۱۷ مناسبات تولیدی و نیروهای مولدهٔ موجود در روسیه، عالیترین‌هماهنگی ممکن را داشتند، کدام ضرورت انقلابی، فراهم و آماده شده بود؟ آیا انقلاب و حاکمیت هدف است یا وسیله؟

راست است‌که درهمهٔ‌انقلابها حکومت وسیله‌یی است تا عوامل سیاسی، اقتصادی واجتماعی ترمز کننده‌یی را که مانع پیشرفت نیروهای مولدهٔ تازه‌اند، از میان بردارد. ولی آیا عوامل سیاسی، اقتصادی واجتماعی نوی که پس از انقلاب فوریه پدید آمده بودند، ترمزکننده ومانع‌پیشرفت نیروهای مولدهٔ جدید بودند؟

آیا جای آن نیست گفته شود، آنچه بدست بلشویکها در ماه اکتبر سال ۱۹۱۷ صورت پذیرفت، درواقع چیزی جز کودتا برای د ردست گرفتن حکومت نبود ؟

حال برمبنای همان اندیشه‌های مارکس رابطهٔ مناسبات تولیدی و نیروهای مولدهٔ موجود در جوامع باصطلاح «کمونیستی» معاصر را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

هرانسان منصفی بحق ازخود می‌پرسد: آیا براستی، درجوامع کمونیستی راه‌پیشرفت نیروهای جدید باز است؟ آیا در جوامع کمونیستی معاصر مناسبات تولیدی وعواملی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وابسته به آن راه را بسوی پیشرفت نیروهای مولدهٔ نو گشوده‌اند؟ در جهان کدام جامعه صنعتی پیشرفته است که همانند جامعهٔ کمونیستی معاصر، منافع رشد آتی «نیروهای مولدهٔ تازه» آن با «مناسبات تولیدی» تابدین پایه در تضاد باشند ؟

---

۱. **شعور اجتماعی** ــ از مفاهیم بنیادی منعکس کنندهٔ زندگی جامعه است. شعور اجتماعی یکی از مقوله‌های فلسفی مربوط به شعور و ادراك انسانی است. شعوراجتماعی از شکلهای منجز شعور انسانی پدید آمده است.

تاکنون نسبت به‌شعور اجتماعی سه‌گونه برخورد صورت گرفته است که عبارتست از: برخورد کلی، برخورد معرفتی، و برخورد اجتماعی.

برخورد کلی عبارت از تحقیق دربارهٔ شعور بدون رابطهٔ آن با شعور فردی است.

برخورد معرفتی، رابطهٔ شعور بازندگی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

برخورد اجتماعی عبارت‌ازاشکال منجز شعور در زندگی جامعهٔ بشر است. این برخورد گاه ممکن است طبقاتی و گاه ملی باشد. ولی هرچه باشد شامل هردوگونه‌ی برخورد فردی و برخورد جمعی به مسألهٔ شعور است.

هرانسانی دارای شعور است. ولی این هرگز به معنای شعور اجتماعی نیست. شعور اجتماعی مفهوم بغرنج‌تری است.

شعور اجتماعی ، نه‌تنها با شعور فردی انسانها در رابطه است، بلکه در عین حال شامل مجموعهٔ اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و نظریه‌های اجتماعی بعنوان یك مجموعه‌ی واحدی است.

شعور اجتماعی ، تنها کل شعور همهٔ جامعه در مجموع نیست. بلکه هرفرد جداگانه نیز دارای شعور اجتماعی است. شعور اجتماعی هرانسان تابع محیطی است که شخص در آن بسر می‌برد. تقسیم‌بندی **شعور فردی، شعور گروهی، شعور طبقاتی و شعور ملی ازهمین محیط انسانی سرچشمه می‌گیرد.**

تضاد موجود

تضاد موجود میان نیروهای مولده نو و مناسبات تولیدی موجود در جوامع کمونیستی معاصر، نکته‌یی نیست که ازنظر افراد جامعه‌های کمونیستی و زمامداران کمونیست دور مانده باشد. از این رو است که زمامداران کمونیست برای حفظ‌مناسبات تولیدی موجود، دست نیاز بسوی همان سرمایه داری «مرتجع» ، «پوسیده» ، «طفیلی» و «در حال مرگ» درازکرده‌اند ومی‌کوشند تا با گرفتن وام و کمکهای فنی وتکنیکی از ایالات متحدهٔ آمریکا، آلمان، ایتالیا، فرانسه، ژاپن و دیگر کشورهای صنعتی، و نیز از طریق سرمایه‌گذاری کشورهای سرمایه داری درکشورهای کمونیستی بردوام مناسبات تولیدی موجود بیفزایند و عمر حاکمیت خویش را درازتر کنند.

می‌توان پرسید : چگونه ممکن است مناسبات تولیدی کهنه و منسوخ بیاری نیروهای مولدهٔ «فوق مدرن» بشتابد و آنرا از سقوط نجات دهد؟ آیا براستی این دو لنگهٔ بظاهر متفاوت از یك قماش نیست؟ آیا بیرنگی اسیر رنگ نشده است ؟

هنگامی که رویدادهای گذشته را از نظر می‌گذرانیم، پرتگاههایی بس عمیق می‌بینیم که میان اندیشه‌ها و واقعیتها پدید آمده‌اند. میان اندیشه‌های مارکس و آن واقعیتی که بنام مارکسیسم و کمونیسم عنوان شده است نیزنظیر همان پرتگاه‌عمیق مشهود است.

مارکس و انگلس خود را منادیان آزادی، دموکراسی وعدالت اجتماعی می‌نامیدند. آنان چنین می‌پنداشتند که در پس انقلاب «سوسیالیستی» مورد نظرشان کاملترین دموکراسیهای عالم» نهفته است. مارکس برآن بود که:

«طبقه کارگر در جریان تکامل، آن چنان اجتماعی‌را بجای‌جامعهٔ کهن‌بورژوازی قرار خواهد داد که وجود طبقات وتضاد میان طبقات را ناممکن سازد.»

اماچنین‌نشد، طبقات‌راه زوال نپیمودند. بلکه «طبقه‌یی جدید» جایگزین طبقات‌کهن گشت. از پس «انقلاب سوسیالیستی» نیز نه‌تنها کاملترین دموکراسی پدیدنیامد، بلکه طبقهٔ جدیدی پا بعرصهٔ وجود نهاد که با طبقات کهن چندان فرقی ندارد.

زمامداران کمونیست که خود را جانشینان مارکس و انگلس می‌شمارند و بر جایگاه آنان تکیه زده‌اند، چنان نظام اجتماعی شگفتی‌انگیزی‌را بربخشی ازجهان تحمیل کرده‌اند، که هیچگاه باخواست گذشتگانشان موافق نبوده است. اینان گفتهٔ هگل درسخنرانیهای مربوط به‌فلسفهٔ تاریخ ونوشته‌های مارکس در کتاب «هیجدهم برومرلویی بناپارت» را در خاطره‌ها زنده می‌کنند.

گئورگ ویلهلم فردریك هگل فیلسوف مشهور آلمانی دریکی‌از سخنرانیهای‌خویش در زمینهٔ فلسفهٔ تاریخ چنین گفته بود:

«تمام رویدادها و همه شخصیتهای بزرگ تاریخی جهانی دوباره ظهور می‌کنند.»

واما عین نوشتهٔ کارل مارکس :

«هگل درجایی می‌نویسد که تمام حوادث و شخصیتهای «بزرگ تاریخی ـ جهانی باصطلاح دوبار ظهور می‌کنند. ولی او فراموش کرد بیفزاید که بار نخست بصورت فاجعه (Tragedie) و بار دوم بصورت مسخره(Comedie)است. کوسیدی‌یر (Caussidiere) بجای دانتون (Danton) لوئی بلان (Louis Blanc) بجای روبسپیر (Robespierre) ومونتانی (Montagne) سالهای ۱۸۴۸ ـ ۱۸۵۱ بجای مونتانی (نمایندگان حزب چپ مجلس انقلابی فرانسه) سالهای ۱۷۹۳ ـ ۱۷۹۵ برادرزاده بجای عم.»

در صورت صحت ، آیا همین حکم و اظهار نظر مارکس در بارهٔ خودش و جانشینانش صادق نیست ؟

هر ادراك و شعوری را نمی‌توان شعور اجتماعی نامید. شعور اجتماعی ادراکی‌است که تا سطح درك روابط اجتماعی ارتقاء یابد. در چنین شرایطی است که شعورفردی و شعور گروهی از شعور اجتماعی متمایز می‌شود.

شعور اجتماعی بیانگر آن سطح از شعور است که به درك روابط اجتماعی و نقش فرد در اجتماع متعلق باشد.

شعور اجتماعی، انعکاسی از زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی نیز جریان واقعی زندگی انسانها ورابطهٔ آنان باطبیعت از یکسو و میان خود انسانها از سوی دیگر است.

سیاست، حقوق، اخلاق، هنر، علم، فلسفه، مذهب و غیره، همه انعکاسهایی از زندگی اجتماعی انسانها است. بعنوان نمونه می‌توان گفت که سیاست در عین اینکه یکی از شکلهای شعور اجتماعی است، هرگز به معنای ویژه و مطلق شعور سیاسی نیست.

بلکه به‌معنای روابط سیاسی میان‌انسانها و گروههای مختلف اجتماعی وسیاسی است.

اخلاق نیز شامل مرام‌ها، آرمانها و روابط معنوی انسانها و نیز شامل همهٔ نظام تربیتی است.

حقوق نیز دارای همین وضع است.

جریان ادراك همواره با خواستهای انسانها در رابطهٔ عمیقی است.

همهٔ انواع وشکلهای شعور اجتماعی، هم حاصل فعالیت معنوی انسانها و نیز حاصل روابط اجتماعی آنها است.

مقولهٔ شکلهای شعور اجتماعی، مفهومی است عام که بسیاری ازمفاهیم خاص مربوط به زندگی انسانها را در خود نهفته دارد.

شعور اجتماعی شامل همهٔ انواع و همهٔ شکلهای شعور انسانها در مجموع خویش است.

تولید نعمتهای مادی، طرز تولید و رابطهٔ انسانها در امر تولید، آن زیربناها و پایه‌های مادی و اقتصادی است که همهٔ شکلهای شعور اجتماعی بمثابهٔ روبنا برآن پایه‌ها و زیربناها استوار شده‌اند.

چون پیشرفت علم، فلسفه، هنر و غیره بظاهر وابسته به زیر بنای اقتصادی نیست ممکن است چنین تصوری پدید آیدکه گویا شعور اجتماعی، انعکاس مستقیم منافع مادی جامعه نیست. این تصوری است نادرست. شعور اجتماعی تنها ضمن رابطه با زیربنای اقتصادی است که می‌تواند پیشرفت حاصل کند ولی باید دانست که این رابطه‌یی بسیار بغرنج است.

رابطهٔ انسانها با اقتصاد و رابطهٔ انسانها بایکدیگر همان عامل تعیین کنندهٔ شعور اجتماعی است.

www.KetabFarsi.com

گفتگو با استاد تاریخ

مصاحبه شونده :

نام	عباس
نام خانوادگی	زریاب
محل تولد	خوی
سن	۵۶ سال
تحصیلات	دکتر در تاریخ
شغل	رئیس دپارتمان تاریخ دانشگاه

مصاحبه‌کننده : محمود عاصمی

تلاش ــ آقای دکتر از خودتان حرف بزنید .

دکتر زریاب ــ من در سال ۱۲۹۸ ش در شهر خوی متولد شده ام .
خانوادهٔ من ازخانواده‌های متوسط الحال شهر بود و پدر من دکان بنکداری داشت با آنکه پدرومادرم از خواندن‌و نوشتن بی بهره بودند مرابمدرسه بردند . ابتدا نزد زنی در کوچه ماکه باطفال‌مردم‌آن کوچه قرآن می‌آموخت . خواندن قرآن را یادگرفتم وپس از آن بمدرسه ابتدائی رفتم . درآن زمان درخوی‌امکان‌تحصیلات‌کامل دبیرستان وجود نداشت و تنها یک دبیرستان تا سال سوم وجود داشت .

دبیر آزموده کم بود و در آغاز هرسال‌تحصیلی مدتی بانتظار رسیدن دبیر تازه در رشته‌های زبان فرانسه و فیزیک و ریاضیات وقتمان تلف می‌شد.

بعضی از دوستان و همدرسان‌من که توانائی ادامه تحصیل در شهرهای رضائیه و تبریز و تهران را داشتندپس از بپایان رساندن سال سوم هر یک

بفراخور حال بآن شهر ها می‌رفتند .

پدر من مانند بسیاری از پدران دیگرنمی‌توانست‌چنین کاری را درباره من بکند . یعنی‌استطاعت مالی نداشت و جبرا" مدتی سرگردان ماندم و چون سخت شیفتهٔ‌تحصیل بودم نزدیکی از ملایان شهر رفتم و از او خواهش کردم تامقدمات‌زبان‌عربی رابمن یادبدهد .

و آن شخص که خداوندش بیآمرزاد پذیرفت و این امر مقدمه آشنایی من بازبان عربی و علوم و معارف قدیم شد . در آن زمان که پای درسهای نو و علوم جدیدتازه بشهر ماباز شده بود و مردم سخت خیره مظاهر فرهنگ عربی بودند . علوم و معارف قدیم مورد تمسخر و نیشخند بودو همدرسان من باطعن و ریشخند مرا آزارمی‌دادند . من بی اعتنا بکار خود ادامه دادم و سرانجام در سال ۱۳۱۶ به قم سفر کردم و مدت شش سال در آن شهر به تحصیل زبان و ادبیات عرب و فقه و اصول و کلام و حکمت قدیم مشغول شدم و در ضمن‌از فراگرفتن زبان فرانسه و ریاضیات نیز غفلت نورزیدم . درسال ۱۳۲۲ از قم به تهران آمدم بعد به آذربایجان رفتم و سرانجام درسال ۱۳۲۴ بطور قطعی در تهران اقامت گزیدم . درسال ۱۳۳۴که‌مدیرکتابخانه مجلس سنابودم بدعوت‌بنیادهومبولدت‌به آلمان رفتم و پس از پنجسال اقامت در آلمان به تحصیل درجهٔ دکتری توفیق یافتم .

تلاش ــ آقای‌دکتربعنوان رئیس دپارتمان تاریخ دانشگاه تهران بنظر شما روش تدریس تاریخ در مدارس ایران صحیح است ؟

دکتر زریاب ــ روش تدریس تاریخ در دبیرستانهامتاسفانه صحیح نیست‌وآن بعلت نبودن برنامه صحیح و کتابهای درسی صحیح است . دانش‌آموزان‌در دبیرستان‌بخواندن‌درس‌تاریخ‌علاقه‌یی نشان نمی دهند وآن را امری بیهوده وزاید می دانند و این یکی بآن علت است که تاریخ به معنی واقعی تدریس نمی‌شودوعلت مهمتر آنست که جامعهٔ ماتاریخ رابه‌عنوان علمی واقعی ارزش نمی‌نهد . سنت تاریخ در مملکت‌مابر پایه‌داستانهاوماجراهای اشخاص بزرگ است و چنین چیزی فقط بدردسرگرمی می‌خورد . واقع این است که فرهنگ ما هیچگاه بتاریخ ارج ننهاده استو حتی‌الامکان سعی کرده است که از تاریخ بگریزد . تاریخ نویسان تا به ماجراهای جالب توجه و خیره کننده توجه داشته‌اند و باستثنای معدودی چندان در پی تحقیق و کشف واقعیت نبوده اند . هنوز بسیاری از درس خوانده‌های ما تاریخ را صرف داستان ودروغ می‌دانند . اینکه دردبیرستان‌ها تاریخ در برنامهٔ‌دروس گذاشته شده است و در دانشگاه ها گروه تاریخ تأسیس شده است نه برای آنست که احتیاجی‌باطنی و عمیق و روحی برای آن حس شده است ، بلکه به پیروی از برنامه های ممالک متمدن مغرب زمین این‌کارراکرده‌اند . شنیده‌ام‌وقتی‌که‌علامهٔ مرحوم محمد قزوینی به تهران آمد خواستند برای او درسی در دانشکده معقول و منقول آن روزگار بگذارند و خودآن مرحوم تقاضا کرده بودکه این درس تاریخ باشد . هنگام طرح این پیشنهاد در جلسه دانشکده یکی از استادان اعتراض کرده بود که تاریخ چیزی نیست‌که آنرا درس بدهند . زیرا هرکس‌سوادی داشته باشدمی‌تواندخود کتاب تاریخ را بدون نیاز به استادو معلم بخواند . آن استاد که پروردهٔ فرهنگ اصیل مابودراست‌می‌گفت . زیرا تاریخ به معنی داستان نیازی بتدریس ندارد و همچنانکه کتاب هزارویکشب را نزداستاددرس‌نمی‌خوانند . روضة‌الصفا و عالم آرای عباسی نیز همین حال را دارد . تاریخ به معنی علمی و واقعی خودآن‌چنانکه‌در کشورهای مغرب زمین از عهد رنسانس تابحال پیشرفت کرده است هنوزپای خود را در فرهنگ ما نتوانسته باز کند .

تلاش ــ یک‌جامعه‌در حال پیشرفت بیش از هرچیز نیازمند به یک غرور منطقی استو تاریخ یکی از بهترین وسایل برای تجدید چنین غروری است .

بنظر شما چه روشی راباید در ایران بکار برد تا چنین نتیجه یی حاصل گردد ؟

دکتر زریاب ــ "غرورمنطقی" اصطلاح بظاهر خوبی است ولی مستلزم تناقض است . منطق و غرور با هم نمی سازند جایی که صحبت غرور بمیان آیدمنطق مغلوب‌می‌شودومی‌گریزد . غرور احساس است و منطق عقل و شحنهٔ‌عقل در ولایت احساس هیچکاره است . برای بدست آوردن غرور باید بسیاری از حقایق و واقعیات راندیده گرفت ،خود را بیشتر بزرگ دانست و دیگران را بیشترحقیرو زبون شمرد ، بایدشکست‌ها را انکار کرد و در پی کشف پیروزیهایی که هرگزنبوده است رفت . باید اسکندر را دروغ شمرد ، یونانی و تمدن یونانی را بهیچ شمرد ،

و از مغول وترک سخنی نگفت و تاریخ را چنان نوشت‌که گویی همین‌الان‌داریوش زنده استو سربازان ما در ترموبیل و دریای مدیترانه می‌جنگند . اما منطق حقایق و وقایع راچنانکه اتفاق‌افتاده است می بیند .

برای‌منطق‌شکست ملتی و پیروزی ملتی دیگر یکسان است . ما در گوگمل وقادسیه‌و چالدران شکست خورده‌ایم اما در حران نصیبین و قندهار و ایروان پیروزشده‌ایم و ملت امروزی ماو وجود کنون ما محصول این شکست هاو پیروزیها است . منطق می‌گوید اینهارا چنانکه هست باید پذیرفت .اما فلان همسایه می گوید چالدران را بایدگفت و از شاه‌عباس باید سخن نگفت و فلان مورخ هم می‌گویدباید شاه عباس راگفت و از چالدران اسمی نبرد . اگر هردو مؤلف به سائقه غرور ملی و احساس میهنی‌درست می‌گویندپس جایی برای منطق وجود ندارد به‌عقیدهٔ من تاریخ را نه‌برای‌کسب غرور ، بلکه برای‌آنکه خود علمی است مستقل و روش تحقیق مستقل در دانشگاه ها و آموزشگاهها باید تحصیل کرد . آنچه در تاریخ رخ داده است همه‌اش موجب غرور نیست چنانکه همه اش موجب سرشکستگی نیست .

اگر بگوییم تاریخ را باید برای برانگیختن‌غرورتدریس کرده ، بدنبال آنچه مایه غرور است خواهیم رفت واز آنچه آنرامایهٔ‌سرشکستگی می دانیم گریزان خواهیم شد و بدین ترتیب در دام جهل و ظلمت خواهیم افتادو فرسنگهاازروش علمی‌دور خواهیم شد .

تنها روش تاریخ روش مستقل علمی و تحقیق برپایهٔ‌قبول واقعیات است .

تلاش‌ـ روش‌های‌مطالعاتی تاریخ در دنیای امروز بسیار تغییر کرده است آیا براساس‌این روش ها تاریخ ایران نیز مورد مطالعه قرار گرفته است ؟

دکتر زریاب ـ روش علمی تاریخی دو مرحله دارد :

مرحلهٔ‌تحقیق و مرحلهٔ‌نگارش و بیان .

مرحلهٔ‌تحقیق بررسی اسناد و مآخذ ومدارک‌برپایه علوم کمکی تاریخ از قبیل باستانشناسی و خط شناسی‌و زبان شناسی و جغرافیا و علم الانساب و علم آمار و غیر آن است . پس از آنکه‌واقعیات به محک علوم مذکوررسید وظن‌متأخم‌بعلم یاگمان نزدیک بسرحد یقین حاصل آمد ، مرحله دوم که تا اندازه یی جنبهٔ هنری‌نیز دارد فرامی رسد و آن بیان و نگارش تاریخ است .

از گذشتگان ما مرحوم قزوینی‌و مرحوم تقی‌زاده‌درمرحله‌تحقیق‌بودند ، پیرنیا و مرحوم کسروی قدرت بیان‌و نگارش تاریخ را داشتند و در میان معاصران‌ما نیزعده‌یی معدود اهل این دومرحله هستندولی‌متأسفانه این عده بسیار معدوداست واکثریت با مدعیان

است .

تلاش ــ بسیاری از تاریخ دان‌های‌ایران از روش تحقیقاتی مستشرقان خوششان‌نمی‌آیدچرا ؟

دکتر زریاب ــ مستشرقان راه و روش تحقیق تاریخ رابما یاد دادند تاریخ‌مملکت خود را بر طبق اصول و موازینی‌که‌دردانشگاهها‌وپژوهشکده‌های جهان متداول است بنویسیم . اگر کسانی به همین علت از مستشرقان خوششان نمی‌آید زهی‌نادانی وهزاران دریغ و افسوس . باز جای تأسف است زیرا اشتباه بخشودنی است و انسان با سهو ونسیان و اشتباه همدم است .

عمده بکار بردن روش صحیح است اگر کسی روش صحیح را بکار برد ولی در جزییات اشتباه کرد مانند آن طبیبی که طب خود را بکار ببرد ولی موفق نشودیامجتهدی که بگوید قحط باشد و مصیبت نباشد ، سزاوار سرزنش نیستند. ممکن‌است‌بعضی‌ازخاورشناسان مملکت مارادوست نداشته باشند و در داوری‌های تاریخی‌بسود ما حکم‌نکرده باشندولی گناه این عده در برابر آن عده کثیری که صادقانه برای روشن کردن زوایای تاریخ و فرهنگ ما کوشیده‌اند بخشودنی است . بخصوص که خود مستشرقان دانا و بصیر پاسخ آن عده مغرض را در نوشته هایشان می دهند اگر گفته شود بعضی از خاورشناسان‌درخدمت استعماربوده‌اند باز دلیل نفی کلی نمی‌شود و تازه اگر کشفی و تحقیقی عالمانه برای غرضی پلید بعمل آید منطق صحیح حکم می‌کندکه‌آن‌کشف و تحقیق را با آغوش باز پذیرفت و آن غرض پلید را مورد نکوهش قرارداد ، مانند شکافتن هسته و آزادکردن نیروی اتم و یا سیردرفضا و تسخیرکرهٔ ماه که اگر گفته شود غرض از آن غیر انسانی و برای منافع مادی وبراساس‌تسلط براقوام دیگر است خود عمل برای انسان کشف بزرگی است و عمل پلید نیست بلکه بکاربردن‌آن در راه نادرست پلید است مستشرقی مانند بارتولومه که در گوشهٔ‌کتابخانه خود نشسته ولغت اوستا را تدوین می کند ، یا آن کسی که تحقیق در زبانهای‌مردهٔ‌سغدی‌وخوارزمی می‌کند ، یا آنکه شب و روز برای تدوین دستور زبان یافرهنگ‌ملی‌ماکار می‌کند . کارش درخورستایش وآفرین است ، نه نفرین و لعن و بدگویی . عده‌یی هم هستند بخاطر نوآوری کاذب و بدست آوردن شهرت کاذب درپی طعن به مستشرقان هستند و نتایج تحقیقات ایشان را تحقیر می کنند . با این عده کاری نمی‌شود کرد و فقط تیغ آبدار حقیقت و شعاع تابناک واقعیت است که میان حق و باطل تمیز می‌دهد و اگر جاهلی چندبدنبال‌نوآوران کاذب و پیغمبران دروغین بروند ضرری باصل حقیقت و واقعیت نمی‌رسانند . ادعای اینکه‌تمام مورخان غرب و خاورشناسان ، متحد شده و دست بدست هم داده اند تا تاریخ مملکت مارا بسود یونان‌و روم و یهود تحریف‌کنندادعای چنان مضحک ومسخره‌یی‌است‌که‌فقط برای‌خنده‌وتفریح خاطرممکن است‌مورد توجه قرار گیرد .

تلاش ــ شما چه روشی را پیشنهاد می‌کنید ؟

دکتر زریاب ــ دولت ایران تاکنون با تشکیل کنگره های ایرانشناسی‌و باستانشناسی و دعوت از استادان و محققان بزرگ جهان گامهای مثبتی‌در راه تشویق وترغیب علمی برداشته است ولی این کافی نیست‌دولت‌ایران باید بورس های متعددی برای دانشجویان مستعد تخصیص دهد که بتوانند دردانشگاههای اروپا و آمریکا باروش علمی جدید آشنا شوند .

دستگاههای مربوط در مملکت ما رغبتی به تاریخ و بطور کلی به علوم انسانی نشان نمی‌دهندو حتی‌الامکان از دادن بورس به دانشجویان این رشته‌ها استنکاف می‌ورزندمنهم موافقم به‌کسانی‌که فقط استعدادشان‌دربدست آوردن توصیه ها و تحصیل حامی و پارتی است نباید بورس داده شوداما اگر در این دنیای صنعتی که همه بدنبال‌تکنولوژی‌می‌روند، دانشجوی با هوش‌وقریحه‌یی پیداشودکه‌مقصودراستین و غایت‌مطلوبش تحصیل‌علوم انسانی باشد ، چنان با ارزش و گرانبها است که صرف مبالغ هنگفتی برای تربیت او قطعا" بسود مملکت تمام می‌شود .

تلاش ــ آیا در نتیجهٔ تحقیقات اخیر اتفاق افتاده است حوادثی که پیش از این واقعیت‌پنداشته می‌شد اکنون چهره افسانه بخود گرفته‌باشد؟

www.KetabFarsi.com

دکترزریاب ــ تحقیقات علمی، بسیاری از گوشه های مبهم و تاریک تاریخ را روشن ساخته است.

کشف کتیبه‌ها و خواندن خطوط قدیم وپیدا شدن سکه‌ها ونسخه‌های خطی و اسنادی که تا کنون ناشناخته بوده است، گاهی چهره تاریخ دوره یی را دگرگون ساخته است وبرای مثال تاریخ دورهٔ اشکانی را نام می‌برم که در کتابهای قدیم جز چند نام از ایشان نشان نمی دادند ولی از یک سده به این طرف تحقیقات مداوم بکلی چهرهٔ تاریخ ایران اشکانی را عوض کرده است.

تحقیقات باستانشناسان و عالمان شوروی در محل شهرنیسای قدیم نوید دگرگونی‌های تازه تری می‌دهد وهمین طوراست تاریخ ماد و اورارتو وعیلام و نظایر آن.

تلاش ــ کارتحقیقاتی تازه چه در دست تحقیق دارید؟

دکترزریاب ــ دایرهٔ اطلاعات من چنان است که تحقیقات خود را باید منحصر بدورهٔ اسلامی آنهم چندسدهٔ نخستین این دوره بکنم و همین الان مشغول تحقیق در چند قسمت از این دوره هستم که امیدوارم بتوانم نتایج آنرا بتدریج منتشر سازم.

تلاش ــ متشکرم که ساعتی از وقت خودتان را بما اختصاص دادید.

گریهٔ شیخ

چنین شنیدم که روزی شیخ شبلی در مسجدی شد ، تا دو رکعت نماز بگزارد و زمانی برآساید. در مسجد کودکان دبیرستان بودند ، اتفاق را وقت نان خوردن کودکان بود ، و دو کودک به نزدیک شبلی نشسته‌بودند ، یکی‌پسر منعمی‌بود و یکی‌پسردرویشی ، و دو زنبیل‌نهاده بودند ، در زنبیل پسر منعم نان و حلوا بود ، و در زنبیل پسر درویش نان‌تهی . پسرمنعم نان و حلوامی‌خورد ، پسردرویش ازوی حلوا همی خواست . پسر منعم گفت : اگر ترا پاره‌یی حلوا بدهم تو سگ من باشی ؟ گفت : باشم . گفت بانگ کن تا ترا حلوا بدهم .

آن بیچاره بانگ سگ همی‌کرد ، و پسر منعم حلوا بوی همی‌داد . چندبار هم‌چنین‌کرد و شیخ شبلی در ایشان نظاره می‌کردومی‌گریست. مریدان گفتند : ای شیخ ترا چه رسید که گریان شدی ؟ گفت : نگاه کنید که طامعی و بی قناعتی بمردم چه می‌کند ؟ چه بودی آن کودک بنان خشک‌تهی خود قناعت می‌کرد و طمع حلوای آن‌کودک نکردی؟ تا وی را سگ همچون خود نبایستی بود .

قابوسنامه

فرهاد مشکوة
و هما احسان
با هم سخن می‌گویند

من عاشق بچه‌ها و گربه‌ها هستم

"فرهاد مشکوة" به مصاحبه عادت کرده‌است . تقریبا "هرروزدربرنامه‌اش یکی دو مصاحبه‌هست . ولی مصاحبه‌ها غالبا" در یکربع ساعت وبیشتر نیمساعت خلاصه می‌شود ، آنهم درفاصلهٔ تمرین‌هایا مدت های گوناگون . ولی من می‌خواستم که وی نصف روزش را به پاسخ پرسش های من اختصاص‌دهد ، آنهم نه در محل‌کارش ، در منزلش ، آنجاکه "فرهادمشکوة" شاید به خودش نزدیکتر می‌شود . آن آدم‌اداری که توی دفترش نشسته و رابطه‌اش بادیگران به‌ارادهٔ رئیس دفتر و رئیس روابط عمومیش و منشی‌هایش برقرارمی‌شود موردعلاقه‌ام نبود . رئیس روابط عمومیش گفت : نصف روز مصاحبه ! آنهم در منزلش؟ محال است . وی چنین وقتی ندارد .

او حتی‌نمی‌توانست به راحتی درخواست مرابه اطلاع آقای رئیس برساند ولی سرانجام دوستان کمک کردند و قرارما برای مصاحبه در منزل "فرهادمشکوة" گذاشته شد . مصاحبه‌یی در نصف روز کامل .

خانه‌اش از محل کارش چندان جدانیست ، هم چنانکه زندگیش از کارش جدا نیست . روبروی دفتر کارش ، در یک آپارتمان ، بالای پارکینگ کارمندان "تالارروودکی" و بالای کارگاه‌دکور ، آپارتمانی است‌نه چندان کوچک ولی با وضعیتی‌خاص . در راه از یک نفر می‌پرسد : "ساز را کی تحویل می‌دهی . . . " و نگاهی به من‌دارد که شنیده باشم .

پله‌ها ازوسط پارکینگ و کارگاه دکور بالا می‌رود و درساده‌یی وسط یک سالن باز می‌شود ، کف آن با زیلوهای باریک رنگی پوشانده شده و دورتادور سالن تابلوهای خط و نقاشی ازآثار " زنده‌رودی " و یک تابلوی قلمکار قدیم و چند " آفیش" به دیوار تکیه شده . بی‌آنکه نصب شده باشند . خودش می‌گوید :

ــ دوست ندارم آویزانشان‌کنم . اینجور بهتر احساس می‌کنم که زندگی‌موقت است . بالای‌سالن ، کنارپنجره‌یی که همهٔ هیاهوی پارکینگ رابه اتاق می‌آورد ، میزکارش است . و روی آن کوزه‌یی است که روی آنرابا نوارهای باریک پلاستیک رنگی بافته‌اند ، و توی آن گلهای ریز ودرشت پلاستیکی است وتوی هرگل یک لامپ کوچک است که وقتی به برق میزنی به رنگ زرد و سبز و قرمز روشن می‌شود ؛ یک کاردستی دهقانی‌است . می‌گوید :

ــ این قشنگترین چیزی است که توی اتاقم هست ! . خیلی دوستش دارم . یکی ازدوستانم برای‌مردی ، کار ساده‌یی پیدا کرد واو یک شب تا صبح این گلدان را برایش ساخت و به او هدیه کرد : من آنرا از دوستم گرفتم ، نگاه کنید ، گواه یکدنیا صفا و صمیمیت است .

پیانوی کوچکی در یکطرف سالن به دیوار چسبیده ونزدیک آن کتابخانه‌یی است پر از کتاب و صفحه و بخاری دیواری کوچکی که دودزده است . "مشکوة" می‌گوید

ــ این تلویزیون هرگز روشن نمی‌شود !

گربهٔ بزرگی روی میز چهارگوش کوتاهی که وسط چند صندلی راحتی قرارگرفته می‌لمد واز نوازشهای آقای صاحب خانه برخوردار می‌شود . مشکوة می‌گوید :

ــ من گربه ها وبچه هاراخیلی دوست دارم . از گربه‌هانفس کشیدن یاد می‌گیرم و از بچه‌هادوست داشتن و راستی‌را . آنها وقتی ادا در می‌آورند ، می‌گویند که ادا در می‌آورند .

از "فرهادمشکوة" آنچه می‌دانستم همانهایی بود که در معرفی نامه‌هایش می‌نویسند . که ویلن رادر کنسرو اتوارژنو آموخته ، در آمریکا به کار آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخته و تخصص رادر رهبری ، در کالج موسیقی "مانیس Manis " با "کارل‌هامبرگر" گرفته است . در ۱۹۶۸ جایزهٔ اول کنکور "دیمیتری میتروپولوس" درنیویورک رابرده است و تاکنون رهبری ارکستر فیلار مونیک نیویورک ، ارکسترفیلار مونیک لوس انجلس ، ارکستر ملی‌واشینگتن ، ارکستر سمفونیک آکادمی "سانتاچی‌چیلا" در رم و ارکستر رزیدانس لاهه رابعهده داشته و اینک سه‌سال است‌که رهبر و مدیر هنری واداری ارکستر سمفونیک تهران است و کوششهایش اعتبارمهمی به این ارکستربخشیده است .

می‌دانستم رهبری هنرمنداست‌واو رادر روی صحنه دیده بودم‌که‌چه خوب رابطه‌اش را ازیکسو بااعضای‌ارکسترش و ازسوی دیگر باتماشاگر حفظ می‌کند . شنیده بودم آدم باهوش و زرنگی است وشوخ طبع و نکته سنج وپرانرژی .

وقتی روی مبل نشستیم در نگاهش نوعی عجله و شتاب بود . وانمود کردم که تعجیلش را نمی‌فهمم و صحبت را به آرامی از خانواده‌اش شروع کردم :

● از خانـواده‌تان شروع کنیم...

● پدرم تاجـر است و دلش‌می‌خواست من هم تاجـر باشم و به موسیقی بعنوان تفنن بپردازم. بهرحال‌من از هشت سالگی در سویس نواختن ویلن را آموختم واز همان اول علاقه‌زیادی به موسیقی پیدا کردم، بعد به آمریکا رفتم که اقتصاد بخوانم ولی‌من عاشق رقص و تآتر و موسیقی و مجسمه سازی بودم. یك‌روز دردانشگاه‌یك مجسمه ساختم و از خلق آن، چنان غرق لذت شدم که اقتصاد را بکلی کنار گذاشتم. آنروز فهمیدم فقط هنر مرا خوشنود می‌کند، نه‌پول و اقتصاد. آنوقتها خیلی هم خوش می‌رقصیدم، باله و رقصهای مدرن، بعضی پیشنهادکردند به دنبال رقص بروم، بعضـی تآتر را بهتر می‌دانسـتند. ولی من‌موسیقی را انتخاب کردم، امـا چون ۱۹ سالم بود و برای گرفتن تخصص‌در ویلن دیر شده بود، آهنگسازی را انتخاب کردم.

● پس شما در نوجـوانی‌راهتان را از پدر ومادرتان جداکردید وبی‌توجه به‌خواست‌و نظر آنها زندگی خودتان را ساختیـد. این استقلال وانتزاع را برای همه نوجوانها می‌پسندید ؟

● من درنوزده‌سالگی مسؤولیت‌خودم را شناختم و پذیرفتم. وقتی بچه بودم مثل همه بچه‌های ایرانی اطاعت‌مطلق از پدر و مادر را می‌آموختم. این اطاعت اگر کورکـورانه باشدآزادی و قدرت تفـکر را از آدم می‌گیردوبچه احساس‌می‌کند مسؤولیت‌اصلی با پدر و مادر است وانتخاب هم با آنهاست. این روحیه در من بود تاوقتی که خودم به فکر کردن رسیدم. یك روز کتاب «پیغمبر» اثر خلیل‌جبران» را می‌خواندم. داستان زنی‌که بچه‌اش را شیر می‌داد. از پیغمبـر پرسید: شما درباره بچه من چه می‌گویید پیغمبرجواب می‌دهد: «بچه‌مال‌تو نیست، مال زندگی است».

این جواب مهمی بود که زمینهٔفکری مرا تغییر داد. مسؤولیت من نسبت به بچه‌های خودم است نه پدرو مادرم. نسبت به آنها وظیفه‌یی‌دارم ولی مسؤولیتم نسبت به امـروز وفرداست. جدا کردن عقایدم از پدر ومادرم ومشخص کردن خط زندگیم،نوعی بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی به‌آنها نیست. من به آنها افتخار می‌کنـم.آنها بهترین دوستان من هستند. چیزی که هست بشر باید خواه ناخواه خالق‌زندگی خودش باشد.

● یا دست‌کم خیال کندکه هست.

● نه، باید باشد! اگر قضیه تنهادر آفرینش خواست‌های پدر و مادر خلاصه شود کافی نیست. روزی که‌خط زندگیم را شخصاً انتخاب کردم، در حقیقت فعالیت اصلی زندگیم رامشخص کردم. از پدر و مادرم که فاصلهٔ زیادی میان اقتصاد و موسیقی‌می‌دیدند خواهش کردم دست‌کم چهار سال به من مهلت بدهند تا خودم راپیابم و بیازمایم. چون می‌دانستم که

موسیقی یکی از مشکلترین رشته‌هاست.

● آیا نمی‌خواستید به‌خانواده ثابت کنید که موسیقیدان خوبی خواهیدشد.

● نه، این برایم اصل‌اول نبود. از موسیقی لذت می‌بردم و تصمیم گرفتم زندگیم را در موسیقی کمال بخشم. اگر در موسیقی موفق نمی‌شدم می‌رفتم سراغ رشته‌های دیگر مثل کامپیوتر و کار با ماشینهای I.B.M چون سه سال هم در این زمینه کارکردم. یك چیز برای من روشن بود، که پول برایم هدف نیست. وسیله‌است، در حالی که برای یك تاجر پول هدف است. من از موسیقی لذت می‌بردم، حالا هم هیچکس در خانواده ازاینکه چرا اقتصاد نخواندم متأسف نیست. آنها با غرور مرا می‌پذیرند.

● آیا از کارتان لذت هم می‌برند؟

● نمیدانم، ولی غالباً به‌تماشای اجراهایم می‌آیند، هفت سال پیش که به دعوت جشن هنر شیراز به ایران آمدم مادرم خواست که در یکی از تمرین‌هایم شرکت کند باتفاق خانمی از دوستانش آمد. هوا گرم بود ومن یك پارچ آب کنار دستم داشتم که‌درهر فرصت برمی‌گشتم و آب می‌خوردم و به آنها نگاه می‌کردم، بعد از ده‌دقیقه وقتی برگشتم دیدم رفته‌اند. بعد که مادرم را دیدم باحالت مخصوصی گفت «فرهاد جان کسی که نمی‌فهمد تو چکار می‌کنی، چرا انقدر خودت را زجر می‌دهی، بگذار هرکس هرچه دلش می‌خواهد بزند، چه فرقی می‌کند؟!»

خیال می‌کنم این نخستین‌بار بودکه مادرم احساس می‌کرد کاری که می‌کنم لااقل یك کار جدی است. درهمان سال بود که جایزهٔ اول جشن‌هنر شیراز را گرفتم . برای مادرم تنها این مهم است‌که پسرش رهبری ارکستر را بعهده دارد. کیفیت کار مطرح نیست.

● بقیهٔ تماشاییان‌را چطورمی‌پندارید. سالن تقریباً پر از آدمهای هم‌سن و سال پدر ومادر شماست. آیا آنها هم تنها از رهبری شما لذت می‌برند. شما برای کم کردن فاصلهٔ فرهنگی این دو نسل چه می‌اندیشید؟

● تماشاییان بسیار خوب‌اند وتعدادشان در مدت سه سال گذشته زیاد شده است. در نخستین فصل هنری که‌با ارکستر سمفونیك تهران کار می‌کردم هر چهار هفته یك‌برنامه داشتیم، در سال سی اجرا داشتم و ٦٠ تا ٧٠ درصد سالن پر می‌شد. بلیطها یکی‌دوروز قبل ویا در همان روز اجرای برنامه بفروش می‌رسید. سال دوم هرسه هفته یك برنامه داشتیم، جمعیت‌به ٨٠٪ رسید ولی بازهم مردم که عادت ندارند وقت تفریح خود را از قبل برنامه ریزی کنند، خرید بلیط رامی‌گذاشتند برای دوسه روز قبل از اجرا. اما حالا ما هر دوهفته یك‌اجرا داریم، سالی ٣٨ تا ٤٠ برنامه، بلیطها ده روز قبل بفروش می‌رسدو غالباً نایاب می‌شود.

● فکر نمی‌کنید بالارفتن‌قدرت خرید مردم هم دراین باره نقش مهمی دارد ؟

● نه، بهیچوجه. مردم که‌پولدارمی‌شوند می‌توانند بروند قمار هم بکنند. من سه چهار علت مهم را مؤثرمی‌دانم: نخست بالا رفتن سطح کار ارکستر چه از نظرگاه کیفیت کارو چه‌از نظر کمیت، ارکستر سمفونیك تهران اینك به حدی رسیده است‌که«آرائو» دعوتش را بپذیرد. ارکستر سمفونیك تهران اندك اندك به‌شهرت‌جهانی می‌رسد.

● شاید آمدن کسانی مثل «آرائو» چنین شهرتی را برایش دست و پا می‌کند.

● ولی بهرحال ارکستر هم به‌حدی رسیده است‌که بتواند جوابگوی «آرائو» باشد. این بزرگان موسیقی‌با هر ارکستری کار نمی‌کنند.

● جز اینها چه عوامل‌دیگری می‌دانید ؟

● عامل مهم دیگر اینست که‌مردم شروع به کنجکاوی دربارهٔ موسیقی کرده‌اند. برنامه‌های ارکسترتکراری نیست و مردم می‌دانند هربار چند قطعه تازه خواهند شنید و البته‌تأثیر اجرای زنده از یك اثر خیلی بیشتر و دلپذیرتر است. در سه سال‌گذشته ما تقریباً هفتاد اثر خیلی مهم را برای نخستین بار اجرا کردیم که‌رقم مهمی است. مردم وقتی اجرای ارکستر را می‌شنوند می‌روند صفحه‌اش‌را هم می‌خرند. البته در اینجا قدرت خرید تأثیر دارد، و همین هم سطح آگاهی واطلاع مردم را بالا می‌برد.

بطور کلی عامل مهمی که سبب‌تشویق کار ارکستر می‌شود همان بالا رفتن سطح فرهنك و آگاهی مردم است. درست نیست که هرچیزی را ثمر رشد اقتصادی بدانیم. در تهران در حدود ٢٤ هزار نفر دانشجو داریم، اینها کسانی هستند که فقط تلویزیون وسینما راضیشان نمی‌کند. علل دیگری که سبب روی آوردن مردم به سالن ارکستر سمفونیك می‌شود خستگی مفرطشان از فشار زندگی شهری وماشینی است. مردم درباطن خود نیاز به آرامش احساس می‌کنند. درست‌است که در سالن، پدر و مادرهای ٥٠ ــ ٦٠ ساله هم می‌آیند ، غالباً هم با فرزندانشان می‌آیند چون لذت می‌برند. شاید کمتر از کسی که می‌فهمد لذت می‌برند ولی بهرحال، دیگر نمی‌توانند در باغ خانه خود روی نیمکت راحت بنشینند و بطور کسل کننده‌یی بخواب بروند. دیگر تخیلات پدر و مادر هم آزاد نیست. شنیدن اجرای ارکستر سمفونیك آرامش تازه‌یی به آنها می‌دهد حتی بعضی‌شبها برای مهمانان خودم جا نیست. نه، نه بهیچوجه مسأله پولدار شدن مردم‌دلیل پر شدن سالن نیست. بلیطهای ما حداکثر ٢٠ تومان است. در ایران همه‌چیز پیشرفت کرده. اگر با اینهمه پیشرفت کیفیت در کارمان نباشد، پیشانی من، باز نیست. اینهمه دانشگاه که می‌سازیم واینهمه دانشجو که داریم وسایل سرگرمی ولذت‌سالم می‌خواهند.

برای من استقبال مردم عادی‌خیلی مهم است. منکه بازیکن فوتبال نیستم که همه مرا بشناسند، ولی یك بار در بازار تهران یك واسطه مرا شناخت واز من امضاء گرفت، یکی‌دیگر می‌گفت آقای «مشکوة، دوستت دارم». اینها اشراف دروغین وثروتمندان تازه به‌پول رسیده نیستند؛ جوانهای ساده و مردم عادی هستند.

● خیال می‌کنید این‌تعارف و تواضع و برخورد دوستانهٔ مردم به این جهت‌است که کار شما را درك می‌کنند وازآن لذت‌می‌برند؟ هنرمندان‌به شیوه‌های مختلف از مردم دریافت‌ایرازاحساسات می‌کنند.

● «آرتیست»ها ازسدهٔ نوزدهم‌معمولا خود را می‌گرفتند و سعی داشتند میان خودشان با مردم‌فاصله‌یی بگذارند، این هنوز هم هست. در کشور ما هم هست. حتی گاهی‌تحصیل کرده‌های خارج از کشورسعی می‌کنند بانوعی رفتار ولهجه، فاصله‌یی‌میان خودشان و دیگران قائل شوند. من مخالف این رفتارم. حتی امروزبا اینکه می‌دانستم با شما قرار گفتگو دارم سعی نکردم کراوات بزنم وکت‌و شلوار بپوشم، چنانکه هرروز چون مدیر هستم، کراوات نمی‌زنم که مبادامشخص باشم. بنظر من هنرمند باید خود را عنصر اجتماعی که در آن‌زندگی می‌کند احساس کند نه جدا از آن. بنظر من سلامت فکر و جسم‌برای هنرمند شرط لازم است، هنرمند بدبخت و نالان و بدبین که همیشه‌اندوهگین است چه بهتر که در برج عاج خود بنشیند و از مردم فاصله‌بگیرد ولی او دیگر متعلق به‌روزگار ما نیست. هنرمندان بزرك سده‌های‌پیشین هم‌چنین نبودند. «باخ» و «هایدن» آدمهای سالم وخلاقی بودند، عاشق کار و تمدن واجتماعشان بودند، همیشه اندوهگین هم نبودند. من‌نمی‌خواهم جلب توجه یا ترحم بکنم.

● آیا تصور می‌کنید کوششهایتان دراعتلای فرهنك مردم ثمربخش است؟

● بعضی موسیقی را نوعی«آسپرین» برای سردردهای مردم می‌دانند ولی وقتی صحبت از فرهنك‌و هنر می‌کنیم موضوع عمیق‌تر است. مسأله تنها تسکین دردهای مردم‌نیست. «مالارمه» می‌گوید: «شعر زبانی است در حال بحران». شاعر با چگونگی‌استفاده از کلمات مفهوم آنها را تغییر می‌دهد و ثروت جدید وعمیقی‌به کلمه می‌بخشد. موسیقی هم از نظر من همین نقش را دارد. لالایی را هرکس می‌تواند بخواند، که آسپرین بچه است. اما این برای بوجود آمدن‌یك فرهنك و تمدن کافی نیست. مردم برای من خیلی مهم هستند. وقتی دوهزار نفر در مجموع دوشب اجرای مرا می‌شنوند حتماً درك و فهم مجموع‌آنها از من بیشتر است حتی اگر قبول کنیم که هرکدام فقط یك‌نکته‌را می‌فهمند . من باید بکوشم که به مجموع آنها برسم.

● شما به جماعتی که به‌قول خودتان تازه راه سالن ارکستر سمفونیك را بعنوان‌یك تفریح وسرگرمی‌شناخته‌اند

وموسیقی را برای‌رفع خستگی‌و آرامش عصبی می‌خواهند، موسیقی الکترونیك و مدرن‌هم می‌دهید با این قصد که‌در اعتلای فرهنك و هنرش‌بکوشید. آیا توجه می‌کنید که او از این اجراها چه چیزمی‌گیرد؟

● نظر و احساسشان برای منهم‌جالب توجه و مهم است. سال گذشته به‌مناسبت سالگرد مرك «صادق‌هدایت»ما قطعه‌ای از «علیرضا مشایخی» به نام «بوف‌کور» اجرا کردیم که ۳۵دقیقه طول کشید. کاری بود تجربی و مشکل، هم برای نوازنده‌ها مشکل‌بود، همه برای رهبر ، و هم برای جمعیت که لازم بود ۳۵ دقیقه تمرکزفکر داشته باشد. مردم خوب دست‌زدند و این برایم مهم و حتی عجیب بود. نظر بعضی‌را پرسیدم. جوابهاگوناگون بود.

«عیناً بوف‌کور بود»... «فقط‌قسمتهایی از بوف کور بود». «اصلا بوف‌کور نبود»، «چیزی نفهمیدم ولی‌معلوم بود که مشکل بود»، «برای زحماتی که شما کشیدید دست زدم.»

این قدردانی واحترامی که‌مردم‌نسبت به‌انتخاب من دارند ، برایم مهم است. من آرزو دارم بتوانم حداقل‌آنها را نسبت به معیارها و ضوابط خودشان آگاه‌تر کنم. از این گذشته۳۵ دقیقه تمرکز فکر فوق‌العاده مهم است، یکنوع تمرین ذهنی است. همان‌کسی که چیزی نفهمیده بود یا همان کسی که گفت اصلا بوف کور نبود۳۵ دقیقه به فکر فرو رفته بود.

● شاید هم فقط سکوت‌کرده بود.

● شاید، ولی بهرحال این‌تجربه‌وسیله‌ایست که در عقاید و اطلاعات‌و برداشتش از «بوف‌کور» تجدید نظرکند. فراموش نکنید که‌صحنهٔ ارکستر سمفونیك جذابیت زیادی ندارد و ۳۵دقیقه‌نشستن واجرای ارکسترسمفونیك را از یك اثر الکترونیك دیدن وشنیدن کار ساده‌یی نیست. ومجموع همه این‌ها راه یافتن به شناخت‌های‌جدید است.

● آیا آهنگسازان ایرانی که‌در زمینهٔ موسیقی‌الکترونیك کار می‌کنند آن فاصلهٔ زمانی‌را از «باخ» و «بتهوون» تا موسیقی‌الکترونیك پیموده‌اند؟یا مانند شنوندگانشان از یك نقطهٔ مجهول به اینجایی که هستند یا دعا می‌کنند ، یك باره پرتاب شده‌اند ؟!

● از من نخواهید که دربارهٔ‌آهنگسازان ایرانی اظهار نظر کنم.

● ولی شما آثارشان رااجرا می‌کنید. لااقل باید احساسشان را درك کنید.زبانشان را بفهمید تا بتوانید آنرا به شنونده منتقل کنید.مگر نه ؟

● اگر ما اجرا نکنیم چه کسی‌اجرا بکند! متأسفانه بیشتر آهنگهای آهنگسازان ایرانی منتشر نمی‌شود. من‌و نوازندگان ارکستر همکار و وکیل آنها هستیم؛ قاضی نیستیم، از این‌روبعنوان همکار و وکیل وظیفه دارم آثارشان را اجرا کنم.

● وکالت در حد انجام‌وظیفه ؟

● نه، احساس هم می‌کنم.

● خیال می‌کنم از بین‌آهنگسازان ایرانی «علیرضا مشایخی» را تأیید می‌کنید.

● بله.

● واو کسی است که‌جهانی کار می‌کند و مقید به ایرانی بودن نیست.

● بنظر من، تکیه روی‌موسیقی‌ایرانی اشتباه است. از خودم می‌گویم. پدر و مادرم ایرانی هستند. خودم‌ایرانی هستم، پس موسیقی من خودبه خود ایرانی است. برای بتهوون هم‌موسیقی آلمان مطرح نبود. باز هم به‌یاد سخن «مالارمه» می‌افتم «شعرزبانی است در حال بحران» زبان، سنت یك مملکت است. موسیقی هم‌سنت‌های خاصی دارد. اما هدف یك آهنگساز کار کردن مدام با این‌سنت‌ها نیست. هدف خلق سنت‌های جدید است.

مثل شاعر که با همان کلمات وزبان مفهوم تازه‌یی می‌سازد. بطور طبیعی هر آهنگساز تاحدی معیارهای‌فرهنگی کشور خود را دارد. کسانی هستند که بیشتر به موسیقی محلی‌تکیه می‌کنند. «بارتوك» که تحقیقات زیادی دربارهٔ موسیقی اروپای مرکزی‌دارد آثارش طبیعتاً به آن سو رفته است ولی هرگز نگفته حالا می‌خواهم‌اینطور آهنك بسازم. هنرمند حرفش را می‌زند. مهم اینستکه حرف حسابی‌واحساس دلنشین داشته باشد.

موسیقی برنامه ریزی شده‌نمی‌تواند آهنگساز را به خلاقیت برساند. این سیاست است نه هنر اندیشهٔ‌هنرمند باید آزاد باشد.

● خود شما هم که قطعات‌الکترونیك ساخته‌اید.

● بله، وقتی قطعه‌یی را که‌تحت تأثیر خودکشی نقاش امریکایی «مارك رتکو Mark Rothko »ساختم درایتالیا می‌نواختم، یك‌نوازنده ایرانی از اعضای ارکستر، با ویلن‌قطعه‌یی در دستگاه همایون نواخت و ما همه دیدیم که شباهت عجیبی باقسمتی از آهنك من داشت. من دستگاه های موسیقی ایرانی را خوب نمی‌دانم‌اما یك پل فرهنگی مرا به‌این انتخاب هدایت کرده است.

● دربارهٔ اپراهای‌ایرانی‌که می‌سازند چه می‌گویید؟ آیا این نوعی کوشش برای‌ساختن‌چیز تازه‌یی به زبان ما، و افزودن چیزی به فرهنك وهنرما نیست، آیا نمی‌گویند که «حالا می‌خواهیم اپرای‌ایرانی‌بسازیم ؟!»

● دربارهٔ اپرا ترجیح می‌دهم‌هیچ حرفی نزنم. وضع اپرا خیلی بد است. ما فعلا مشکلات بنیادی‌تری‌داریم که باید نخست به آنها برسیم. تا دهسال پیش به‌موسیقیدان می‌گفتند«مطرب» ولی‌امروزخیلی ازخانواده‌ها اصرار دارند بچه‌هایشان موسیقی‌بخوانند ولی برای پاسخگویی به این استقبال ابتدایی، معلم نداریم، برای‌تأسیس کادر آموزشی موسیقی حتی‌به اندازهٔ بقیه رشته‌ها تلاش نشده. ما متخصص موسیقی نداریم واین‌گرفتاری های زیادی ببار می‌آورد. ناچارمان‌می‌کند هرسال افرادی را از خارج بیاوریم. همین امر وضعیت ارکسترسمفونیك راهم دائم تغییر می‌دهد. چون هرسال‌آدمهای‌جدیدی درارکسترهستند.

● باوجود این می‌گوییم‌ارکستر سمفونیك تهران»؟

● اشکالی ندارد. در ارکسترسمفونیك ۴۰ درصد ایرانی هستند، در ارکستر اپرا خیلی کمتر، ارکسترمجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران همینطور ، بحث در خارجی یا ایرانی‌بودن نوازندگان نیست ، مشکل اینستکه وقتی قراردادشان تمام می‌شود‌می‌روند. در هلند ارکسترهایی هستند با ۶۰ درصد افراد خارجی. می‌گوییم«ارکستر سمفونیك تهران» چون فعالیت و برنامه‌ریزی و تأمین هزینه‌وتشویق در ایران و برای ایرانی است. در این میان کسانی هم هستند که ۱۹ تا ۲۰ سال است برای‌نگهداشتن این ارکستر زحمت‌کشیده‌اند. ارکسترمال آنهاست.

● با این حساب معلوم‌نیست آیندهٔ موسیقی علمی ما به‌کجا خواهد رسید؟

● به‌همانجایی که اجتماع‌بشری‌برسد. آیا شما می‌دانید تأثیر اینهمه پیشرفت همه جانبه در نسل بعدی چه‌خواهد بود ؟

● چطورشد باموقعیت‌های‌خوبی که در خارج داشتید تصمیم کردید به‌ایران بیایید؟

● چند عامل مهم سبب شد پس‌از ۳۶ سال به‌میهنم برگردم. اول فرمان ملوکانه که بزرگترین افتخارم‌بود؛ دو دیگر اینکه دیدم ایران از لحاظ فعالیت موسیقی در جهان‌اعتباری ندارد؛ سه دیگر اینکه احساس کردم من در کشورم مفیدتر خواهم‌بود.

اگر من اینجا موسیقی سمفونیك‌را پایه‌گذاری می‌کنم، شکل می‌دهم وکمال می‌بخشم. این‌ها همه برای من‌لذت‌بخش است.

● ولی شما حتی کارهای‌دفتری و انعقاد قراردادها و نیازمندیهای کارکنان‌ومدیریت‌ارکستر را هم شخصاً انجام می‌دهید. این به کار هنری‌شما لطمه نمی‌زند؟

● نه، بهیچوجه. البته بایدبگویم که از لحاظ مدیریت ما دچار کمبود نیروی انسانی هستیم. در این‌شرایط نمی‌توانم بگویم من مدیرهنری هستم و بقیه مسائل به من مربوط‌نیست. حتی کار تحویل ساز را هم شخصاً انجام می‌دهم و شما دیدید که‌وقتی می‌آمدیم سراغ ساز را از یك نفر گرفتم! باید دنبال کار را بگیرم‌تا ساز خوب سروقت به‌دست نوازنده برسد. اینکارها را می‌کنم. در عین‌حال افرادی را در خارج از ایران

به دوره‌های آموزشی گوناگون فرستاده‌ایم تا آنها برگردند و سرکار خود بروند من هرکاری از دستم برآید می‌کنم و لذت می‌برم.

● این کارهای تجاری و دفتری و تماس با مردم گوناگون اعصابتان را خسته نمی‌کند ؟

● شاید این برخوردها برای کسی که دائم به خود زجر می‌دهد یا تمام وقت با تردید زندگی می‌کند زجرآور است. برای چنین شخصی حتی موسیقی هم زجرآور است، منتهی زجری که می‌پسندد. اما من خسته نمی‌شوم. به تعطیلات هم نمی‌روم. چون احساس احتیاج نمی‌کنم.

● شما حتی در انتخاب معماری که قرار است سالن جدید ارکستر سمفونیک تهران را بسازد با تأکید اظهار نظر قاطع کرده‌اید.

منظورم البته آن سالن است که به مساحت ۲۹ هزار متر مربع در ضلع جنوبی خیابان رشت ساخته می‌شود.

● البته من در این باره اظهار نظر کرده‌ام چون برایم خیلی مهم است. قرار نیست سالنی پر از عیب ساخته شود. یکسال و نیم دربارهٔ این سالن مطالعه کردم با مهندسان و متخصصان گوناگون مشورت کردم، کار چندین مهندس و معمار معروف را که سالنهایی ساخته بودند دیدم و رد کردم، سرانجام از کارل، هولتس، Karl Halz که متخصص «اکوستیک» است و بهترین کارهای از این قبیل را در نقاط مختلف جهان ساخته است کمك گرفتم. «کارایان» هم که به فرمودهٔ شاهنشاه دربارهٔ این سالن مطالعه می‌کرد به همین شخص مراجعه کرد، جز اینکه مهندسان ایرانی مأمور اجرای طرح هم باید افراد صلاحیتداری می‌بودند، بنابراین اظهار نظر من بی‌دلیل نبود.

● در دفتر کار شما کتاب فارسی هم می‌بینم آیا بزبان فارسی هم مطالعه می‌کنید؟

● متأسفانه فارسیم خیلی خوب نیست. کتابهای ادبی ارزشمند را به سختی می‌خوانم. آرزو دارم وقت کنم دوسه سال کتابهای فارسی قدیم را بخوانم. ولی از نوشته‌ها و شعرهای جدید خیلی را می‌شناسم ولی نمی‌توانم دربارهٔ آنان قضاوت کنم.

● اگر وقت کنید و بخواهید سرگرمی داشته باشید چه کاری را ترجیح می‌دهید.

● سرگرمی نوعی مصرف بدون بازده است. من دوست ندارم مصرف کننده باشم و اگر وقت کنم کتابهای علمی در زمینهٔ بیولوژی ، فیزیك، شیمی و ریاضیات می‌خوانم! من دوست دارم تولید کننده باشم و اگر مستقیماً تولید نمی‌کنم لااقل خودم را تصفیه کنم . بنظر من ذهن انسان هم مثل جسمش احتیاج به دفع و تصفیه دارد. حتی لغات مورد مصرف انسان باید تصفیه بشود. بعضی لغات را بایددور بیندازیم و لغات تازه‌یی را جایگزین آنها کنیم.

● شما برای یك فیلم موسیقی ساخته‌اید که برندهٔ جایزه شده است، می‌توانید دربارهٔ آن فیلم صحبت کنید؟

● فیلم اززندگی نقاش ایتالیایی Tan Kredy تان کردی» بود که خودکشی کرد. من او را می‌شناختم و موسیقی فیلم زندگیش را با نوعی احساس ساختم.

● می‌دانید که اینروزها بسیاری از هنرمندان مغرب زمین متوجه عرفان و اشراق سرزمین ما وعارفان ماشده‌اند و می‌کوشند در آفرینش هنرهایشان از این منبع فیاض الهام گیرند. آیا شما آشنایی و توجهی به آن دارید؟

● بنظر من عرفان مشرق زمین و مخصوصاً عرفان و اشراقی که عارفان ایران به آن دست یافتند چیزی است که هنرمندان مغرب زمین هرگز قادر به درك آن نیستند.

● بنابراین خطر بوجودآمدن و معرفی چیز تازه‌یی با نام عرفان مشرق زمین هست!

● هست ولی خطر نیست. مولانا هرگز عوض نمی‌شود واگرچیز تازه‌یی ساخته می‌شود که به شکوه عرفان مولانا نیست، مسؤولیتی متوجه او نیست. از «واگنر» هم نازیها چیز دیگری ساختند. مسؤول «واگنر» نیست. مردم غالباً ادا در می‌آورند، ادای زندگی، ادای عرفان. ولی برای رسیدن به آن مرحله باشکوهی که عارفان مارسیده‌اند پختگی لازم است وقتی پختگی لازم را نداریم ادا در می‌آوریم.

● خود شما چطور؟ هرگز تظاهر نمی‌کنید.

● چرا، گاهی که مجبورم.

● چه وقت مجبور می‌شوید ادا دربیاورید؟

● این بستگی به شرایط دارد. آدم همیشه ازهمه خوشش نمی‌آید، ولی باید تحملشان کند.

● نمی‌توانید شرایط راعوض کنید ؟

● نه همیشه. من زندگی مشخص خود را ادامه می‌دهم. مردم می‌آیند و می‌روند. اگر کسانی هستند که دوست دارند کور وکر بمانند، باآنها ادای کوری وکری در می‌آورم و می‌گذرم!

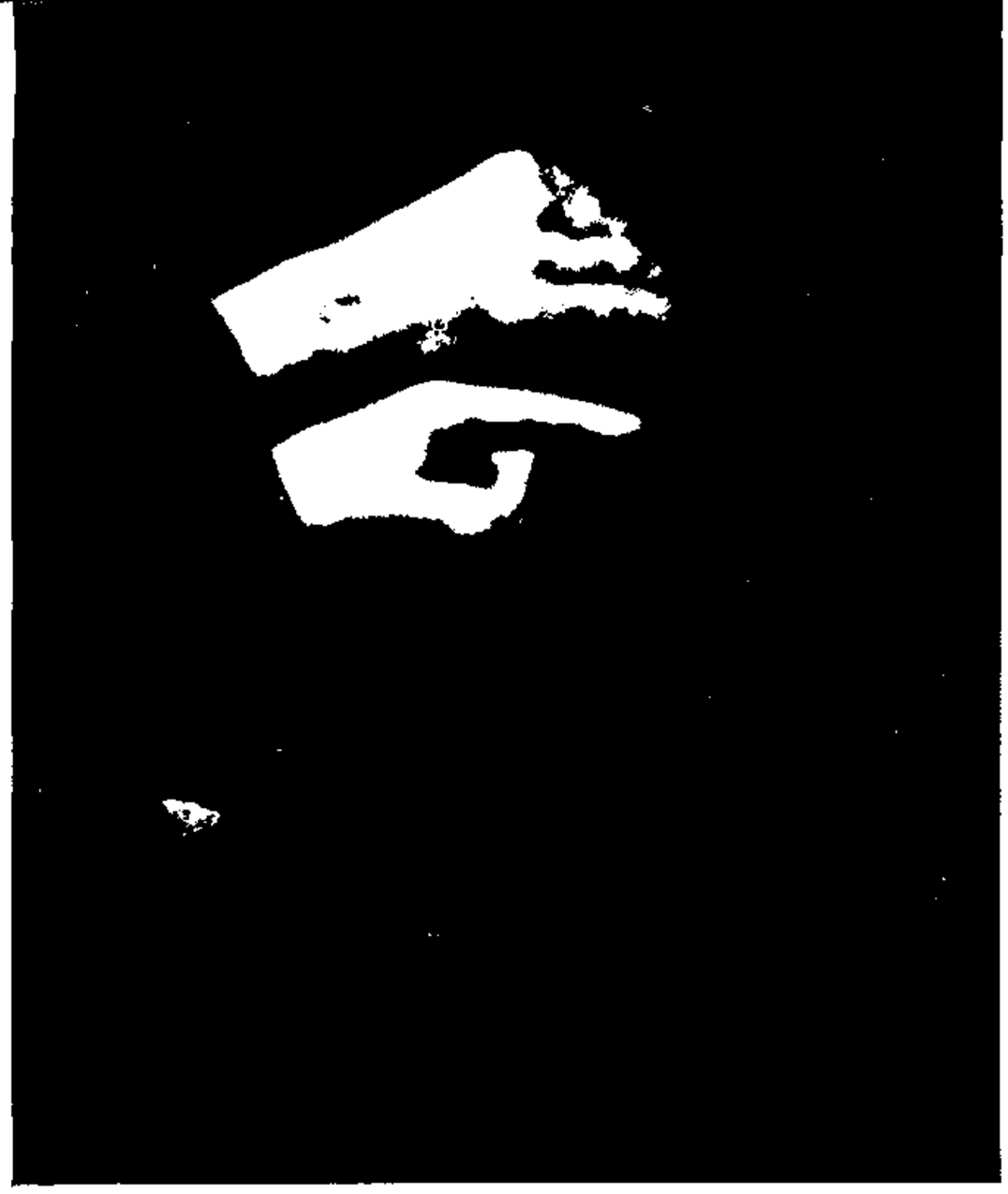

● پس شما بیشتر سیاستمدارید تا هنرمند.

● نه، ولی قضیه گاهی نجات است. یك ضرب‌المثل چینی می‌گوید «بزرك کسی است که کوچکترها راخرد نمی‌کند.»

● آیا شما احساس بزرگی می‌کنید؟

● نه، ولی نمی‌خواهم خـردبشوم. یك‌شاخه علف بسیار قوی است. نمی‌شکند، تحملش زیاد است. درختها می‌شکنند. بحث در بهره‌گیری است. شما به کسی کارد می‌دهید نانش راتقسیم می‌کند وبه دیگران هم می‌دهد، دیگری با همان کارد شما را می‌زند. باید قبول کرد کسانی هم هستند که اصلا منفی فکر می‌کنند و فکرشان آسیب رساندن است. چـرا برابرشان عریان باشیم.

نمی‌توان توقع داشت همه مرادوست بدارند. من چنین توقعی ندارم ولی با آنها که دوستم ندارند مدارا می‌کنم. اگر باید با آنها باشم حواسم جمعشان است.

● شاید دیگران هم برای اداها و تظاهراتشان بهانه‌هایی دارند.

● شاید، ولی من سعی می‌کنم زندگیم را هرچـه ساده‌تر و آسان‌تر بگذرانم. حتی‌از لحاظ‌تفکر می‌خواهم‌به بچگی برسم. عالم بچگـی دوست داشتن و بودن رابه‌ما می‌آموزد. زمانی «شکسپیر» لذت «بـودن یا نبودن» و همینگوی پنج‌قرن بعد مسأله «داشتن یا نداشتن» را مطرح کرد.

● برای شما کدام مهم‌است: داشتن؟ یا بودن ؟

● مسأله در یك جهان صنعتی «بودن وداشتن» است. تفاوت درنوع بودن است. برای افراد مادی تنهاداشتن مطرح است. آنها حتی پول را می‌خرند ولی بنظر من آنچه خیال‌می‌کنیم داریم چیزی است که به ما وام داده‌اند. حتی اسممان وام است. باید ازآن استفاده کنیم. کسی که‌خیال می‌کند مالك چیزی است همیشه دروحشت از دست دادن آن است.

● وکسی که خیال می‌کند هیچ چیز ندارد چطور جرأت می‌کند دوست بدارد و عاشق‌بشود.

● من بودن را عشق می‌دانم! احساس شـرکت در کل جهان انسان را به‌عشق می‌رساند. عشق را نمی‌توان‌داشت ولی می‌توان عاشق بود. من‌عاشق کارم هستم چون زمـان را در آن‌احساس نمی‌کنم، وقتی آهنگی را یاد می‌گیرم عشقم را نثار آن و جمعیت‌شنوندهٔ آن و همهٔ نوازندگان ارکستر می‌کنم. این نوعی دادن و گرفتن‌است.

● می‌خواهید منکرمعشوقهٔ‌جسمانی بشوید ؟

● ابداً. اسم معشوقه‌ام را که‌نمی‌گویم. ولی وجودش برایم خیلی مهم‌است. روابط عاشقانه‌ام برایم نوعی‌سازندگی است، در اجـتماع امـروز برقراری روابط جسمانی و جنسی کارآسانی است. ولی برای برقـراری روابط عاشقانه‌یی که ثمربخش وسازنده‌باشد باید انتخاب کنـی، انتخاب از میان میلیونها آدم. این‌تصادفی نیست. هوش وآگاهی می‌خواهد.

● چطور تصادفی نیست. اگر در لحظهٔ انتخاب، شرایط چیز دیگری می‌بود نتیجه‌چیزدیگر نمی‌شد ؟

● بحث برسر آغاز تصادفی آن‌نیست. شماهرروز می‌دانیدکه خورشید هست ولی توجهی به آن نـدارید. کسانی هستند که با اشتیاق هرروز منتظر برآمدن خورشید هستند. من‌از آن گونه‌ام. من از معشوقه‌ام بـه اندازهٔ خورشید بهره‌می‌گیرم. منتظرش‌هستم‌که به‌من گرمی ببخشد. من عاشق یك آدم طفیلی و انگل که مرا داغان کند، ویرانم کند، دیوانه‌ام کند نمی‌شوم، مسؤولیت و تعهد باید دوجانبه‌باشد. من مسؤولیت بـزرگم را در برابر ارکسترم و جمعیت شنونده‌ام‌هرگز فراموش نمی‌کنم. اگر کسی مانع انـجام این مسؤولیت بشود وبخواهد در بیانم وقتی با مردم از طریق ارکستر حرف می‌زنم لطمه واردآورد هرگز با او نمی‌مانم. آن دیگر عشق نیست. خود آزاری است. منفی‌بودن است. من می‌گویم «ای معشوقه، تو که عشق منی بیا واز تشنگی‌برهانم‌تا سیرابت کنم.» اگر بخواهد ریشه‌ام را بخشکاند، پلاسیده‌ام کند که‌معشوقه‌نیست. انگل است، زشت‌است. «هانری میشو» می‌گوید «اگر تو گیاهی هستی‌نیازمند خورشید، و خورشید در دیار تو نیست خورشید خودش باش!»

● درباره تشکیل خانواده‌چه فکر می‌کنید؟ آیا ازدواج مخرب عشق است؟

● نه، هرگز. خانواده زیباست. مسؤولیتش هم سنگین است. من‌هنوز آمادهٔ پذیرش آن همه مسؤولیت‌جدید نیستم والا هرگـز خیال نمی‌کنـم خانواده مخرب عشق باشد. می‌توانـدمکمل آن باشد. من عاشق بچه‌ها و گربه‌ها هستم. از آنها بسیار چیزها می‌آموزم. از بچه‌ها عاطفـه وراستی می‌آموزم، آنها وقتی ادا درمی‌آورند، وقتی نقشی را جز آنچه هستند بازی می‌کنند، می‌گویند و بایك اشاره وچشمك و حتی بابیان صریح می‌گویند که حالا دارند بازی در می‌آرند درحالیکه آدمهای بزرك بیشتر وقتها در نقشهای عوضی بازی در می‌آورند وسعی دارند بگویند «این منم». از گربه‌ها هم نفس کشیدن می‌آموزم. گربه با تمام بدنش تنفس می‌کشد. و «یوگا» می‌کند؛ به‌گربه‌ام نگاه کنید؟

پایان

www.KetabFarsi.com

کوتاه دربارهٔ سوابق مشعشع پایتخت

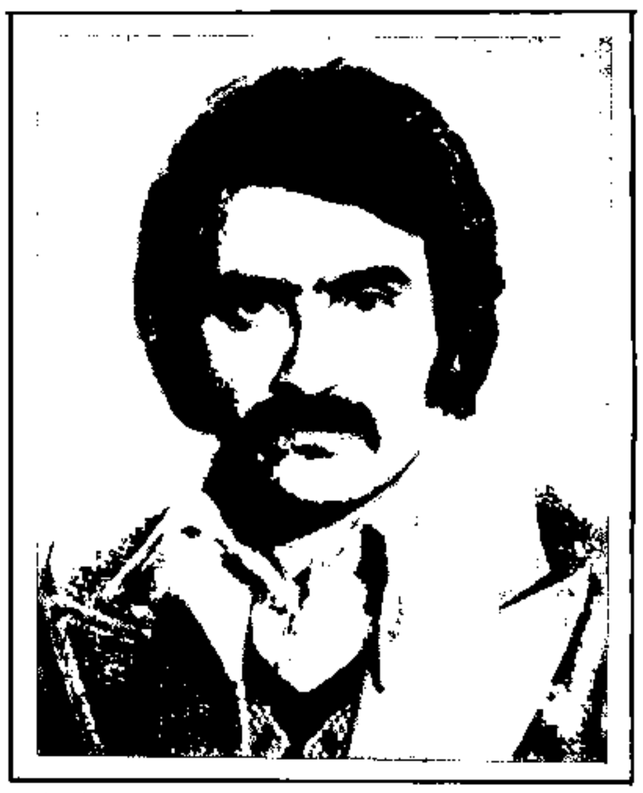

عباس پهلوان

«تهران» یك ده داغ با ساکنانی شرور که «خراج» نمی‌دادند و قافله ها را لخت می‌کردند. و مدام بایکدیگر درحال مجادله بودند! آنها در سردابهایی می‌زیستند که بدون راهنمایی خود آنها هیچ کس نمی‌توانست وارد آن شود.

«تهران» امروزه روز یکی از شهرهای درنشت دنیاست و بابیش از سه میلیون‌جمعیت از جمله فشرده‌ترین شهرها ، حداقل در ایران و خاورمیانه است . یکسرش به‌کوه‌های البرز میزند. از شرق میرسد به حدود کویر و سمنان. از جنوب تا نزدیکی‌های قم و از غرب تانزدیکی‌های قزوین واین خود عبارت است از جغرافیای منطقه.

همه اینها را سابق براین «سرزمین ری» می‌گفتند که از آبادی‌های پر نعمت بود ویکی از حاکم نشینان مورد توجه که می‌دانید «ابن‌سعد ملعون» نیز به وسوسه «حکومت‌ری» آن کشتار فجیع را براه انداخت و در دور دست قرون تهران پك و پهن ما یك «ده» محقر بود بغل‌گوش «ری» نظیر دهای دیگر «اخار ــ دماوند ، ورامین و...» که مورخان در دفتر و دستك خود آنرا «طهران» نوشته‌اند و بادو دهکده بنام «طرشت» و «دولاب» که حالا این دو دهکده تو ناف «تهران» دوتا محله معروفند.

و بانام آن در قرن سوم هجری برمی‌خوریم در «معجم‌البلدان» یاقوت حموی ، که «طهران». ده کوچکی بوده است در دو فرسنگی «ری» اما این «ده» که‌اکنون بعنوان یك شهر «خواهر خوانده» لوس‌آنجلس است سوابق زیاد مشعشعی ندارد.

از نظر آب و هوای منطقه «گرما» در اینجا بیداد می‌کرده و بهمین جهت «تهران» را بمعنای «گرمگاه» گرفته‌اند و بقول کسروی از دو کلمه «ته» و «ران» درست شده که «ته» به معنی «گرم» و «ران» به معنی «جا» و مکان. در مقابل «شمیران» بعنوان «سردگاه» (والله‌اعلم).

اهالی این ده نیز از فرط گرما تا پاسی از شب در «سرداب»های پیچ‌درپیچ می‌زیستند (در قرن ششم و هفتم) و این سرداب‌ها و زیرزمین‌ها بقدری هولناك بوده که بدون راهنمایی خود مردمی که در آن می‌زیستند، کسی نمی‌توانسته وارد آن بشود که تا چندی پیش در جایی که اکنون پارك زیبای فرح‌آباد قرار دارد چیزی شبیه به‌آن را در جنوب تهران داشتیم که به‌آن «زاغه» می‌گفتند یا «گود نشین‌ها».

القصه این شیوه زندگی کردن، خلق و خوی «شرارت، گردنکشی» را در میان آنان نشوونما داده و بگفته «یاقوت حموی» اغلب محلات نیز در تهران بزن و قداره‌کشی که این سابقه درگیری محلات حتی تا این اواخر ــ نیز در تهران متداوَل بود و جاهل‌های این محل میافتادند بجان جاهل‌های محلات دیگر و یك گردن کلفت می‌رفت محله دیگری و «ضامندار» تو خاك فرو می‌کرد و «مرد می‌خواست» که «چاقو» را بردارد و آنجا را حسابی «قرق» می‌کرد.

در قرنهای گذشته اهالی شریف ده «طهران» وقتی باهم اختلاف و بگومگو نداشتند، به حرفه شریف «راهزنی» می‌پرداختند و به کاروانها حمله می‌بردند و غنائم را در زیر زمین‌ها و سردابها پنهان می‌کردند.

بروایت نویسنده «عجائب‌البلدان» آنها علاوه بر قداره‌کشی برای حمله و یورش به قافله‌ها، اغلب «یاغی بودند و باعساکر کارزار داشتند.» و چون گردنشان کلفت بود واغلب هم می‌چپیدند توی آن سردابها وحاضرنبودند «خراج» بدهند ومدام طفره می‌رفتند وبالاخره مأموران مالیاتی بجای «طلا» از آنها «مرغ و خروس» می‌گرفتند.

در هرحال زیستن تهرانی‌های قدیم‌وندیم در این منطقه خالی از انگیزه‌های اقتصادی نبوده است چه «ری» مقارن باحمله‌مغول در حدود دوازده‌محله داشته ودارای باغ‌های‌میوه بوده ومحصولات خودرا مانند «میوه، خربزه، طالبی، هندوانه وخیار وانار» ومرغ وخروس به «شهر» برای فروش عرضه می‌کردند و فی‌الواقع این «منبع تولید کشاورزی» آنها را در این منطقه ماندگار کرده بود. با این حال پس از حمله مغول و ویرانی «ری» تا ۳۰۰ سال «ده تهران» نتوانست جانشین آن منطقه حاصلخیز و بزرك و آبادان شود و در قرن هشتم و نهم است که کم‌کم مردم از «زیرزمین» خارج می‌شوند و به روی زمین انتقال می‌یابند. کشاورزی آنها توسعه پیدا می‌کند و بالاخره میان شیراز ــ اصفهان و گرگان و مازندران و آذربایجان بقول امروزی‌ها از یك «موقعیت سوق‌الجیشی» برخوردار می‌شود و روز بروز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

بخصوص از نقطه نظرهای جنگی «آغا محمدخان قاجار» که کوبت «پایتخت» را براندامش می‌پوشانند و باقی را هم همه می‌دانند... که هی قد می‌کشد، ورم می‌کند واز گوشه و کنار پك و پهن می‌شود تا بدین‌غایت می‌رسد که ملاحظه می‌فرمایید !

غرض محض اطلاع بود که از سوابق مشعشع «پایتخت» دارالخلافه مبارکه بااطلاع باشید !

میدان مشق

سردر الماسیه

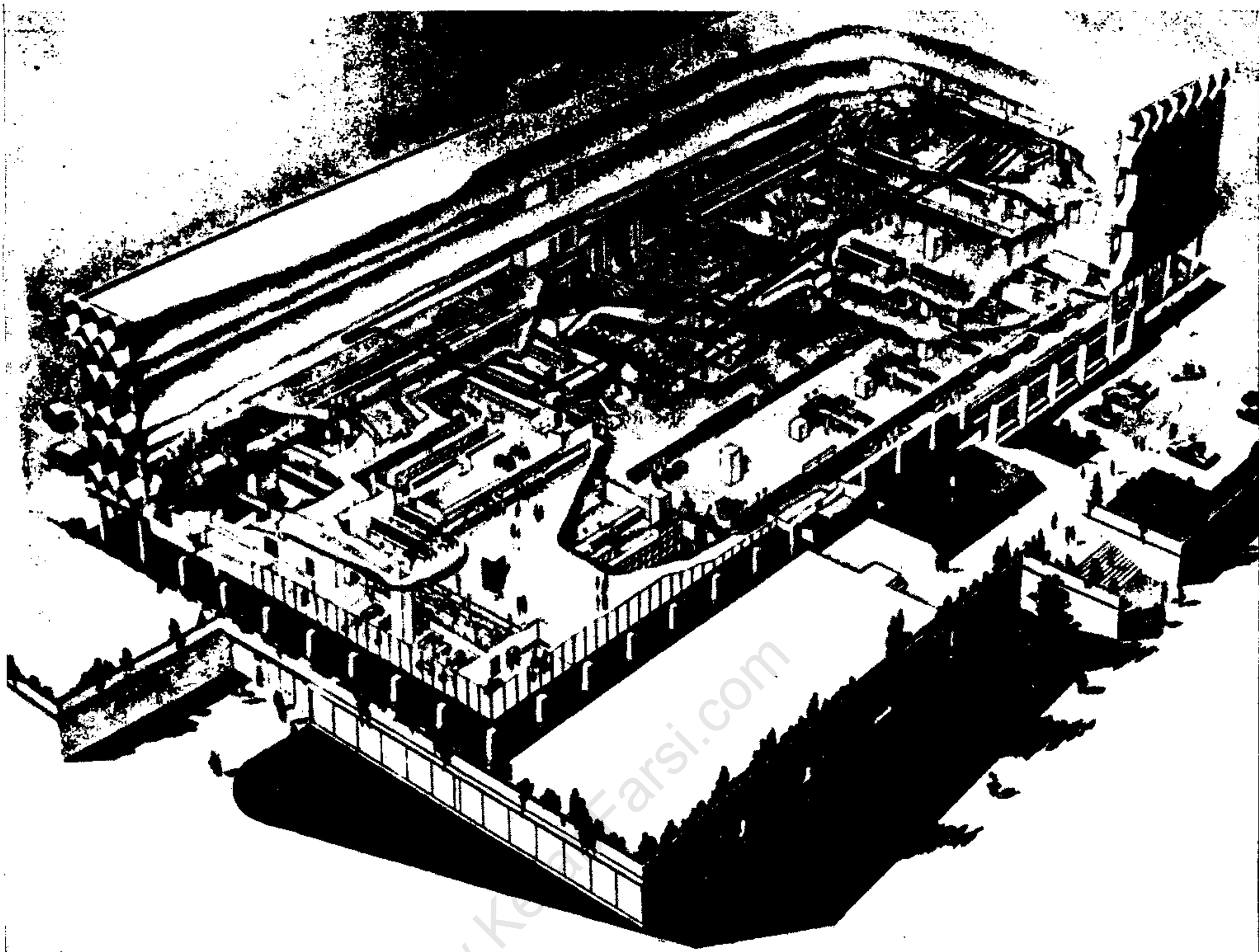

ماکت مرکز اصلی پستخانه در باغشاه

آیا چاپار داریوش ب

مصاحبه‌ای داریم باآقای محمدرضا عبرت که معاون پستی وزارت پست و تلگراف است وی متولد سال ۱۳۰۰ است از هنرسرای عالی ایران لیسانسیه شده است کار خود را از کارخانه چیت‌سازی بهشهر شروع کرده و از آبان ۱۳۵۳ به معاونت وزارت پست و تلگراف منصوب شده است.

مصاحبه کننده ــ ثریا رهنما

تلاش ــ آقای عبرت خیلی‌متشکریم که با ما مصاحبه می‌کنید بعنوان شروع بحث می‌توانید بفرمایید ایران از کی وارد اتحادیه پستی جهان‌شده است ؟

عبرت ــ ایران از سال ۱۸۷۷میلادی ۱۲۵٦ وارد اتحادیه جهانی پست شد، مرکز این اتحادیه در برن‌پایتخت سویس است و ۱۵٤ کشور عضویت این اتحادیه را دارند. این‌اتحادیه هرچهار سال یکبار تشکیل می‌شود و در آن در مورد مسائل وقوانین پستی بحث و تبادل نظر می‌شود و پس از تصویب یك قانون دراین اتحادیه هریك از ممالك طبق قوانین خود آنرا بمورد اجـرا می‌گذارد. در همین جلسات روابط پستی بین کشورها نیز وسعت می‌یابد اکنون‌در برخی از ممالك امکانات وفعالیت های گوناگون پستی تا ۱٤ نـوع‌مختلف پیش رفته است در حالی که در ایران تنها دو نوع از این انواع یعنی معمولی و سفارشی جریان دارد و بزودی با اضافه شدن نامـه‌های‌اکسپرس سه نوع پست خواهیم داشت.

بیش از دوماه نیست که قرارداد‌ارتباطی خود را در مورد نامه‌های اکسپرس با کشورهای دیگر امضاء‌کرده‌ایم وبزودی با خبر رسمی باین کشورها گیشه‌های پستی از ایرانیان‌نیز نامه‌اکسپرس را خواهند پذیرفت.

در مورد طرحها و برنامه‌های‌جدید باید بگویم که در سال ۱۳٤۸ ما بایك گروه مهندسان مشاور بلژیکی بنام بنیاد شارلمانی قراردادی بستیم که به مطالعه و تحقیق در مورد پست‌ایران اقدام کند. کار این مشاوران به‌کمك مهندسان و افراد باتجـربه‌ایرانی باموفقیت به پایان رسید. این طرح که دارای سه مرحله کلی است‌هم‌اکنون به مرحله سوم رسیده که از آذر ماه ۵۳ شروع شده و در دست‌اجرا می‌باشد. این مراحـل سه‌گانه عبارتند از:

مرحله اول ــ مطالعات کلی دروضع پست ایران و چگـونگی کار وسائل حمل ونقل و نیروی انسانی‌بمدت سه سال.

مرحله دوم ــ برنامه‌ریزی دقیق‌برای پست ایران با درنظر گرفتن توسعه ترافیك پستی، وضع جغرافیایی و محیط بااحتیاجات روزافزون مردم ایران به مدت دوسال.

مرحله سوم ــ یا مرحله اجرائی‌برنامه که از آذر ماه ۱۳۵۳ در دست اجرا می‌باشد به مدت پنج سال در این‌برنامه ریزی ایران به ۹ مرکز پستی تجزیه شد که هرکدام از این مراکز «کد» مخصوصی دارد مثـلا «کد» تهران عدد یك می‌باشد.

این مراکز عبارتند از: تهـران، تبریز، همدان، مشهد، کرمان، خرمشهر شیراز، زاهدان و اصفهان برای ارائه‌چگونگی فعالیت این مراکز من به تشریح کار در تهران اکتفا می‌کنم.

خواب می‌دید..؟

تهران با کد مخصوص ۱ خودبه ۸ قسمت یا منطقه پستی تقسیم شده است که هریك از این مناطق محدوده‌های معینی را دربر خواهند گرفت که آنها نیز دارای کـد مخصوص‌می‌باشند. این مناطق عبارتند از:

۱ــ منطقه پستی خیابان سپه
۳ ــ منطقه پستی باغشاه
٤ــ منطقه پستی امیرآباد
۵ ــ منطقه پستی عباس‌آباد
٦ــ منطقه پستی نارمك
۷ــ منطقه پستی میدان خراسان
۸ــ منطقه پستی شهرری
۹ــ منطقه پستی شمیرانات.

شماره جلوی هریك از مناطق‌کد مربوط به‌آن منطقه می‌باشد.

بعنـوان مثال «کد» محـدوده‌منطقه‌پستی ۱۹ (یعنی تهران‌شمیرانات) که عبارت است: ارتفاعات فرحزاد، جاده فرحزاد، اتوبان ، بزرگـراه، خیابان ونك ، میدان ونك ، خیابان‌میرداماد ، میـدان محسنی ، سه‌راه ضرابخانه ، جاده سلطنت‌آباد و جاده‌شمشك.

تلاش ــ خوب بااین مناطق‌چه کردید ؟

عبرت ــ بازهریك از این مناطق‌به ۸ ناحیه و سپس به ۸ محله تقسیم می‌شوند.

تلاش ــ راستی چرا ازعدد۲ برای «کد» استفاده‌نکردید؟

عبرت ــ در تمام این موارد ما برای امکان استفاده از ماشین‌هـای الکترونیك عدد ۲ را حذف کرده‌ایم‌زیرا غددی است که غالباً با ۳ اشتباه می‌شود واکثراً در هنگام نوشتن دستی‌تشابه بسیار بایکدیگر دارد بدین دلیل ما در تمام موارد از عـدد ۱ به ۳رفته‌ایم. درمورد مرحله اجرایی اکنون در تهران برای سه منطقـه باغشاه، عباس‌آباد، و نارمك ساختمانهای آن در دست تهیه است والبته در آینده‌مرکز اصلی تجزیه پست در باغشاه خواهد بود که حدود ٤۰ هزار مترزیر بنای ساختمان آن است و به‌تمام وسائل جدید مجهز خواهد شد. دراین‌محل تجزیه مراسلات پستی مکانیـزه می‌شود و تقسیم وتجزیه بوسیله ماشین‌خودکار انجام می‌یابد بدین ترتیب که کیسه‌های کاغذ را دراین ماشین‌ها خالی می‌کنند و ماشین بترتیب کدهای مختلف کاغذهارا تقسیم می‌کند طبیعی‌است که سرعت ماشین با دست تفاوت بسیار دارد و نوع دیگـر ماشین‌های‌الکترونیك همین کار را با امانات پستی نیز انجام می‌دهـد. براساس‌ترافیك پستی روزانه تهران که حدود یك میلیون نامه و ۱۰ هزار بسته پستی‌است هرمقدار ماشینی که لازم باشد خریداری خواهد شد. هم‌اکـنون تاخرید زمین و ساختمان برای سایـر منطقه‌های پستی محل‌های موقتی اجاره کرده‌ایم در منطقه ۱۸ شهرری، منطقه ۱٦ (نارمك) مدتی است کـه کارشروع شده و در منطقه ۱٤ (میدان ولیعهد، اول خیابان پهلوی) نیز کاراز روز ۲۸ تیر ماه شروع شده است.

نظیر این برنامه برای استانهاوشهرستانها نیز پیش‌بینی شده‌که قسمتی از آنها به‌مورد اجرا گذاشته شده وبقیه نیز همگام با توسعه پست در تهران و براساس برنامه‌هائی که بـه‌تصویب رسیده است در رأس مهلت‌های پیش‌بینی شده عملی خواهد گردید.

تلاش ــ آیا همکاری یك‌گروه خارجی برای پست ما مفید بوده؟ این سؤال را باین‌دلیل می‌کنم که بدون تردید آنها مسائل مربوط به ما رابادید خود بررسی می‌کردند.

عبرت ــ مواردی پیش آمد که‌حرف آنها و تجربه شخصی آنها در مورد پست مملکت خودشان با کار ورویه و وضع جغرافیایی ما اصلاتطبیق نمی‌کرد، برای مثال ما در دهـات‌کوچك ایران که تعدادشان بسیار است از خود اهالی ده بخصوص کسبه وپیشه‌وران استفاده کرده و هنوز هم استفاده می‌کنیم.

در اختیارشان تمبر می‌گذاشتیم‌و چگونگی استفاده از انواع آنـرا برایشان شرح می‌دادیم بدیهی است که‌لازم بود این‌افراد لااقل‌سواد خواندن و نوشتن داشته باشند. بدین ترتیب‌اهالی ده نامه‌های خود را پس‌از خرید و چسباندن تمبر نزد همان شخص درگونی می‌انداختند و سپس شخصی که ساکن همان حوالی است و از طرف‌پست ایران حقوقی معین ماهانه می‌گیرد کاغذهای جمع شده را تحویل‌می‌گیرد وبه نزدیکترین مرکز پستی تحویل می‌دهد.

در حالی که این کار در کشورهای اروپائـی بـوسیله ماشیـن‌های مخصوص حمل پست انجام می‌شود.

نکته مهم در اینجـااینست کـه‌پیشرفت غیر قابل تصور ایران در این چند سال اخیر باعث بوجود آمـدن‌چنین وضعی شده زیـرا هم اکنـون تعداد افراد باسواد ما و سپاهـیان‌انقلاب که به نام آمارهای ایران راه یافته‌اند احتیاج مردم را بوسیله پست که‌ارزانترین وسیله ارتباط است‌چندین برابر کرده است.

دیگر آنکه متوجه شده‌ایم چقدرنسبت کارکنان پست ما با احـتیاج ترافیك پستی در مقام مقایسه با سایرکشورها کم است و دراین مورد نیز

البته‌به راه‌حلهای مناسبی دست‌یافته‌ایم.

تلاش ـ جمع‌آوری وتوزیع‌نامه‌ها در چند نوبت و چگونه انجام می‌شود، آیابرای تسریع‌دراین امر فعالیت‌های جدیدی انجام گرفته است ؟

عبرت ـ هرروز دوبار صبح وعصر محتویات تمام صندوق‌های پستی شهر تهران بوسیله اتومبیلهای پستی که طبق برنامه و در مسیر معین حرکت می‌کنند جمع‌آوری می‌شود. این بسته‌ها به‌مراکز تجزیه برده شده در آنجا به سه دسته ، داخلی یا شهری، شهرستان‌ها و سرانجام خارجی تقسیم بندی می‌شود.

> . . . مدت دوسال است که‌ازمیهن‌عزیزم دورهستم ودر این مدت هیچ نشریه‌یی‌ازایران دریافت نکرده‌ام بجز ، گهگاهی تلاش وهمان است که تنها رابطهٔ من باایران می‌باشد ، هفته قبل‌بعلت یک کارفوری وتلفن مادرم ناچارشدم یک وکالت‌نامه‌تهیه کنم و آنرادر اسرع وقت بآنهابرسانم .هنگامی که درپست خانه خواهش کردم کاغذ مرااکسپرس یافوری پست‌کنند پس ازمراجعه به دفتری‌گفت نمی‌توانیم ، زیراایران پست فوری ندارد ، برایم تعجب آوربود ، چون نباید کارمشکل و پرهزینه‌یی باشد ، خیلی ناراحت شدم چون حتما" بتأخیر می‌افتاد و بناچارنامه رامعمولی پست کردم . . .
>
> امیر منفرد ـ آلمان

نامه‌های شهری به مناطق مربوط بخود منتقل شده و در آنجا توزیع می‌شود.

نامه‌های شهرستان‌ها بوسیله‌اتوبوس، راه‌آهن‌سرتاسری وهواپیمای ملی به شهرستانها فرستاده می‌شود. وبتازگی برای شهرهای کوچکتر که هواپیمائی ملی بآن نقاط پرواز ندارد به قراردادی با شرکت (پارس‌ایر) بسته‌ایم و سه خط هوائی‌باین شرح بکار افتاده است.

۱ـ ازشیراز بطرف جهرم، فسا، داراب

۲ـ از مشهد بطرف فردوس تا بیرجند.

۳ـ از زاهدان، آبادان، بوشهر، بندرعباس، لاوان، کیش، قشم و این برنامه در حال توسعه و گسترش است وتا آخر برنامه پنجم شبکه دولتی پست ایران تمام خطوط را خواهد پوشاند.

هدف ما از این برنامه این است که بتوانیم مراسلات را از زمان‌تخلیه صندوق در شهرهای بزرگ تا ۲٤ ساعت بعد درشهرهای کوچکتر، تا ٤۸ ساعت بعد تحویل دهیم، باین ترتیب ارتباط با دورترین نقاط مملکت، مملکتی به وسعت ایران حداکثر در ظرف ۹٦ساعت از کوچکترین آبادی به کوچکترین آبادی امکان پذیر خواهدبود.

نامه‌های خارجی‌بوسیله مترجمان‌قسمت بندی می‌شود و بوسیله شرکت‌های هواپیمائی به مملکت و شهرهای‌خارجی می‌رود چنانکه تأخیری در نشست و برخاست هواپیما نباشد نامه‌های ما به‌اروپا در عرض ٤۸ ساعت خواهد رسید اما بانوع کار کارکنان‌پست در خارج که بعداز ظهرها و شب‌ها بکلی دست از کار می‌کشند اگر بسته‌ای از کاغذهای ما ٤ یا ٥ ساعت تأخیر کند درست ۲٤ ساعت رسیدن کاغذ عقب خواهد افتاد. باتوجه باین نکته که شنبه و یکشنبه را نیز دو روز تعطیل خارج‌ازکشور بحساب‌بیاوریم. و باید متذکر شوم که تنها در ایران‌است که کارکنان پست فقط دو روز در سال را تعطیل می‌کنند. روزعاشورا و روز شهادت حضرت علی.

> من یکی ازخوانندگان چندین ساله تلاش هستم گرچه کمی این اواخر نامهربان شده است ومرتب به عهد خود وفا نمی کند . یکی‌ازدوستانم که‌حدود شش ماهی است‌درسش تمام شده و به تهران رفته ازمن‌خواسته‌بودکه جواب‌امتحانات و نمراتش رابرایش‌پست‌کنم ومن به این وعده وفاکردم‌اما آن بیچاره هنوزچیزی بدستش‌نرسیده وچندبار با تلفن ونامه از من بازدرخواست‌کرده ، در حالیکه در تهران کارهایش بعلت موجودنبودن این مداراک به عقب افتاده و بسیارناراحت و دلسرد شده است .
>
> درحالیکه این امرواقعا" قابل رفع است چنانچه متذکرشویم ونادیده نگیریم ،ازمجله تلاش می‌خواهیم که به نامه‌ام ترتیب اثر بدهدولااقل نامه‌ام راچاپ‌کنیدکه در نوشتن اثری هست‌که در ننوشتن نیست .
>
> حسین فرهانی ـ آمریکا

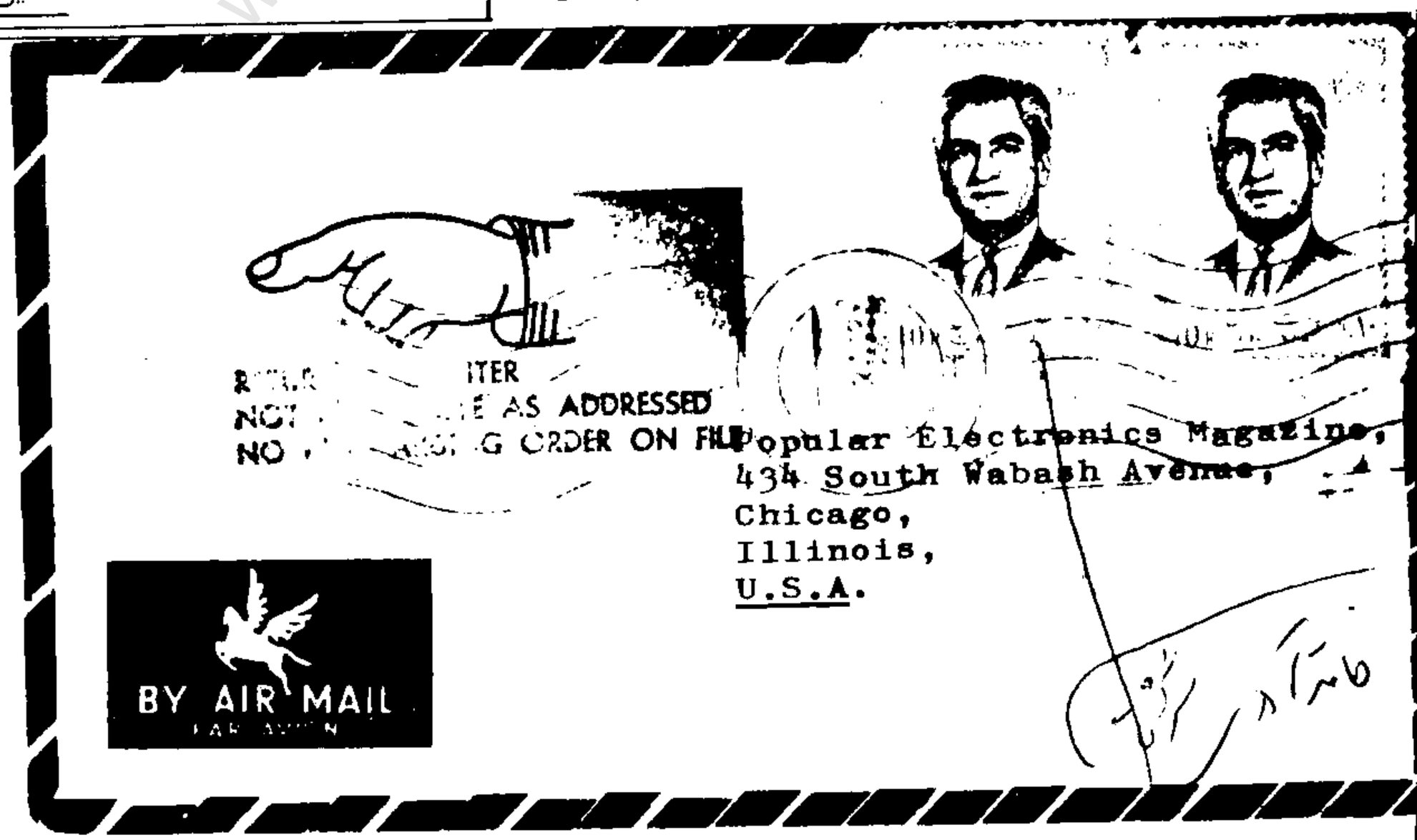

نامه را کجا برگردانیم؟

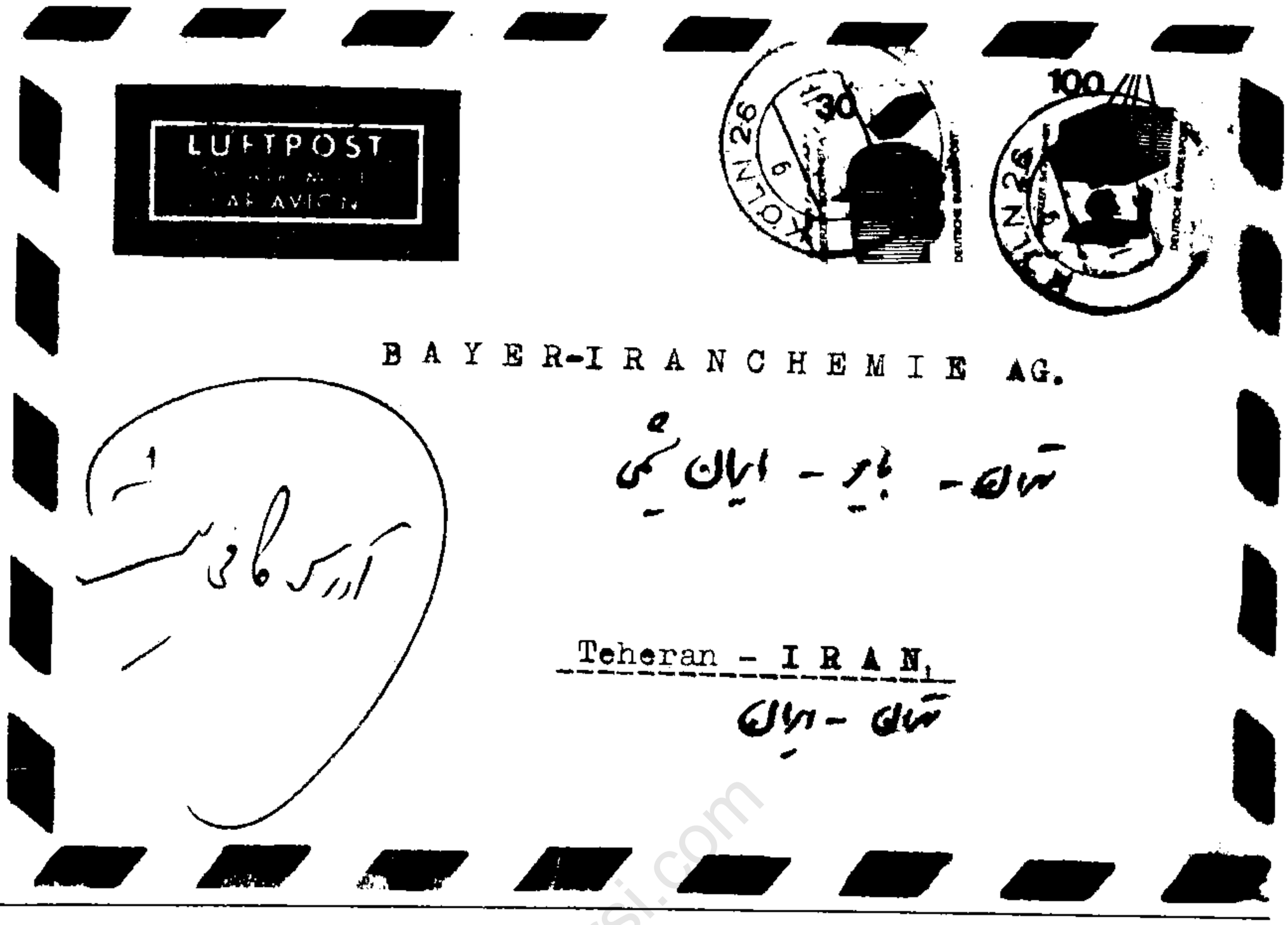

دیگر از اقدامات مهم ما درسال ٥٤ بالا بردن وزن امانات پستی هوایی است قبلا امانات پستی هـوائی می‌بایست فقط یك کیلو باشد اما اکنون بسته‌های ۱۰ کیلوگرم وزن را نیزچنانکه شامل قوانین گمرکی خاص نباشند مستقیم بدر منازل می‌رسانیم، و تا وزن ۱۰ کیلوگرم را نیز بوسیله پست یکپا بخارج میفرستیم.

ازوقتی که من اینجا آمده‌ام همگی فامیل وآشنایان‌من‌گله مند شده‌اند که فراموشکارونامهربان شده‌ام وخیلی دیرجواب می‌دهم در حالیکه من مرتب جواب کاغذهای دوستان وفامیل راکه در عرض دو تاسه روز از تهران می‌رسدمی‌دهم اماجواب‌بعدی آنها ده تا پانزده روزطول می‌کشد وتابحال نتوانسته‌ام علت این تأخیررابدانم . . .

فریدون‌سپهر ــ انگلستان

تلاش ــ با تبدیـل شدن‌باغشاه به مرکز اصلی تجزیه پست بر سر پستخانـه بزرك‌خیابان سپه چه خواهد آمد؟

عبرت ــ پستخانه بزرك که هم‌اکنون نیز مرکز اصلی پست ایران می‌باشد بنایی است که در زمان‌سلطنت‌اعلیحضرت رضاشـاه کبیر در سال ۱۳۰٥ ساخته شد و در آن زمان برای‌شهری با جمعیت ۳٥۰ هزار نفر ساخته شده بود اما در این اواخر این مرکز برای یك جمعیت چهار میلیون نفری کار می‌کرد. در هرحال پستخانه بزرك همچنان باقی می‌ماند و سعی ما دراین است که مقداری از بار سنگین آنرا کاهش دهیم.

تلاش ــ از توضیحات شمـا متشکرم تعدادی نامه‌های شکایت از پسـت ایـران از طـرف‌دانشجـویان خارجی وایرانی برای مجله رسیده کـه میل‌دارم بآنها نیز جوابی بدهید. بطور مختصر مضمون آنها ازاین قرار است:

تأخیر در رساندن نامه‌ـرسیدن یك امانت پستی بعداز شش ماه ــ گم شدن مدارك‌تحصیلی‌ـنبودن پست اکسپرس در ایران ــ کمبود کاغذ فرم‌هوائی (اصل نامه‌ها جداگانه چاپ شده است.)

. . . بلکـه بدینوسیله پیـام من به خواهرم برسد . برای‌تولد اوکه اکنون از آن تاریخ بیش‌از ۴۰ روز می‌گذرد کارت پستال زیبا و بزرگی باندازه خودش فرستادم‌اماتابحال خبری از اوندارم و باروح حساسی که در اوسراغ دارم می‌دانم دلگیرشده که من تاریخ تولدش رافراموش کردم ، درحالی‌که حتما " آن کارت اکنون زیور دیوارمنزل دیگریست ، این مهم نیست امادلم می‌خواهدلااقل خودش‌بداند که اورافراموش نکرده‌ام . . .

فریده علیزاده ــ پاریس

عبرت ــ تأخیر پست را کـه‌برایتان توضیح دادم اما در مورد گم شدن و یا نرسیدن کاغذ، کارت وغیره از شما خواهش می‌کنم به این کاغذها و کارتها نگاهی بیندازیدما در روز حدود ۲۰۰ نامه و کارت وکارتون (در آن باحتمال قوی کتاب‌ویا مجله است) دریافت می‌کنیم که قابل توزیع نیست (عکس چهار نمونه‌از این پاکت‌ها چاپ شده است و با این رقم حدود سالـی هفتـاد هزارتااز این نوع نامـه‌ها داریم و حساب کنید سالی یکصد وچهل هزار گلمندیك فرستنده و یك گیرنده برای هر نامه ملاحظه .کنید این خانم یاآقا باعجله تمام کارت پستال بسیار زیبایی را که فکر می‌کند هم‌اکنون در منزل‌پستچی صدیق و درستکار ما آویزان است بچه نحو در صندوق پست لندن‌انداخته با تمبر کامل ولـی بدون آدرس نه آدرس فرستنده و نه گیرنده‌ما حتی امکان پس فرستادن آنرا هم نداریم.

ویا خانمی که باز از انگلستان‌کاغذ هوائی خود را بدون نـوشتن آدرس در صندوق پست انداخته است‌این دیگری بآدرسی در آمریکا کاغذ

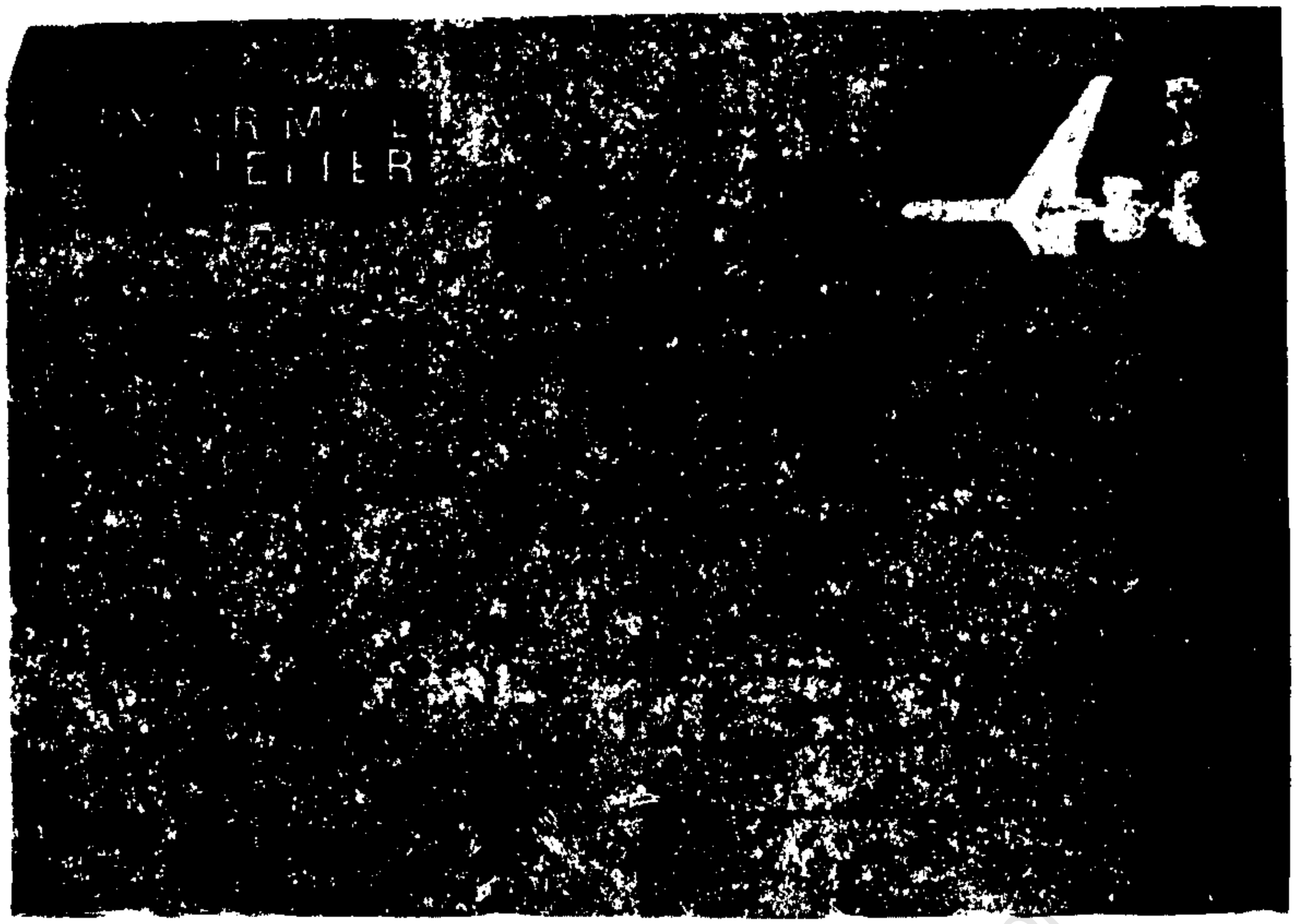

پستخانه بااین نامه چه‌کند؟

را فرستاده است کاغذ از آنجا برگشته‌زیر آدرس صحیح نبوده است و ما بعلت نداشتن آدرس فرستنده درتهران نمی‌توانیم نامه را به فرستنده برسانیم یا این یکی را چه می‌گویند مأمورساده پست که مسلماً اطلاعات‌وسیعی از وضع شرکتهای ایران ندارد پاکتی را به آدرس تهران ــ بایر ایران شیمی برساند؟ این پاکت باید پس از چندین‌روز معطلی به دفتر معاونت بیاید بفرمایید آن نامه‌رسان چه گناهی‌کرده‌است ؟

پس از درود وسلام فراوان به کارکنان مجله امیدوارم که این کاغذانتقادی مرابه چاپ برسانید . من، دانشجوی‌یکی‌ازدانشکده‌های تهران هستم و مدتها بود که برای ارسال کاغذ به خارج از کاغذ وپاکت های سرهم که دراین اواخربمبلغ ۱۰ریال‌فروخته‌می شد ، استفاده می‌کردم .چندین ماه است‌که بهرباجه‌یی‌سرمی‌زنم می‌گویند دیگرنیست و یاچاپ نمیشود و آخرین بارجوابم این بود که ازاین نوع کاغذ ها تعدادکمی در اختیار ما می‌گذارند وسفارش کرده‌اند که فقط به خارجی هابفروشیم . . .

توران پنبه چی ــ تهران

ولی باید بگویم ما برای این‌قبیل نامه‌ها نیز فکری کرده‌ایم در مدیریت کل پست کشور دایره‌یی بنام‌دایره نامه‌های غیر قابل توزیع وجود دارد که ما این کاغذ را بآنجا می‌فرستیم در آنجا افرادی هستند که قانوناً اجازه بازکردن پاکتهارا دارندو بجز آنها هیچ یك از کارکنان، کارمندان ویا حتی رؤسا حق بازکردن‌پاکت را ندارند، پس از باز شدن نامه این امکان می‌تواند وجود داشته‌باشد که اسم و آدرس یکی از طرفین (گیرنده یا فرستنده) موجود باشد که ماآنرا برای او پست خواهیم کرد ویا اگر مدرك تحصیل است که‌نام و نشانی دارد حتماً پس از مدتی که بدون شك خیلی کوتاه نیست به‌شخص فرستنده یا گیرنده خواهد رسید، چنانچه نامه حتی بعداز بازشدن غیر قابل توضیح بود به دور ریخته خواهد شد وامانات نیز اگربعداز یکسال شخصی برای پیداکردن آن باین دایره نیامد حراج می‌شود.

نباید فراموش شود که کارکنان‌پست از صدیق‌ترین، پاکترین و با ایمان‌ترین افراد می‌باشند، آنها خودرا نمایندگان بدوح (فرشته خوش خبر بهشت) می‌دانند واگر دقت کنید هنوز برروی بعضی پاکتها نام این فرشته بحروف ابجد به رقم ۲٤٦٨ خواهیددید.

. . .داستان ازاین قراراست . حدوداواخردسامبر یا ، دی‌ماه خودمان‌بودکه برادرم از تهران برای پسر کوچکش یک کت و چکمه زمستانی‌خواست که برفورخریدم وباپست سفارشی برایش‌فرستادم این راداشته باشید . عیدشد آنهاپیش من آمدندو خوب البته از بسته خبری نبود بعد از یکماه برگشتند وخبررسیدن خودشان رسید و همچنان ازبسته خبری نبود بالاخره هفته گذشته کاغذی داشتم که اسبابها رسید وخوشحال بودندکه چقدر زود و به موقع رسیده‌که اکنون درست فصل استفاده آنهاست . . . منظورم تابستان تهران است وگرمای . . . . .

بهرام پاک نژاد ــ آلمان

www.KetabFarsi.com

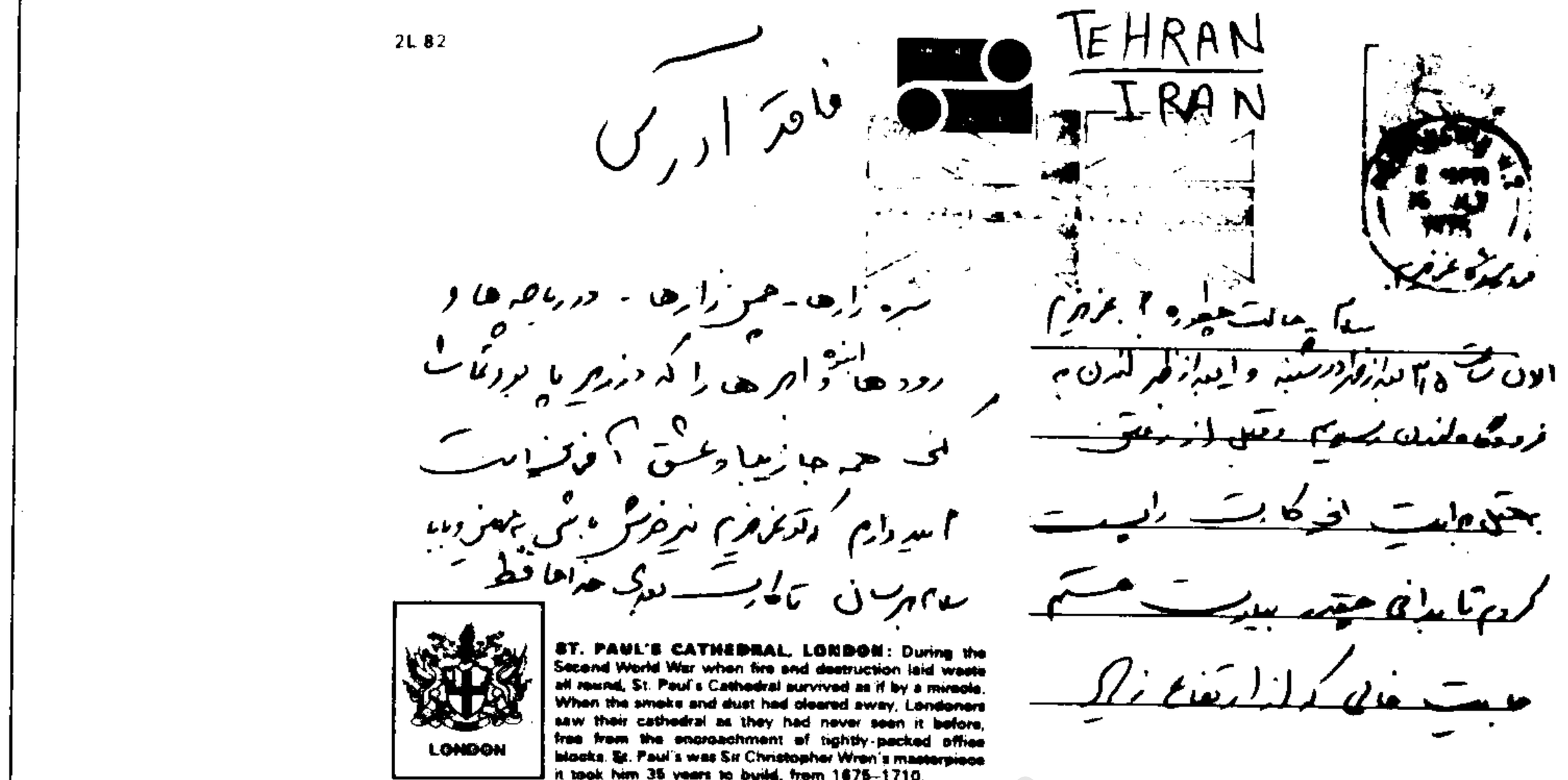

در مورد کاغذهای هوایی نیز صحیح است مدتی کمیاب بود وچاپ و انتشار آن به عقب افتاده بود اما اکنون بهرتعداد و در همه باجه‌ها در اختیار همگان قرار دارد.

اما خواهش من رعایت دقیق اصول نوشتن آدرس گیرنده وفرستنده و چسبانیدن تمبر بمقدار لازم است همین بس آنوقت خواهید دید که نامه‌ها چقدر سریع و به موقع تحویل می‌شود.

تلاش ــ انشاءالله

پایان

همکاران !

تحول نظریه اتر از ارسطو و نیوتن تا اینشتین و هایزنبرگ

مهندس حسین آوارگان

www.KetabFarsi.com

خلاصه مطالب لازم مقاله‌های پیشین

اتر در اصطلاح طرفداران آن یک واسطه فضایی است‌که فضای خالی از ماده را پرکرده است . سه تئوری مختلف برای اتر شده است که برحسب قدمت زمانی عبارتنداز :

اتربنظرارسطو چیزی است بدون صورت و تعینات‌و مشخصات قابل توجه که مبداء پیدا شدن تمام موجودات‌است .

اتر بنظر دکارت تشکیل شده از ذرات بدون وزن که بطور پیوسته در حرکت گردابی فرض شده‌اند .

اتر بر حسب نیوتون که هوا مانند است ولی فوق العاده رقیقتر از هوا و وسیله انتقال جاذبه بین اجسام و کرات سماوی است .چون ارسطو حرکت ظاهری کواکب را دور زمین حرکت دورانی واقعی تحت تأثیر اتر تصور کرده بودپس ازپیدایش تئوری کوپرنیک‌و قوانین کپلر راجع به حرکت دورانی زمین و سایر سیارات‌بدور آفتاب فلسفه ارسطو با شکست مواجه‌شد و تئوری اتر او چنان بی اعتبار گردید که حتی تئوریهای دکارت‌ونیوتون‌هم‌مورداستقبال‌واقع نشدند .

ولی وقتی‌درقرن نوزدهم تجربیات فرنل تحت نظر آکادمی فرانسه مسلم داشت که انتشار نوربصورت‌امواج‌میباشد لذاتئوری اتربعنوان واسطه انتقال امواج نورمجددا" اعتبارپیداکردو فیزیکدانهاواردتحقیقات برای کشف‌خواص‌آن‌شدند.

تحقیق درباره واسطه جاذبه بودن اتر سبقت زمانی دارد زیرا قبل از مسلم شدن خاصیت موجی نور واسطه‌جاذبه بودن اتر مورد تحقیق یکی از دانشمندان فیزیک واقع شد و نتیجه قابل‌توجهی بدست آمد ولی‌پس‌ازمسلم‌شدن‌خاصیت موجی نور است که مسئله اتر مورد علاقه و مطالعه عده کثیری از ریاضیدانها و فیزیکدانها واقع شده‌است .

تحقیقات دانشمندان مزبور را میتوان بسه قسمت ذیل تقسیم نمود :

تحقیقات برای‌کشف خواص فیزیکی اتر بوسیله بدست آوردن معادله ریاضی موجی آن .

تحقیقات برای کشف چگونگی وساطت اتر در ایجاد جاذبه بین اجسام و کرات سماوی .

تجربه قاطعی که به تحقیق در بارهٔ اتر نیوتونی خاتمه داد .

جستجوی معادله ریاضی

اتر مفروضه ارسطو بدون صورت و مشخصات و غیره قابل تحقیق نبود .

اتر دکارت چون ذراتش بدون وزن فرض شده فقط یک مطالعه سینماتیکی (علم‌الحرکات) ممکن بود از آن بشودکه قابل‌تجربه‌نبود.تنها،اتر مفروض نیوتون‌است که امید بجربه روی‌نتیجه تحقیقاترامی‌داد لذا فیزیکدانها اتر را در مفهوم نیوتونی اتخاذکردند . وقتی‌کشفت شدکه‌دراموا‌ج‌نورنوع عرضی است‌که‌جهت نوسان عمودبر جهت انتشار است فرنل نتیجه گرفت‌که : اترمانند اجسام قابل ارتجاعی‌است‌که مقاومتشان درمقابل تراکم خیلی بیش از مقاومتشان در برابر تغییر شکل است . مانند کائوچو و دلمه (ژله) و او کوشید که ریاضیدانها خواص نوسانی اجسامرا مورد پژوهش قرار دهند .

نخستین اشکالی‌که‌پیش‌آمد این بودکه‌باوجود مقاومت زیاد اتر در مقابل تراکم پس چگونه می‌شود که سیارات می‌توانندبا سرعتهای زیاد در این اتر سیر کنند ؟ فکرکردند که‌چون‌سرعت‌نور هزاران برابر بیش از سرعت سیارات است ممکن است که‌شدت سرعت نور باشدکه آنرا مواجه با مقاومت زیاد اتر می کند ولی سیارات که سرعتهایشان در مقابل سرعت نور ناچیز است بمقاومتی برخورد نمی‌کنند . بعدها استوک (Stockes) متوجه‌شدکه‌قیرو واکس نیزدارای چنین خاصیتی هستند .

نخستین‌کسی که نوسان جسم قابل ارتجاع خاصیرا مورد مطالعه قرار دادناویه (L. M. Henri Navier) است که درسال ۱۸۲۱ معادله‌مکشوفهٔ‌خود را به آکادمی‌فرانسه گزارش‌کرد . در معادلهٔ او دومقدار ثابت ، معرف جسم وارد می‌شد . هفت سال بعد کوشی ریاضیدان معروف فرانسه یک معادلهٔ مشابه ولی کلی تر بدست‌آورد و به آکادمی فرانسه گزارش کرد . در معادله کوشی گذشته از دومقدار ثابت وارده در معادلهٔ ناویه که معرف وزن مخصوص (غلظت) و درجه جمودت (Rigiditée) جسم بوده یک ضریب دیگر بعنوان ضریب تراکم وارد شده (Module de Compression)که معرف‌جسم مفروضه است . در همانسال انتشار معادله کوشی (۱۸۲۸)ریاضیدان دیگر فرانسه پواسون (Poisson) معادلهٔ‌کوشی‌راحل کرد . پواسون‌معلوم کرد که معادلهٔ‌کوشی به‌دو معادله تجزیه می‌شود که یکی از آنها معادله امواج‌است ودیگری معادله امواج عرضی . این حل پواسون یک اشکال دیگر بوجود آورد و آن اینکه در نور اتر امواج طولی دیده نشده‌است. خود کوشی عقیده داشت که امواج طولی وجود دارد و ممکن است از نوع امواج حرارتی باشند و می گفت که حقیقت آنهابعدا" کشف خواهد شد .فیزیکدانهای پژوهشگر معادلهٔ کوشی‌را مبنای‌نخستین تحقیقات خود قرار دادند. در معادله کوشی ۲۱ ضریب وارد بود .آنها می‌بایست این ضریبها را طوری اختیار کنند که امواج معادله دارای خواص انعکاس وانکسارو پولاریزاسیون نور باشند . فیزیکدانهانخست می‌بایست دوفرض‌اختیارکنند .

فرض‌اول‌آنکه‌آیااختلاف‌ضریب‌انکسارنوردراجسام‌گوناگون معلول‌اختلاف‌غلظت‌اتردرآن‌اجسام‌است‌یاآنکه‌بعلت اختلاف مقاومت‌آن‌اجسام‌است‌درمقابل تغییر شکل ؟یعنی‌درمحیطهای گوناگون آیا غلظت اتر متفاوت است یا ضریب تغییر شکل ؟

فرض دوم‌آنکه آیا جهت نوسان اتر عمود است برسطح پولاریزاسیون نور یا آنکه در آن سطح نوسان می کند ؟

"فرنل" برای محیطهای گوناگون مقاومت ، درمقابل ، تغییر شکل راثابت و غلظت اتر را متغیر فرض کرده بود و جهت نوسان‌اترراعمود برسطح پولاریزاسیون اختیار می‌کرد.

گذشته از این ،او فرض‌کرده بود که وقتی شعاع تابنده در برخورد با سطح فاصل میان دو محیط قسمتی از آن در محیط نخستین منعکس وقسمتی‌در محیط دوم منکسر می‌شود مجموع انرژی شعاع‌های منعکسه و منکسره مساوی‌انرژی شعاع تابنده است و با این فرضها رابطه‌های زیر را بدست آورده بود که محک تحقیقات بعدی واقع شد :

هرگاه‌شعاع تابنده درسطح تابش پولاریزه باشد نسبت دامنهٔ نوسان شعاع منعکسه بر دامنه نوسان شعاع تابنده مساوی‌رابطه سینوس تفاضل بر سینوس مجموع دوزاویه تابش و انکسار است . این رابطه را "رابطه سینوس فرنل" نامند .

تحقیقات کوشی

نخستین تحقیقات کوشی در باره بسط‌دادن معادله به‌کریستالها است وآنرا بسال ۱۸۲۸شروع ودرسال ۱۸۳۰به آکادمی‌داد .کوشی با فرض اینکه محیط‌اتر آزاد و نسبت به سه‌سطح مقایسهٔ‌مختصاتی‌قرینه‌باشد تعداد ۲۱ ضریب وارده در معادله را به ۹ ضریب تقلیل داد . کوشی در تحقیقات نخستین اش تمام فرضها را مخالف فرضهای فرنل اختیار نمود یعنی فرض‌کرد که غلظت اتر در تمام اجسام یکسان و ضریب جمودت متغیرباشد و جهت نوسان اتر موازی با سطح پلاریزاسیون باشد . در جریان تحقیق باین نتیجه رسید که وقتی جهت نوسان اتر در شعاع تابش عمود بر شعاع تابش

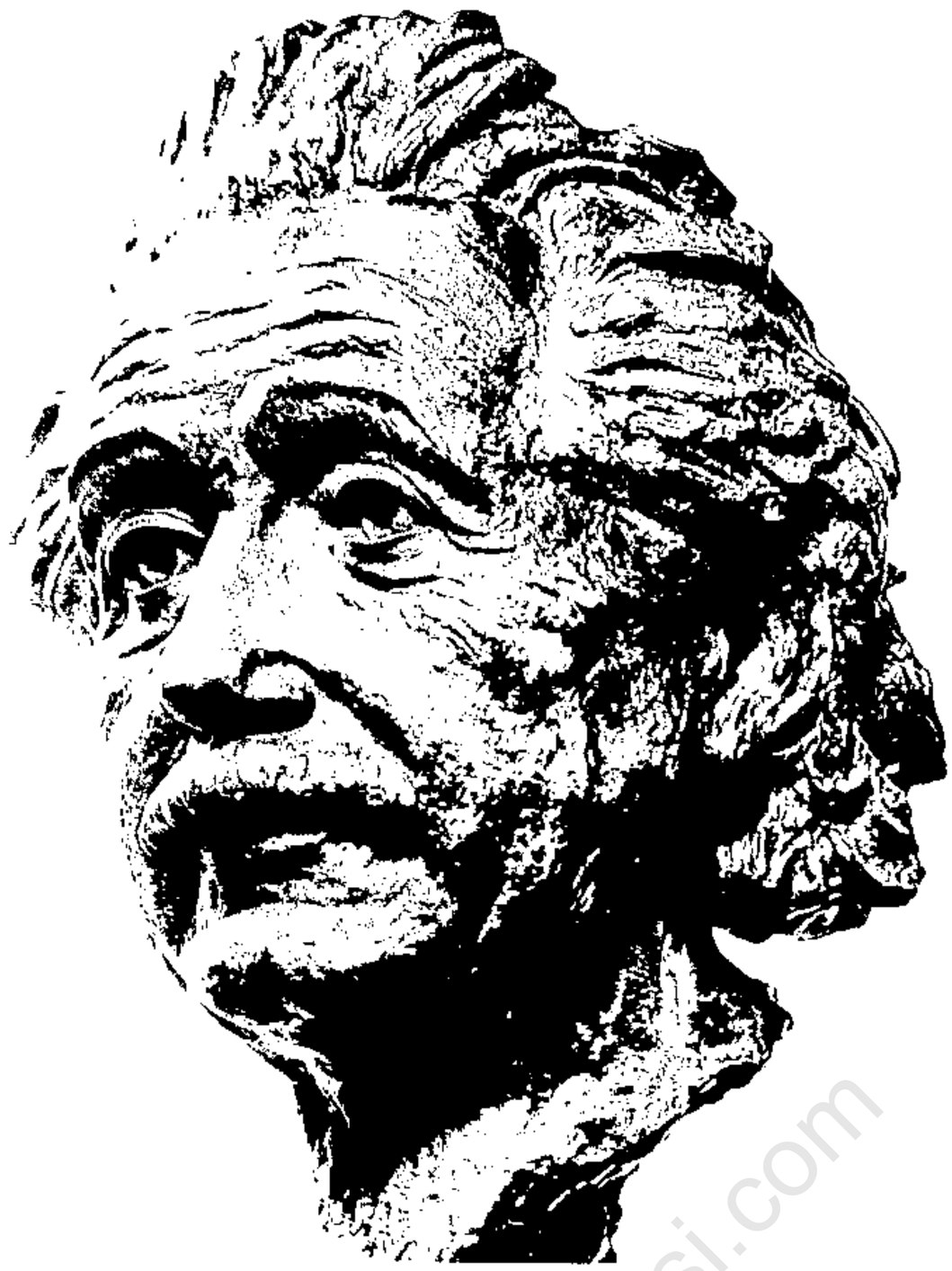

اینشتین

باشد رابطه سینوس فرنل بدست میآید و حال آنکه رابطه سینوس فرنل‌برای مواردیست‌که فرض مبنا این‌باشد که جهت نوسان اتر عمود برسطح پلاریزاسیون باشد، درست بر خلاف فرضی‌که کوشی اختیار نموده بود. رابطه تانژانت نیز مواجه با اشکالات دیگر شد.

در سال ۱۸۳۶ کوشی نظریه دیگری طرح کرد با این فرض که جهت نوسان اتر، عمود برسطح پلاریزاسیون باشد چنانکه فرنل فرض کرده بود ولی در این نظریه کوشی مواجه با مشکلات متعدد دیگر شد. بطور خلاصه چنانچه "ویتاکر" نتیجه گیری کرده "با گذشت دهسال ریاضیدان‌بزرگ" فرانسه (کوشی) دو نظریه مختلف برای سیر نور در شیشه و سه نظریه انعکاس بوجودآورد "که همگی بفرمولهای تقریبا" صحیح انجامیدند و با این همه غیر قابل سازش با یکدیگر بودند و شرایط حد نادرست و روابط غیر "محتمل میان مقادیر ثابت جسم ارتجاعی را ایجاب می‌کردند." (صفحه ۱۳۷، جلد اول)

تحقیقات مککولاك و نیومن

(مکگولاک) اهل دوبلین و (فرانزنیومن) ازاهالی کونیگزبرگ هر دو مستقل از همدیگر در سال ۱۸۳۵ نظریه های مشابه منتشر کردند. آنهاتوجه خودرا معطوف کردند برفع ایرادی که بر تحقیقات فرنل وارد شده بود و عبارت بود از پیدا شدن‌انفصال درحامل انتقال در سطح فاصل میان دو محیط آنها، فرض مبنای‌خود را بر پیوستگی هر سه حامل مذکورقرار دادندوباین‌نتیجه رسیدند که رابطه های سینوس و تانژانت فرنل بدست می‌آید بشرط‌آنکه فرض شود که نوسان‌اترموازی با سطح پلاریزاسیون باشدو گذشته از این غلظت اتر در تمام محیطها یکسان و ضریب جمودت متفاوت باشد یعنی تمام فرضها مخالف فرضهای فرنل اختیار شوند.

خود مکگولاک اقرار میکند که تئوری نتوانست جواب صحیحی‌پیداکند و می‌گوید: مسلم است‌که نور بوسیله امواج منتشر می‌شود. بوسیله نوسان عرضی یک اتر خیلی قابل ارتجاع ولی ساختمان این اتر و قوانین ارتباط باذرات اجسام (اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد) کاملا" مجهول است. (صفحه ۱۳۹ جلد اول ویتاکر).

تحقیقات سوم کوشی

کوشی در سال ۱۸۳۹ یک فرضیه سوم منتشرساخت که بنظرمی‌آید ازکار، (گرین) انگلیسی (۱۸۴۱–۱۷۹۳م) الهام گرفته باشد. گرین درتحقیقات خود متذکر شده بود که امواج

نیوتون

معادلهٔ اجسام قابل ارتجاع را با یکی از دوفرض می‌توان از میان‌برد ؛ یکی‌آنکه سرعت آن‌امواج خیلی‌زیاد باشد ؛ دیگر آنکه بینهایت کم باشد . گرین خودش فرض اول را اختیار کرده و فرض دوم را رها کرده بود زیرا ایجاب می‌کردکه‌جسم دارای ضریب تراکم منفی‌باشدو تعادل اتر ناپایدار می بود .

کوشی بدون اعتناء بایراد گرین ضریب تراکم را منفی گرفت‌بحدی که‌سرعت امواج طولی دقیقا" صفر شود .

کوشی‌باصفر کردن سرعت امواج طولی تحقیقاترا ادامه داده،معلوم داشت که اگر نوسان عمود بر سطح پلاریزاسیون مفروض باشد و نیز اگر برای تمام محیطها ضریب جمودت یکسان و غلظت اتر بر حسب محیط متغیر فرض شود در این صورت روابط سینوس و تانژانت فرنل وجود خواهند داشت . کوشی‌بااین فرض توانست پیوستگی حامل انتقال را در عبور نورازمحیطی‌بمحیط دیگرتأمین کند .باوجوداینکه این فرضیه سوم کوشی‌توانسته بود درفرضهای فرنل تقریبا" تمام خواص نور و گذشته از آن پیوستگی حامل انتقال آن در عبور از محیطی‌بمحیط دیگر را تأمین کند معهذا چون تصور جسمی‌با ضریب تراکم منفی دشوار بود لذا فرضیه او تا پنجاه سال متروک ماند تا آنکه "لرد کلون" آنرا مجددا" مورد بحث و توجه قرار داد .

تئوری دوم مککولاک

پس از انتشار نتیجه تحقیقات گرین از اینکه او نتیجه گرفته بود که محال است بتوان نوسان اتر را با نوسان جسم معمولی‌که دارای مقاومت در مقابل فشار و تغییر شکل هر دو باشد مقایسه کرد مککولاک الهام گرفت که تحقیقات خودرابا روشی‌جدید و فرضی تازه شروع کند . در تحقیقاتی که در سال ۱۸۳۹ به آکادمی ایرلند تسلیم کرده ، او نوعی جسم قابل ارتجاع اختیار کرده است .

او مانند گرین از انطباق اصل دینامیکی بر انرژی پتانسیل شروع کرد . در حالیکه برای‌جسم قابل ارتجاع معمولی انرژی پتانسیل ، تابع تغییرات‌ابعاد وشکل و حجم عناصرحجمی جسم‌است .مککولاک انرژی پتانسیل جسم‌قابل ارتجاع مفروضهٔ خود را فقط تابع "دوران" عناصر حجمی آن جسم قرار داد و معادله‌یی بدست‌آورد که بکلی فاقدموج طولی است . باین ترتیب بزرگترین مانع قبول اینکه بتوان جسمی قابل ارتجاع را تصورنمود که نوسانش مانند نوسان‌اتر فقط عرضی‌باشد از بین رفت .در این فرضیه مککولاک ، سطح موج عینا"مانندسطح موج فرنل است .بعقیده ویتاکر"می‌توان گفت که مککولاک حقیقة"این‌مسئله راکه"پیدا کردن محیطی

که نوسان آن برحسب قوانین صحیح دینامیک حساب شود دارای‌خواص نوسان‌نورمی‌باشد "راحل‌کرد (جلد اول۱۴۴) .

ولی‌چون‌چنین‌جسمی درطبیعت یافت نمی شودفرضیهٔ او مدت چهل سال متروک شد تا آنکه فیتز جرالد (Fitz Gerald) توجه‌فیزیکدانها را باین فرضیه جلب کرد و در ۱۸۸۹ لردکلون آنرا مورد دقت قرار داد .

تحقیقات استوک

استوک موٴسس تئوری خاصی نیست ولی به تحقیقات راجع به اتر علاقه‌مند بوده و نظریه های مفیدی داده‌است .

ازجمله آنکه راجع به این مسئله ،که اتر را مانند جسم قابل ارتجاعی بدانیم که مقاومتش در مقابل فشار بقدری است که مانع تشکیل امواج طولی می شود .پس چگونه است که سیارات وکواکب با سرعتهای زیاد بدون مواجه شدن با مقاومتی در آن سیر می کنند و این مسئله لاینحل بودواستوک درسال ۱۸۴۵ طی‌مقاله‌یی زفت و واکس کفشگری را بعنوان نمونه یاد کردکه درمقابل فشار مقاومت‌می‌کنندولی اجسام کوچک وزن دار بتدریج در داخل انها فرو میروند که معلوم می شود در مقابل فشار کم ،مقاومت نمی کنند و چون‌سرعت‌سیارات هزاران برابر کمتر از سرعت نور است از ین رو بسهولت می‌توانند در اتر سیرکنند .

تحقیقات ژزف بوسینسک

استوک انرا در سال ۱۸۴۹ حل کرد و با استفاده از خاصیت دیفراکسیون نور از روی تجربه معلوم داشت که همانطور که فرنل تشخیص داده صحیح است و جهت نوسان اترعموداست برسطح پلاریزاسیون‌نور. درسال ۱۸۵۲ آزمایش دیگری از طریق دیگر بعمل آورد و بهمین نتیجه رسید .

در سال ۱۸۶۷ ژوزف بوسینسک فیزیکدان فرانسوی فرضیه‌یی بفرهنگستان‌فرانسه پیشنهاد کرد که دائر براینست که اتردرفضای خالی از ماده و در اجسام چه از حیث غلظت وچه از حیث جمودت یکنواخت است . بعقیدهٔ او ماده در اتر شناور است مانند ذرات غبار که در هوای آزاد شناورند.

معادله‌یی که او اختیار کرده شبیه معادله‌کوشی‌است‌که درآن جایی‌که‌ماده باشد بجای وزن مخصوص(m)از اتر ($m+m' \times E$)قرار میدهند که (E) معرف نوع جسم شناور است و تابع آنست و مساوی نسبت انتقال جسم بر انتقال‌اتراست.این‌صورت‌شکل‌ساده فورمول بوسینسک است که صورت کلی آن قدری پیچیده تر است ولی معنا همین است .فرضیهٔ بوسینسک‌احتیاج به فرضهای پیشین‌نداشت‌زیراجهت‌نوسان‌اتررانسبت بسطح پلاریزاسیون تجربه‌های استوک معلوم‌کرده بود و غلظت و جمودت اتردر همه جا یکسان و مستقل از جسم است و هردو بر حسب جسم متغیراند .

تئوری‌بوسینسک باتئوری الکترومانیتیک نیز موردتوجه واقع می شود .

تحقیقات لرد کلون

درسال ۱۸۸۸ لرد کلون فیزیکدان انگلیسی تحقیقات سوم‌کوشی‌رامهم دانسته‌ومورد مطالعه‌قرارداد‌واترباضریب‌تراکم منفی کوشی را "اترناپایدار"نام داد . لرد کلون دریافت که هرگونه‌حرکت‌بینهایت کوچکی‌درچنین اتری برحسب قوانین مکانیک‌موجدامواج می‌شودوتعادل ،پایدار خواهد بود هرگاه اترمفروض درفضای لاحد بسط یافته باشد و یا آنکه درمحیط کاملا" محدودی محصور باشد . لرد کلون نیز تأیید کرد که هرگاه فرضیات فرنل را مأخذ قراردهیم رابطه های سینوس وتانژانت فرنل صدق می‌کند .لرد کلون در جریان تحقیقات بدانجا می رسد که فرض می‌کند: در فضای خالی از ماده وزن دار ، اترمذکور عملا" غیر قابل تراکم است ولی در فضا جسم جامد یامایع باشد اتر دارای قابلیت تراکم منفی است برای آنکه سرعت موج طولی صفر گردد . این فرض او بر این

پایه‌بودکه اجسام مادی در فضا متحرک هستند بدون‌اینکه اتر راجابجا کنند ، عقیده یی که با اصل فلسفی اسکولاستیک مغایرت دارد که می گوید : دو چیز در آن واحد یک قسمت فضا را نمی توانند اشغال کنند و این نکته یی است که خود لرد کلون هم متذکر شده است .

درنامه‌یی‌که‌فیتزجرالدبتاریخ۴فوریه۱۸۸۹ به هویساید (Fitz Gerald to Heaviside)اززبان‌اومی‌نویسد که من‌نگرانم که یگانه عاج سرتمسن (لرد کلون) این باشد که‌این‌پژوهش‌راکه‌اترچطور عمل می کند یکجا دور بیندازد !) درنامه دیگری که بازفیتزجرالدبه‌هویساید می‌نویسدوبتاریخ ۸ جون ۱۸۹۶ است او می گوید "من مکاتبات طولانی با لردکلون داشتم . درآخرین نامه‌اش او می‌گوید که من هر چه راجع به اتر نوشته‌ام بکلی رها می کنم " (ویتاکر جلد اول یاد داشت صفحهٔ ۱۴۸)

تحقیقات روی فرضیه دوم

چهل سال پس از متروک ماندن فرضیهٔ مکگولاک فیتزجرالد متوجه‌اهمیت آن شده و آنرا متذکر شد . لردکلون آنرا مورد مطالعه قرار داده و آنرا بقدری جالب دید که در صدد شد که یگانه ایرادی که مانع قبول آن بود رفع کند و آن ایراد این بود که چنین جسم قابل ارتجاعی در طبیعت وجود نداردوغیر قابل تصور است . لردکلون در سال۱۸۸۹ یک نمودارمکانیکی‌برای اترمکگولاک ساخت . مدل‌مکانیکی او تشکیل شده بود از عده‌یی کرات فلزی که معرف ذرات‌اتر بودند . این کرات بوسیله میله‌هایی بطول مساوی بهمدیگر متصل می‌شدند . بوسیله‌کلاههای فلزی نصب شده در طرفین میله‌ها . هر کره فلزی با هر سه کرهٔ واقع در طرف دیگرش تشکیل یک هرم منظم مثلث القاعده می‌داد . باین ترتیب مدل مزبور یک نظام غیر قابل تراکم تشکیل می‌داد .

برای تأمین حرکت دورانی اتر بهر میله یک زوج طیار بطور ژیروسکوپی وصل شده بودندکه در جهت عکس یکدیگر باسرعت زاویه مساوی می‌چرخیدند . یک ایراد براین نمودار وارد بود چونکه یک دستگاه قوی لازم بود که نمودار را در حال‌تعادل نگاهداردکه مغشوش نشود . سال بعدش نموداری ساخت که این عیب از آن رفع شده بود .

ولی‌این‌موفقیت‌مقارن شد با زمانیکه خاصیت الکتریکی اتر و فرضیهٔ الکترومانیتیک نور افکار را از اتر قابل ارتجاع نیوتونی‌منصرف نموده بود ،ولی چنانچه خواهیم دید اتر مکگولاک‌درآن‌مبحث‌نیزموردتوجه‌قرارگرفت‌واحیاگردید .

خلاصه

از عرضی بودن امواج نور استنتاج شد که اتر مانندیک جسم قابل ارتجاع نوسان می‌کند و چون کشف شد که‌معادلهٔ نوسان اجسام قابل ارتجاع‌هردونوع‌عرضی را در بردارودر نور فقط امواج عرضی بتجربه درآمده است ، از این رو برای انطباق معادله اجسام‌قابل‌ارتجاع براترناگزیربر طرح فرضیات‌خاصی شدند . ولی وجود رابطه های معرف امواج طولی مشکلات لاینحلی در کار انطباق معادله بر مباحث انعکاس و انکساربوجود آورد . کوشی و مکگولاک توانستند دومعادله پیداکنندکه تنها معرف امواج عرضی باشند . کوشی بافرض‌آنکه‌جسم مفروضه مدول تراکمش منفی‌باشد و مکگولاک بافرض‌آنکه انرژی پتانسیل عناصر حجمی جسم مفروضه فقط تابع نوسان آن‌عناصر باشد . هیچ‌جسم قابل ارتجاعی وجود ندارد که دارای چنین خواصی باشد .

درفرضیهٔ‌بوسینسک رابطه‌های معرف امواج طولی‌وجوددارند ولی با مستقل کردن اتر از محیط مشکلات انعکاس و انکساررا رفع کرد. بنابراین می‌توان گفت که برای پیدا کردن جسمی قابل ارتجاع که نوسان آن تمام خواص نور را ظاهر کند "لرد کلون" با شکست مواجه شد !

★ ★ ★

هشت سال قبل، آغازی بود برای یک رویداد مهم و جهانی در کشور ما: جشن هنر شیراز، تخت جمشید، که خیلی زود و بیش از آنچه که انتظار می‌رفت شهرت یافت و جای خود را در دنیای هنر گشود.

این کار که در آغاز بسیار مشکل می‌نمود، بهر تقدیر قوام گرفت و امسال شاهد برگزاری نهمین دوره آن هستیم.

جشن هنر شیراز که از جمله برنامه ها و فعالیت های جنبی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران است بمنظور گسترش "فرهنگ و هنر" ازیکسو و آشنایی با هنر چهارگوشه جهان ازسوی دیگراست. بدان هدف که هنر ایران بجهانیان شناسانده شود و ایرانیان علاقمند به هنر، راهی به آگاهی و دیدن وشنیدن هنر جهان بیابند.

در این میان، فرصتی است تا دیگران نیز، از آسیا تا اروپا، از امریکا تا افریقا صحنه‌یی برای هنر نمایی بیابند و باین گونه هنر شرق و غرب در کنار هم ارائه شود. بحق باید این اقدام را تمجید کرد که کاری بزرگ است و هدفی عالی و بهمین دلیل نیزمورد توجه خاص علیاحضرت شهبانو بوده است.

جای سخن درباره برنامه های جشن هنر شیراز و تعداد و تنوع برنامه ها و همچنین مقایسه شخصیت‌های هنری و جهانی که از آغاز تا امروز برای شرکت و حضور در جشن هنر شیراز به تهران آمده‌اند بسیار است. لیکن آنچه میتوان بآن اعتقاد داشت اینکه سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران صمیمانه معتقد به ارزش این رویداد جهانی است.

دراین شماره تلاش با ارائه برنامه نهمین جشن هنرو همچنین عکس هایی از برنامه های مختلف آن خوانندگان عزیز را درجریان این دوره ازجشن هنرشیراز قرار می‌دهیم. آرزوی موفقیت جشن هنر شیراز راداریم با این امید که هربار بر ارزش کمی و کیفی آن افزوده شود.

بهرام افرهی

جشن هنر شیراز

ومیهمانان هنرمندش

پنجشنبه ۳۰ر۵ر۵۴ :

● ساعت ۱۸ر۳۰ «اوتوپیا» (۵ نمایش از آریستوفانس)، بکارگردانی لوکا رنکنی ـ ایتالیایی. در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۱ر۳۰ «گروه رقص نیکلائیس» (برنامه اول)، ایالات متحده در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۳ «موسیقی اصیل ایرانی» در حافظیه (ماهور و همایون)

***

جمعه ۳۱ر۵ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «قلندرخانه» (برنامه‌نمایش)، کارگردان ایرج صغیری (ایرانی) در تالار دانشگاه.

● ساعت ۱۸ر۳۰ «اوتوپیا درتخت‌جمشید.

● ساعت ۲۱ر۳۰ گروه رقص نیکلائیس در تخت‌جمشید.

***

شنبه ۱ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «قلندرخانه» درتالاردانشگاه.

● ساعت ۱۸ر۳۰ «اوتوپیا» درتخت‌جمشید.

● ساعت ۲۱ر۳۰ گروه رقص نیکلائیس برنامه دوم در تخت‌جمشید

● ساعت ۲۳ موسیقی اصیل ایرانی در حافظیه (ابوعطا، مخالف سه‌گاه، همایون).

***

یکشنبه ۲ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «قلندرخانه» درتالاردانشگاه.

● ساعت ۱۷ «امشب‌شب‌مهتابه» کارگردان آشور بنی‌پال بابلا (ایرانی) درسالن تلویزیون

● ساعت ۲۰ر۳۰ «رقص اودیسی» توسط پانی‌گراهی (هندی) ـ سرای مشیر.

● ساعت ۲۳ موسیقی و آواز سنتی از ویتنام، توسط «تران وانکه» و «تران‌تی‌توی نیوك» در حافظیه.

***

دوشنبه ۳ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷، سنت‌های موسیقی آسیایی از «تران وانکه» (ویتنامی) در تالار دانشگاه

● ساعت ۱۷ (امشب شب مهتابه»، درسالن تلویزیون.

● ساعت ۲۲ر۳۰، رقص اودیسی درسرای مشیر.

***

سه‌شنبه ۴ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «قلندرخان» درتالاردانشگاه.

● ساعت ۱۷ «امشب شب مهتابه» در سالن تلویزیون.

● ساعت ۱۹ر۳۰ «ارکستر سمفونی رادیو ملی لهستان» رهبر ماکس میسوك (لهستانی) در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۲ر۳۰ «تأتر ورقص افریقایی» «گروه سروماگا» (اوگاندایی) درسرای مشیر

● ساعت ۲۳ موسیقی اصیل ایرانی در حافظیه.

***

چهارشنبه ۵ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «موسیقی مذهبی تونس» در تالار دانشگاه.

● ساعت ۱۷ «امشب شب مهتابه» درسالن تلویزیون.

● ساعت ۲۳ «فلوت هندی» توسط چائوراسیا (هندی) در حافظیه.

پنجشنبه ۶ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۹ر۳۰ «تأتر» (برنامه اول) ژاپن ـ درباغ دلگشا.

● ساعت ۱۸ر۳۰ «الکترا» و «زنان‌تروپا» کارگردان آندرمشربان (ایالات متحده‌امریکا) در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۲ر۳۰ «گروه کانتوپوپولاره» آوازهای عامیانه (ایتالیایی)ـ درسرای‌میشر.

***

جمعه ۷ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «گروه موسیقی جدید آچه زانتس» (یوگسلاوی) در تالار دانشگاه.

● ساعت ۱۹ر۳۰ «تأترنو» برنامه دوم (ژاپن) ـ درباغ دلگشا.

● ساعت ۱۸ر۳۰ «الکترا» و، «زنان تروپا» در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۲ر۳۰ «موسیقی نواحی‌ایران»، در سرای مشیر.

***

شنبه ۸ر۶ر۵۴ :

● برنامه سینما، فیلمهای موزیکال.

● ساعت ۱۷ «گروه موسیقی جدید آچه زانتس» (یوگسلاوی)، در تالار دانشگاه.

● ساعت ۱۹ر۳۰ «تأترنو» (برنامه اول)، ژاپن ـ درباغ دلگشا.

● ساعت ۱۸ر۳۰ «الکترا»، «لمده آ»، «زنان تروپا» در تخت‌جمشید.

● ساعت ۲۳ موسیقی نواحی ایران، در حافظیه.

● ساعت ۲۳ موسیقی اصیل ایرانی در حافظیه.

***

www.KetabFarsi.com

▲ "الوین نیکلائیس" گروه خود را در خیابان معروف هانری در قسمت شرقی مانهاتان نیویورک بوجود آورد. وی همیشه سعی کرده است که جوانترین هنرمندان را برای گروه خود برگزیند.

امسال نیز در "سعدیه" هیچ خبری نبود!

گروه "کانتوپوپولاره" از ایتالیا در جشن هنر امسال جندآواز محلی می‌خواند.

نگاهی به برنامه‌های نهمین جشن هنر

▲ "پانی‌گراهی" هنرمند هندی در جشن هنر امسال رقص "ماهاری" و "گوتی‌پوآ" را اجرا می‌کند که درهردو حکایت از یک نوع راز ونیاز باخداوند و اظهار عبودیت به درگاه اوست .

تأتر"نو" ژاپن صدهاسال سابقه کاردارد و در طی سالیان دراز فعالیت ، همیشه به سنت‌های ژاپنی نیزپای‌بند بوده است . ◄

▲ رقص های آفریقایی که توسط گروه "سروگاما" از اوگاندا در جشن هنرشیراز روی صحنه خواهد آمد هر کدام دارای مفهوم و داستانی خاص است .

▲ "قلندرخونه" یک تجربهٔ تازه در کارنمایش است . این نمایش را یک بوشهری هنرمند "بهرام صغیری" نوشته و به روی صحنه آورده است و جا به جا آثاری از سنت‌های بوشهر سرزمینی که به کویرو دریا تکیه کرده است رادرآن می‌توان دید .

ارکستربزرگ سمفونی رادیووتلویزیون لهستان نیز در برنامه جشن هنر امسال قطعاتی را اجرا خواهد کرد . روزسوم "پندرسکی" رهبری ارکستر را به عهده دارد . ◄

بلال‌فروش دوره‌گرد

آیا این منظره‌آشنا را بخاطر می‌آورید؟

آسمان نیمه تاریک تنگ غروب و بلال فروش دوره گرد . . . . جرقه‌های آتش. . . صدای ترکیدن دانـــه هـــای ذرت وبوی خوش بلال .

در میان همه تنقلات "شهری‌ها" و مخصوصا "تهرانی‌ها" هنگامی که خیلی "سیر" هستندو خوش، "بلال" ارزش وموقعیت خاصی‌دارد . شاید هیچیک از کسانی‌که پای بساط "بلالی" میایستند و بـــاوسواس و دقت هرچه تمامتر بلال درشت ومنظم و در ضمن نرسیده ای راکه اصطلاحـــا" بآن "شیر"میگویندجدامیکنند و با نوعی دلسوزی آمیختـــه بـــا شهوت‌شکمبارگی بریان شـــدن آنـــراروی آتش منقل "بلال" می‌نگرندو بعد با "ریتم" وآهنگ مخصـــوصی آنرابدندان می‌کشند . بدرستی نمی‌دانند که بلال ،از چه زمان به ایران راه پیداکردو یا از کی برشته کردن وخوردن‌آن‌بعنوان یک "دسر" بعد از "سیری" مدشده است .

بدنیست شما هم بدانید که این طرز ذرت خوردن ، دراصل از ترکستان‌آغاز شد ، از تـــرکستان ، همـــراه بـــا قبیله های مختلفی‌از ترکها که در طول قرون سیزدهم تا شانزدهم میلادی به‌سرتاسردنیای‌متمدن‌آنروزپاگذاشته‌وبزور شمشیر"تمدن " خود را به ملل‌مختلف قبولانیدند به ممالک مختلف رسوخ کرد .تنها ، در طول این مدت دراز ذرت خواری ، به شکل‌های گوناگون درآمد . . . از کنسروکردن درآمریکاو خورش درست کـــردن در [illegible] "پاپ‌کورن" سازی و برشته کردن آن در برزیل‌وایران . . .

اما اینکه "بلال خوری" غیر از ایران درکجاهای دیگردنیا "مد" است باید به خط مسیرعثمانیان که ازبازماندگان همان ترکهای مهاجر ترکستان بودند توجه کرد . . . از بالکان گرفته تاشمال ایران و یا فاصلهٔ دریای خزر تاخود ترکستان . . . در یوگسلاوی ،در مجارستان ،درومانی ، دربلغارستان ،دریونان ،خودترکیه ،ایران و جمهوریهای آسیایی شوروی می‌توانید بلال خورها را ببینید .

دکتر آل‌طه به شهرک خود باز می‌گردد

اطلاع یافتیم که "دکتر احمد رضاآل‌طه" فرزندخلف این سرزمین بعد از موفقیت‌های چشم گیر تحصیلی در اتریش و بعد از اخذ درجه دکترا در طب با وجود آنکه در اطریش شغلی با دستمزد ماهانه‌یی درحدوددویست هزار ریال بوی پیشنهادشده‌بودبمنظورتماس باوزارت‌بهداری که شغلی‌درتهران بوی پیشنهاد کرده بود به ایران بازگشت ولی ترجیح داد که به آبادی زادگاه خود "کوه بنان" که شهرک کوچکی در دل کویر است بازگردد وآنچه آموخته است در خدمت "هم شهریان" خودقراردهد.

این ماجرا یک حماسه باشکوه است ، شبیه یک سرود پر طنین ، حادثه‌یی که باید سرمشق باشد و همه باید ازآن خبر یابند . بهمین دلیل گفتگوی کوتاهی با "دکتراحمدرضاآل‌طه" انجام داده ایم‌که شرح آنرا ذیلا" می‌خوانید.

*** آقای‌دکترآل‌طه‌بشما تبریک‌می‌گویم. کارواقعا "شایسته تحسین‌است . چه چیز شما رابااینکار واداشت؟**

* کدام‌کار؟. بازگشت من به‌شهرم؟ شهری که هرگوشه اش خاطربی رابرای‌من زنده می‌کند؟ شهری که من به تک تک آدم هایش سرمی‌زنم ؟اگر من توانستم در اطریش تحصیل‌کنم .دلیلش‌فداکاری‌یکایک هم شهری‌هایم بود. من‌نمی‌توانم به این عاطفه انسانی‌آنها بی‌اعتنا باشم .بهمین دلیل‌بمحض اینکه حس کردم می‌توانم

برای شهر کوه بنان . . . شهر کوچک هفت هزار نفری کوه بنان مفید باشم . حتی یک لحظه دیر نکردم و به شهرم برگشتم . همین جاخواهم ماند وهمین‌جابیماران‌هم شهری خودم را معالجه خواهم کرد و از اینکارخودم بسیارخوشحال هستم .

*** آقای دکترآیا احساس می‌کنید فداکاری بزرگی در حق همشهریهایتان می‌کنید؟**

* مردم از ترحم و دلسوزی متنفر هستند . از فداکاری هم همینطور . . . من کارخودم را یک جور وظیفه تلقی می‌کنم. من یک بچه معمولی این شهر بودم .اگر باین درجه ازموفقیت‌رسیدم بخاطراینست که پدرم از خرج خانه زده ومادرم وخواهر و برادرهایم کمبودهای زندگی‌شان‌راتحمل کرده اند تا من در یک کشور اروپایی درس بخوانم . .هر بارکه به این‌شهرباز می‌گشتم هردوست وآشناو قوم وخویشی‌تامرامی‌دید هرمحبتی‌که‌می‌توانست‌درحق‌من‌می‌کرد . . . خانواده من و اهل شهرمن وقتی آن کار را می‌کردندفکر نمی‌کردند که فداکاری می‌کنند کارشان را یک جور وظیفه تلقی می‌کردند . من‌هم همینطور.

*** برای شما که یک پزشک هستید چه فرق می‌کند که چه کسی رامعالجه‌کنید .**

* درست است . من هرجاکه باشم می‌توانم وظیفه خودم‌راانجام بدهم ولی این یک طرف ماجراست ، طرف دیگرماجرا این‌است که کجا بیشتر بمن احتیاج دارند . درآن شهر اروپایی که در هر ده قدم یک مطب هست یا درشهرک کوچک کوه بنان در دل کویر که تنها امکان پزشکی درآنجا یک پزشک پاکستانی است که درآن حوالی میگردد . ازآن مهم‌تر درست است که من یک پزشک هستم اما یک پزشک ایرانی‌هستم و یک پزشک کوه بنان . . . من در درجه اول باید به فکر کوه بنان باشم در درجه دوم به فکر ایران و دردرجه سوم به فکر مردم‌جهان . . . میدانید تحصیل هم‌مثل هرکاردیگر یک جورسرمایه گذاری است . چه کسی برای تحصیل من سرمایه گذاری کرده‌است؟ پدرکوه بنانی‌من . . . چراباید حاصل سرمایه گذاری او نصیب یک کشور بیگانه بشود . . . من درست بهمین دلیل به شهرم بازگشتم .

*** حرف شما کاملا" منطقی است . شماکی‌به اطریش رفتید .**

* من در ۱۳۱۵ در کوه بنان متولد شدم در ۱۳۳۷ دیپلم خودم را گرفتم و بلافاصله به اطریش رفتم مدتی‌گرفتار آموختن زبان و تطبیق سیستم تعلیماتی خودم درایران با روش کاردر اطریش بودم و بالاخره در سال ۱۳۴۸ دکترطب شدم. البته بلافاصله می‌توانستم بکار مشغول بشوم و در یک رشته متخصص بشوم ولی من اینکار را نکردم .

*** چرا؟**

* برای اینکه ازهمان اول میدانستم که من به کوه بنان باز خواهم گشت و در شهرکی مثل کوه بنان که فقط یک پزشک‌در اختیار دارند و او باید بهمه کاری‌کار داشته باشدو هربیماری رامعالجه کند نیاز بیک متخصص وجود ندارد آنها پزشکی می‌خواهند که از همه چیز سردر بیاورد . بهمین دلیل من از سال ۱۳۴۸ تا همین پارسال‌در زمینه‌های‌مختلف امراض‌مختلف آسیستان بیمارستان‌های مختلف اطریش بودم . مدتی جراحی عمومی مدتی زنان و زایمان مدتی بیماری‌های داخلی مدتی گوش و حلق و بینی مدتی پوست .مدتی اعصاب مدتی‌امراض مقاربتی خلاصه‌همه چیز . . . من خودم را برای پزشک شدن دریک شهر کویری که آبادی ها باهم‌صدها کیلومترفاصله دارندحاضرمی‌کردم‌و درست در همین اواخر متوجه نکته جالبی شدم .

*** چه نکته جالبی؟**

* متوجه شدم که باید واقع بین و عمل گرا بود و باید خصوصیات قومی‌را در نظر داشت در شهر من زنان بیشماری بعلت روش غلط زایمان دچار انواع ناراحتی‌ها می‌شدند . اما از طرف دیگر شهرمن . . . شهری بودکه هنوز به‌اصول و سنت های گذشته پای‌بندبود ، شهری که هنوز زن‌ها از اینکه یک پزشک مرد را محرم همه‌اسرار خود بدانند امتناع‌می‌ورزیدند و من می‌بایدبرای این موضوع‌هم راه‌حلی پیدا می‌کردم .

*** پیداکردید؟**

* البته .من یک حقوق ماهانه نزدیک به بیست هزار تومان رادر اطریش رهامی‌کردم و به شهرک خودم بازمی‌گشتم بنابراین نمی‌توانستم هیچگونه شکستی را تحمل کنم . خانم من یک زن نازنین اطریشی است‌که لیسانسیه زبان اسپانیولی است و به ایران صمیمانه عشق میورزد .از او خواهش‌کردم تا درس ماماتی بخواند و او نیز قبول کرد و اکنون او یک قابله تحصیل کرده است و ماهردو باهم بدون هیچ چشمداشتی به شهر من می‌رویم فقط بخاطر اینکه خدمت کنیم ، فقط خدمت و هردو از این ماجراخوش هستیم .

*** نیت شما خیر است وبدون شک درکارتان موفق خواهید شد .بگوییدکه قصدداریددر کوه بنان‌بجز معالجه‌بیماران چه کنید؟**

* در اطراف کوه بنان چند چشمه آب گرم هست که متأسفانه هیچ کس نه‌در بخش خصوصی و نه در بخش دولتی بفکر آنهانیست . من تصمیم گرفته ام‌که دراین منطقه‌و باکمک همین‌چشمه‌های آب گرم‌یک مرکز معالجه رماتیسم بر پا کنم . چون هیچگونه قصد انتفاعی‌ندارم مطمئن هستم که در کارم موفق خواهم شد .

*** آقای دکتر دعای ما بدرقهٔ راهتان‌باد . . . انشاءالله‌که موفق‌باشید.**

www.KetabFarsi.com

مسجد جامع کبیر ◄

یزد آرام
یزد زیبا
یزد پاسدار

از : علی زرین قلم

شهر زیبا و تاریخی یزد ، که اکنون مرکز استان یزد است ، از نظر قدمت و همچنین از نظر شیوهٔ خاص معماری ، در ردیف شهرهای استثنائی ایران است . بافت ساختمانی ویژهٔ یزد طوری است که بآن (معماری کویری) لقب‌داده اند و بهمین علت است‌که (یونسکو) سازمان مهم‌و معروف فرهنگی وابسته‌بسازمان ملل متحد ، اعلام کرده که یزد ، در سراسر جهان امروزی ، شهری منحصر بفرد ، و در واقع یکی از زادگاه‌های فرهنگ بشری است .

* * *

برزمینهٔ پیداشدن یزد ، کتابهاو رساله های تحقیقی‌فراوان بزبانهای گوناگون نوشته‌شده .گروهی ساختمان نخستین این شهر را به (اسکندر) نسبت داده اند که پس از آنکه شهر را دایر کرد ، آنرا (کثه) نامید . برخی‌این مطلب را قبول ندارند و معتقدندکه یزدرابصورت شهر ، برای نخستین بار ، یزدگردساسانی بنا نهاد . نوشته اند که چون یزدگرد فرزند بهرام بپادشاهی رسید بسیاحت و دیدار مناطق‌گوناگون ایران پرداخت و وقتی بمنطقه یی که امروز یزد در آن قرار دارد رسید ، هوای آنرامطلوب یافت و :

". . . باخویش گفت: نذر کردم که این مقام را شهری سازم بنام یزدان، بنایان ممالک را جمع کردند ومنجمان بطالع سنبله، یزد را بساختند، قصور ودیوار و بازار و حمام و آتش خانهٔ عالی بنا کردند، و خانهٔ سلطان، و سه نهر آب روان کرد یکی بنام یزدآباد ـ و یکی دهاباد ـ ویکی مادین . . . ".

شهریزد، از شهرهای کهن و قدیم ایران است که در حاشیهٔ کویرمرکزی، باجبروت و ابهتی خاص، و در برابر گذشت سده‌ها، پابرجاو مقاوم مانده واکنون یکی از بهترین و زنده ترین نمونهٔ شهرهای ایران از حیث پیوند سنت های کهن، بازندگی پیشرفتهٔ امروزی محسوب می‌شود.

مدتی پیش، ضمن دیداری که گروهی ازکارشناسان مسائل فرهنگی و هنری ازمنطقهٔ یزد داشتند یکمسجد بسیارقدیم یافتند که در اوایل ظهور اسلام در (فهرج) که از نواحی تابعهٔ یزداست بناشده و معماری آن عینا" بسبک معماری عهد ساسانی است. همان کارشناسان گفته‌اند این پیروزی یکی از کشفیات بزرگ ایران تلقی می‌شود بخصوص که قسمتهای اصلی و عمده آن تاکنون بدون عیب باقی مانده است.

گفتیم که یزد، درحاشیهٔ کویرواقع شده، بنابراین آب وهوای آن خشک است و طبعا" میزان بازندگی در این ناحیه گرم، محدود است ودر چنین شرایطی است که می‌بینیم شهری به وجود آمده که مردم آن از اصیل‌ترین و زحمتکش‌ترین جامعه‌های ایرانی شناخته شده اند

یزد، شهر آفتاب مطبوع زمستانی، شهرآرام، شهرتاریخ وهنر، شهرصنایع و شهر آتشکده است، دربرخی ازآتشکده‌ها، آتش همچنان سده‌هاست که فروزانست وهم میهنان ماکه بتعداد قابل توجهی ازادوار قدیم دراین شهرسکونت دارند درحفظ آداب مذهبی خود می کوشند. صنعت نساجی و بافندگی یزد در سطح ایران، شهرت و معروفیت بسیاردارد، همانطورکه بازرگانی یزد نیزاز رونق و فعالیت ویژه‌یی برخورداراست.

یزدی با خیانت و تقلب و ارتکاب گناه میانه‌یی ندارد، دزدی و جنایت در یزد دیده نمی‌شود. معاملات کسبی و بازرگانی بسبب اعتمادی که مردم بیکدیگر دارند بسهولت انجام می‌گیرد، یزدی گدائی نمی‌کند اما عرق می‌ریزدو کارمی‌کند، طبقات مردم براستی خونگرم و صمیمی و مهربانند.

نخستین منظره‌یی که در یزد، نظر یک تازه وارد را جلب می‌کند وجودصدها (بادگیر) بر فراز ساختمهای شهراست. این بادگیرهاکه باشیوهٔ خاص معماری قدیم ایجاد شده هوای خنک ومطبوع را بداخل ساختمانهای قدیم منتقل می‌کندو نسیم ملایم درفصل تابستان درفضای خانه بجریان می‌افتد. در ایران هیچ شهری باندازهٔ یزد بادگیر ندارد. مسافروقتی به یزد وارد می‌شود خودرادرمحیطی آرام وبی غل وغش می‌یابد زیرادراین شهرباحقایق و مسائل تازه‌ای روبرو می‌شود که نظیر آنها را در سایر جاهانمی‌بیند. . .

لهجهٔ یزدی، یکی از لهجه‌های واقعا" شیرین ودلچسب است. شما وقتی پای صحبت یکیزدی می‌نشینید تحت تأثیر مکالمه و طرز بیان نمکین اوقرار می‌گیریدو هنگامیکه ازاو می‌پرسید آیادوست داردشهر و دیارخود را رها کند و بشهری بزرگترو متراکم وپر سروصدابرود، فوری خودش را جمع می‌کند و باهمان لهجهٔ شیرین جواب می‌دهد: آخ . . . نا . . . . . نا . . . . نگو که خشوم نمیایه . . . . (یعنی ای وای، نگونگو که خوشم نمی‌آید!).

زن یزدی قانع، زیباو گندمگون، صبور، زحمتکش، باایمان، و فدایی واقعی همسرو خانواده است. او کارگری معتقد است که درتهیهٔ انواع پارچه‌های دستی و دستمالهاو روسریهای زیبا مهارتی تام دارد. در بیشتر کارگاههای صنایع و بافندگی دستی، تعداد دختران وزنان زیاد است.

مرد یزدی، جز به زن و فرزند ر خانواده نمی‌اندیشد و از اعمال ناپسند مطلقا بدور است. اقتصاددان و حسابگو است، به دوسی و محبت و احترام متقابل فوق العاده پایبنداست. . . او دوست دارد همینکه از کار روزانه فراغت یافت، درخانه و در کنار زن و فرزندباشد.

یزد، متجاوز از یکصدوپنجاه هزارنفر جمعیت دارد و باید گفت در این شهر، همه مردم کارمی‌کنندو همه، در فعالیتهای صنعتی و کارگری و کشاورزی سخت کوش هستند. صبرو حوصله و هوش ومآل اندیشی یزدی در مسائل عمرانی و صنعتی و کشاروزی و بازرگانی ضرب المثل است. بهترین سوغات یزد، یکی انواع شیرینی های لذیذ محلی، ودیگر پارچه های خوش بافت و دستمالهای ظریف یزد است که بادست بافته می‌شود.

خیّام در بُعد چهارم

علی اصغر حلبی

پرسش‌گر: آمده‌ام که : در "بعدچهارم" باشما صحبت‌کنم. تو فیلسوفی‌وفیلسوف باتأمل‌وصبرالفت‌دارد. اینکه‌می‌گویم. "بعدچهارم"، برای اینست که مدعیان دانایی‌زیاد گشته اند و همه کس بنوعی دعوی "خیام شناسی" دارد. و راستی‌رادربارهٔ تو هر کس بزبانی سخن گفته است: مردم ترا مؤمن، لامذهب، دهری، الهی، بدبین، واقع بین، باریک بین، تیره رای، بی‌مبالات، محافظه ـ کار و . . . گفته‌اند، اما هر کس، خودش را بهتر از دیگران می‌شناسد. تو خود را چگونه می‌دانی و چگونه می‌شناسی ؟

خیام: من‌همینم که‌هستم، دفاع‌ویاردوستان‌ودشمنانم برای‌من هیچ تفاوت نمی‌کند؟ آن همه افسانه ها و داستانهای کودکانه نیز که دربارهٔ بی ایمانی و میخوارگی من گفته اند، بیشترش نادرست است و حاکی‌از فضولی و بی فرهنگی آنهاست. زیرابشما چه‌ربطی دارد که من خدایم‌راچگونه می‌پرستم؟ و اصلا" چرا بایدکسی‌در

زندگانی خصوصی دیگری دخالت کند؟ من به هر دینی و به هر مذهبی پای بندم بخودم مربوط است . و نیز اگر من میخواره‌ام . بدیگران چه ربطی دارد ؟ مگر من بفلان مرد متظاهر گفته‌ام که‌چرا تسبیح می‌گردانی ؟ راستی را اگر من وتو یک جام باده خوریم چه می‌شود ؟" باده از خون رزان است نه از خون شماست !" بزرگان دین نیز در حرامی و حلالی آن اختلاف داشته اند وشاعر رند "قبادیان" که من نیز مانند دیگران اورا دوست می‌داشتم در این باره گفته و راست گفته است که " می جوشیده حلال است سوی صاحب رأی ! " و همو گفته است : " برای رفع غم ها بهتر از این درمانی نیافته اند" ، و هم مسلک من حافظ نیز خوب گفته است .

چون نقش غم زدور نماید شراب خواه تشخیص کرده‌ایم ومداوا مقرراست

پرسش‌گر : ترا نامدارترین سرایندهٔ بی‌اعتباری دنیا می‌دانند و وامروزه ، خلاف ما ایرانیان که قدرترا نیز مانند دیگر بزرگانمان درست نشناخته‌ایم، درکشورهای بزرگ دنیا مانند آمریکا وشوروی وآلمان و بویژه انگلستان هیچ شهری بل بخشی و دهکده‌یی نیست که رباعیات ترا نخوانده باشند ومبلغی از آنرا در خاطرنسپرده باشند ، می خواهم بپرسم که این بی‌اعتباری دنیا برای تو از کجا پیداشد؟ آیا ازمطالعه آثار پیشینیان مانند فردوسی (۴۱۶هـ) و ابوالعلاء معری (۴۴۹هـ) و دیگران ؟ یا اینکه وضع زادگاه تو در این روزگاران پریشان و بی ـ سروسامان بوده؟

خیام : این سوءال تو بسیار پیچیده وجواب آن دراز است ، وبرخلاف من که مطالب چند کتاب را در یک ترانهٔ کوچک می‌گنجانم ، شما هم میهنان من به بیماری درازنویسی و پر گویی گرفتارید و از این نکته غافل هستید که :

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پر توان زد

به هر حال ، شما بنویسید تا من بگویم . شهر نیشابور که زادگاه من است . چنانکه "راوندی" هم گفته : آباد وسرسبز و خرم بود ، زیرا با کفایت وکاردانی خواجه نظام‌الملک طوسی (قتل ۴۸۵هـ) وقدرت و شوکت سلطان ملکشاه سلجوقی شهرها آباد و رعیت کم و بیش خشنود می نمودند و " پنداری عهداو ، جوانی دولت و بهار ایام ملک و طراز جامهٔ پادشاهی بود ، عالم مسلم و رأیت منصورو رعیت خشنود و بلاد معمور . . . " من نیز اهل علم بودم ، رفاه داشتم و هم نعمت مادی و آسایش فکری . . . ، بنابراین شکوه ها وگلایه ها که در ترانه های من می‌بینید از گرسنگی وتنگی معاش من نیست : بلکه ازاین روست که : براستی من اساس آفرینش رادرست ومنطقی نمی‌دانم ، از خواندن سرنوشت مردمان گذشته و رویدادهای بزرگ تاریخ و قهرهای طبیعت و دیگر حوادث باین نتیجه رسیده ام که : سپهر کجمدار است و من اگر بر سپهر دست داشتم ، این کجمدار را ازمیان برمی‌داشتم ودوباره سپهری چنان می‌ساختم که آزاده درآن راحت تر و آسان‌تر بکام دل خود برسد ! اما اگر آزادگان ودانایان بجایی نمی‌رسند وهمهٔ آرزوهای سودمند ومردمی خود را با خود بدل خاک می‌برند زورمندان و توانایان بهتر از آنها نیستند . من خود رنج‌ها دیده‌ام که مرا بسیار تکان داده است و بیهودگی جهان را برایم مانند روز روشن کرده است .

آنان که در روزگار من توانا ترین و هراس انگیزترین و برومندترین مردان بودند ، و برخی ازآنها اگر چه از جمال معنی عاری بودند ، اما در زیبایی صورت و آراستگی ظاهر همچون طاووس می‌نمودند ، در اوج جوانی و شکوهمندی از پای در افتادند . آیا سرنوشت آنان ودیگر جوانان برای من و هرکس دیگر که زندگانی برای او تنها خوردن وخوابیدن نیست انگیزهٔ عبرتی نمی بود؟ وحق نداشتم که بگویم :

عالم اگر از بهر تومی‌آرایند مگرای بدان که عاقلان نگرایند.

راستی آن همه آز و کبر وشکوه و دبدبه کجا رفت ؟ از آن همه کشتار و خونریزی وکینه و رزی و دشمن کشی چه حاصل شد ؟ سرانجام چنان شد که گویی : آمد مگسی پدید وناپیداشد و خوب ، با همهٔ این احوال ، اگر آدمی ، بدبین یا بنظر من " واقع بین" نباشد چه‌کار می‌تواند بکند ؟

. . . . راستی ، مطلب اولتان فراموش شد . گفتی : آمده‌ای تابا من در "بعدچهارم " سخن بگویی ، وقتی من درجهان شما زندگی می‌کردم ، و در ریاضی و حکمت از بزرگان روزگار شمرده می‌شدم . بمن گفته بودند که جهان سه بعد دارد : طول ، عرض ، ارتفاع ؛ و من نیز برای شاگردانم همین ابعاد رادرس می‌دادم و فیثاغورس و بطلیموس و ارسطو نیز همین عقیده را داشتند ، بنابراین این بعد چهارم دیگر چه چیزی است ؟

پرسش‌گر : شما بهتر می‌دانید که بشر خود دگرگون شود . جهان ، نیز می‌شود ، واز این دانستنی‌های او نیز بر یک حال نمی‌ماند ودیگرگون می‌شود . در اثر گذشت زمان وپیشرفت جهان ، گروهی از همقطاران شما در کشورهای دیگر پیدا شدند و گفتند : جهان ، جز این سه بعد که فیثاغورس و بطلیموس و ارسطو گفته‌اند ، یک بعد دیگرهم دارد و آن "فضا" ست که شرح آن رادر کتابهای آنها باید بجوییم.

خیام : خوب آنها ریاضی دان بودند وگفتند : یک بعد دیگر نیز وجود دارد ، شما که اهل ادب هستید با "بعدچهارم " چه‌کار دارید ؟ کار ادبیات را درست کردید ، حالا هم بساحت ریاضیات دراز دستی می‌کنید ؟ ! هر اندازه پدران شما ، و من ودیگران گفتیم : انسان ، جانداری ناتوان است وهمه چیز رانمی‌تواند بداند . درگوش ما مردمان نرفت و حالا بعدچهارم ریاضی رادر ادب فارسی هم داخل کرده‌اید !

پرسش‌گر : ببخشید . این ایراد شما بسیار بجاوپسندیده است اما چه کرد ، گفته‌اند : " ادیب باید ازهمه چیز ، گوشه‌یی بداند و پاره یی

دریابد ، تا بتوان این نام بر او نهادن ! "

خیام : عجب، آدمیان چه "کرامت" هاکه نمی‌کنند . حیف که من زنده نیستم تا این موجودات عجیب را ببینم! و من عجب موجود بیچاره و کم استعدادی بوده‌ام که پس از هفتاد و اند سال درس و مشق و پژوهش و کاوش یک فن را کامل و شامل نتوانستم فرا بگیرم :

هرگز دل من زعلم محروم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز معلومم شد که هیچ معلوم نشد !

وچه تیره بخت بودند کسانی که می‌گفتند " همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند ! " شهید بلخی و و ابوعلی‌سینا مردمان آواره‌یی بودند که پس از سالیان دراز باین نتیجه رسیدند که :

تا بجایی رسید دانش من که بدانم همی که نادانم ! . . .

پرسش‌گر:

این نکته که یاد کردید درست . اما شاید ادیبان ما این اصطلاح " بعد چهارم " را از ریاضیات بوام گرفته‌اند ، و بطوریکه من گمان می‌کنم مقصودشان این باشد که : انسان ، با شما در بعدی خارج از ابعاد سه گانه یی که شما می‌دانید سخن بگوید ، و شاید سخنانی که در این ابعاد سه گانه نمی‌توان گفت با تو بگویند .

خیام :

شاید مقصودشان "عالم خیال" یا " لاهوت" باشد ، اینطور نیست؟

پرسش گر :

من نمی‌دانم ، شاید مقصودشان این باشد یا چیز دیگری ؟ . . اما آنچه می‌فهمم . مقصود آنها از این کار اینست که با تو چنان سخن بگویند که هیچکس ادعایی نتواند بکند که : " آقا ، شما خیام را نمی‌شناسید ، وشناخت خیام کاری است که ویژهٔ پژوهش‌گر انست . " خلاصه بطوری که خود گفتی : می‌خواهیم ترا همانطور که هستی بشناسیم . و سخن مدعیان یادانش‌نمایان در میانه نیاید و هرکس بگمان خویش سخنی نگوید تا " آن نکته‌که اصل بودنا گفته نماند" .

خیام :

اگر چنین " نکته‌یی " را در زندگانی و اندیشه‌های من طالبید ، و اگر براستی چنین چیزی در ذات من وجود دارد چه خوب است که آغاز کنید .

پرسش‌گر: باهمهٔ دانایی و سخنوری می‌توانید گفت که : "انسان مجبوراست یا مختار؟"

خیام : رفیق ، اینکه "نکتهٔ اصل" نیست که ناگفته بماند ، تابشر بر روی کرهٔ خاک بوده دربارهٔ سرنوشت وجبر واختیار بحث کرده وهنوز هم بجایی نرسیده وشاید ، هیچ وقت نرسد و بحث همچنان باقی باشد و آن صوفی رند بزرگ خوب گفته است :

در میان جبری و اهل قدر همچنان بحث است تا حشرای پسر !

پرسش‌گر : این درست . اما آن جبری که شما در ترانه‌های خود از آن سخن گفته‌اید با "جبرعلمی" که امروز برای بسیاری ازفرزانگان پذیرفتنی است ، فرق دارد . آنها می‌گویند : همهٔ کارهای دنیا بر پایهٔ "قانون علت ومعلول" است . و هر کاری و فرآیند و جریانی که که در طبیعت رخ می‌دهد ، برآمده از علتی و انگیزه‌یی است که تا آن علت یا انگیزه پدیدار نشده ، معلول یا انگیخته‌یی وجود نخواهد داشت و چون علت یا انگیزه پیدا شد ، قهرا " معلول نیز باید پیدا شود مانند اینکه وقتی به آهن و بسیاری از فلزات حرارت رسید ، منبسط خواهد شد . اما جبری که شما از آن سخن می‌گویید انسان را موجودی کاملا " بی‌اراده و اسیر دست طبیعت و نیروهای آن می‌کند واصولا " اورا به تعطیل و سستی و بی‌جنبشی و غنیمت شمردن وقت می‌خواند .

آن راکه بصحرای علل تاخته‌اند بی‌او همه کارها بپرداخته‌اند
امروز بهانه‌یی درانداخته‌اند . . . فردا همه آن بود که درساخته‌اند

خوب ، ما بی‌خود وبی‌جهت در علت و معلول بحث در پیوسته‌ایم. وما را ببهانه های کودکانه سرگرم کرده اند و بی‌ما همهٔ کارها را انجام داده وتدبیرها را کرده اند ، واز این جهت ، فقط همه آن خواهد بود که از پیش در ساخته و آماده کرده‌اند !

خیام : من که با عقل قاصر این طور درک می‌کنم که در روزگار پیشرفته و "عصر مشعشع " شما نیز چنین است و طبیعت شما را بهانه کرده و فردا نیز همان خواهد بود که خود ساخته است .

پرسش گر : ببخشید ، باهمهٔ فصاحت و بلاغت خود ، نکته‌یی راکه من گفتم متوجه نشدید ، شاید اگر جبر علمی در روزگار شما شناخته بود بدین راه نمی‌افتادید !

خیام : شاید چنین باشد ، و حق آنست که هم مسلک من گفته است که : انسان باید خطای حریفش را ببخشد و اگر بحق سخن گفت با او جدل نکند . ولی با همهٔ این ها می‌خواهم بگویم آنچه من در این رباعی گفته ام با آنچه شما از آن در می‌یابید ، فرق دارد و راست گفته‌اند که " گاهی انسان سخنی درست را نادرست می‌پندارد و حال آنکه آن سخن درست است و آفت ، در فهم و ادراک اوست !"

پرسش‌گر: آخر مقصود شما از این "جبر" چیست که من در نمی‌یابم ؟ عظمت هر گوینده و نویسنده و سراینده در آن است که مطالب سخت و دیر یاب را در کلماتی ساده وآسان و همه پسند بگوید و در تعریف بلاغت نیز همین نکته را گفته اند چه بلیغ کسی

www.KetabFarsi.com

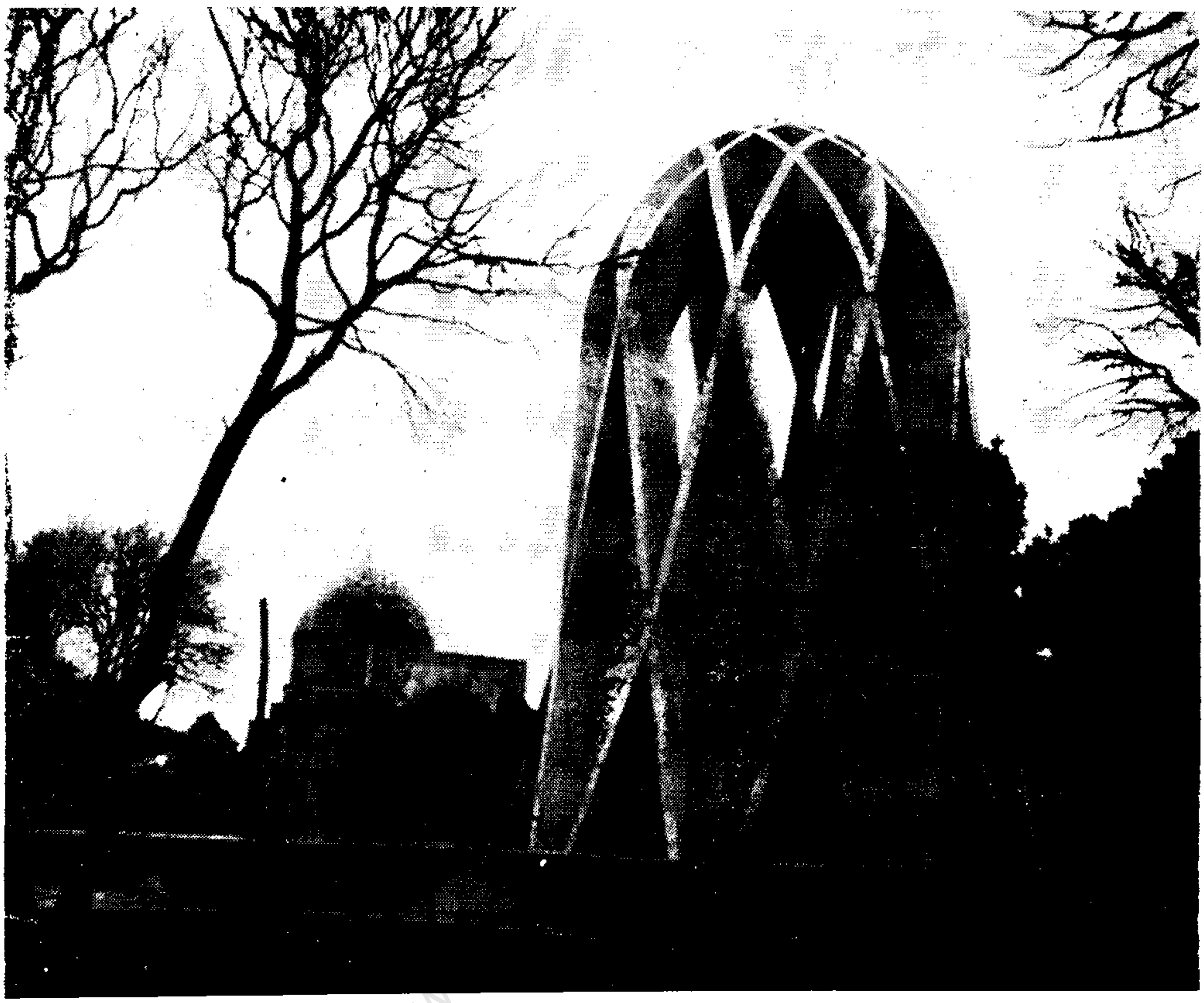

آرامگاه خیام

راگویندکه سخن وی چنان باشد که خاصگان را پسندآید و عامیـان آنرادریابند . "

خیام : بگذار مثالی بزنم که گفته اند " سخن ، بمثال روشن شود . " آورده‌اند که یک قاضی حکم افلاس مردی را صادر کرد و او را سوار خری کرده در شهر می‌گردانید تا مردمان ببینند و دیگـر چیزی از او طلب نکنند . چون روز بآخر رسید ، خربنـده دامـن مفلس بگرفت که کرایهٔ خود را بپرداز ! مرد مفلس بانگ براو زدکه خانه خراب ، از اول صبح تا کنون قاضی روضه می‌خواند ؟ !حالا پس ازاین همه بحث دامن مرا گرفته‌ای کـه بلیغ نیستی و سخنت چنان نیست که همه دریابند . من در آغاز سخنم گفتم‌که : از دراز کشیدن وپرگفتن خوشم نمی‌آید وکوشیده‌ام که مطالب فلسفی سخت راچنان‌عریان و آسان‌بگویم‌که بنظر برخی‌از همکاران و دوستان‌خود شمایکی از آن مطالب را دیگران در یک کتاب‌کلان بیان نمی‌توانند کرد . به هرحال من جدل نمی‌کنم و پرنمی‌گویم و از شما می‌خواهم که " براه خودتان بروید ومرانیز بگذاریدتا براه خـود بروم "چون من هنوز هم به این دو سه اصل پای بندم که گفته‌ام :

ای‌بس‌که‌نباشیم‌وجهان‌خواهدبود نی‌نام زما و نی‌نشان‌خواهدبود
زین پیش نبودیم‌و نبدهیچ‌خلل زین‌پس‌چونباشیم‌همان‌خواهدبود !

***

برچشم‌تو عالم ارچه می‌آرایند مگر ای بدان که عاقلان نگرانید
بسیارچو تو روند و بسیار آینـد برپای نصیب‌خویش‌کت بربایند .

***

در دهر هرآنکه نیم‌نانی دارد وزبهـر نشست آشیـانـی دارد
نه خادم کس‌بودنه مخدوم کسی گو شادبزی که خوش‌جهانی‌دارد !

***

بهره‌گیری از گاز

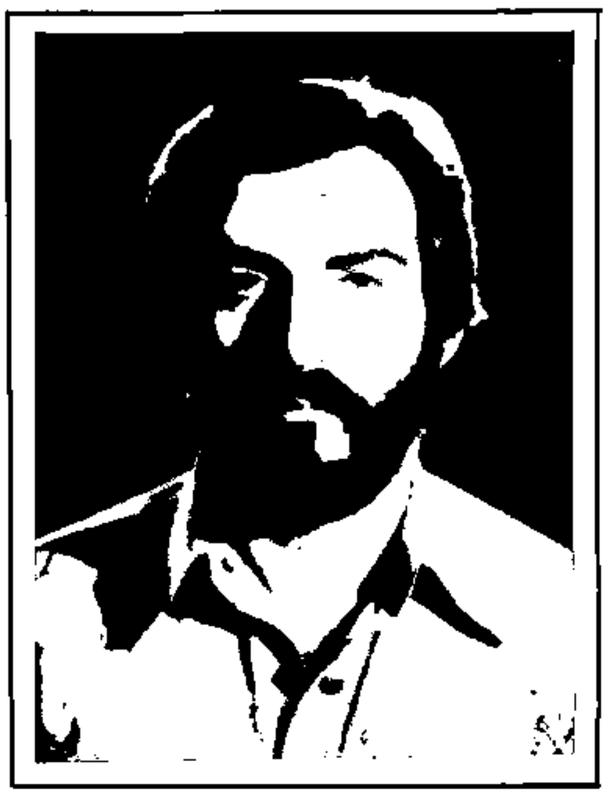

بهمن افشین

استفاده از گاز انرژی عظیمی که بسرعت جانشین انرژی‌های دیگر می‌شود بزمانهای بسیار دور برمی‌گردد. چینی ها حدود ۹۰۰ سال پس از میلاد از گازطبیعی استفاده می کردند. بدین ترتیب که گاز رابوسیله لوله‌هایی ازنی که مفصلهای آن بوسیله گل مسدودمیشد از چاههایی که ۳۰۰ تا ۶۰۰ مترعمق‌داشتندخارج‌می‌کردند وآنرادر محل موردنظرشعله ورمی‌ساختند. استفاده‌ازگازطبیعی در ایران و خاورمیانه نیزدارای‌سوابق چندین‌هزارساله تاریخی است. وجود و بقایای آتشکده‌ها و معابدی نظیر آتش جاودانی نزدیک کرکوک که‌به مشعل‌بختنصرمعروف‌بوده وهمچنین‌بقایای معابد زرتشتیان در نزدیک مسجدسلیمان وروایات‌تاریخی‌که ازآتش‌جاودانی‌آتشکده آذرگشسب در آذربایجان بجای مانده جملگی‌دال‌براین مدعا می‌باشد. بدیهی است نحوهٔ استفاده از گاز طبیعی در زمانهای باستانی‌جنبهٔ بسیار بدوی و ابتدایی داشته و طرز بکار بردن آن بی شباهت به روش چینیان نبوده‌است.

برای آشنایی بیشتر در مورد انواع گازهایی‌که‌تاکنون‌بصورت تجاری و بمقدار زیادمورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد بترتیب قدمت مطالبی در زیر می‌آوریم:

گاز حاصل از تقطیر

در سال ۱۹۷۲ ویلیام مرداک (William Murdack) برای نخستین بار توانست با حرارت دادن ذغال سنگ در ظرف سربسته‌یی گازحاصل را بوسیلهٔ لوله بیکی از اتاق‌های منزل مسکونی‌خودمنتقل‌کرده وسپس با استفاده ازشعله‌یی که بهمین منظور در اتاق تعبیه

شده بود آنرا بسوزاند.

این آزمایش که ثابت می‌کرد می‌توان از گاز حاصل از تقطیر ذغال سنگ برای روشنایی استفاده کرد دریچهٔ تازه‌یی را برای صنعت امروزی جهان گشود.

آزمایش های بعدی مرداک که برای کمپانی بولتن و وات انجام گرفت نشان داد که از گاز برای روشنایی در محیط های سرباز نیز می‌توان استفاده کرد. در سال ۱۸۰۲ برای نخستین بار قسمتی از کارخانه (Soho) در بیرمنگام بوسیلهٔ گاز روشن شد. در سال ۱۸۰۴ مرداک با نصب دستگاه جدیدی توانست منزل مسکونی آقای (George Lee) موءسس یک کارخانه پنبه را در منچستر روشن سازد. دراوایل قرن بیستم رقیب نیرومندی برای گاز ظهور کرد و آن برق بود که با شعله ثابت و شفافش وضع را برای مدتی دچار بحران ساخت. در تحولی که طی سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۸ در صنعت گاز بوجود آمد دو عامل نقش اساسی داشت:

اول: جانشین شدن ارزش حرارتی بجای واحد روشنایی.

دوم: پیشرفتهای مهم در زمینه تولید وتصفیه گاز ذغال سنگ و بالا رفتن بازده و کارآیی کارخانه های تولید کننده.

توسعه ورشد صنعت جوان گاز بعد ازسالهای جنگ جهانی اول در اروپا بمقتضای سیاست هرمملکت که ناشی از وضع اقتصادی آن بود شکل خاصی پذیرفت ولی بطور کلی در فاصلهٔ میان دوجنگ جهانی گاز در زمینه روشنایی رفته رفته عرصه را بنفع نیروی برق خالی کرد لکن بعنوان یک عامل مولد انرژی، روز بروز براهمیتش افزوده شد.

با در نظر گرفتن جنگ جهانی دوم وکمبود مواد سوختی در کشورهای اروپایی دو طرف متخاصم نهایت کوشش را برای بدست آوردن هرچه بیشتر انرژی مبذول داشتند و این خود بشکفتگی و پیشرفت صنعت گاز و پدیدار شدن روشهای جدید دراستفاده ازاین صنعت کمک بسزایی کرد.

گاز طبیعی NG

	گاز صنعتی	گاز طبیعی
آلمان	%۸۳	%۱۷
انگلستان	%۸۲	%۱۸
هلند	%۷۰	%۳۰
فرانسه	%۵۲	%۴۸
ایتالیا	%۲۰	%۸۰

با در نظر گرفتن این ارقام و توجه باین موضوع که استفاده از گاز طبیعی فقط طی دهسال اخیر در اروپا معمول گشته است می توان نتیجه گرفت که گاز طبیعی به سرعت جانشین گاز ذغال می شود.

استفاده از گاز طبیعی در آمریکا از سال ۱۸۲۱ در (Ferdonia) واقع در ایالت نیویورک آغاز گردید. گفته می‌شود که نخستین چاه گاز طبیعی در این منطقه بعمق ۹ متر بود که با گرداندن بشکه‌یی روی چاه توانسته بودند مقدار کمی گاز را به منازل اطراف چاه منتقل کرده بسوزانند.

در سال ۱۸۲۵ بافتخار باز دید "ژنرال لافایت" خیابانهای شهر فردونیا با استفاده از گاز طبیعی روشن شده بود. نخستین شرکت گازطبیعی در آمریکا بسال ۱۸۶۵ تأسیس شد و کشف مخازن جدید گاز در نزدیکی پیتسبورگ واقع در ایالت پنسیلوانیا سبب شد که درسال (۱۸۸۵) ۹۰ واحد صنعتی و کارخانه در آن ناحیه از گاز طبیعی استفاده کنند.

با اینکه تعداد زیادی از مخازن گاز دراواخر سده نوزدهم درآمریکا کشف گردیده بود با این همه اشکالات موجود در حمل و نقل گاز طبیعی و نبودن لوله های حمل گازباعث شدکه این صنعت تا سال ۱۹۳۰ رونق چندانی نداشته باشد.

در سال ۱۸۷۰ برای نخستین بار سعی شد که گاز طبیعی را با استفاده از لوله هایی که از تنهٔ درخت کاج ساخته شده بود عبور دهند. غیر عملی بودن این روش کمپانیهای گاز را مجبور کرد تا باوجودگرانی قیمت فلز، ازلوله‌های چدنی استفاده کنند. در سال ۱۸۷۲ نخستین لوله چدنی بطول ۸ کیلو متر در (Titusvile تیتوسویل) واقع در ایالت پنسیلوانیا نصب شد. این لوله قادر بود گاز را بافشاری معادل ۸۰ پوند از خود عبور دهد.

با ترقی صنعت لوله سازی استفاده ازگازطبیعی نیزرونق گرفت. درسال ۱۹۲۴ نخستین خط لولهٔ چدنی بطول ۳۵۰ کیلومتر ازمیدان گاز ولستر در لوئیزیانا به بومنت تکزاس کشیده شد و از این پس صنعت گاز طبیعی با قدمهای بلند در شاهراه ترقی گام برداشت.

www.KetabFarsi.com

کشور	ذخایر گاز بر حسب تریلیون فوت مکعب	ذخایر گاز بر حسب تن معادل ذغال سنگ برای هر نفر	ارزش مصرفی هر نفر برحسب تن معادل ذغال سنگ در سال
آمریکا	۲۶۵	۵۳/۵	۸
هلند	۴۱	۱۱۰	۲/۸
کانادا	۳۶	۷۲/۵	؟
فرانسه	۷	۶/۷	۲/۲
ایتالیا	۵	۳/۷	
آلمان	۴	۲	۳/۸

چنانکه ملاحظه می‌شود سهم ذخایر گاز هلند برای هر نفر تقریبا" دو برابر آمریکاست و چنانچه انرژی مورد مصرف هر نفر را در سال عامل و واحد مقایسه قرار دهیم ذخایر گاز هلند شش بار بیش ازآمریکاست ولی‌آلمان ، فرانسه و ایتالیا دروضع کنونی‌ازداشتن‌این‌نعمت محرومند .

گاز مایع LPG

آنچه‌بانام‌نفت می‌شناسیم مخلوطی است از گازهای سبک غیر قابل روءیت‌تا موادجامد سنگین .بعضی از گازهای نفتی قابلیت میعان (مایع شدن) دارند وهمین مسئله حمل و نقل و نگاهداری اینگونه گازها را بسیار آسان می‌کند .

گازهای نفتی مایع شده که علامت اختصاری آنها (LP) می باشد نوعی از گازهای نفتی هستند که با تغییر درجهٔ حرارت‌وفشاربصورت‌گاز (بخار) درمی‌آیند. البته‌خصوصیت‌مایع شدن‌آنها فقط ازجنبه حمل و نقل و انبار کردن حائز اهمیت است چون حجم این گازها بصورت مایع تقریبا" $\frac{1}{270}$ زمانی است که بصورت گاز (بخار) در می‌آیند . امروزه در بسیاری از کشورهاسوخت اغلب وسائط نقلیه بخصوص اتوبوسها از گاز تأمین می شود . در چنین صورتی گذشته از اینکه محیط زیست تا حدود بسیاری از آلودگی پاک می شود که این مسئله خود حائز اهمیت زیادی است از نظر اقتصادی نیز خالی از صرفه نمی باشد . خالص بودن بسیار این گازها نسبت بسایر مواد سوختی باعث‌یک احتراق کامل و بدون بو و دود می‌شودو نیزخرده شدن اجزاء ماشین تا حد بسیار زیادی تقلیل می‌یابد .چنانکه اگر موتوری گاز سوز باشد تعمیرات موتور که برای بر طرف‌ساختن‌ناهمواریهایی‌که در اثررسوب ذرات کربن و سولفور بر روی قسمتهای مختلف موتور بوجود می آید بسیار کم می‌شود . با در نظر گرفتن مطالبی که ذکر شدقابل‌قبول‌خواهدبودکه‌بدانیم‌فروش گاز (LP)در طول ۲۱ سال میان سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۵۶ به ۲۹۷۰۰ برابر افزایش یافته است .

فروش گاز مایع در سال ۷۶/۸۵۵/۰۰۰۱۹۳۵ گالن

فروش گاز مایع در سال ۱/۲۷۶/۷۷۶/۰۰۰۱۹۴۵ گالن

فروش گاز مایع در سال ۶/۶۳۵/۷۸۳/۰۰۰۱۹۵۶ گالن

درموردانتقال گاز مایع در داخل سیلندرتا پیش از سال ۱۹۰۰ کوششهای زیادی‌می‌شودولی‌موفقیتی بدست نمی‌آید البته بصورت تجاری بگونه یی که امروزی از این گاز بهره برداری می‌شود .

درسال ۱۸۱۰ چندسیلندر گازآنهم نه گاز نفتی مایع شده در لندن بفروش می‌رسد . درهمین سال ترن هانوع‌دیگری ازگازمتراکم شده‌رابانام (Pintsch) بکار بردند .

درسال ۱۹۰۷یک جوان‌آلمانی بنام (Herman Blau) گازی ساخت که‌می‌توانستندآنرا در محفظه‌هایی حمل کنند و با وجود اینکه گاز مذکور بسختی قابل کنترل بود و مخارج حمل‌آن

www.KetabFarsi.com

نیزمقرون بصرفه تمام نمی‌شد چند کمپانی ، پخش این گاز را در ایالات متحده بعهده گرفتند . امابه هرحال میان سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ گازنفتی مایع شده بصورت فعلی بدست آمد و عرضه شد .

گاز نفتی مایع شده که امروزه مورد استفاده قرارمی‌گیرد دارای چهار خصوصیت می باشد که گازهای متراکم پیشین فاقد این خصوصیات بودند :

۱ ـ آنهارامی‌توان دریک فشارنسبی کم بکار برد ؛

۲ ـ ترکیب شیمیایی آنها رامی‌توان کنترل نمود و ثابت نگاهداشت ؛

۳ ـ مقدار زیادی می‌توان تهیه‌کرد ؛

۴ ـ با قیمت مناسب در دسترس قرار داد ؛

بعلت دارا بودن تمام خصوصیات بالا و اینکه در زمانی که از سایر منابع انرژی نمی‌توان استفاده‌کردویا در دسترس نیستنداین گازها قابل استفاده می باشند و نیز بعلت ارزانی و تمیز بودن عمل اشتعال ، این محصول که در سالهای نخستین این سده در دسترس قرار گرفته اکنون‌بطور بسیار سریع بازار وسیعی پیدا کرده است .

میزان مصرف

تا قبل ازسال ۱۹۲۲ میزان مصرفی این نوع گازها بقدری کم بوده که اداره (Mines)ایالات متحده حتی زحمت‌انتشارگزارش در این مورد رأ بخود ندادوتنها برای نخستین بار در این‌سال آماری دراین مورد تهیه شد که حاکی از میزان مصرف گازباندازه ۲۲۳/۰۰۰ گالن درسال‌بودولی‌درست در سال۱۹۵۶میزان مصرف این گاز در ایالات متحده معادل ۶/۶۳۵/۷۶۳/۰۰۰ گالن در سال بود و این مشکل‌است‌که بتوان‌در یک نمودار ازدیاد مصرف گاز را در ایالات متحده میان سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۵۶ یعنی در طول ۳۴ سال نشان داد .

این‌توسعه فوق‌العاده نشان می‌دهد که چه اندازه این‌محصول میان‌مردم مورد توجه شده است و گذشته از این استانداردهای‌بالاتری‌برای‌سرویس درست و بی خطر کردن آن ، شهرت این صنعت را حفظ‌کرده است و نیز بنظر می رسد که این صنعت دارای امکانات وسیعی برای پیشرفت‌وتوسعهٔ بیشتر در سالهای آینده خواهد بود .

در طول سالهای گذشته ، همواره بر موارد استعمال گازهای نفتی مایع شده افزوده گردیده است تا آنجا که امروزه بطورتقریب این‌نوع‌گازها در ۱۶۰۰ زمینه مختلف‌مورداستفاده قرار می‌گیرندگازهای نفتی‌بطورعموم به‌دودسته تقسیم می‌شوند هرچندکه هر دو دسته در طبیعت بصورت آزادوجوددارند .این دودستهٔ عبارتنداز از : گاز طبیعی (NG)و گاز نفتی مایع شده (LPG)گاز طبیعی را می‌توان وقتیکه‌خیلی‌سرد شده باشد بافشار نسبة" متوسطی بمایع تبدیل کرد و گرنه عمل میعان‌درتحت فشارهای‌بسیار زیادی‌انجام می گیرد که این خود استعمال محفظه‌های مطمئن ومحکم را ایجاب می‌کندوبنابراین گاز بشکل کنونی در داخل خطوط لوله جریان داده می شود و بمصرف می رسد .

گاز نفتی مایع شده در موردتهیه الیاف مصنوعی ، پلاستیکها ، مواد شیمیایی و موادبنزین‌هواپیما بکار میرودو نیزبعنوان عامل نگاهدارنده (Standiy) و ماده سوختی (Pocklost) برای استفاده در مخلوطهای گاز و هوا در خطوط جریان گاز شهرها وارد می شوند .

گازهای نفتی مایع شده از چندنوع هیدروکربن تشکیل یافته اند ولی مهمتر از همه بوتان و پروپان می باشند . هیدروکربنهای دیگری که ممکن است با

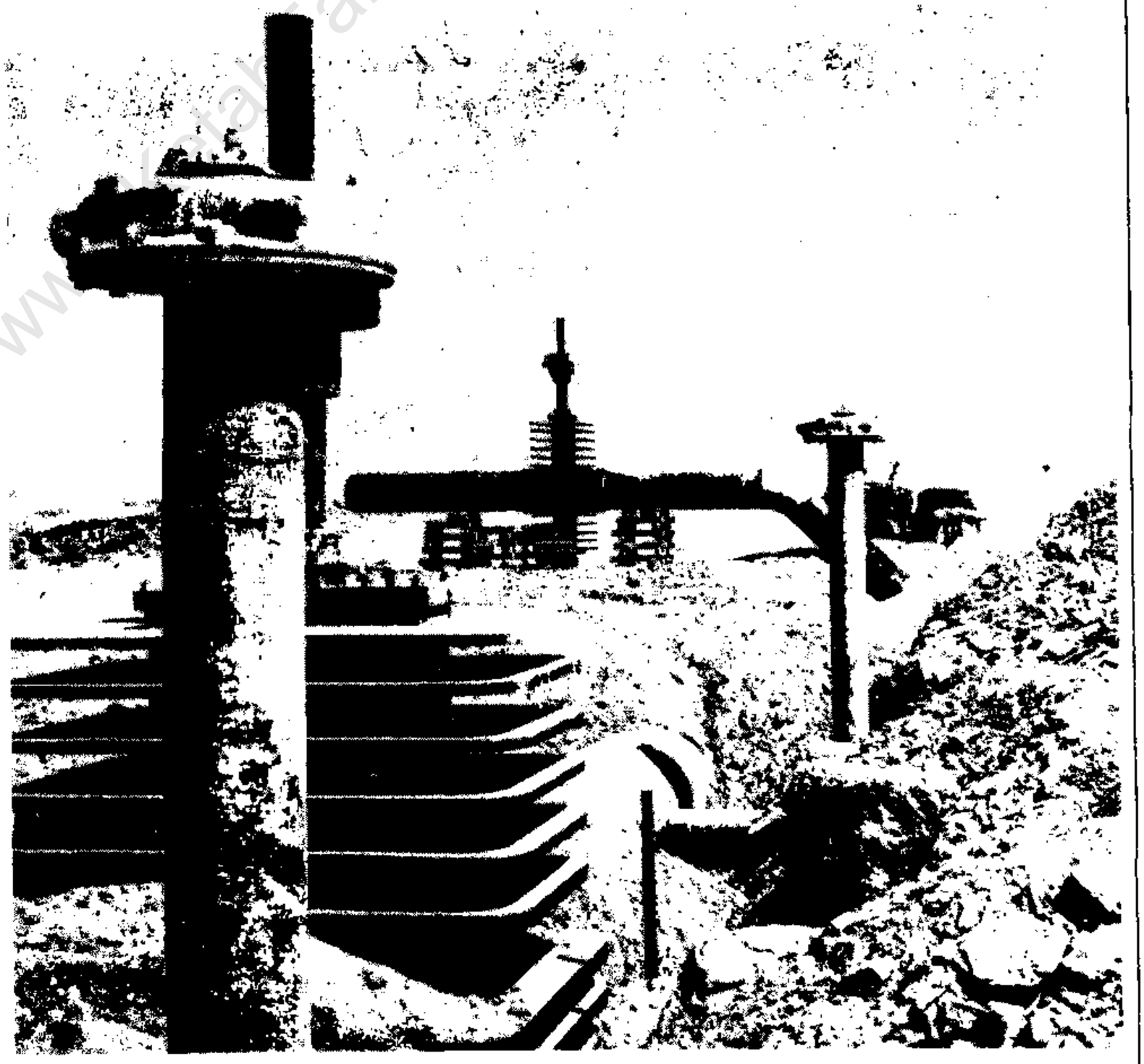

شیرخودکار سی‌تنی ، « کیت والو » که برای‌کنترل فشارخط شاه لوله‌گازدر محلهای‌لازم نصب شده وهرگاه سانحه‌ای درخط‌لوله اتفاق افتد خودبخود جریان‌گازراقطع میکند .

سلیندر از آب پر شده و در فشار ۴۰۰ پوند ازدیاد حجم یافته است . این سلیندر از سرویس خارج می‌گردد .

بوتان و یا پروپان مخلوط باشند عبارتند ازپروپیلن ،ایزوبوتان وبوتیلن‌ها .گذشته ازاین ، درگازهای نفتی مایع شده ممکن است مقادیری متان و اتان وجود داشته باشدکه این دو هیدروکربن اخیر جزو گازهای نفتی مایع شده نیستند .

گاز مایع در ایران

گاز مایع در ایران نخستین بار در سال ۱۳۳۳ توسط شرکتی بنام بوتان به بازار ایران عرضه شد . درسالهای نخستین مشکلات زیادی در راه حمل و نقل گاز ، تهیه سیلندرو وسائل گازسوز و سایر لوازم منطبق با استانداردهای صحیح و متداول در ممالک پیشرفته وجود داشت .

شرکت بوتان که درحقیقت پایه گذار صنعت گاز مایع در ایران است با بررسی و مطالعهٔ مقررات و استانداردهای صنعت گازدرممالک پیشرفته پس از چندین سال صرف وقت وهزینه‌های قابل توجه توانست مشکلات مزبور را برطرف نموده و گازمایع راکه تا آن وقت صرفنظراز مصارف بسیار جزیی دربعضی از منازل آبادان ، بعنوان یک سوخت عالی و تمیز به جامعه ایرانی عرضه‌نماید . چند سال بعد شرکتهای دیگری نیز یکی پس از دیگری پا بعرصه فعالیت نهادند و آنها نیز بنوبه خود کارهای پرثمری را در راه عرضه گاز مایع انجام دادند . بطوریکه از ارقام زیر ملاحظه میگردد در چندسال اول ، مصرف بسیار ناچیز بوده زیرا در حقیقت در این دوره صنعت گاز مایع ایران شکل می‌گرفت وکلیه کارهایی که انجام می شد جنبه زیر بنا داشت . بعبارت دیگرعواملی که برای توسعه بازار لازم بود در این دوره بدست بخش خصوصی فراهم شد .

چگونگی رشدمصرف گازمایع ازبدو شروع بهره برداری تا آخرسال ۱۳۵۰ در جدول ذیل خلاصه شده است .

سال	مقدار مصرف برحسب تن
۱۳۳۴	۸۰
۱۳۳۵	۲۰۰
۱۳۳۶	۳۰۰
۱۳۳۷	۵۵۰
۱۳۳۸	۱۳۸۰
۱۳۳۹	۲۵۷۰
۱۳۴۰	۲۵۹۶
۱۳۴۱	۶۲۰۰
۱۳۴۲	۷۹۳۰
۱۳۴۳	۱۲۱۵۰
۱۳۴۴	۱۷۹۶۰
۱۳۴۵	۲۶۱۷۰
۱۳۴۶	۳۹۲۵۰
۱۳۴۷	۵۸۱۰۰
۱۳۴۸	۸۲۶۰۰
۱۳۴۹	۱۱۲۵۰۰
۱۳۵۰	۱۴۲۵۰۰

فعالیت بخش خصوصی رادر طول بهره گیری و توزیع گاز مایع درکشور می‌توان به دو دوره تقسیم کرد .

۱ــ دوره اول قبل از تشکیل شرکت ملی گاز ایران .

۲ــ دوره دوم بعد از تشکیل شرکت ملی گاز ایران

دورهٔ اول

مدت این دوره ۱۲ سال بود و فعالیت شرکتهای توزیع کننده را می‌توان بشرح ذیل خلاصه کرد .

الف : مطالعه دراروپا وآمریکا راجع به نحوهٔ استفاده از گاز مایع .

ب : سفارش وسائل لازم بمنظور حمل و نقل و ذخیره سازی و توزیع گاز مایع و ساخت تأسیسات ذخیره سازی و سیلندر پرکنی در نقاط مختلف کشور و نصب وسائل مورد نیاز .

پ : ترجمه و بهره گیری از استانداردهای مربوط بگاز مایع کشورهای پیشرفته جهان و مطالعات دامنه دار در باره کالاهای موردنیاز که منطبق با اصول استاندارد در نقاط مختلف جهان ساخته می‌شود .

ث : مطالعه‌روحیات وخواست مردم کشور در زمینه استفاده از گاز مایع .

ج : انجام تبلیغات لازم از طریق مطبوعات و سینما و نشر کتابچه‌های‌راهنما و مراجعه مأموران‌شرکتها به منازل‌اشخاص وراهنمایی‌ومطلع ساختن ایشان از مزایای بهره گیری از گاز مایع .

چ : شناخت‌بازار گاز مایع در کشور و اندوختن دانش کافی در جهت توسعه آن .

ح : تحمل زیان قابل توجه بعلت محدودبودن‌بازار واجباربه سرمایه گذاری مداوم و سنگین .

خ : شروع به ساخت وسائل گازسوز و سیلندر و سرمایه گذاری های مورد نیاز با توجه به نیازمندی بازار مصرف .

د : و سر انجام آماده نمودن مردم کشوربرای‌قبول‌یک‌سوخت‌جدیدو ناشناخته وآگاه ساختن ایشان به مزایای قابل توجه استفاده از گاز مایع .

دورهٔ دوم

قبل از شروع این دوره مسوءولیت شرکت ملی نفت ایران بعد از تحویل گاز مایع به شرکتهای توزیع کننده خاتمه می‌پذیرفت وهیچگونه کنترل یا راهنمایی احتمالی نیز از طرف هیچ مقامی در امر توزیع گاز مایع وجود نداشت . تنها شرکتهای معتبر توزیع کننده بودند که بمنظورتوسعه و رشد سالم بازار گاز مایع اصول‌مربوط به‌این‌کار راباتوجه به ضوابط موجوددردنیای مترقی رعایت می نمودند و هیچگونه قراردادی هم با شرکت ملی نفت‌ایران‌نداشتند. فقط گازمایع را بمقدار و بهای معینی منظما" خریداری کرده ودر کشور توزیع می کردند . اقدامات ارزنده و قابل ملاحظه یی که در دورهٔ دوم با کمک و راهنمایی‌های شرکت ملی‌گاز ایران صورت گرفته بشرح زیر است .

۱ــ عقدقرارداد با شرکتهای توزیع کننده گاز مایع در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۴۸ که روءوس هدفهای آن بشرح ذیل است :

الف : برنامه ریزی‌دقیق درباره‌ٔ تحویل‌گرفتن‌گاز مایع در فصول مختلف ؛

ب : مکلف‌کردن‌شرکتهای‌توزیع‌کننده در زمینه اجرای آیین نامه‌های قانونی و ایمنی و حفاظت فنی ؛

پ : تعیین‌نرخ فروش برای شهرهای تهران ،اهواز ،آبادان ، خرمشهروشیراز ؛

ت : تعیین ضوابط منطقی در باره واگذاری سیلندر به مصرف کنندگان ؛

ث : جلوگیری‌ازپرکردن سیلندرهای یک توزیع کننده توسط توزیع کننده دیگر درقلمروحفظ منافع توزیع‌کننده‌ومصرف‌کننده بمنظور حفظ ایمنی در محلهای مصرف ؛

ج : گرفتن تضمین‌کافی از شرکتهای توزیع‌کننده بمنظورحسن اجراء قرارداد ؛

۲ــ تدوین استاندارد حمل و نقل و ذخیره سازی و توزیع گاز مایع و تقریبا"

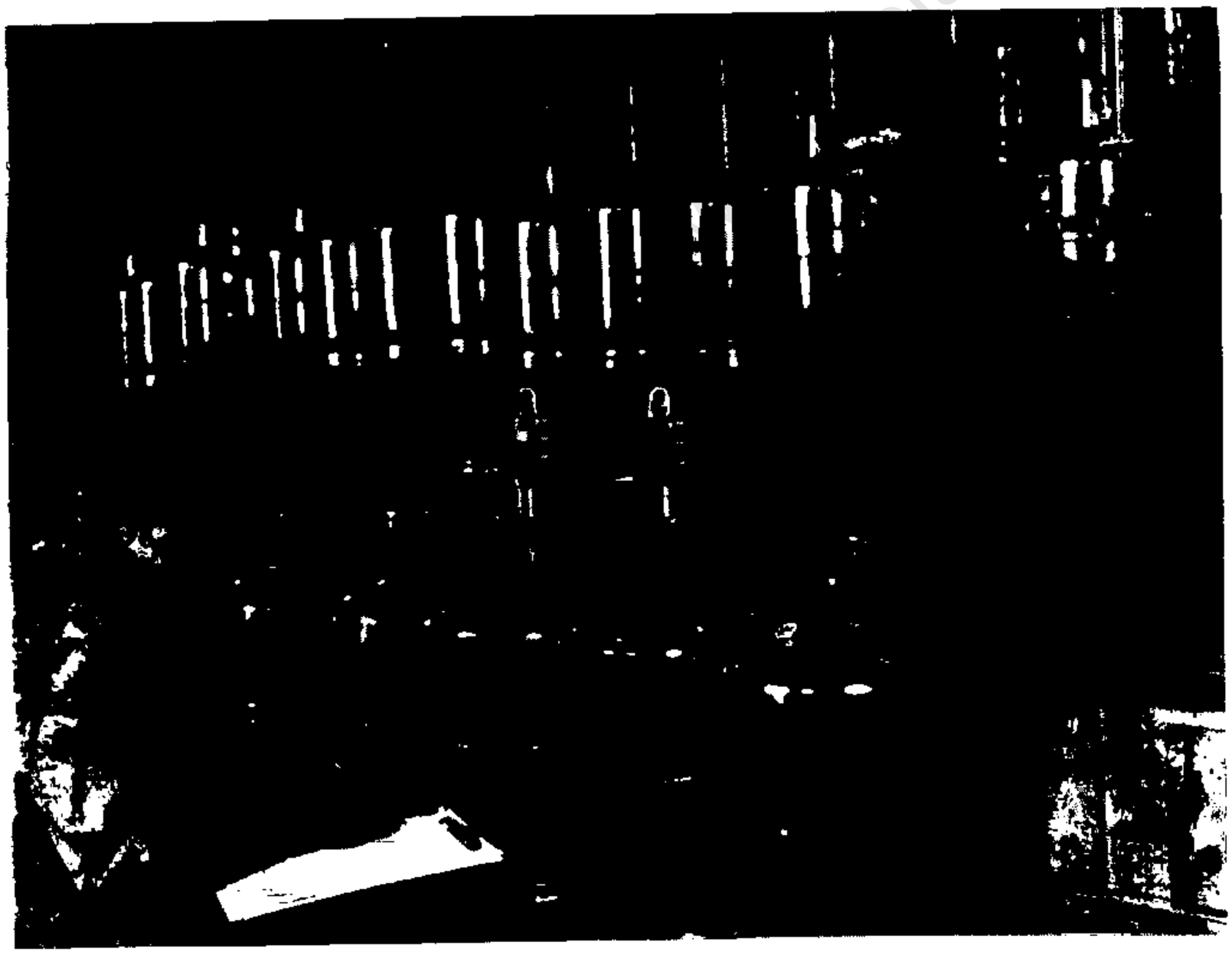

اکنون سلیندرها آماده پرشدن گاز است .

تدوین تمام استانداردهایی که درصنعت گاز مایع باآن سروکار پیدا می‌شود؛

۵۳ سالم سازی بازار گاز مایع با استفاده از اجراء قرارداد و اعمال استانداردهای تدوین شده .

گاز طبیعی در ایران

از زمانیکه نخستین چاه ایران در سال ۱۹۰۸درمسجدسلیمان به نفت رسید و گازهای‌حاصل از استخراج‌نفت بیهوده سوزانده‌شدهموارهسوختن‌وهدررفتن‌مقادیر عظیمی از گاز در نواحی نفت خیز ایران اذهان‌عمومی را بر آن می داشت که بمنظور استفاده از این منبع عظیم ملی چاره یی بیندیشند .

شرکت‌ملی‌نفت‌ایران از آغازتشکیل بفکر چاره جویی و استفاده از گاز طبیعی که یکی از منابع عظیم تولیدانرژی است بود ولی متأسفانه بعلت بعد مسافت و سنگینی سرمایه گذاری و قلت مصرف داخلی با تمام کوششها و مجاهدتهایی‌که در زمینه استفاده از گاز در داخل کشور انجام‌گرفت‌انجام‌طرح گازرسانی‌بشهرهای داخلی ازنظراقتصادی مقرون بصرفه نبود و با آنکه شرکت ملی نفت ایران موضوع را از نظرگاههای مختلف و از جمله طرح ایجادخط‌لوله۲۶ اینچ‌گچساران‌اصفهان‌ـ تهران مورد بررسی قرارداد با این همه بعلل‌مشروحه بالااجرای آن بعهدهٔ‌تعویق افتادوهمچنان‌گازهای‌استحصالی ازمناطق نفت خیز سوخته شده و بهدر می رفت بطریقی که در طی شصت سال متجاوز از ۱۳۰میلیارد مترمکعب گاز که از نظر ارزش حرارتی معادل تقریبا" ۱۳۰ میلیون تن نفت خام می گردد بحکم اجبار سوزانده شده وازمیان رفت . برای پایان بخشیدن باین نگرانی ملی‌شاهنشاه آریامهر موکدا" دستور فرمودند که :

"شعله‌هاییکه ثروت‌مارامیسوزانند بایدهرچه زودتر خاموش‌شوند."

ومتعاقب تشریف‌فرمایی‌ذات‌ملوکانه بکشور اتحادجماهیر شوروی معظم‌لهفرمان دادندتاقراردادهمکاری‌اقتصادی وصنعتی ایران و اتحاد جماهیر شوروی برای حمل وفروش گاز بشوروی و تحصیل اعتبار لازم جهت‌ایجاد کارخانهٔ ذوب آهن و لوله گازسرتاسری وتأسیس‌کارخانهٔ‌ماشین‌سازی تنظیم‌ومنعقدگردد . بدین ترتیب‌آرزوهای دیرینه ملت ایران که همانا ایجاد صنایع ذوب آهن و استفاده از گازهای بدست آمده ازنفت جنوب ایران بود صورت تحقق بخود گرفت .

مطالعات اقتصادی مهندسی انجام شده‌درموردایجاد خط سرتاسری‌گچساران، ساوه ، آستارا که گاز را بشوروی حمل می نماید و همچنین گاز رسانی‌شهرهای ایران‌که ازسال۱۹۶۴ شروع گردیده نشان دادکه‌این طرح که اصطلاحا" طرح شاه‌لوله گاز ایران نامیده می‌شود منافع قابل ملاحظه‌یی‌رااز نظر اقتصادی در برخواهد داشت بنحویکه درمدتی‌درحدود دهسال این طرح موفق خواهد شد از طریق فروش گازگذشته ازتأمین‌مخارج جاری‌خود ، کلیه سرمایه گذاری و هزینه های انجام شده را بازگشت دهد .

اصول‌طراحی‌شاه‌لوله‌براساس تأمین حداکثر احتیاجات سوختی کشور از نظر گاز طبیعی در حوزه شاه لوله و صدور گاز بشوروی طبق مفادپیمان منعقد بوده و بنابرقراریکه دراین طرح معمول گردیده کلیه‌اقداماتیکه بمنظور گاز رسانی و صدور آن تا سال ۱۹۷۰ انجام گرفته بعنوان مرحله اول و بقیه اقدامات و عملیات پیش بینی شده طرح مذکور تا تکمیل‌آن‌تا سال ۱۹۷۷ بعنوان مرحله دوم نامگذاری شده است .

شبکه جمع‌آوری گاز

گاز طبیعی مورد نیاز طرح شاه لوله از مناطقی که در حوزه قرارداد شرکتهای عامل‌قراردارندتأمین می‌گرددو درمرحلهٔ اول اجرا ،از گازهای حاصل از استخراج نفت در مناطق فارس ـکرنج ـ مارون و آغاجاری استفاده می‌شود . جهت بازیافت هیدروکربورهای سنگین از گاز طبیعی با نصب‌دستگاههای بازیافت اقدام لازم بعمل آمده و پیش بینی می‌گردد که در حدود ۳۰ هزاربشکه گاز مایع در روزجهت صدور و یا مصرف داخلی از دستگاههای مذکور بدست آید .

بطورکلی طول لولدهای جمع آوری گاز در مناطق مورد بهره برداری بالغ بر ۱۰۰ کیلومتر است .

ظرفیت جمع آوری گاز که تا سال ۱۹۷۷ تکمیل خواهد گردید بالغ بر ۱۶۵۰میلیون‌فوت مکعب‌در روز می‌باشد .

تصفیه گاز

گازهایی که از مناطق مختلف مورد بهره برداری ،جمع‌آوری می‌شود پس از خروج ازدستگاههای‌تفکیک گاز مایع وارد دستگاههای تصفیه خواهد شد . این گاز بعلت آنکه از مناطق مختلف جمع آوری می گردد دارای ترکیبات و مشخصات متفاوتی خواهد بودولی بطور کلی قسمت اعظم آن (متجاوز از ۸۰٪)متان و حدود ۱۰٪ اتان وبقیه پروپان و هیدروکربنهای سنگین‌تر وهمچین گاز کربنیک (درحدود ۳/۵ درصدحجمی) و گازهای گوگردی حدود۵ گرم در متر مکعب می‌باشد .

دستگاههای تصفیه بمنظور بهبود کیفیت گاز از لحاظ مواد اسیدی و آب آنرا تصفیه می نمایند که پس‌از تصفیه میزان گاز گوگردی به ۱۰ میلی گرم در متر مکعب و انیدریدکربنیک به حداکثر ۱ درصدحجمی تقلیل‌می‌یابد . ذکر این نکته لازم بنظر میرسد که در سال ۱۹۷۰ از (H_2S)موجود در گاز پس‌ازتصفیه روزانه ۷۰ تن گوگرد جامد بدست آمد .

پایان برنامه

خطوط اصلی لوله گاز

خط لولهٔ اصلی شاه لوله از حوالی بهبهان تا آستارا (مرزایران و شوروی) کشیده شده و طول تقریبی آن در حدود ۱۱۰۰ کیلومتر است.

بطورکلی ظرفیت حمل خطوط اصلی شاه‌لوله‌گازحداکثر۱۶/۵میلیارد مترمکعب درسال (۱۶۵۰ میلیون فوت مکعب درروز) است.

خطوط فرعی

درطول مسیر ۱۱۰۰کیلومتری شاه‌لوله انشعاباتی به شهرها و تعدادی از روستاها داده خواهد شد. مهمترین خطوط فرعی مذکورخط لولدبی است که با ظرفیت ۲۷۶ میلیون فوت مکعب از نزدیکی ساوه منشعب گردیده وگاز رابتهران انتقال داده‌است.

درمرحلهٔ اول از طرح، خطوط فرعی شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، قم، کاشان وکارخانه ذوب‌آهن اصفهان احداث گردیده است.

در مرحلهٔ دوم خطوط لوله فرعی شهرهای قزوین، رشت، بندرپهلوی و تعدادی روستاهای واقع در مسیر تأسیس خواهدگردید. ذکر این نکته لازم بنظر میرسد که در حال حاضر شهر شیراز توسط خط لوله ۱۰ اینچ گچساران، شیراز ازگاز طبیعی استفاده می نماید ولی درآینده با نصب خط لوله دیگری بقطر ۱۶ اینچ‌گاز مصرفی شیراز از طریق شاه لوله تأمین خواهد شد.

طول خطوط لوله فرعی در مرحله اول طرح متجاوز از ۶۵۰ کیلومتر است.

ایستگاههای محرکه

برای آنکه شاه لوله گاز بتواند تا سال ۱۹۷۷ درحدود ۱۶۵۰ میلیون فوت مکعب گاز را روزانه از نواحی جنوبی کشور بشمال آن برساند در نظر گرفته شده است که مجموعا" در طول مسیر ۱۰ ایستگاه محرکه تأسیس گردد.

مجموع نیروی محرکه این کمپرسورها که سوخت آن بوسیله گاز طبیعی تأمین خواهد شد بالغ بر ۳۳۰/۰۰۰ قوه اسب‌بخاریاتقریبا" معادل $\frac{۳}{۴}$ نیروی‌برق سد عظیم محمدرضاشاه است.

گذشته‌ازاین‌کمپرسورهایی با ظرفیت بالغ بر ۹۰/۰۰۰ قوه اسب بخار بعنوان ذخیره درایستگاههای مزبور نصب خواهد شد.

نخستین ایستگاه محرک پس از دستگاههای‌تصفیه‌درفاصله ۷۸کیلومتری‌بید بلندودرنزدیکی‌پتاوه‌تأسیس‌شده‌است.

برنامه صدور گاز

در مرحله اول طرح متجاوز از ۶۰۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز برای صدور به شوروی‌تخصیص داده‌شده که تا سال ۱۹۷۷بتدریج به ۱۰۵۰ میلیون‌فوت‌مکعب در روز افزایش خواهد یافت.

هرگاه برش طولی‌تستیکول پستانداری را تهیه‌کنیم وزیر ذره‌بین موردمطالعه قرار دهیم ابتدا خواهیم دید که غلافی ضخیم و سفید رنگ از جنس بافت‌پیوندی، آنرا از خارج می‌پوشاند. این غلاف Albuginee نامیده می‌شود . آلبوژینه در ناحیهٔ عقبی ضخیمتر شده و جسم را بوجود می‌آورد که از آن انشعاباتی خارج می‌شود و امتداد ضخیمتر شده و جسم Highmore را بوجود می‌آورد که از آن انشعاباتی خارج می‌شود وامتداد می‌یابد تا بناحیهٔ مقابل آلبوژینه می‌رسد و باینطریق بخش داخلی تستیکول را به لوبهای میخی شکلی مبدل می‌کنند. هریك از این لوبها محتوی ۲ تا ۳ لولهٔ سمینی فر بسیار پیچ خورده است. در داخل این لوله‌هاست که اسپرماتوزوئید ساخته می‌شود . لوله‌های سمینی فر در انتها به نخستین مجاری برنده اسپرم یا مجاری Efferente که در جسم Highmore حفر شده می‌انجامد. این مجاری به کانال اپیدیدیم که لولهٔ بسیار پیچیده و چین خورده‌یی است وحتی دربرخی موارد بخش

در بسیاری از مهره‌داران تستیکولها فعالیت دورانی ویا فصلی دارند. در این صورت ، نمو صفات ثانویهٔ جنسی نیز معمولاً با این تغییرات همزمان است.

بعنوان مثال ، در قورباغه معمولی تستیکول در سپتامبر می‌رسد. این حالت تا ماه مارس که فصل تولید مثل و مقاومت جنسی است راکد می‌ماند. در اواخر بهار اسپرماتوزوئیدهایی که‌مصرف‌نشده مانده‌اند از میان می‌روند. پس از ماه ژوئن و در طول فصل تابستان بافت سمینی‌فر اسپرماتوزوئیدهای‌جدیدی را می‌سازد ودر خود ذخیره می‌کند.همزمان بااین‌تغییرات، کالوزینه نیز تغییراتی پیدا می‌کند بدین معنی که در ماه فوریه و مارس نمو کامل دارد و در ماه ژوئن به کوچکترین اندازهٔ خود می‌رسد.

باید دانست فعالیت اسپرماتوژنز تستیکول نسبتاً شدید است. محاسبه نشان داده است که در خرگوش با اینکه هر دو تستیکول فقط ۸ گرم وزن دارد رویهم ۸۰ هزار اسپرماتوزوئید دردقیقه می‌سازند.

هورمون مخصوص آن به‌حیواناتی که غده هیپوفیز آنها را برداشته‌اند فعالیت اسپرماتوژنز را مجدداً برقرار می‌کند . دانشمندان بکمك این تجربه موفق شده‌اند پیدا شدن آثار بلوغ جنسی را تسریع کرده، زمان تولیدمثل را جلو بیندازند.

تجربیات جالب توجه‌دیگری درسالهای اخیر انجام گرفته است ودر نتیجه نور بعنوان یکی‌ازعوامل تحریك‌کنندهٔ ترشحات غدهٔ هیپوفیز و یابعبارت دیگر تشدیدکننده فعالیت اسپرماتوژنز شناخته شده است.

در پرندگان ROWAN ضمن مطالعه Junco-hiemalle نتیجه گرفته است که اندازه تستیکولها در پاییز کوچك می‌شود بطوریکه در ماه نوامبر قطر آنها بمقدار ۰٫۵ میلیمتر می‌رسد. سپس مجدداً رشد می‌کند ودر موقع تولید مثل در ماه مه بمقدار ماگزیمم ۷ میلیمتر می‌رسد بنابراین اثر تحریکی اشعهٔنورانی در رشد تستیکول این حیوانات در اواخر زمستان بخوبی مشخص می‌شود.

BENOIT در قناری این تجربه را

قدرت باروری از کجاست؟

نوشته ــ دکتر مهرانگیز صدوقی|دانشیار دانشگاه اصفهان

فوقانی تستیکول را می‌پوشاند ارتباط می‌یابد واز آنجا کانال Deferente اسپرماتوزوئیدها را بخارج هدایت می‌کند.

در فواصل لوله‌های سمینی‌فر بافت Interstitielle تستیکول قرار گرفته که با بسیاری عناصر دیگر مخلوط، ودارای سلولهایی است‌که نسبتاً حجیم است وذخایر غذایی فراوان دارد. این‌سلولها را سلولهای Leydig می‌نامند. سلولهای Leydig مرکز اصلی ترشحات آندوکرین تستیکول است.

غده‌های گوناگون از جمله وزیکول وزیکول سمینال ــ پروستات‌وکوپر ضمیمه اپیدیدیم و مجاری Deferente هشت. کانال دفرانت از هر طرف به مجرای اوروتر راه یافته و به‌انتهای Penis ختم می‌شود، بنابراین تستیکولها دو عمل مختلف انجام می‌دهند بدین معنی‌که ازیکطرف اسپرماتوزوئیدهارا درلوله‌های سمینی‌فر آزاد می‌سازند واز طرف دیگر بوسیلهٔ بافت Interstitielle خود هورمون جنسی نر ترشح می‌کنند.

۱. تستیکول اندام‌سازندهٔ اسپرماتوزوئیدها است

گاو در موقع مقاربت جنسی تقریباً ٤ سانتی متر مکعب اسپرم آزاد می‌کند، که میزان متوسط اسپرماتوزوئید در آن بنسبت ۸۰ هزار در هر میلیمتر مکعب است.

فعالیت اسپرماتوژنز تستیکولها تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که‌مهمترین آنها ترشحات داخلی غدهٔ هیپوفیز است.

وظیفه و اهمیت غدهٔ هیپوفیز

در یك حیوان نر بالغ Hypophysectomy (برداشت غده هیپوفیز) بلافاصله فعالیت اسپرماتوژنز تستیکولهارا متوقف می‌سازد. تستیکولها بتدریج تضعیف شده ازوزن و حجم آنها کاسته می‌شود، وبسرعت بوضعیت قبل از بلوغ برمی‌گردد. نمو سلولهای ژرمینال از مرحلهٔ اسپرماتوگونی بیشتر بطول نمی‌انجامد.این‌کیفیت مخصوصاًبوسیله سمیت Smith وانجل Engle روی Rat وپس از آن در بسیاری دیگر از مهره‌داران بتجربه نشان داده شده است. حیوان غیربالغ هیپوفیزکتومی نمو طبیعی گوناد نر را متوقف می‌کند و وضعیت تستیکولها بحالت نابالغ باز می‌ماند.

برعکس پیوند غده هیپوفیز ویا تزریق مجدداً با دقت بیشتری تکرار نموده و مشاهده کرده است که در این حیوان تستیکول‌ها در فصل پاییز و در موقع استراحت فعالیت جنسی یك یادو گرم وزن دارند در صورتیکه در بهار وزن آنها به ۱۵ گرم می‌رسد. BENOIT ابتدا چنین تصور کرده است که رشد تستیکول در قناریهاییکه در تاریکی پرورش می‌یابند بوضوح کمتر از نمونه‌هایی است که در روشنایی نگاهداری می‌شوند . از این نظر تجربه خود را بطریقهٔ دیگری تکرار کرده است. باینطریق که: تعدادی قناری را در روشنایی مصنوعی قرار داده، تعدادی دیگر را بعداز آنکه سرآنها را با کلاهك سیاهی تا زیر چشمها پوشانیده، تحت همان شرایط قرار داده است. این دانشمند پس از مدتی مشاهده کردکه تستیکولهای قناریهای دستهٔ دوم همچنان‌کوچك مانده‌اند درحالیکه در دستهٔاول تستیکولها به‌رشد طبیعی‌خود ادامه می‌دهند . بنابراین نتیجه می‌گیریم که تحریکات نورانی بوسیله اندام بینایی انجام می‌گیرد، ودر تمام بدن منتقل می‌گردد. امروزه تجربه نشان‌داده است که‌وجود اندام

بینایی، همیشه لازم و ضرور نیست زیـرا حیواناتی هم که‌چشم آنهارا خارج کرده و یا عصب بینایی آنهارا قطع کرده‌اند، نسبت به تحریکات نورانی حساسیت دارند.

امواج نورانی، محرك غده‌هیپوفیزاست همانطوریکه می‌دانیم این انـدام در موقع فعالیت هورمونهایی را آزاد می‌کند که‌اثر شدیدی روی تخمدان مـوش مادهٔ نابالغ دارد و در این حیوان، بلوغ زودرس ایجاد می‌کند. BENOIT با استفاده از این روش نتیجه گرفته است که غدهٔ هیپوفیز قناریها تحت تأثیر امـواج نـورانی اثر شدیدتری در برقراری آثار بلوغ جنسی در موشهای نابالغ دارند در حالیکه هیپوفیز قناریهایی که در تاریکی پرورش می‌یابند غیر فعال می‌مانند. برداشت غـده هیپوفیز تمام اثرات تحریکاتی نورانـی را متوقف می‌کند.

این تجربیات بطریقه علمی اهمیت نور و روشنایی را در محیط پرورش حیوانات

ANCEL قرارگرفته‌است، Cryptorchidie تستیکولی می‌نامیم . دراین عارضه ملاحظه می‌شود که مراحل اسپرماتـوژنز متوقف می‌گردند. سلولهای سلسله سمینال بزودی از بین می‌روند ولی بافت Interstitielle ودر نتیجه صفات ثانویه جنسی می‌ماند. این مطالعات و نتایج آنها یکبار دیگر وظیفه دوگانه گوناد نر را باثبات می‌رساننـد و تأیید می‌کنند که‌کانون ترشحات‌آندوکرین تستیکول بافت Interstitielle است.

دانشمندان دیگری نظیر MOORE و همکارانش موفق شده‌اند دربعضی جوندگان بتجربه Cryptorchidie ایجاد کنند. باین طریق که تستیکولها را در حفـره شکمی ثابت نگاهداشته،ملاحظه کرده‌اندکه بفاصله چند روز سلولهای سلسله سمینال از میان می‌روند وپس‌از ۳۰ روز لوله‌های سمینیفر کاملا فاقد سلولهای اسپرماتوژن می‌شوند و حجم کلی آنها در پنجمین روز تـجربه کاهش می‌یابد تجربه دیگری‌نشان داده‌است

تجربیات Cryptorchidie درحیواناتی که فعالیت بافت Interstitielle ونمو صفات ثانویه جنسی با فعالیت اسپرماتوژنز درآنها هم‌زمان نیست (مانند دوزیستان و بعضی پستانداران) نشان داده است که‌فقط بافت Interstitielle هـورمـون جنسی را ترشح می‌کند.

هورمونهای تستیکولی نموصفات ثانویه جنسی و وضع عمومی دستگاه ژنیتال نر را کنترل می‌کنند. دانشمندان سعی کـرده‌اند تست مخصوصی جهت سنجش نوع و میزان فعالیت هورمون‌های‌آندروژن‌را معین‌کنندو بدینوسیله بتوانند فعالیت این‌هورمون‌ها را از نظر کیفی وکمی بررسی کرده و یا حتی در آزمایشگاه بروشهای شیمیایی متـداول آنها را تهیه کنند. بکمك این قبیل تست‌ها بوده است که دو عامل واحد و اندازه در مباحث آندوکرینـولوژی پایه‌گذاری شده است تست‌های متعددی در این مورد شناخته شده که متداولترین آنها در زیـر ذکر

مخصوصاً شدت تخمگذاری آنها نشان می‌دهـد . Bissonnette در Furet بطریقه مشابه دیگری اهمیت روشنایی را درفعالیت های تولید مثلی نشان داده است.

اثر حرارت

تجـربه نشان داده است کـه فعالیت اسپرماتوژنز تستیکول‌هادست‌کم درپستان‌داران و پرندگان به‌درجات حرارت نسبتاً پایین بستگی داردچنانکه می‌دانیم دربسیاری از پستانداران‌تستیکول‌ها به‌کلیه‌ها چسبیده، همراه آنها در حین نمو از حفـره شکمی خارج شده ودر Scrotum یا کیسه Bourse قرار می‌گیرند. بنابراین دراین ناحیه درجه حرارت پایین‌تر و دست کم پایین‌تـر از حرارت داخلی بـدن است . در بعضی از حیوانات، نظیرخوك ممکن‌است تستیکول‌ها از حفرهٔ شکمی خارج نشوند. اینحالت را که در درجه اول مورد توجه BOUIN و

که اگر Scrotum گوسفندی را بمدت ۵ دقیقه تحت تأثیر حـرارتی معادل ٤٥ درجه سانتی‌گراد قرار دهیم بفاصله ۵ روز در سلسله اسپرماتیك آتروفی کامل روی می‌دهد.

۲. تستیکول اندامی آندوکرین است

تجربیات و مطالعاتیکه در این مـورد انجام گرفته همگی اهمیت این اندام را در مباحث آندوکرینولوژی نشان می‌دهند.

فیـزیولوژیست ۷۲ سالـه فرانسـوی Brown Sequard تجربه‌یی روی شخص خود انجام داد، ونتیجهٔ مهمی بدست آورده است. این دانشمند عصاره تستیکول بالغ و فعالی را زیر پوست خود تزریق کـرد و نشاط، جوانی وشادابی درخود ایجاد کرده است. باید دانست دراین‌مورد عوامل روانی دخالت اساسی دارد و در تغییر روحیه و طرز تفکر این دانشمند مؤثر بوده است.

می‌شود.

تست تاج‌خروس

چنانکه از پیش می‌دانیم Castration خروس منجر به کوچك شدن تاج حیوان می‌شود، پیوند گوناد نر ویاتزریق هورمون آندروژن تاج خروس را بحالت نخستین برمی‌گرداند. بنابراین اگـر سطح نمو تاج خروس نژاد معینی را محاسبه کنیم Unite خروس را بدست خواهیم آورد.

تست وزیکول‌سمینال

اخته کردن Rat سلولهای اپی‌تلیوم وزیکول سمینال‌را ازمیان می‌برد. ازارتفاع سلولهای استوانه‌یی شکل دانه‌دار می‌کاهد واین سلولها را مکعبی شکل می‌گرداند . هورمون‌های آندروژن سلول‌های اپی‌تلیوم وزیکول سمینال را پایـدار نگاهمیدارد . بنابراین بامحاسبه افزایش‌ارتفاع این‌سلولها می‌توان Unite - Rat را معین کرد.

کوتاه‌نویسی

در ادبیات غرب‌شیوه‌یی پاگرفته است بنام کوتاه نویسی که بسیاری از نویسندگان سوای کار اصلی خودشان " رمان و قصه‌های کوتاه " گاه‌چیزهایی برحسب تصادف و یا از سرتفنن‌برشتهٔ تحریر می‌کشند. این یادداشتها ، اغلب در یک جمله است و یادر حدود یک داستان کوتاه ، سعی می‌شود ، هزل وطنز درآن جایی داشته باشد و حرفها خالی از منطق و فکری نیست هرچند باچند کلمه بیان شده است.

درایران "سبسرون"نویسنده فرانسوی را با این یادداشتهای کوتاهش می‌شناسند وکم نیستند دیگرانی که در این‌ردیف می‌نگارند.

مقصود چنین است که این شیوه رانیز مابه تقلیدازغربیان‌در ایران متداول کرده ایم که یک نگاه کوتاه به ادبیات ایران نشان می‌دهد که " کوتاه نویسی" در ایران سابقه‌یی از دیر باز دارد و قرنها پیش شاعران و نویسندگان ما دراین مورد ذوق آزمایی کرده اند و" اسرارالتوحید" گفتهٔ شیخ عبدالله انصاری و دیگران آثاری است جاودانه وشکوفان که برای ما بیادگار گذاشته‌اند .برای نمونه از " گلستان " شیخ اجل سعدی چند مثال می‌آوریم .که در واقع سر آغازی خوش برای این رشته ازادبیات ماست‌در حالیکه در زمینه طنزما "عبیدزاکانی" راهم با نوشته های کوتاهش‌داریم.

رنج بیهوده

* دوکس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند:

یکی :آنکه اندوخت و نخورد.

و دیگر اینکه آموخت ونکرد.

بی‌آزارتر

* چون در امضای کاری متردد باشی آن طرف اختیار کن که بی آزارتر برآید.

رحمت

* برعجز دشمن رحمت مکن که اگرقادر شود بر بر تو نبخشاید.

خبر

* خبری که دانی دلی بیازارد تو خاموش ، تا دیگری بیارد.

خودستایی

* همه کس "عقل" خود به "کمال" نمایدوفرزند خود به "جمال"

قدر

* اگر شبها همه "قدر" بودی"شب‌قدر"بی‌قدر بودی.

توصیف

* "تلمیذ" بی‌ارادت ، عاشق بی‌زر است و "روندهٔ" بی‌معرفت ، مرغ بی‌پر و"عالم" بی‌عمل، درخت بی‌برو "زاهد" بی‌علم ، خانهٔ‌بی‌در.

تکان نخورید!

آدم گاهی اوقات هوس می‌کند بهمه این آدمهایی‌که دور و برمان‌زندگی می‌کنند ،و ول می‌زنند، درشتابند ، می‌آیند ومی‌روند و گاه در گوشه‌ای مغموم می‌نشینند و متفکرند ،مانند"عکاس" زمان بچگی‌مان بگوید !

تکان نخورید : لبخند بزنید !

اسبها وآدمها!

اسب ها هرگز درآن موقع که آخورشان بکلی از علوفه خالی است ، بهم نمی‌پرند .زدوخورد براه نمی‌اندازند . آنها همچنین وقتی آخورشان هم پراز علوفه هست ، قال‌چاق نمی‌کنند ودعوا نمی‌کنند. ملاحظه می‌فرمایید از این بابت"اسبها" خیلی‌عاقلتر و باحساب و کتاب‌تر از " آدمها" هستند !

زیبای ۱۳۰ سال پیش

* سفارش از رسالهٔ "مفترض‌الطاعه" سنه ۱۲۶۶ تقریبا " بیش از ۱۳۰ سال‌پیش

* اشاره :

مجلله های محترمه و همشیره هـای مکرمه ایـن روزهـاخـود را به هزارالوان می‌آرایند و رنگ بر چهره شـان چیزی در حدودکار یک نقاش و سیمایشان صبح،ظهر و شب متفاوت بعینه یک تـابلوست ایـن خودوسوسه‌ای است‌ازدیربازکه‌غازه بـرخ نشاندن‌ووسمه‌وسرمه‌مالیدن‌زنان‌راعلاقه‌یی دیرپا بوده است .آنچه می‌خوانیدحکایتی و روایتی و سفـارشـی مهم در حدودیک قرن ونیم پیش است .

حلال

مادری پیر از فرزند کـه راهـزنی‌و عیاری پیشه داشت درخواست که برای او کفنی‌ازمال حلال بدست کند . پسرطالب علمی‌رادر بیابان بدید ، دستار اوبربود.

و گفت : این را برمن حلال کن ، و او امتناع می ورزید . راهزن چوبدستـی برکشید ، و مرد را بزدن گرفت ،و سپس هرچندفریادمی‌کرد : حلال کردم ،دست باز نمی داشت . سرانجام دزدان‌دیگـر میانگی کردند ، و او را رها ساختند . دزد دستاربمادرآورد . مادر از چگونگی حـلال بودن دستار پرسید . گفت : آنقدر زدم‌که حلال حلالش به آسمان رفت !

انشاءالله

حجی روزی‌ببازار رفت‌تادرازگوشی بخرد . مردی پیش آمد و پرسید : کجـا می روی ؟ گفت : ببازار تا درازگوشـی بخرم . مردگفت : "ان‌شاالله" بگـوی ، گفت : اینجاچه لازم‌که این سخن بگویم ؟ درازگوش در بازار است و پول درجیبم . چون ببازار رسید پولهایش را دزدیدند . وقتی بازمی گشت همان مرد باستقبـالش آمدو گفت : از کجا می‌آیی و چه کـردی؟ گفت :از بازار می آیم ان شاءاللـه ، پولهایم رازدند ان‌شاءالله ، خرنخریدم ان‌شاءالله ، و دست از پا درازتر بازگشتم ان‌شاءالله !

آرایش زنانه چگونه باید باشد؟

زن نباید "بی‌سرمه باشدو سرخاب کمتر بمـالد. به حدی بمالد که مشتبه به رنگ اصلی بشره باشد نـه اینکـه مثل . . . صورت و چشم و حتی دماغ راازخون درازگوش رنگین بکندکه به اعتقاد خودش ماشاءاللـه صورت را مثل طبق گل کرده . بی سرخاب رنگ او بد بوده ؟ بینی‌سرخ چه حسن دارد؟ چشم سرخ چه تماشا دارد ؟ مگر بر علم ما ، علمی می‌افزاید ؟

(زن) باید سرخاب رقیق بمالد که مشتبـه بـه مردم بشود به رنگ اصلی . که کسی نداند رنگ خـود صورت است یا سرخاب .

وسمه را زیاد پهن کند . موی پیشـانی رازیـاد نگذارد بلند شود که رسم فلان باجی است . ماهی‌یک دفعه به آسانی‌موی پیشانی را بکند . غرض‌نگذاردبلند شود .

سر و صورت و دست را چرب نکند .ابدا" چربی استعمال نکند . اگر همه موم و روغن باشدو هزار مـن گلاب داشته باشد همین که چرب شد ، کثیف می‌شود . آدم خود نمی‌داند که چه بوی کثیف می‌دهد ، وقتـی که چربی به کار می‌برد . هرگز به سرش چیزی نمالد که موی سر زیاد شود . اگر انصاف باشد از اصل موی سر و گیس دراز ــ خصوصا" برای کسانی که گیسشان کم پشت باشد ــ مثل دم اسب می‌نماید .اگر گیس پرپشت انبوه و بلندی داشته باشد خوب است والا دو مـوی دراز و باریک از این طرف و آن طرف بافته وانداخته ، خوبی ندارد ."

* *
*

ملاحظه می‌فرمایید تمام آنچه راکه در سالهای دور بد می‌دانستند درآرایش علیا مخدرات امـروزه مبـاح و رایج است و بقول معروف "هرلحظه بشکلی‌بت "عیار عیـان می‌شود بقصد "دلربایی "و در این مهم‌از انواع کرم وپودر روژ و گیس طبیعی و مصنوعی‌و ایفای انواع عملیات جراحی پلاستیکی هم کمک می‌گیرد و تمام دراین فوت و فن اینست که در نزد مردم مشتبه شود به "دلبری‌طبیعی" و افسوس چه‌پرت افتاده است !

رقص

خری و اشتری دور از آبادی ، بـه آزادی مـی زیستند . نیم شبی چـران و چمان بشارع عام رسیدند . اشتر گفـت : رفیق ! ساعتی دم فروبند تا از آدمیـان دور شویم ، نباید که گرفتار آییم . خـر گفت : این نتواند بود ، چـه درست در همین ساعت نـوبت آواز معتاد من است، ودرترک‌عادت رنج جان و بیم هلاک تن، و بی محابا نهیق برداشت . کاروانیان‌به اثربیآمدند ، وهر دو را در قطار کشیده ، بارنهادند . فردا آبی عمیق پیش‌آمد که عبور خر از آن میسر نبود . خر را براشتر نشانیدند ، واشتر رابه آب راندند .چون بـارگیـر بمیان آب رسید ، دستـی بـر می افشاند و پایی می‌کوفت . خـر گفت : رفیق ، این مکن وگرنه من‌درآب افتـم و غرقه شوم . گفت : چنانکه دوش نوبـت آواز نـا بهنگام خر بود ، امروزگـاه رقص ناسازاشتر است ، و با جنبشی دیگر خررا از پشت بینداخت و غرقه ساخت .

بهم ساخته‌اند

گفت نخور عسل و خـربزه بـا هم نمی سازند ، نشیند و خورد ، یک ساعت دیگریارو رادیدمثل‌مار بخودش می‌پیچد ، گفت؛ نگفتم نخوراین‌دوتاباهم‌نمی‌سازند ؟ گفت : حالا که این دوتا خوب ساخته‌اند که من یکی را از میان بردارند !

هیچ کس

شخصی‌از خطیبی پرسید : "والسماء ذات الحبک" چه معنی‌دارد ؟ گفت :همه کس داند که"سماء "زمین است و "ذات" هم‌چیزکی‌ازاین‌قبیل باشد ، اما "حبک" را نه من دانم و نه تو و نه آنکه این گفته است !

در ایران ما به‌این شوخی‌ها خندیدیم

این مطالب سبك است . ازعلاقمندان به‌مطالب سنگین استدعا می‌شود از خواندن آنها صرفنظر بفرمائید .

کمدی عیادت

میرزا احمدخان هوس‌کرد که دوسه روزی قیـد اداره رابزند و برای خودش بیفتد توآپارتمانش.کتاب بخواند.موزیک بشنود وحسابی استراحت کند که مایه‌اش یک تلفن بود که به رئیس مـربوطه اطلاع داد مریض‌است و در خانه بستـری شـده است !

خبربیماری میرزا احمد خان‌کـارمند سرشناس و محبـوب القلوب اداره بیک طرفةالعین در میان دوستانش پخش شـد و همانروز یکی یکی ، دوتا ،دوتا بسراغش آمدند. همراه با گل و میوه ، کیک ،کتاب و بالطبع با یک خـروار سؤال : " سـرما خوردی ؟ نکند ضعف اعصاب‌باشه ؟ ــ از این گریپ های مـزمن . . ؟ تختخـوابت راحت است؟ چیزی کم و کسر نداری" ! و در طول این مدت عیادت نمی‌گذاشتنداز تو رختخواب جمب بخورد . . .

القصه این استراحت او ده روزبطول انجامید.چون میرزا احمدخان از روزدوم واقعا" حس کرد که بیماراست . سرش درد می‌کند.ضعف اعصاب دارد. بدنش کوفته شده و گریپ مـزمنـی هم بیخ گلـویش را گرفته است.

... سگی اگر به هفت دریا شویی ...

تنقلات

می‌دانید که هرملت و جماعتی برای خودش تنقلاتی دارند و در اوقات فـراغت هله و هوله می‌خورند. بالطبع آدمخوارهای جنگل‌های مخوف آمازون نیز از این‌قاعده مستثنی نیستند.

یکی از روزهای باصفای جنگل دوتـا آدمخوارکه ازآدمیان‌چیزی نصیبشان نشده بود و بالاخـره یک گـوریل نتـراشیده و نخراشیده شکارکردند و بـا خیـال راحت نشستند به تناول گوشت گوریل نامبـرده (راستی‌در جنگل‌های آمازون گوریل گیـر می‌آید؟)

در این‌حیص و بیص یکی ازآنهـا ــ درحالیکه ران فربه گـوریل را گاز میزد ــ رو کرد برفیقش و گفت !

ــ میدونی رفیق ، گـوریل خـوردن عینهو تخمه شکستن رو میمونه ، همچی که که‌آدم شروع میکند . دیگه نمیتونه جلوی خودشو بگیره !

بدبیاری

یکی ازآن هالوهای بنام روزگـار ــ فرض بفـرماییـد مثلا" " قلمدوش خـان" بکله‌اش می‌زنـد کـه " چتـرباز" بشود. معطلش نمی‌کند. اسمی می‌نویسـد و دوره مقدماتی را با هر مکافاتی‌بـود می‌گذراند و بالاخره مرحله نهایی‌فرامیرسد که‌جناب ایشان بایسـی بوسیله چترنجات ازطیاره بپرد پایین .

روز موعودفرا میرسد و یکی‌یکی چتربازها می‌پرند تا نوبت به "قلمدوش" خودمان میرسد . اینجا بود که حضرتی ایشان داشت‌از شکرخوردنش پشیمان‌میشد و زد بعذر و بهانه و ایرادهای عجیب و غریب که از آن بالا ، زمین بدجوری وحشت انگیز بود و بالاخره از فرمانده پرسید :

ـ این چتر حتما" باز میشه؟

ـ آره بابا مگه ندیدی تا بپری ، خودش بازمیشه .

قلمدوش دلش تاپ تاپ میزد :

ـ اومدیم و چتر باز نشد چی ؟

فرمانده گفت : " چتردوتا ضامن داره ، یکی رومیزنی ، اگه بازنشد ،دومی رو که‌بزنی‌حتما" چتر بازمیشه . این‌آخری دیگه رد خور ندارد . "

هالو "قلمدوش" بازهم‌دل دل کرد " خوب اون پایین چه خبره "؟

فرمانده " برای قوت قلب او گفت :هیچی یه اتوبوس‌اون پایینه‌که‌همه رو میبرد رستوران تا دلی از عزادر بیارند" !

به محض‌شنیدن مژده "ضیافت‌شکم" "حضرت"قلمدوش" معطل نمی‌کندو جفت میزندتو فضا ، دست برقضا چترنجات باز نمیشود . ضامن‌اولی‌رامیزند . بازهم‌خبری نمی‌شود و دومی را بهمچنین که باز چتر بسته‌میماند و"قلمدوش" مثل گلوله‌میآمد پائین‌که نگاهی‌بزمین‌انداخت وبادلخوری و تشویش گفت :

" ـ بدشانسی‌رومی‌بینی‌این‌اتوبوس هم که نیومده حالا ما چه جوری بریم رستوران . . ؟"

اوج رفعت

احمدخان معاون شرکت تمام مدارج ترقی راحساب شده وهشیارانه گذراند . می‌گفتند برای پستش "جوان" است ولی لیاقتش راداشت و کلی جربزه . یکروز صبح برای گزارش یک پرونده مهم راهی اطاق رئیس شرکت‌شد :

هنگامی‌که وارداطاق سکرتر شد ، سکرتر خوشگل وفتان رئیس شرکت‌پشت میزش دیده‌نمیشد و او همانطور که پرونده رامرور میکرد .چشمش به خانمی افتادبا هیکل ظریف و قشنگ که داشت توی قفسه بایگانی کند و کاو میکردو چهره‌اش پیدا نبود .

احمدخان در حالیکه از کنار او میگذشت بخیال اینکه با سکرتررئیس شرکت حرف میزندگفت : "خوشگله امشب نوبت‌منه یا نوبت رئیس ؟"

ومنتظر جواب نماندو گذشت‌و هنوز دستگیرهٔ دراطاق رئیس تو دستش بود که نعرهٔ زن به هوا رفت . در واقع احمدخان دست بر قضا بیگداربه آب‌زده بود وخانم آقای رئیس شرکت رابا سکرترش عوضی گرفته بود .

"زری‌خانم" قشقرقی بپاکرد و به سکرتر واقعی که درست درهمان لحظه رسیده بود فریاد زد :

ـ به به . . چشمم روشن !

ودر یک آن همه شرکت ریخت‌بهم‌و از همه مهم‌تر .

این مطالب سبك است . ازعلاقمندان به‌مطالب سنگین استدعا می‌شود از خواندن آنها صرفنظر بفرمائید .

این‌حادثه موجب تغییروتبدیل‌های عمده‌ای شد و نتایج گوناگونی‌را موجب گردید .

۱ ـ احمدخان از پستش معزول‌شد و به جرم "فاش کردن‌اسرارادارى" در اختیار کارگزینی قرارگرفت .

۲ ـ رئیس شرکت حسابی ماستها را کیسه کرد و از آن ببعد بلافاصله پس‌از کاراداری به محیط‌گرم خانواده می‌شتابد و ازهمه بدتر تازگی‌ها مثل موش شده است و هیچکس فرمانش را نمی‌برد .

۳ ـ خانم سکرتر ، به قسمت‌بایگانی در گوشه پرت شرکت منتقل شد و میان عده‌یی پیرو پاتال‌های اداری جاگرفت .

۴ ـ طی یک حکم خلق الساعه زری خانم‌شخصا" به سمت سکرتری مخصوص جناب‌رئیس شرکت یعنی شوهرش منصوب شد .

۵ ـ معاون جدیدی برای رئیس در نظر گرفته شده که تحصیل کرده ، خوش برخورد و سرحال وخوش برو رواست .

۶ ـ حوادث بعدی هنوز روشن نیست

* * * * * *

گربه

گربه‌یی‌سخت گرسنه در کنارسفره‌یی بنای میومیو گذاشت . صاحب سفره پاره‌یی به او انداخته و لقمه یی برای خود برمی‌داشت . لیکن هنوز مرد لقمهٔ خودرا نخاییده‌بودکه‌گربه‌سهم خویش را فروبرده فریادازسرمی‌گرفت . پس از چندبارتکرار عمل ،مردبرخاست و گربه را بجای خویش نشانیده وخودچهارپای بجای‌گربه نشسته گفت : حالا من میو !

پلید

مردی بشیطان رسید و او راگفت : ازتوخواهشی‌دارم ،وآن‌اینکه : عموزاده‌یی دارم سخت توانگر و در حق من نیکی های بسیارکرده است ، ومن از مال اوبهره‌های فراوان برده‌ام ،ولی‌می‌خواهم که نعمت اش زوال گیرد و من نیز بسبب فقر او فقیر شوم ! شیطان خطاب بیاران خویش‌گفت : هرکس‌بخواهدکه بدتر وتیره بخت تر از من ببیند دروی بنگرد !

www.KetabFarsi.com

شعر و ادب

خرمن

ابوتراب جلی

از این پاشیده خرمن دانه‌ای کم
از این دریای خون پیمانه‌ای کم
طبیعت را چه باک از رفتن من
ز صحرای جنون دیوانه‌ای کم

هست شب

نیمایوشیج

هست شب ، یک شب دم کرده و خاک
رنگ رخ باخته است .
باد نو باوه ابر از بر کوه
سوی من تاخته است .

* * *

هست شب همچو ورم کرده تنی ،
گرم در استاده هوا .
هم‌ازاین روست نمی‌بیند اگر گمشده‌ای
راهش را .

* * *

با تنش گرم ، بیابان دراز
مرده را ماند در گورش تنگ
به دل سوخته من ماند .
به تنم خسته، که میسوزد از هیبت‌شب
هست شب ، آری شب .

چندرباعی

ابوعلی‌سینا

در خوابگه جهان من شیدائی — چشمی بگشودم از پی بینائی
دیدم که در او نبود بیدار کسی — من نیز بخواب رفتم از تنهائی

شیخ علاءالدوله سمنانی

صد خانه اگر به طاعت‌آبادکنی — بهزان نبود که خاطری شاد کنی
گر بنده کنی زلطف آزادی‌را — بهتر که هزار بنده آزادکنی

حافظ

امشب‌زغمت‌میان‌خون‌خواهم‌خفت — وزبستر عافیت‌برون‌خواهم‌خفت
باور نکنی خیال خود را بفرست — تا درنگری‌که‌بیتوچون‌خواهم خفت

خیام

ابرآمدو باز بر سر سبزه گریست — بی‌باده گلرنگ نمی‌شاید زیست
این‌سبزه‌که امروز تماشاگه ماست — پس سبزه خاک‌ماتماشاگه کیست ؟

همراه

فریدون‌مشیری

این کیست گشوده خوشتر ازصبح — پیشانی بی‌کرانه در من
وین چیست که می‌زند پروبال — همراه غم شبانه در من
از شوق کدام گل شکفته ست — این باغ پر از جوانه درمن
وز شور کدام باده افتاد — این گریهٔ بی‌بهانه درمن
جادوی کدام نغمه سازست — افروخته این ترانه درمن
فریاد هزاز بلبل مست — پیوسته کشد زبانه در من
ای همره جاودانه بیدار — چون جوش شرابخانه درمن
تنها تو بخواه تا بماند — این آتش جاودانه در من

آشتی

جلال‌الدین بلخی (مولانا)

بیا تا قدر یکدیگربدانیم — که تا ناگه زیکدیگر نمانیم
کریمان جان‌فدای دوست‌کردند — سگی بگذار ماهم مردمانیم
غرضها تیره دارد دوستی را — غرضها را چرا از دل نرانیم
گهی‌خوشدل شوی‌از من‌که‌میرم — چرا مرده پرست وخصم جانیم ؟
چو بعد مرگ خواهی آشتی کرد — همه عمر از غمت در امتحانیم
کنون پندار مردم آشتی کن — که در تسلیم ما چون مردگانیم
چو بر گورم بخواهی بوسه دادن — رخم رابوسه ده کاکنون همانیم
خمش کن مرده وارایدل ازیرا — به هستی متهم مازین زبانیم

www.KetabFarsi.com

برای پسرم سیامک

از :نوح

من در تو میمیرم

ای بـادو چشمت زنـدگی زیبـا
ای خنده‌های‌دلنشینت نغمه‌فردا
ای‌شور و شوق و حسرت و امیـد
ای آتش جاوید عشق ما .

* * *

من در تو می‌یابم .
آن روزهـائـی را کـه گم‌کـردم
در ژر فنـــای مبهـم هستـی
در پهـن دشت عـرصه بیـداد
درگیـرودار عشق نـافـرجـام
در شامهـای ساکت و خـامـوش
در تیـره راه صبح نـاپیـدا .

* * *

من در تو میگریم .
با عقده های کینـه‌ای سـرشـار
با دردهائی تلخ و طاقت سـوز
با شعله هائی در نظـر خـاموش
با آروزهائی‌نهان‌درپرده پندار .

* * *

من در تو میمیرم .
ای تـاروپـودت تـاروپـود من
ای بهتـرین شعـر و سـرود من
با آنکـه هر رنجت زمن بـاشد
از مـردمـی گـرر و نگـردانی
بر تست جاویـدان درود مـن

گناه

نوشتهٔ فریده گلسرخی

مرد جا افتاده مانند همیشه در ایوان نشسته بود و صندلیش را تکان میداد . صندلیش کهنه بود ، مال‌سالهای پیش وباهر تکان جیر جیر میکرد .

مرد جا افتاده یکی از نخهای آنرا کشید ، مدتی با آن بازی کرد ،آنرابین انگشتهای‌باریکش که از نیکوتین زرد شده‌بود پیچ و تاب داد ، بعد آنرا بدور انداخت. حوصله‌اش سررفته بود ، ازهمه چیزحوصله‌اش سر رفته بود . از آن صندلی تق و لق که جیرجیرش آدم‌را عصبی میکرد و از آن ایوان کوچک که فقط برای یکنفر جا داشت و با آن کفه های آهنی بلند که درست بیک قفس شباهت داشت .

به کوچهٔ زیر ایوان نگاهی انداخت . از آن‌کوچه هم حوصله‌اش سر رفته بود . تنگ بود ، کثیف بود ، خفه بود ، فقیرانه بود ،

بدبو بود ، خانه های کج وکولهٔ دو سویش راه آفتاب و هوا را بر آن بسته بودند و همه چیزش برروییهم آدم را به خفقان می‌انداخت.

به آسمان نگاهی انداخت . هوا هنوز تاریک نشده بود ، اما روشن هم نبود . بر رویهم آسمان مسخره‌ای بود . هلال باریک ماه بسیار رنگپریده درگوشهٔ آسمان بود وخورشید هم هنوزسر جایش چسبیده بود . هر دو باهم. مرد جا افتاده قبلا" هم آسمانی که همزمان ماه وخورشید را باهم داشته باشد دیده بود و فقط حالا این بنظرش غیر طبیعی و مسخره میامد . خم شد ، از لای نرده‌ها ، آب دهانی توی فضا انداخت و گفت :

ـ تف !

و ناگهان درونش تیر کشید . درد که برای مدتی راحتش گذاشته بود بر عمیق ترین زوایای وجودش پنجه انداخت و نفسش را بند آورد . باز گفت :

ـ تف !

و از جای برخاست . خمیده از ایوان به اتاق رفت ، شیشه کپسول مسکنی راکه پزشگ برایش تجویز کرده بود از توی سینی دواها برداشت ، با انگشتهای لرزان کلاهک شیشه‌را پیچاند ، دو تا کپسول کف دست دیگرش ریخت وبعد آنها را توی دهانش انداخت ، از تنگی که روی میزبود توی لیوان آب ریخت و آب را روی کپسولها نوشید . آب که توی تنگ مانده بود گرم بود و مزهٔ خاک میداد . کپسولها رابا ولع بلعید . آب توی حنجره‌اش پرید ، به سرفه افتاد ، دردش بیشتر شد ، چند تا ناله کرد ، چندتاناسزا گفت و ته دلش خواست به رختخواب پناه ببرد . خودش هم نمیدانست بچه سبب درد را خوابیده بهتر تحمل میکرد . اما تازگیها ازخوابیدن میترسید ، از رختخواب هم میترسید . مطمئن بود که سرانجام از آن درد میمیرد و توی رختخواب هم میمیرد ، برای همین هم از دراز کشیدن میترسید ، از درد میترسید ، از مرگ میترسید و زندگیش را با آنکه خلاصه میشد درآن کپسولها ، آن درد ، آن تنگ آب که فقط برای نوشیدن آب روی کپسول از آن استفاده میکرد ، رختخوابش که اغلب کثیف بود ، ایوانش ، صندلیش ، کوچه‌اش ، باز دو دستی چسبیده بود .

از دراز کشیدن گذشت . دوباره خمیده به ایوان برگشت . با دو دستش شکمش را میفشرد . باز روی صندلیش نشست و خواست نفس بلندی بکشدولی نفسش تا ته بالانیامد . وقتی درد دردورنش می‌پیچید ، خیال میکرد ریه ها و معده و روده هایش و هرچه که آن دوروبر توی قفسهٔ سینه وشکمش بود همه بهم پیچیده‌اند مثل هزار تا مار جعفری ، همه بهم نیش میزدند و باو نیش میزدند . تازگیها دو تا کپسول هم در یک زمان بیفایده بود .

شروع کرد به دوباره تکان دادن صندلی و با خود فکر کرد : " بزودی کار به آمپول مرفین می‌کشد . این دکتره خیال میکند من خرم و نمیدونم چه مرضی دارم . گولم میزنه و نمیدونه با اینکار چقدر به شعورم توهین میکند . اینـدفعه مجبورش میکنم اون لغت بدریختو که خودش بیشتر از مریضش از اون وحشت داره به زبون بیاره و اگر نیاورد فحشش میدم و از مطبش میام بیرون . ویزیتم بش نمیدم . گرچه که اینروزها همه اول میگیرن . بنظرم برای اونا ، نقره‌داغ از همه چیزبدتره . اما من . . . برای من چی ازهمه بدتره ؟ "

خندهٔ تلخی کرد و دستهایش را ازروی شکمش برداشت . مثل اینکه کپسولها هنوز هم بکارمیامدند . احساس میکردکه نیش آنهمه مار کمتر و کمتر شد . چین عمیق درد که روی پیشانیش پدید آمده بود صاف شد ، نفسش بالا آمد ، یکدستش را به نردهٔ آهنی گرفت. به کوچه نگریست و بعد به آسمان . دیگر از خورشید نشانی نبود ولی ته نور روز هنوزتوی آسمان بود و هلال ماه هنوز همانجا که از اول بود . حالا دیگر آسمان بنظرش مسخره جلوه نکرد . غمی که همیشه توی وجودش انبارشده بود ، شبها اولین لحظهٔ هر بار که از درد از خواب میپرید با او بود و روزها نیز در گوشهٔ ایوان چون یار همپای او در کناری نشسته بود جنبشی حیوانی یافت ، چون مایعی غلیظ براه افتاد ، ایوان را پرکرد ، صندلی را پوشاند از نرده ها پایین رفت ، به دیوار رسید ، از ناودان سرازیر شد ، نیمی دیگر ازدیوار بالا زفت .

مرد میانه سال چشمهایش را بست . اندوه را سیاه ولزج روی پوستش احساس کرد ، روی زمین و آسمان ، سرش را روی لبهٔ نرده‌ها گذاشت ، بی‌امان گریست و در درون بیمارش فریاد زد : " خدایا ، چه کرده‌ام که باید اینجوری تنبیه بشم ؟ "

واقعا" چه کرده بود ؟ اینرا باز از خود پرسید . فکرش به آنوقتها برگشت ، به روزهای گذشته ، دوردور . تازگیها خاطره‌های نزدیک فراموشش شده بود ولی خاطره های روزهای دور دور را روشن و زنده بیادمیاورد . باز از خود پرسید : " واقعا" چه کرده‌ام که باید اینهمه درد بکشم ؟ " و بخود پاسخ داد : " مگر فقط هرکی در گذشته کاری کرده باید درد بکشد ؟ پس اینهمه موءمن ها که هزار جور درد میکشن بشر نیستن ؟ آن دایی قزی خانوم که تمام عمرش از مرد و عرق و شراب هیچی نفهمید و نماز خواند و روزه گرفت چی ؟ از درد لگن خاصرهٔ شکسته‌اش هنوز خلاص نشده بود که روده‌هاش ناراحت شد . تازه اون خادم مسجد ، جای مهرروی پیشونیش بود و از درد مثل مار بخودش می‌پیچید تا مرد . هر دوشون میگفتن خدا بنده‌شو امتحان میکند . حالا این چه جور امتحانیه ، اصلا" درد به زناکاری و عرق خوری ربط داره یا نداره ؟ مرض خاک بر سر که خودشم نمیدونه چرا بی‌قاعده زیاد میشه و همه جارو میگیره معلم اخلاق و مصلح اجتماعی که نیست ، فقط یک سلول بیریخت بدشکله که نمی‌دونه چکار میکند . . . "

امادوباره بفکر اولش برگشت . " راستی من چکارکرده‌ام ؟ " حالا ، قبل از آغاز حملهٔ بعدی درد ، این برایش حکم یک نیاز را پیدا

کرده بود که بیاد بیاورد در گذشته چه بدیهایی کرده است.

چه بدیهایی؟ کارمند بازنشسته یک وزارتخانه پوسیده بودودر تمام مدت سی‌سال خدمتش هرگز فرصت‌بدی نیافته بود. هرگز پایش را از شغل متوسطی که داشت بالاتر نگذاشته بود. آنقدر توی دایرهٔ تنگی که بین اداره وخانه برای خود ساخته بود غرق بود که حتی به بدی فکر نکرده بود. نمیدانست بدی‌کردن توی اداره چگونه است، مثل اسبی، آبکش‌چشمهایش‌بسته بودو توی دایرهٔ‌خودمی‌چرخید، عرق میریخت، حالت خفقان پیدا میکرد، میدانست دارد درجا میزند و بازهم درجا میزند. میدانست دارد خفه میشود ولی شاخه‌ای نبود که دستش را بآن بگیرد و خود را بالا بکشد و شاید هم شاخه‌ای بود اما او حالش را نداشت که آنرا بگیرد و یا عرضه نداشت که آنرا محکم نگاهدارد.

آیا پشت سرهمکاران مفلوک حرف زدن توی اداره درفاصلهٔ راه انداختن یک پرونده و زدن حبه قند توی چای، کار بد و گناه کبیره بودو جزایش آن درد وحشت را؟ آیا سردواندن ارباب رجوع در حد اختیاری که داشت گناه بود؟ آیابعضی وقتها رفتن بنزد مسیو و عرق دوآتشه و لوبیا خوردن، دیر رفتن بخانه، جواب‌متلک های زن منتظررا با ریشخند دادن یا خشمگین شدن و ناسزا گفتن یا حتی کتک زدن گناه کبیره بود؟

آیابعضی وقتها، مخصوصا" در مأموریت ـ های اداری به شهرستانها، در جمع دوستان‌دود و دمه‌ای، لبی‌به وافورآلودن‌کار بدو گناه بزرگ بود؟

با وحشت بخاطر آورد که در طی همهٔ آن‌سالهای‌زن‌داری چندبار زیر تأثیر دوستان قرارگرفت وباهم بخانه‌ای رفتند و با زنهایی که در آنخانه بودند شبی را گذراندند. چند بار هم با آن زنها به باغی در کرج رفتند، به باغی‌که یکی از دوستان‌داشت و مال‌همین کارها بود. بخاطر آورد که هر بار پس‌از فروکش کردن اوج شهوت پشیمان شده وهمان

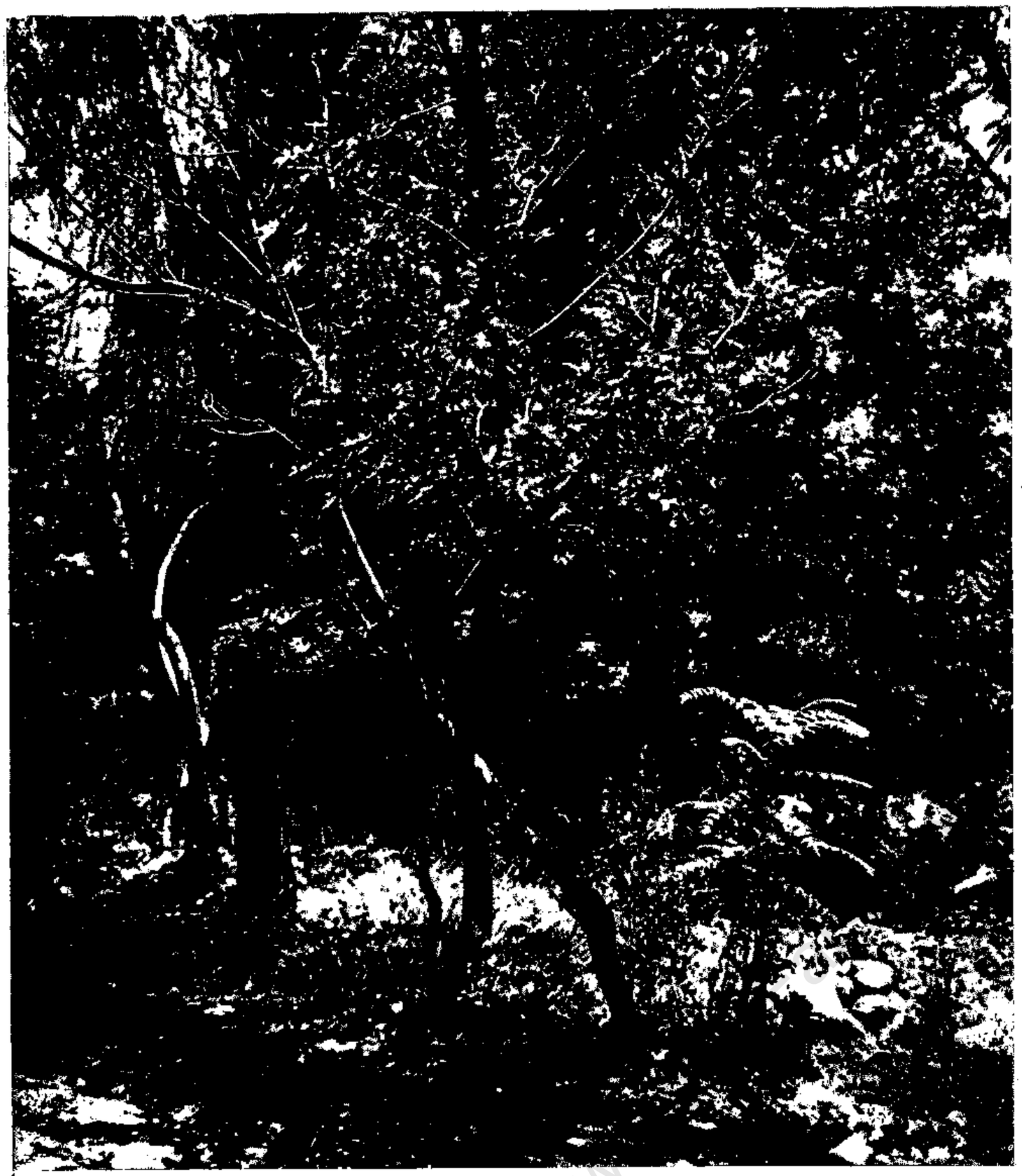

لحظه قسم خورده بود که دیگر با زنی جززن خودش به بستر نرود و باز قسمش راشکسته بود. آیا قسم شکستن گناه بزرگتری بود یا با زنانی آنچنان شبی را گذراندن؟ وآیا کیفر همهٔ اینها میبایست دردی مرگ‌آور باشد؟ بخود گفت: "و این درست که این کار جزو گناهان کبیره است ولی خیلی از آشناها اینکارها رو کردن وحالا دارن‌سالم راه میرن. منکه کارخیلی بدی نکرده‌ام، آن زن خودش میخواست، شغلش بود، تازه هیچوقت‌هم با آنها بد رفتاری نکردم، پولشونو نخوردم، کتکشان نزدم، وسط‌بیابون ولشان نکردم."

بخاطر آوردکه به زنش دروغ گفته‌است، بعضی وقتها در مورد عرق خوری و عیاشی. در اداره هم دروغ گفته بود، کم وبیش، تا آنجا که لازم بود. دروغهای مصلحت آمیز یا حتی بی‌مصلحت. خب، دروغ هم از گناهان بزرگست ولی او بخود گفت که با آن دروغها بکسی صدمه نزده است وآدم حتی اگر کار بدی بکند که بکسی زیانی نرساند، هنوز به آخرین حد بدی نرسیده است.

سرش را از روی نرده بلند کرد. حالا دیگر مدتی بود که گریه نمیکرد. حملهٔ‌گریه تمام شده بود، حالا پلکهایش می‌سوخت با وجود اینکه دیگر از نور روز هیچ باقی‌نمانده بود. چشمهایش را بهم فشرد.

از خودش لجش گرفت بخود گفت: "اززیادی درد خرف شدی مرد؟ اینها بهم چه ربطی دارند؟ گناه چه ربطی‌داره‌به درد؟"

سرش را به پشتی‌صندلی تکیه داد. نفس بلندی کشید، بوی گند کوچه که بابوی بلال آمیخته‌شده بود رفت توی ریه هایش. باخود حساب کرد: "چقدر طول میکشد تا

این درد بیاد بالا و بزنه به ریه هام و دیگه نتونم نفس بکشم ؟ چقدر طول میکشد ؟ دو ماه ، سه ماه ، شش ماه ، "ودلش بلال‌خواست، حس کرد جوان شده است و تـوی" ازگـل" است .

آنوقتهاکه شاگرد مدرسه بوددر "ازگل" باغی‌اجاره کرده بودند ، عصرها ازباغ بیرون میامد و تـوی جالیـزهابراه میفتـاد .بعضی وقتها تا سر دهاتیها را دور می‌دیدبا چاقوی جیبی‌اش دزدکی خربزه‌ای میچید و با همان چاقوهیبرید و باولع میخورد . بعد از دستها و دور لبها و چانه‌اش که نوچ وچسبناک میشد بدش میامد ،فوری خودش را به آب میرساند، سروروبی صفا میداد . بعد بـه دوغ فروشی میرفت . نزدیک‌آنجابچه‌هاذرت‌کباب میکردند و بوی آشنای بلال همه جا را پرمی‌کرد . این خاطره ها بـرایش آنقدر زنده شد که‌بـوهای آشنـای ده مشـامـش را پـر کـرد . بـوی پهن تازه ، بوی دود بلال روی آتش ، بوی علف خشکه‌های آتش زده وبعدمزهٔ دوغ‌اراج واحساس چسبناکی خربزهٔ دزدی‌سرجالیز .

برای چند لحظه خود را در آنروزهـا احساس کرد ،جوان و سبک‌شد ، بیرون از آن قفس و آزاد از آن درد .

آنروزها ،بعدها همیشه بـه جستجوی آن روزها رفته بود ولی نتوانسته بود آنهارا دوباره پیداکند . اگر هم خواسته بود آنهـا رابرای‌خودش‌تجدیدکندنتوانسته‌بود . کارش تقلیدی شده بود چون نه خودش دیگر همان آدم بود ، نه ازگل و اراج همان ازگل و اراج قدیمی بودند ونه روزهاهمان روزها . باخود فکرکرد : " ییلاق هم ییلاقهای قدیمی . . . " و دوباره گریه‌اش گرفت . آسمان آبی سیربود و ماه در گوشه‌ای چسبیده بود .

دردش که مدت کوتاهی فروکش کـرده بود چنگی به درونش انداخت و بخاطرآورد چند هفته پیش هم شکم خـودش را در آن بیمارستان‌کثیف شلوغ پاره کرده وبعددوخته بودند . بعد گولش زده بودند ولی جراح او که آدمی احساساتی بنظر میرسید ، آنقدربـد گولش زده بود که او درست خلاف گفته هـاو وعده های او راحدس زده بودو دلش خواسته بود یکجفت کشیده‌بصورتش بزندوتنها دلیل کشیده نزدنش این‌بودکه رمق‌اینکار رادر خود نمیافت .

سنش زیاد نبود ،شصت سال داشت‌واگر بیماریش اینکـه هست نبود میتوانست حتی بیست سال دیگرهم سرپا بـاشد . بـی‌اراده فریاد زد :

ــ چرا من ؟

و بازبیادگناه بزرگ وگناه کوچک افتاد .روزها را شکاف و آنروز را بخاطر آورد که "حسین" را از ده برایشان آورده بودند . او فارسـی‌را کم بلد بود وترکی که زبان مادریش بود نیز بالهجه‌ای حرف‌میزد که هیچکس نمی‌فهمید . در چهرهٔ آفتاب خورده‌اش چشمهای‌درشتش مشخص بود . او که برای اولین بـار در طـی زندگیش صاحب نـوکر شده بود بدون اینکه خود بخواهد این چشمهارا به چشمهای الاغ شبیه میکرد ، همانطور درشت و بیحالت‌و باز بدون اینکه خود بخواهد از "حسین" تـوقع داشت که مانند یک الاغ فرمانبرداراباشد .

پسر جوان هنوز به سربازی نرفتـه‌بود و به فوت‌وفن هیچ چیز وارد وحتی آشنا نیز نبود . شلوار سیـاه گشاددهـاتی و پیـراهن کرباس راستهٔ چاکدار بتن داشت . اصـالت روستایی از سراپایش میبارید ولی او از ایـن اصالت چیزی نمی‌فهمید و برعکس از قیافـهٔ او با آن چشمهای درشت و مژه های پرپشت، هیکل سنگین او توی‌لباس دهـاتی ، پـاهای پهن‌وکثیف او که هر وقت از گیوه بیرون‌میامد همه را ناراحت میکرد ، انگشتهای گره دار او که در گرفتن و نگهداشتن همه چیز بینهایت ناشی بود و سرانجام رهایشان میکـرد ، از سراپای‌او متنفربود و روزی ده بارباومیگفت :

ــ تـو اشکـی ، می‌فهمـی ؟ اشکـی . چشمهاتم‌شبیه چشمهای اشک درشته .لیاقت تو فقط‌اینه که توی کثافت بلولی نه اینکـه توی خونه کارکنی . از وقتی که اومدی هرچی استکان نعلبکی داشتیم شیکستی .

و بعد باز گفت :

ــ اصلا" بجای اینکه توی خونه کارکنی‌بایـد برگردی سرجای اولت .

" حسین" همهٔ حرفها اورا نمی‌فهمید ولی‌از قیافهٔ‌او و شیوهٔ‌سخن گفتنش‌می‌فهمید که دوستش ندارد وچشمهای الاغیش‌غمگیـن میشد . نمی‌فهمیدبچه سبب مورد تنفر اوست لابد بزبان خودش با خود فکرمیکرد : " منکه اینهمهٔ جان میکنم . . . " و حالا که باعتقاد خودش اینهمه جان می‌کند سببی‌نداشت کـه آقا اذیتش کند و باو بگویـد که اشک است . ولی او در فکر سادهٔ روستاییش به تجزیـه‌و تحلیل خو نگرفته بود . برایش همه‌چیز ساده وحل شده بـود و نتیجهٔ همهٔ فکرهایش‌این بودکه : " عیبی ندارد ، خب دیگـه بـدش می‌آید ،چه‌می‌شودکرد . . . . " وهمانطوردست و پاچلفتی به کارش ادامه میداد تا یکروز . . . آنروز جمعه بوداز صبح که از خواب بلندشده بودند آقـا به پروپای او پیچیده بود ، بـاو فحش داده بود ، آنهم فحش‌های ناموسـی و سرکـوفت زده بـود . " حسیـن " در درون یکپارچه آتش بود و با وجود این از چشمهای الاغیش نمی‌شد چیزی از این بابت‌دریافت . آقا که همهٔ کمبودهای زندگیش را با خریدن گلدان و گلدانهای نارنج ، یاس رازقی ، گل کاغذی و هر آشغال دیگر که بدستش میـامد جبران میکرد ، ببهانهٔ اینکه هوا بزودی‌سرد می‌شود ،با اینکه هنوز مهرماه نشده بود ، او را وادار کرده بود که همهٔ گلدانهای بزرگ‌و کوچک را از حیاط به گلخانه که در گوشـه‌ای از پشت‌بام ساخته بودند ببرد و پس‌ازاینکه " حسین " ساعتهاعرقریزان بدینکار ادامـه داده بود ، آقا تازه بخاطرآورده بـود کـه هنوزهوا گرمست و ممکنست گلدانهادر هوای

سربسته خراب شود و دوباره او را وادارکرده بود آنچه را که به گلخانه برده‌است‌به حیاط برگرداند ، زمین زیر گلدانها را جارو کند و بشوید وبعد گلدانها رابترتیب قد دوباره بچیند وحالا " حسین " دلش میخواست یقه‌اش را پاره کند یا مثل همان " اشک "که همیشه بآن نسبتش میدادند جفتک بپراند . با وجود این مرد جوان دندان روی جگر گذاشت و کار را بآخر رساندولی هنوز جارو را ازدست نینداخته بود که از زغال فروشی برایشان دو گونی ده منی زغال و خاک آوردند . خانم همیشه این سفارش بخصوص را میداد . آقا در را بروی آورندهٔ زغال

بازکرد و بااینکه خود او که زغالهارادرچرخ ــ دستی آورده بود حاضر بود آنها را بکول بگیرد و به زغالدانی‌ته حیاط ببرد ،آقابرای اینکه باو انعام ندهد و یا برای اینکه‌با " حسین " لج کند ، آنهمه خستگی اورادر بیگاری برای جابجا کردن گلدانها نادیده گرفت وباو گفت که گونی‌ها را روی کولش بگذارد و به زغالدان ببردو برابرشاگرد زغالفروش این جمله نیز به فرمانش اضافه کرد :

ــ اشک ،درو و دیوارها راسیاه‌نکنی .

برای " حسین " فقط یک قطره لازم بود تا پیمانهٔ شکیبا بیش‌تمام شود وآقا بدون احتیاط‌آن یک قطره را نیز در پیمانه ریخت.

" حسین " گونی‌زغال را که روی‌کولش گذاشته بود ، در یک چشم برهم زدن پایین انداخت ، قد راست کرد و درحالیکه‌برابر چشمهایش پرده سیاهی میدید فریادزد ،

ــ منکه "حامبال" نیستم‌خودت‌زغالتو ببر !

آقا که هیچ توقع این بازتاب رانداشت چون نمیخواست قبول کندکه تند رفته است با چشمهای از حدقه بیرون آمده چند لحظه بهت زده باقی ماند و بعد فریادزد :

ــ پسرهٔ بی‌همه چیز ، مگه من حمالم‌که زغال روی‌کولم بذارم ؟ زود باش‌گونی رو بلند کن .

" حسین " باز فریادزد :

ــ خودت بلندکن ، به من‌هم دیگربدوبیراه نگو وگرنه هرچی‌دیدی از چشم خودت دیدی .

چهرهٔآفتاب‌سوخته‌اش سفید شده‌بود وآقااز نگاه کردن به چشمهایش میترسید .در همان حال تعجب میکرد ازاینکه او در آن‌مدت‌کم اینقدر خوب فارسی یاد گرفته بود .

خانم که فریادها را شنیده و ازتوی آشپزخانه بیرون دویده بوددوبامبی‌زدتوی سرش و گفت :

ــ خدامرگم‌بده . آقا جلوش نرو ، مثل اینکه‌دیوونه شده ، بخار شهوت‌زده بسرش!

آقا حتی برای یک لحظه فکر نکرده‌بود که ممکنست‌رفتارخودش سبب چنین انفجاری شده باشد . اینراهم دوست‌داشت‌فراموش‌کند که وقتی به‌سن " حسین " بود بخار شهوت، خودش را نیز کلافه میکرد . مثل اینکه برای اولین بار در عمرش‌کلمهٔ بخار شهوت ، شنیده است باتنفر چهره درهم کشیدوگفت :

ــ مرده شور اینها را ببرد که همه‌اش بفکر درد پایین تنه‌ان!

ولی نگاه دیگری به حالت مصمم قیافهٔ " حسین " و چشمهای خون گرفتهٔ او باز بوحشتش انداخت چون دریافت چیزیکه اورا بآنحال انداخته است اصلا" شهوت نیست .

ولی بروی خود نیاورد و باز فریادزد :

ــ پدرسوخته ، یاگونی رو بلندکن وببر توی زغالدون‌یا همین آلان گورتوگم کن‌وبرو.

"حسین "گفت :

حسابمو بکن ، پولمو بده تا برم .

خانم باترس‌گفت :

ــ خیلی خوب ، بیاحسابتو بکنم .

ولی آقا بسوی"حسین" رفت ،با اینکه از او میترسید ، دست گذاشت وسط سینهٔ او و بشدت هولش‌دادو فریادزد :

ــ آره ارواح بابات . حساب ؟ کدوم حساب ؟ چندبرابر حقوقت زدی ظرفهای‌مارو

شیکستی . تازه از خونهٔ ما پولم بلند کردی. اصلا" چی میگی؟ از جیب خودم چند تاصد تومنی بلند کردی .

این داستان صد تومنی‌را فی‌البداهه‌از خود ساخت . اما "حسین " درست‌نفهمید و فقط گفت :

ـ حساب . . .

اما نتوانست حرفش را تمام کند . آقا که خود رابطور مصنوعی خشمگین جلوه میدادو شاید از اینکه برای اولین باردر عمرش زورش بطور کامل بکسی میرسید ناخواسته لذت میبرد ، یک تودهنی باو زد و گوشهٔ ناخنش هم به گوشهٔ لب او گرفت و کمی خون‌ازلب اوبیرون رد . آقا آنقدر از دیدن خون ناراحت‌شدکه او را باهل دادن از در بیرون کرد تاخون را روی لب او نبیند . این‌راه حل دوستانه بی نبود ولی هرچه بود یک راه حل بودبرای ندیدن خونی که خود موجب ریختنش شده بود .

"حسین "ناامید مدتی‌بامشت ولگدبدر کوبیدو سرانجام کسی‌هم که‌محکوم شد خوداو بود که بامشت و لگد در خانهٔ مردم رازخمی کرده وتهدیدشان نیز کرده بود .

عجیب این بود که همسایه ها در بین کلمه های ترکی‌که او مثل باران ازدهان‌بیرون میریخت فقط کلمه‌های تهدیدآمیز را شنیده بودند تا در صورتمجلس کلانتری نوشته شود و کسی جملهٔ " حسابمو بکن وپولمو بده" را درست نشنیده بود !

مرد میانه سال سرش را ازپشتی‌صندلی برداشت‌وروی‌لبهٔ‌نرده‌هاگذاشت‌وبا خود فکر کرد : " کاش‌آدم میتونس بمیل‌خودش مغزشو شستشو بده ،خاطره‌های بد را فراموش کندو خوبهارونگهداره . اصلا" چرابیاد این پسره افتادم ؟" آیا این گناه بود ؟" و بخود گفت: " آری ، این گناه بود . نمیدونم چرا اونروز اونجوری شده بودم . اما بعدها سعی کردم پیدایش کنم و بهش پول بدم . میخواستم تلافی‌کنم . آیا این گناه من بود که پیدایش نکردم ، یعنی ، یعنی . . . "

پلکهایش را بهم فشرد .او بعدها توانسته بود" حسین " راپیدا کند ، یعنی ردش را پیدا کند . رد او را در میدان امین سلطان یافته بود و برای این رد پیدا کردن زیاد هم زحمت کشیده بود . اول ازپاسبانی که " حسین" را جلب کرده بود دربارهٔاو پرسیده بود ، بعد از افسر کلانتری که صورتمجلس کرده و پرونده را به دادسرا فرستاده بود ، بعد از باز پرس و قاضی که حکم زندان قابل خرید داده بودندوبعد از پاسبانی که " حسین" را به زندان برده بود چون نه‌پول داشت که خودش حبسش رابخرد و نه کسی‌را داشت که اوحبسش رابخرد ، بعد از پاسبان‌های کشیک زندان و دیگرزندانیان، از همه وهمه پرسیده بود ،تا آنجا که توانسته بود ، تاآنجا که اعتنایش‌گذاشته و پاسخش‌را داده بودند . چند هفته‌ای از چند ماه بعد از آنروز را ، روی اینکار گذاشته بود . شاید بدین سبب که سرگرمی بهتری نداشت یاپای منبر آقا بیاد گناهانش افتاده واز جهنم ترسیده بود .

سرانجام‌رد او رایافته بود ، در میدان امین‌السلطان . روزی که به میدان‌میرفت بخودمیگفت : "هم همهٔ اون بدی رو که باو کردم ازدلش بیرون میارم و با دادن پول از اون حلال بابی می‌طلبم و هم یه بارمیوه میخرم خانوم خوشحال میشه . "

اما او در آنروزدل ودماغ میوه خریدن پیدا نکردچون پس از اولین پرسش از یکی از بار بران میدان بهت زده برجای ماند . از او پرسید :

ـ عموجون ، شمایه مرد جوون به اسم " حسین " می‌شناسی ؟ اون ترکه ، گفتن که اومده توی میدون باربری میکند .

نخواست بگوید حمالی ، بخاطراینکه باربر از کلمهٔ حمال بدش نیاید . اما هنوز از این ظرافت خود کاملا" لذت نبرده بود که باربر باخونسردی گفت :

ـآره خدا بیامرزاینجا حمالی میکرد، ولی یه روز زیر بار زه زد و کمرش شیکس.

آقا فریادزد :

چی شد ؟

ـ کمرش زیر بارطاقت نیاورد و شیکس. و چون قیافهٔ بهت‌زدهٔ او رادید در دنبالهٔ سخنش بازگفت :ـ خیلی از حمال‌هااینجوری زیر بار زه میزنن ، خیلی‌ها هم سکته میکنن اتفاقا" این خدابیامرزهمین گوشه که الان روش و ایسادین مرد !

مرد از جای پرید ، مثل اینکه کف پاهاش از تماس تخت کفشهاش با آن زمین سوخت . اما حرف او را باور نکرد . از باربر دومی و سومی ، از بار فروشها، ترازودارها ،آب‌یخی‌ها ،گاریچی‌ها ،دهاتیها، ازهمه و همه پرسید .بعضی‌چیزی‌نمیدانستند، برخی خوب بخاطر داشتند . میگفتند :

ـ آها ، "حسین" چشم‌گاوی رامیگین؟ خدا بیامرزدش. ظاهرش اس و قس دار بود ولی زیر بار زه زدو کمرش شیکس ، حتی به مریضخونه نرسید .

مرد باحالی به خانه رسید که همسرش را بوحشت‌انداخت .فقط یک‌پرسش شکنجه‌اش میداد : " آیامن او را کشته‌ام ؟"و بعد مجسم کردن زندگی آن جوان آگر نمیمرد کابوس نیمه شبهاش شد ،

اگراو زنده میماند . بارهاخواست بخود بقبولاند که او اگر هم زنده میماند همان‌که بود باقی میماند ، باربر میدان . اگر هم زیر بار سکته نمیکرد . اگر هم کمرش نمی‌شکست ، بعد از چند سال خمیده میشد . او بدون شک هیچی نمیشد ، همانطور باربر باقی میماند . چه امکانی در دسترس داشت که چیزی بشود ؟آیا اززندگیش لذت میبرد؟ ازدوازده ساعت کار سخت و بعد دو تاچای جوشیده و دود کردن سیگارتوی قهوه خانه یا خوردن‌آبگوشت دیزی که از طاق قهوه خانه تویش عنکبوت افتاده بود لذت میبرد ؟ تا چه حد لذت‌میبرد ؟ شاید هم زن میگرفت . زنی به بدبختی خودش ، زنی که بخواهدزن یکباربربشود . شایدهم زنک خوشگل میبود ، شاید هم از قیافهٔ او خوشش میامد . اما اوکه آموزش جنسی نداشت و عمل جنسی را مثل الاغ و سگ و گربه ازطبیعت فراگرفته بود .آیا او از زن کثیف لذت می‌برد و زن‌او

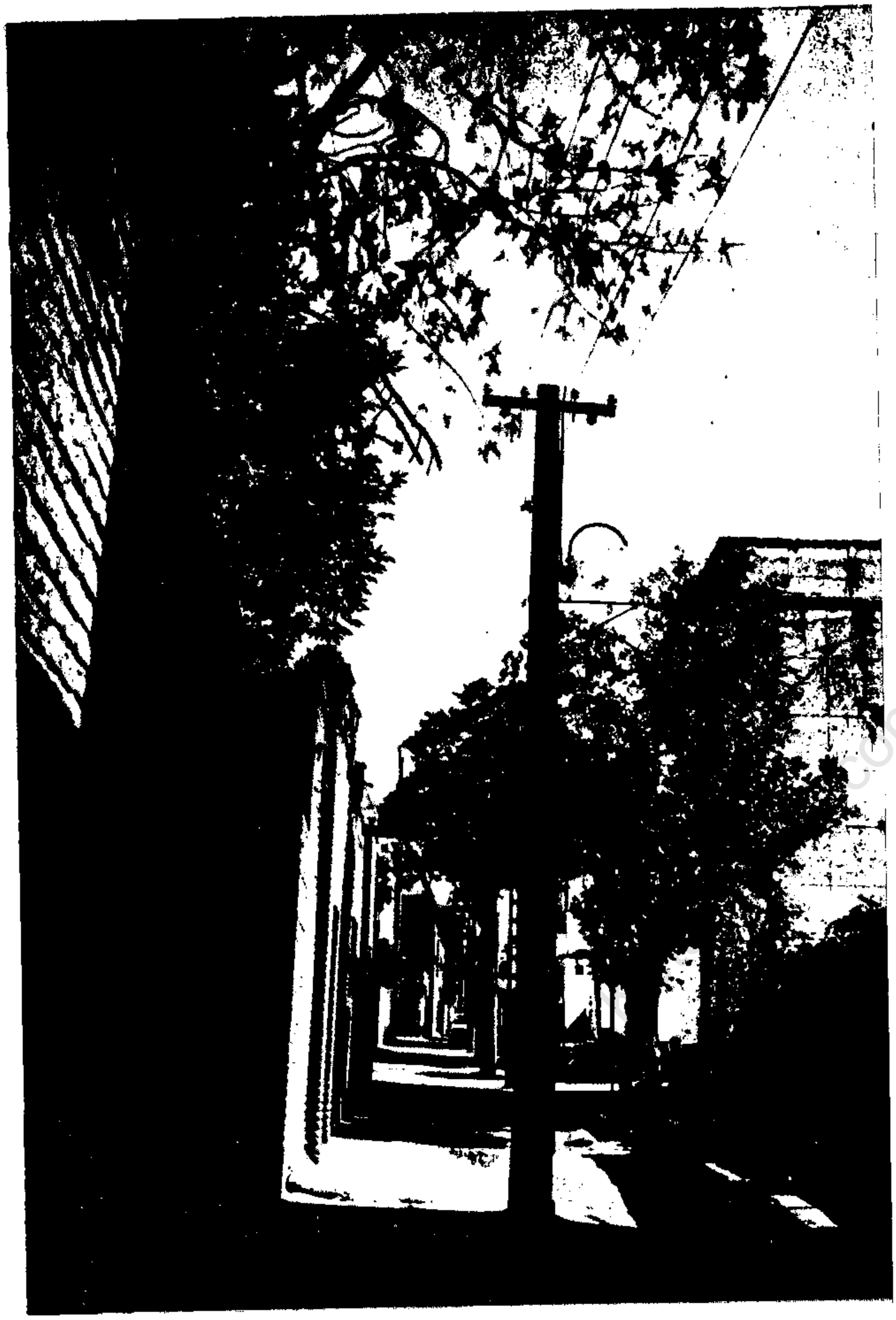

مثل بسیاری از زنان دیگر فقط یک وظیفه‌را انجام میدادو بعدفقط بارآبستنی به رحمش فشار میاورد؟ بعد هم بچه دار میشدند وتا بچه ها براه میفتادند آنانراتوی کوچه هارها میکردند. بچه ها از کثافت و مرض میمردند یالات و بیسواد و بچه مزلف بار میامدند و پدر ومادرشان را سر پیری آزار میدادند.

مرد، زندگی‌آیندهٔ "حسین" راچنین فلاکت بار نزد خود مجسم میکردتا از عذاب وجدانش بکاهد. اما برای او چندین سال طول کشید تا بتواند "حسین" و مرگش‌را فراموش کند، آنهم نه یکسره. بعضی وقتها یاد "حسین" به درونش خنجرمیزد، درست مثل دردکه هم اکنون به درونش خنجرمیزد. چقدراحمقانه بودکه قبلا" آنهمه‌بدنبال‌گناه گشته بود. گناه بااوبود، توی وجودش بود، توی زندگیش دفن بود و او باز بدنبال‌آن میگشت. حالا تنها کاریکه کرده سر آن قبر وحشت‌انگیز را گشوده بود و گذاشته بود آن مرده ازقبربیرون بیاید. از ترس بخودلرزید و فکرکرد:

"خب" این خیلی ساده است. من‌اورا کشتم و حالا خدا هم دارد مرا میکشد. درد چندلحظهٔ‌کمرشکستهٔ‌او را من دارم میکشم، چندماهه که میکشم و چند ماه دیگه هم باز میکشم. خدا اگرمنو دوست داشته باشد..." فکرش را ادامه نداد و از خود پرسید: "اما خدا چرا منو دوست داشته باشد؟" بغضی گلویش رافشردولی‌حوصلهٔ‌گریه کردن‌نداشت، حوصلهٔ دل سوزاندن بخود راهم نداشت. از جابلند شد، باندازه‌ایکه پهنهٔ قفس مانند ایوان اجازه میدادراه رفت، دوباره نشست. باز با خود فکر کرد: "چرا خدامنو دوست داشته باشه؟ از کی تا حالا خدایک قاتل‌را دوست داره؟ این درست‌که آن "اشک" اگر هم زنده میماند هیچ چیزی نمیشد ولی من‌با غرور وخشم بیجا و احمقانه باعث شدم‌که یک جوون بمیره..."

لبخندی تلخ برلب آورد و بخودگفت: "بفرماآقا "بدنبال‌گناه بزرگ‌می‌گشتی، حالا که گناهتو از قبر فراموشی کشیدی بیرون چی گیرت اومد؟ اصلا" این درد تو چه ربطی داره به "حسین" اشک؟"

ناگهان همه چیز برایش جنبه بی مسخره آمیز پید کرد، اما درد تمام شکمش‌را فرا گرفت، پشتش، کمرش، زیرقفسهٔ سینه‌اش، زیرنافش، دستهایش راروی شکمش فشردو از روی صندلی بلندشد، دولابه سوی اتاق رفت، بسراغ کپسول های مسکن.

آسمان‌سورمه ای تیره بود. بدون‌یک ستاره، ولی‌خاک شهر در افق خط خاکستری رنگی‌پدید آورده بود که کوچکترین اثری از شادی در آن بچشم نمی‌خورد.

* * *

تقویم

از ٤شنبه (۱ مرداد ۲۳ ژوئیه ـ ۱۳ رجب)
تاسه‌شنبه (۷ مرداد ـ ۲۹ ژوئیه ـ ۱۹ رجب)

● ٤شنبه:

۱۳ رجب ۲۲ قبل‌از هجرت ـ حضرت علی علیه السلام امام اول شیعیان جهان در کعبه متولد شد.

۱۳ رجب ۶۵۱ هجری ـ امیرخسرو دهلوی، شاعر معروف قرون هفتم وهشتم هجری در دهلی متولدشد.

۲۳ ژوییه ۷۵۹ میلادی ـ جنگ "براندنبورگ" میان روس و پروس باپیروزی پروس تمام شد.

● ۵شنبه:

۲ مرداد ۲۷۷ قبل از هجرت ـ جنگهای ۲۵ ساله ایران و روم در زمان شاپور دوم ساسانی تمام شد.

۲۴ ژوییه ۱۷۵۶ میلادی ـ "اتین دولاسه پد" طبیعیدان فرانسوی معروف به پدر طبیعی جدید متولدشد.

۲۴ ژوییه ۱۷۹۹ میلادی ـ نبرد تاریخی "ابوقیر" میان عثمانی و فرانسه بنفع فرانسویان تمام شد.

● آدینه:

۱۵ رجب ۶۰ هجری ـ اولین خلیفه بنی‌امیه، یعنی معاویه پسر ابوسفیان بدرود حیات گفت.

۲۵ ژوییه ۱۶۰۶ میلادی ـ رامبراند، استاد بزرگ نقاشی درشهر "لید" قدم بعرصه وجودگذاشت.

۲۵ ژوییه ۱۸۱۴ میلادی ـ اولین لکوموتیو بارکش جهان در میان ترس و وحشت عمومی آزمایش شد.

● شنبه:

۴ مرداد ۱۳۲۳ شمسی ـ اعلیحضرت رضاشاه کبیربنیان گذار سلسله پهلوی، بدرود حیات گفت.

۲۶ ژوییه ۱۸۴۷ میلادی ـ اولین کشور جمهوری مستقل آفریقا بنام "لیبریا" تأسیس شد.

۲۶ ژوییه ۱۸۷۲ میلادی ـ ایوانوویچ تیوچف ادیب‌وشاعر روسیه قرن ۱۹ وفات یافت.

● ۱شنبه:

۱۷ رجب ۶۲۲ هجری ـ شهر تبریز در جریان عملیات جنگی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه تصرف شد.

۵مرداد ۱۳۴۱ شمسی ـ پاکستان و افغانستان به میانجی گری شاهنشاه آریامهر باهم آشتی کردند.

۲۷ ژوییه ۱۸۴۱ میلادی ـ میخاییل یوری ویچ لرمانتوف شاعر و ادیب روسیه قرن ۱۹ وفات یافت.

● ۲شنبه:

۶ مرداد ۱۳۲۲ شمسی ـ قانون تعلیمات اجباری که‌قدم اول برای مبارزه با بیسوادی بود بتصویب رسید.

۲۸ ژوییه ۱۸۱۲ میلادی ـ اولین برخورد مسلحانه میان ناپلئون بناپارت و ارتش روسیه اتفاق افتاد.

۲۸ ژوییه ۱۸۹۷ میلادی ـ شورش عیسویان جزیره "کرت" علیه امپراتوری عثمانی آغاز شد و هدف استقلال بود.

● ۳شنبه:

۷ مرداد ۱۳۱۵شمسی ـ اولین عملیات ساختمانی برای احداث "امجدیه" اولین ورزشگاه ایران آغاز شد.

۱۹ رجب ۹۳۰ هجری ـ شاه اسماعیل اول سر سلسله صفویه نزدیک "سراب" بمرض "سل" مرد.

۲۹ ژوییه ۱۹۴۱ میلادی ـ جنگهای هندوچین باحمله ارتش امپراتوری ژاپن در جنگ دوم جهانی آغاز شد.

دانشگاهی و آموزشی

* براساس تصمیم اجلاس شورای مرکزی دانشگاهها، حقوق هیئتهای علمی دانشگاهها بر اساس تجربیات و امتیازات علمی آنان تعیین خواهدشد.

* برای تغذیه (۷) میلیون دانش‌آموز در سال تحصیلی آینده مبلغ (۱۴) میلیارد ریال اعتبار تأمین شد.

* برای تأمین نیروی انسانی ماهروتربیت کادر فنی متخصص در بنادر بازرگانی کشور (۷) کلاس آموزشی فنی دربنادر تشکیل‌گردید.

* در نظام آموزشی متوسطه جدید درس تاریخ نه تنها حذف نشد بلکه از دروس جغرافیا و تعلیمات اجتماعی جداومستقل شد.

* تصمیم گرفته شد که کلیه دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی از دانشجویان قبول‌شده برای سال‌اول دریک زمان ثبت نام کنند.

* برنامه های نظام جدید آموزشی عالی پرستاری و مامائی اعلام شد و از این پس، پرستاران عنوان لیسانس خواهندگرفت.

* برای آشناکردن مسؤولان آموزشی سازمانهای تعاونی روستائی کشور با مسائل اجتماعی و اقتصادی روستاها، کلاسی با همکاری وزارت اطلاعات و جهانگردی بمدت (۱۰) روز در وزارت تعاون و روستاها تشکیل‌شد.

* عده زیادی از دانشجویان ایرانی مقیم‌کشورهای خارج که برای گذرانیدن‌تعطیلات تابستانی‌بایران آمده بودند بنابه اعلام وزارت علوم و آموزشی عالی درمؤسسات دولتی و خصوصی‌مشغول کارشدند.

* اولین‌واحدآموزشی‌منطقه‌ای صندوق کارآموزی‌درشهرستان مشهد آغاز بکارکرد.

کنفرانس‌ها و سمینارها

* در کاخ نخست وزیری، کنفرانس استانداران و فرمانداران کل سراسر کشور باحضور آقای نخست وزیرتشکیل‌شد.

* روز اول مرداد آقای هویدا نخست‌وزیر با (۹۷) نفرازکارشناسان و متخصصان مسائل مملکتی انجمن کردودرآن انجمن پیرامون چگونگی همکاری آن گروه با حزب‌رستاخیز ملت ایران در مسائل بهداشت‌و آموزش وپرورش تبادل نظرکرد.

* سمینار تنظیم و بهداشت خانواده برای بررسی‌مسائل‌اجرائی و مالی طرحهای تنظیم خانواده در سازمان برنامه و بودجه تشکیل‌شد.

* کلیه کانونهای‌کارآموزی کشوراز سوی وزارت رفاه اجتماعی تحویل گرفته شد و برای‌مدیران آنهایک‌سمینار سه روزه تشکیل‌شد.

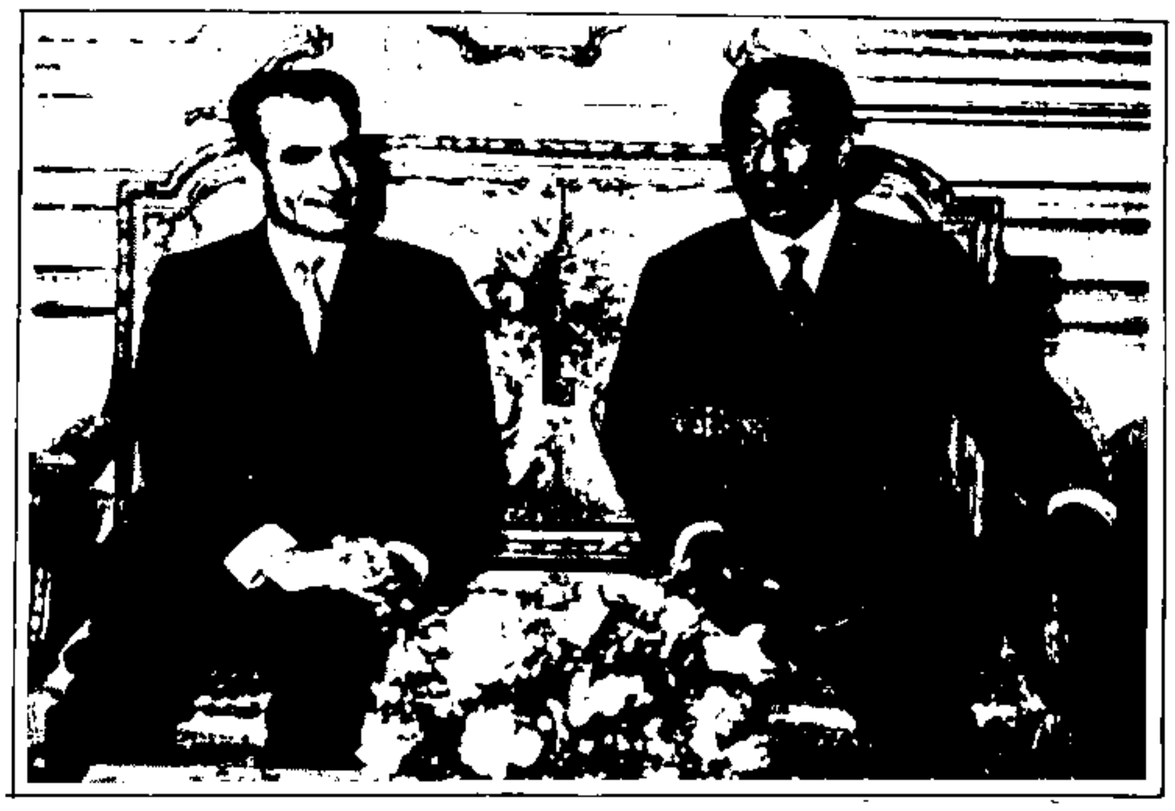

تشکر از شاهنشاه ایران

* در هفته دوم مردادماه، از سوی اعضاء و مجمع عمومی مصر تلگرام تشکری از محبت‌هاو کمک‌های شاهنشاه آریامهربه ملت مصر باین شرح مخابره شد (اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی، شاهنشاه ایران، بنام سومین مجمع‌عمومی ملی اتحادیه سوسیالیست عرب که در قاهره تشکیل شد، صمیمانه‌ترین‌و گرمترین‌تشکر قلبی‌خود را بخاطر کمک‌هائی که آن اعلیحضرت و ملت‌برادر ایران به مصرکرده اندبحضور شاهنشاه و ملت ایران تقدیم میدارد. اعضاء مجمع عمومی ملی مصر)

فوتبال

* بمنظور بزرگداشت‌روز تاریخی۹ مرداد (روزپیروزی‌نفت) یک دوره مسابقات فوتبال‌بین (۹) تیم شهرستانهابرگزارشد.

* تیم فوتبال اصفهان که برای انجام مسابقاتی به افغانستان رفته بود، بدون‌اینکه شکست بخورد باسه پیروزی و دو مساوی، در نتیجه کلی بمقام دومی رسید. مقام اول از آن تیم "پامیر" شوروی شد.

* ۴۱ دانش‌آموزفوتبالیست فرانسوی برای انجام چند مسابقه ودیدار ازشهرهای‌ایران‌حسب‌الامر علیاحضرت شهبانو، از روز اول مرداد ماه برای مدت (۲۰) روز بایران آمدند.

* پنج تیم‌فوتبال‌ازواحدهای شهربانی، نیروی هوائی، نیروی دریائی، نیروی‌زمینی و ژاندارمری دریک دوره مسابقه شرکت کردندتا برنده این مسابقات برای انجام دو مسابقه دوستانه به جمهوری خلق چین سفرکند.

تنیس

* تیم تنیس جوانان ایران در یوگسلاوی درجام "گالیا" با پیروزی بر تیمهای موناکو ودانمارک و یوگسلاوی اول شد.

بسکتبال

* در مسابقات قهرمانی آموزشگاههای ایران تیمهای تهران و مشهددربسکتبال دختران‌وپسران و تیم تبریز در فوتبال بمقام قهرمانی رسیدند.

پرورش اندام

* دریک‌مسابقه پرورش اندام بنام "جام‌طوس" یکی از شرکت کنندگان بنام "مهدی‌خانقاهی" آقای استان مرکزی شد.

کاروکارگری

* به کارگران زن و مردهنگام اولین ازدواج، معادل یکماه حقوق هرکدام، بعنوان کمک هزینه ازدواج

قانون جدیدگسترش کشاورزی

* همزمان‌با اجرای قانون گسترش کشاورزی، آقای منصور روحانی وزیرکشاورزی ومنابع طبیعی طی گفتگوئی ویژگیهای آن قانون وسیاست های اجرائی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، را در جهت فعالیت‌های رهبرائی کشاورزی و دامپروری تشریح کرد... مهمترین نکات این گفتگو عبارت بود از.

۱ ـ افزایش سطح زیر کشت واحدهای‌کشاورزی‌تا ۲۰هکتار.

۲ ـ ایجادکانالهای آبیاری و احداث جاده های ارتباطی برای افزایش تولید.

۳ ـ ماشینی کردن بهداشت محصول.

۴ ـ مبارزه با آفات‌نباتی دراراضی کشاورزی درسطح‌وسیع

۵ ـ تبدیل ۶۶ هزار روستای پراکنده‌کشور به ۳۰۰۰منطقه تولید بزرگ.

۶ ـ ایجاد ۳۰۰۰ شهرک در کنار مناطق تولیدی که هر کدام ۵ تا ۱۰ هزار نفر جای دهند.

۷ ـ هموارکردن زمینهای پست‌و بلند برای‌ایجادشبکه‌های آبیاری.

۸ ـ مهارکردن آبهای سطحی و زیر زمینی برای افزایش زمینهای زیر کشت.

۹ ـ ایجاد تأسیسات آبیاری با همکاری وزارت تعاون در مناطقی که سهام زراعی شرکت دارند.

۱۰ ـ جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرهاو جذب آنها در قطبهای صنعتی وتولیدی.

www.KetabFarsi.com

امیرعباس هویدا نخست وزیر علاوه بر تلاش های خستگی ناپذیر سیاسی وحزبی از مطالعه ، تحقیق و تتبع نیز غافل نیست ودر هر فرصتی که پیش آید به مطالعه و نویسندگی می پردازد .

راه عقل نوشتهٔ امیرعباس هویدا

اشاره

مطلب زیر تحت عنوان «راه عقل» می باشد که در روزنامه فیگارو : چاپ پاریس مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۵ به چاپ رسیده که ترجمه آن در روزنامه رستاخیز مورخ ۷ر۵ر۱۳۵۴ درج گردیده است . اینك متن آنرا به لحاظ اهمیت خاصی کهدارد برای اطلاع خوانندگان نقل میکنیم .

بیست سال است که پیشگویان عصر مدرن زمزمه سرداده و برای ما از «جهش» قریب الوقوع عصر حاضر داد سخن میدهند . اکنون زمزمه‌ها بالا گرفته است و بما میگویند که زمان جهش موعود فرا رسیده وما هم اینك شاهد پایان یك دوره وآغازدوران دیگری هستیم . ولی آنچه که موجب شگفتی است اینکه خوشبینی بیش از حد دهه ۵۰ که نوید بخش یك عصر علمی وفنی طلائی بود اینك جای خودرا به یك بدبینی شدید داده است که تحمل یك دوران فوق‌العاده دشوار مطابقت با شرایط ویا فاجعه پایان دنیارا هشدار میدهد .

ماحتی درمیان کشورهای پیشرفته کسانی را می‌بینیم که طرفدار « رشد مستمر» میباشند ولی ناگهان تغییرروبه داده و روشهای سختگیرانه‌را پیشنهاد میکنند . اینان بما میگویند مصلحت در اینست که در اسرع وقت از جامعه مصرفی که ما هر روز بیشتر درآن در می‌غلطیم خارج شویم . بی‌آنکه قصد داشته باشم مسائل و مشکلات کشور های صنعتی را حقیر وناچیز شمارم . لازم میدانم خاطرنشان سازم که رهائی از این جامعه مستلزم اینست که ابتدا درآن وارد شده باشیم . وانگهی مسلم و واضح است که دوسوم جامعه بشری کماکان باشرایط دشوار زندگی دست بگریبان است و یك سوم دیگر ازوفور وتنعم برخوردار میباشد و این خودشاید آئینه‌ای تمام نما از ویژگی بنیانی عصر معاصر باشد .

این خود گویای آنستکه نگرانی شدیدی که یکایك ما بیش از پیش احساس میکنیم همواره داده‌های معینی ندارد . یکسو باید بویژه به اسراف بیحد وحصر درمنابع محدوددنیا پایان داد و ازسوی دیگر باید برای توده‌هائی که باسوء تغذیه وکمبود مواد غذائی مواجه میباشند ، یك سطح زندگی شایسته تامین کرد وقرنهاعقب‌افتادگی را جبران نمود .

بدینسان ما با دو نوع مسئله ولی با اختلاف ها وتفاوتهای عمیق رودررو میباشیم. این یکی از تضادهای نادر عصر ما نیست و بهرحال ما نمیتوانیم این مسائل را بطور مجزا مد نظرقرار دهیم . در واقع باید گفت که دنیائی که تااین حد ازویژگی وابستگی متقابل برخوردار است این دونوع مسئله الزاما روی یکدیگر تاثیرمی‌نهند. وسائل نوین ارتباطی با شکستن ابعاد و پیمودن و در نوردیدن مرز های جهان ، آنچنان فاصله ها را ازمیان برداشته که ساده تر است این مسائل را بصورت مجموع در نظر گرفت‌وبرای آنها راه حلهائی با دید کلی‌و درسطح جهانی پیدا کرد .

بعلاوه ، پاره‌ای‌ازمسائل عصرحاضر تمام بشریت را در بر میگیرد ودرشمار این مسائل باید از حفظ منابع رو به زوال ، توسعه‌منابع‌قابل تجدید ،حفاظت محیط زیست وکنترل جمعیت‌و نظائرآن یاد کرد .

همچنین باید دانست که تاکنون مبادلات اقتصادی در تجارت بین‌المللی‌و اصول و قواعد حاکم بر مناسبات پولی بزیان کشور های در حال رشد بوده است و جای یاد آوری و تاکید است‌که کمك و یاری این‌کشور ها چه بصورت دو جانبه و یا چند جانبه تنها جزئی ناچیز از حوائج و نیازمندیها راتامین ساخته است .

بدینسان ارزیابی اوضاع دنیائی که در آن بسر می‌بریم، لزوم تجدیدنظر کامل در نظام اقتصاد بین‌المللی را در جهت تطبیق و سازش آن باشرایط جدید مبتنی واستوار برعدالت وانصاف و برابری بیشتر، جلوه‌گر میسازد .

★ ★ ★

همچنین درپرتو فروغ تازه‌ای که از افق ربع آخر قرن بیستم هماطلع میشود ، می‌بینیم که مفهوم « رشد » در کشورهای پیشرفته همانند کشور های در حال پیشرفت، رفته رفته تغییر مییابد .

اکنون ما میدانیم که رشد « به صورت منتزع وتنها» وجود خارجی ندارد وباید جامه تجرید و انتزاع را از پیکر پیشرفت بدر آورد و پیشرفت را بسطح ابعاد واقعی آن بازگرداند .

ما درایران از آغاز انقلابی که شاهنشاه آریامهر راه گشای‌آن‌بودند یعنی از سال ۱۹۶۳ ــ این موضوع را بخوبی درك کرده‌ایم . ما با الهام از سنن هزاران ساله خویش یك سلسله برنامه های جامع اصلاحی طرح ریزی کردیم که کلیه وجوه واشکال زندگی را دربر میگیرد وهدف ازآن مشارکت همه مردم چه در فعالیتهای گروهی و چه در استفاده از دستاوردهای‌ترقیات سریع جامعه ما است .

جهان سوم باخواسته های طبیعی خویش در جهت پیشرفت یك مبارزه جوئی تاریخی را عنوان میسازد ، واین زمان مبارزه طلبی دیگری‌که دامنه‌ای بمراتب وسیعتر دارد به آن افزوده میشود . برای نخستین بار در طول تاریخ، تمام ملتها با مشکلاتی مواجه میباشند که مفهوم آن سرانجام مترادف مرك وزندگی است . مسئله‌ای که‌امروزه دنیای ما باآن روبرو است، همانامسئله بقاء وپیشرفت جمیع ملتها است .

وابستگی متقابلی که امروزه برای نخستین بار باچنین روشنی و وضوحی نمایان شده حکم میکندکه یك همکاری صادقانه وکامل در جهت بنای دنیائی جدید برپایه عدالت و برابری انجام گیرد .

سالهائی که در پیش داریم شاید نه بخاطر تعدد وماهیت مشکلاتی که باید برای آن چاره اندیشی کرد ، بلکه بسبب اختلاف نظرهائی که پیرامون دستیابی به راه حل‌های متصور وجود دارد ، دشوار باشد ، زیرا ما نباید دستخوش توهمات واهی شویم و باید بدانیم که تغییر عادات اکتسابی کار آسانی نیست .

ما به نبوغ بشریت که پیوسته توانسته در مواقع بسیار دشوار بر موانع غلبه کند اعتماد راسخ داریم .

امروزه علم وتکنولوژی تواما خوب وبدرا بما ارزانی میدارد ومارا به درك «جهشی» رهنمون میشود که هنوزتحقق نیافته و به تدبیر وابتکار ما بستگی دارد . انسان ربع آخر قرن بیستم بر سر یك دوراهی قرارگرفته است **واگر راه عقل** یعنی راه **همکاریهای بین‌المللی** را برگزیند ، دراین صورت ما ناظر دگرگونی بنیادی عالم خویش بسوی عدالت و برابری بیشتر خواهیم بود ، درغیر اینصورت بشریت بسوی هرج ومرج وانهدام پیش خواهد رفت . ازاین رو لازم وضروری است که عدالت را دریك قالب همکاری واقعی و جهانی برگزینیم وبه ضرب المثل قدیمی که میگوید : **«اعجاز را انسانهای متفق انجام میدهند»** گوش فرا دهیم .

پس ، بیائیم برای‌غلبه بربی‌نظمی های عصر حاضر وتضمین دنیائی انسانی‌تر برای نسلهای آینده متحد شویم .

★ ★ ★

پاداش داده می‌شود .

* بمنظور صدور دفترچه‌های تازه بیمه ،بدستور سازمان بیمه‌های اجتماعی کلیه دفترچه‌های بیمه کارگری کشور باطل میشود .

* با همکاری (۴) وزارتخانهٔ ذینفع ، لایحهٔ بیمهٔ بیکاری کارگران بصورت فصلی ،طی یک ماده واحد تهیه خواهدشد .

* بمنظورتربیت کارگر ماهر و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در سطح روستاها (۲۶۰) جوان از استانهای ساحلی به هنرستانهای حرفه‌ای رفتند .

* هزینه اقامت بیمارانی که بانظر سازمان تأمین اجتماعی و سازمان تأمین خدمات درمانی ، از شهری‌به شهردیگرمیروندوبستری میشوندپرداخت میگردد .

* در زمینهٔ اجرای مقررات حفاظت فنی در کارگاهها از سوی وزارت کار و امور اجتماعی در هفته اول‌مردادماه ۳۰۰ کارگاه تعطیل‌شد.

اقتصاد

* غرفه ایران در نمایشگاه بین‌المللی اوکیناوا (درژاپن) با استقبال فراوان روبرو شد و"ملکهٔ غرفه‌ها "لقب گرفت .

* اسامی ۳۷ واحد تولیدی کشور که مشمول واگذاری سهام آنها به مردم شده بودند رسما "منتشر شد .

* میزان کل تولید قند وشکر درسال گذشته به ۶۶۰ هزارتن‌رسید و مصرف سرانه برای هر نفربه (۳۰) کیلوگرم بالغ شد .

* در سال گذشته (۲۹۱۷۶) دستگاه اتوموبیل ازخارج وارد‌ایران شدکه ۲۱۰۰۰ دستگاه آن (شخصی) بوده‌است .

■ ایران بانمایشگاهی بوسعت ۱۶۰۰ مترمربع‌از فرآورده‌های (۴۰) واحد صنعتی و تولیدی کشوردر نمایشگاه بین‌المللی‌بازرگانی دمشق (سوریه) شرکت کرد .

سیاست

* ۴۰۰ سرباز ایرانی برای نظارت در کارصلح اعراب‌واسرائیل به ارتفاعات جولان (مرز سوریه و اسرائیل) اعزام شدند .

* اولین‌جلسهٔ حزبی قضات وزارت دادگستری در محل حزب رستاخیز ملت ایران ، باحضور قائم مقام دبیرکل حزب تشکیل‌شد.

* درجلسهٔ روز ۳مردادآقای نخست‌وزیر و دبیرکل‌حزب‌رستاخیز با مسؤولان حزبی ، تشکیل کمیتهٔ ویژه‌ای بنام (بسیج رستاخیزمعنوی) توسط حزب اعلام شدو قرارشد که برای پیشبردانقلاب اداری ، گروههای حزبی با مشارکت همه مردم تشکیل شود .

* درهمان‌جلسه ،سیاست‌های تازه حزب باین ترتیب اعلام شد (کاربجای شعار ــ جایگزینی‌ضوابط بجای‌روابط ــ پرهیزازظواهرافراطی زندگی)

* بمناسبت سالگردجشن ملی جمهوری‌عربی مصر از سوی شاهنشاه آریامهربه‌انورسادات رئیس جمهوری آنکشور تبریک گفته شد .

تأسیس‌وافتتاح

* مقدمات‌افتتاح یک‌کارخانهٔ مقوا سازی با (۱۸۰۰) تن ظرفیت سالیانه درتبریز فراهم شدتاقسمتی از نیازمندیهای استان راتأمین‌کند.

رستوران یا گالری ؟

* در تهران و در میان تعداد انگشت شمارنمایشگاهها و گالری‌هائی که به کارعرضهٔ آثارمختلف نقاشی و دیگرآثار هنری مشغولند . یک (نمایشگاه ــ رستوران) وباسهنر گفته باشم (رستوران ــ نمایشگاه) هم‌وجوددارد که از جمله عجایب است درست‌مثل شترمرغ که نه شتر شتراست و نه مرغ مرغ ولی‌هم‌شتر است وهم‌مرغ !

دراین پدیدهٔ جدید هنری میتوان هردو کار را کرد . . . یعنی میتوان هم در یک محیط پررنگو نگار و درمیان تابلوهای مختلف که بدرو و دیوار آویخته شده‌اند ،نشست و شامی (هرچه که‌بود !) نوش‌جان‌کردوهم‌اگرپولی‌درجیب‌بود تابلویی‌پسندیدو خرید که فی‌الواقع انجام یکی از دو کار، بدون‌اجرای‌آن‌دیگری امکان پذیرنیست . این نمایشگاه مدرن دوکاره رستوران گالری لوترک‌درخیابان پهلوی تهران است که ساعت دیدار معینی‌نیز برای آثار موجود درآن ندارد . . . هروقت "پخت" و تهیه خوراکهای آشپزخانه رستوران تمام‌شدو" آشپزباشی" اجازه داد علاقمندان شام در میان تابلوهای نقاشی میتوانندبرنامه هنری راآغاز کنند !

سربازان ایران در جولان

* بر اساس خبری که یونایتدپرس مخابره کرده بود "کورت‌والدهایم" دبیرکل سازمان ملل متحد با تقاضای ایران برای اعزام سربازان ایرانی به ارتفاعات جولان (مرز اسرائیل وسوریه) موافقت کرده است در حالیکه بر اساس گفته های سخنگوی وزارت‌خارجه، تقاضای‌این‌مسئله از جانب خوددبیرکل سازمان ملل متحدبود تا از وجود سربازان‌ایرانی بجای سربازان کشور "پرو" در ارتفاعات جولان استفاده شود.

دولت شاهنشاهی ایران اقدام در این مورد را موکول به موافقت کشورهای عربی دانست‌وبا استقبال ممالک عربی از این مسئله، اعزام سربازان ایرانی (تعداد ۲۰۰ نفر) به ارتفاعات جولان مسلم گردید.

* ساختمان سه ترمینال‌بزرگ تعلیمات حرفه‌ای باپیشرفته ترین تجهیزات و وسایل آموزشی درشهر صنعتی البرز ایجاد شد.

علمی و فنی

* پروژه مکانیکی گچساران بمنظور ثابت نگهداشتن ظرفیت تولید بخاطر تقلیل فشار منبع نفت در آن منطقه پایان یافت.

* انبار کالاهای صادراتی فرودگاه مهرآباد بسبب افزایش‌حجم واردات کالا به انبارکالاهای وارداتی مبدل گردید.

سفر

* خانم "عیشه‌راتب" وزیرامور اجتماعی جمهوری عربی مصر برای انجام یک دیدار رسمی بایران‌آمد.

* پزشکان هندی شامل (متخصص، نرس، ماما، تکنیسین آزمایشگاهها وپزشک‌عمومی) برای خدمت وارد ایران شدند.

* اعلیحضرت ملک حسین پادشاه اردن و ملکه‌عالیا، روز اول مرداد واردتهران شدندورهبراردن در طول مدت اقامت خود در "نوشهر" بارهبرایران‌درموردمسائل موردعلاقهٔ دو کشورمذاکره وتبادل نظربعمل‌آورد.

* "هانس فریدریش" وزیر دارائی "آلمان فدرال" برای انجام مذاکرات اقتصادی مهمی‌واردتهران شد.

* آقای‌نخست‌وزیربرای‌دیدار ازتأسیسات جهانگردی احداث‌شده در گیلان، روز اول مرداد ماه‌بگیلان سفرکرد.

* گروهی از جوانان آمریکائی که بر اساس بورس تحصیلی‌کاخ‌سفید بایران آمده بودند با آقای دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل‌شرکت ملی نفت ایران ملاقات کردندو درباره نفت‌ایران‌اطلاعاتی بدست آورند.

* ارتشبد "وباند" فرمانده نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا برای یک دیداردوستانه باتفاق‌بانو وارد تهران شد.

* هیئت عراقی برای تهیهٔ عکسهای‌هوائی‌ازنقاط علامت‌گذاری شده مرز دو کشور وارد تهران شد و بکارخود خاتمه داد.

* جمعی از کارشناسان نفتی ممالک نفت خیز حوزهٔ خلیج‌فارس روز (۴) مردادبرای گفتگو درمورد افزایش بهای نفت وایجاد رابطه مستقیم میان قیمت نفت و قیمت کالاهای دیگر وارد تهران شدند.

قراردادها

* قرارداداحداث‌یک کارخانه تولید آجر با سرمایهٔ ۵۰۰ میلیون ریال بین بخشهای خصوصی ایران و انگلیس امضاء شد.

* قرارداد احداث وشن‌ریزی (۱۴) کیلومترراه‌روستائی‌بااعتباری بمبلغ (۱۱۵) میلیون ریال در آذربایجان غربی امضاء شد.

* قرارداد تولید سالیانه یک میلیون تراورس بتونی‌درکارخانه‌ای در منطقه کرج میان وزارت راه و ترابری با یک بخش خصوصی‌فرانسه امضاء شد.

جشنها و مراسم

* بمناسبت‌میلاد حضرت‌علی علیه‌السلام‌امام اول شیعیان‌مجلس جشن با شکوهی از سوی دربار شاهنشاهی برپا شد.

* طبق‌سنت‌هرساله، (۱۰) هزار نفرازامنهٔ سراسرکشورو ازامنهٔ ممالک دیگر، برای اجرای مراسمی، درمحل کلیسای "سورب طاوئوس" دردشت چالدران (آذربایجان شرقی) گرد هم آمدند. در این مراسم ۵۰۰ گوسفند نذری قربانی و دهها هزار شمع نذری روشن شد.

* بافتخار (۸۲) کاندیدای مجلس شورایملی و (۲۴) کاندیدای مجلس سنا که در انتخابات شکست خورده بودندازسوی آقای‌امیرعباس هویدا، ضیافتی به نهار در هتل اینترکنتیننتال ترتیب داده شد.

* نمایشگاه بزرگ ایران که از روز (۱۱) تیرماه در نیویورک‌با همکاری چند سازمان دولتی توسط وزارت اطلاعات و جهانگردی بمناسبت دردویستمین سال‌استقلال آمریکاتشکیل‌شده بود پایان یافت.

تئاتر

* داستانی کلاسیک، از "تورنتون‌وایلدر" که نمایشی ازگروه "مسکرز" بود در تالار انجمن ایران وآمریکا بنمایش گذارده شد.

نقاشی

* مجموعه‌ای ازآثار نقاشی هنرآموزان هنرستانها در مسابهٔ شاهنامه‌و فردوسی‌بمناسبت‌جشنواره توس در نمایشگاه تخت‌جمشید.

* مجموعه‌ای از اسلایدهای آثار نقاشی شاهنامه و آثار حماسی و مینیاتور بمناسبت جشنواره توس در گالری صبا.

* مجموعه‌ای‌ازآثارنقاشی‌های قهوه خانه‌ای با مایهٔ فردوسی وشاهنامه وآثار حماسی در نگارخانهٔ مهرشاه.

* مجموعه‌ای ازآثارلیتوگرافی از نقاشان‌معروف و بزرگ درنمایشگاه لیتو.

* مجموعه‌ای‌ازآثارلیتوگرافی از نقاشان جدید (ونسبه" معروف) اروپایی در نمایشگاه تهران گالری.

* مجموعه‌ای ازآثارنقاشی خانم گیتی ناوران (که نهمین نمایشگاه اوست) درگالری سیمون.

* مجموعه‌ای از آثار نقاشان معاصر (بدون شوره و عنوان‌معین و واحد!) در رستوران گالری‌تورک.

* مجموعه‌ای از آثاراسماعیل مرضائی (نقاش‌جنوبی) که آثارش بیشتر در تهران تهیه شده درتالار نقش.

اداری

* جزییات طرح خانه سازی وزارت مسکن (طرح ضربتی حزب رستاخیزملت ایران) موردبررسی قرارگرفت.

* با اجرای قانون گسترش جدید کشاورزی (۶۶) هزارروستای پراکنده کشور به (۳۰۰) منطقه تولید تبدیل میشوند.

* تأسیس یا توسعهٔ کارگاهها بدون اجازه وزارت کشور ممنوع شد تا از بروز حوادث‌ناگواردرکارگاهها جلوگیری شود.

* آماربزشکی قانونی‌اعلام داشت که (۶۰) درصدازمرگهای ماهیانهٔ مردم‌تهران براثرتصادفات رانندگی است.

* توسط وزارت بهداری تا پایان سال ۱۳۵۴ تعداد (۱۱) میلیون‌شناسنامه بهداشتی درسراسر کشورتوزیع خواهدشد.

* باحضورآقای امیرعباس هویدانخست‌وزیر و دبیرکل حزب رستاخیزملت‌ایران اصول طرح‌کاهش اجاره بهاتصویب شد.

* وزارت بازرگانی (۸) کمیتهٔ مبارزه باگرانفروشی رادر (۸) استان تعیین کردو اولین کمیته روز۸مرداد بخراسان رفت.

* اولین‌گروه مهندسان مشاور براساس موافقت سازمان برنامه‌و بودجه، در وزارت راه وترابری بوجود آمد.

* وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، برای تسریع در اجرای طرحهای جامع کشاورزی در سطح کشور، با هزینه‌ای به مبلغ ۴/۰۲۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بزرگترین دستگاه‌کامپیوتری‌جهان رابااستفاده از تسهیلات "ناسا" بخدمت‌خواهد گرفت.

* چگونگی‌تقسیم ۲۰۰ هزار واحدمسکونی‌دولتی‌که در (۳۰) ماه آینده ساخته میشود در کنفرانس استانداران و فرمانداران‌کل که‌در نخست‌وزیری تشکیل شد، مورد بررسی قرارگرفت و سهمیه هراستان و فرمانداری کل مشخص‌شد.

* وزارت خارجه برای اولین بار تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها را با حداقل مدرک "لیسانس" بعد از امتحانات لازم بعنوان کارآموز کنسولی استخدام میکند تا در (۹۴) کنسولخانه و نمایندگی بکارگمارد.

* برای‌اصلاح دامداری کشور، با اعتباری بمبلغ (۴۲) میلیارریال خرید دامهای "چندقلوزا" از خارج تصویب شد.

* براساس تصمیمات متخذه برای مبارزه با گرانفروشی درسراسر کشور، نرخ کالا در همهٔ تعاونیها یکسان می‌شود.

* دادگستری‌به وکالت ازسوی مستأجران، رسیدگی به شکایات افزایش اجاره‌بها را از هفته اول مرداد آغاز کرد.

* شرایط ارتقاء رتبه و گروه یکصدهزارکارمنددولت‌تغییرمی‌کندو شاغلان رسته خدماتی تاگروه (۶) ارتقاء می‌یابند.

* دراجرای او امر شاهنشاه، برای مبارزه با گرانفروشی، قضات

طرح خانه سازی دولت

* برای تأمین قسمتی از نیازمندیهای خانه ومسکن در سطح کشور، حزب رستاخیزملت ایران‌دست بکار ایجاد و اجرای طرحی ضربتی برای خانه‌سازی شدوبراساس برنامه‌ای که تهیه شده است این خانه‌ها بصورت پیش ساخته خواهدبود که در درجه اول منابع مالی وامکانات کشورهای صادر کنندهٔ خانه‌های پیش‌ساخته و همچنین امکانات سازندگان و فروشندگان و علاقمندان به شرکت در مناقصه بررسی‌میشود.

* سپس هر سازنده، درهرمرکز، یک واحد نمونه باید نصب کند و آنگاه برنده مناقصه اعلام‌میشود و بعد از اینکه سهمیهٔ هراستان مشخص شد عملیات احداث آغاز میشود.

* هرخریداربین ۱۰ تا ۳۰ درصد بهای خانه را میپردازد و بقیه را باقساط ۳ تا ۷ ساله بابهره‌جاری تسویه می‌کندیاهر خریدار بین ۳۰ تا ۵۰ درصدبهای خانه راابتداو بقیه رابعد از تحویل خانه میپردازد.

* متقاضیان خرید واحدهای مسکونی شامل ۴ گروه باین ترتیب خواهندبود:

۱ــ افرادی که برای استفاده خودشان قصدخرید خانه دارند.

۲ ــ افرادی که برای اجاره دادن یا فروش بعدی بدیگران میخواهند خانه بخرند

۳ ــ شرکت های تعاونی مسکن که برای اعضاء خود قصد ایجاد مسکن دارند.

۴ ــ سازمانهاو اداراتی که برای کارکنان خود خانه های‌سازمانی لازم دارند.

سالروز درگذشت سردار

* روز چهارم مرداد ماه گذشته، سالرور مرگ سردار بزرگ تاریخ ایران و سرسلسلهٔ پهلوی رضاشاه کبیربود. مردی که‌در تیره ترین ایام، برضد بیگانه و بیگانه دوستان، برضدفسادو نابسامانیها قیام کرده و پراکندگی های گونه گون ایران را به یگانگی مبدل ساخت وزمام امور کشور را از چنگ حکومت‌های ضعیف و ترسو و دورنگ و بیگانه خواه بیرون آورد و طرحی پی‌افکندکه براساس‌آن ایران نو بوجود آمد... جامعه‌دگرگونی یافت، تباهی نابودشد و بنیاد ارتش نو، فرهنگ‌نو، صنایع‌نو، بهداشت نو و سیاست نو نهاده شد... روانش شاد ویادش‌با افتخار.

www.KetabFarsi.com

۳۷ واحد تولیدی واگذار شده

* واحدهای تولیدی که سهام آنها در طول مردادماه گذشت بمردم از سوی مقامات مسؤول واگذار شد عبارت از:

اتوموبیل سازی خاور ـ ایران ناسیونال ـ شرکت نوردو لوله اهواز ـ پروفیل سهنا ـ شرکت صنعتی آسا ـ دوب شهریار ـ دوچرخه و موتور سیکلت ـ ارج ـ کمپرسورسازی ـ نفت پارس ـ سرمایه گذاری البرز ـ سیمان تهران ـ سیمان شمال ـ سیمان فارس ـ کاشی سعدی ـ سیمان صوفیان ـ شیشه قزوین ـ سیمان کرمان ـ صنایع بسته‌بندی ایران ـ شرکت الیاف ـ پارچه بافی شیراز ـ یزدباف ـ ریسندگی‌ری ـ ریسندگی کاشان ـ مخمل کاشان ـ پشم بافی جهان ـ شرکت ساسان ـ شرکت صنعتی پارس ـ قندکرمانشاه ـ روغن نباتی جهان ـ قندنیشابور ـ قندمشهد ـ روغن‌کشی پارس ـ نورد شهریار ـ شرکت سهامی توسعه.

یك شکایت جالب

* نامه‌ای است از میان صدها و هزارها نامه‌ای که در زمینه های مختلف توسط " صاحب‌دردان " به مطبوعات نوشته شده است . . . بدون تفسیر و توضیح بیشتر.

"تهمت شاهانه ، تحصیل رایگان شده است اما ، سوداگران آموزشی بروال گذشته فراموش کرده‌اند که هدف از تحصیل رایگان ، فراهم آوردن امکان تحصیل برای مردم است و تخلف از امریه ملوکانه مجازات سنگین دارد.

متأسفانه آموزشگاههای آزاد که در گذشته برای تمام مواد درسی برای مدت سه ماه حداکثر ۵۰۰ ریال شهریه دریافت میکردند ، امروز از هرداوطلب آزاد ، برای هرواحد درسی ۱۲۰۰ ریال مطالبه میکنند وبندهٔ مفلس ، همین چند روز پیش مبلغ ۹۶۰۰ ریال برای هشت واحد تجدیدی پرداخت کردم . آیا مسؤولان امور ، کنترلی برای این آموزشگاهها دارند . . . ؟ داوطلب

نقل از روزنامه اطلاعات

کشور جهت رسیدگی به تخلفات گرانفروشی بسیج شدند.

* آموزش افسران کادرقضائی ارتش برای محاکمه احتمالی گرانفروشان پس ازپایان مهلت مقرر در امریهٔ شاهنشاه آغازشد.

* درامر مبارزه با گرانفروشان تنی چند از سرمایه‌داران بزرگ و مسؤولان اداری باتهام گرانفروشی و اخلال درنظم عمومی بازداشت شدند که اولین آنها حبیب‌القانیان بود. باتهام این عده "کمیسیون "امنیت اجتماعی" رسیدگی میکند.

* باتوجه به آئین‌نامه اجرائی قانون تعدیل وتثبیت اجاره‌بها ، میزان کرایه خانه رادادگاهها تعیین خواهندکرد.

* دانشجویان اردوهای عمرانی ملی شهرستانها ، برای مبارزه با گرانفروشی درشهرستانهای استان مرکزی بسیج شدند.

* اولین سری ازفارغ‌التحصیلان امورگمرکی دانشکده علوم اداری ، در ادارات گمرک کشورمشغول کارشدند.

هیئت اقتصادی آلمان

* روز سه‌شنبه چهارم مردادماه یک هیئت دوازده نفری از کارشناسان بلندپایهٔ اقتصادی آلمان فدرال ، برای شرکت در کمیسیون مقدماتی ودومین اجلاس وزیران اقتصاد ودارائی ایران وجمهوری فدرال آلمان وارد تهران شد و مذاکرات مقدماتی هیئت های ایران و آلمان پیرامون زمینه های مختلف اقتصادی مخصوصا" نفت ، پتروشیمی ، صنایع گاز و آموزش عالی انجام گرفت و روز دوشنبه ۶ مرداد نیز دکتر "هانس فردریش وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان برای انجام مذاکراتی با آقای هویدانخست وزیرو آقای انصاری وزیر امور اقتصادی و دارائی بایران آمد".

شاهکار واترپولوی ایران

* طبق تصمیماتی که اولیای ورزش کشور گرفته بودند . قرارشد که دیگر تیمهائی که امکان موفقیتی برایشان وجود ندارد به سفرهای خارج اعزام نشوند و بعنوان "اشانتیون" دوتیم حاضروآماده شدهٔ "ریمناستیک و تنیس روی میز" راکه میبایست به (مصروتبحربه) مترقبندار سفر بازداشتند واین خود مایه امیدی بود که از حیف و میل شدن بودجه ورزش کشور بنفع نیازمندان واقعی آن یعنی جوانان جلوگیری خواهدشد.

اما تیم واترپولوی ایران که در بازیهای آسیائی بمقام اول و تمدال طلای آسیا دست یافته بود علیرغم همه اخطارهاو خواهشها و "تهی ازمنکر"هاکه به مسابقات شناو شیرجه و واترپولوی جهانی در شهر "کالی ـ کلمبیا ـ آمریکای جنوبی " اعزام نشود وآبروی واترپولوی ایران رانبرد ، به کالی رفت تا پنجه در پنجه تیمهای نیرومندی چون شوروی و آمریکاو رومانی ویوگسلاوی و کوبا بیندازد واین است کار نامهٔ درخشان تیمی که "ضعیف‌ترین تیم جهان" لقب گرفت.

بازی اسپانیاو ایران (۱۲ به ۲ ـ بنفع اسپانیا)

بازی شوروی وایران (۱۳ به ۲ ـ بنفع شوروی)

بازی آمریکاو ایران (۱۴ به ۱ ـ بنفع آمریکا)

بازی کاناداو ایران (۶ به ۴ ـ بنفع کانادا)

بازی یوگسلاوی و ایران (۱۳ به ۲ ـ بنفع یوگسلاوی)

بازی مکزیک وایران (۷ به ۳ ـ بنفع مکزیک)

بازی کلمبیا و ایران (۶ به ۵ ـ بنفع ایران)

و بعبارت بهتر ایران در مقابل ۱۹ گل که زده ۶۹ گل خورده و در میان ۱۶ تیم مقام پانزدهم یعنی ماقبل آخر را بدست آورده است وحالا همه مات و مبهوت مانده اند که فایدهٔ این شرکت در مسابقات چه بود و مسئله صرفه جوئی دربودجه ورزش از راه عدم اعزام تیمهای ضعیف به مسابقات خارج کشورچطور شد . . . ؟

www.iran-archive.com

تقویم

از ٤شنبه (۸مرداد ۳۰ ژوئیه ـ ۲۰ رجب)
تاسه‌شنبه (۱٤مرداد ـ ۵ اوت ـ ۲۶ رجب)

● ٤شنبه

۸ مرداد ۱۲۸۵ ـ میرزا نصراله خان مشیرالدوله نائینی اولین صدر اعظم مشروطیت زمام امور را بدست گرفت.

۲۰ رجب ۲۷۹ ـ المعتمد علی‌الله خلیفهٔ معروف سلسلهٔ عباسی علت ابتلا به بیماری دیفتری وفات یافت.

۳۰ ژوییه ۱۶۰۲ ـ نیروهای استعماری هلند بر مجمع الجزایر اندونزی مسلط شدند وآنرا مستعمرهٔ خود کردند.

● ۵شنبه

۲۱ رجب ۴۵۱ ـ جمال‌الدوله فرج زاد یکی از سلاطین سلسلهٔ غزنوی استعفا داد و برادرش ظهیرالدوله پادشاه شد.

۳۱ ژوییه ۱۷۹۰ ـ موریس پل‌مارتین نقاش مشهور سوییسی در نزدیکی شهر ژنو، قدم به عرصهٔ وجود گذاشت.

۳۱ ژوییه ۱۹۶۰ ـ برای اولین بار در تاریخ تسلط بشر بر فضا، موشک ریستون ـ ج هفتم متعلق بآمریکا در ماه فرود آمد.

● آدینه

۲۲ رجب ۹ هجری ـ جنگ تاریخی، معروف به غزوهٔ تبوک میان نیروهای اسلام و امپراتوری روم اتفاق افتاد.

۱۰ مرداد ۱۳۵۲ ـ مراسم تحویل و تحول پالایشگاه نفت وکلیه تأسیسات نفتی ایران، بطور رسمی انجام شد.

اول اوت ۱۹۶۰ ـ سرزمین داهومی از مستعمرات سابق فرانسه در مغرب قاره آفریقا به استقلال نائل شد.

● شنبه

۲۳ رجب ۳۳۸ ـ سلطنت "پناه خسرو ـ یا ـ فناخسرو" معروف به "امیر عضدالدولهٔ دیلمی" آغاز گردید.

۲ اوت ۱۸۳۱ ـ فریدریش هگل فیلسوف بزرگ و تئوریسین بزرگ آلمانی در ۶۱ سالگی وفات یافت.

۲ اوت ۱۸۷۰ ـ جنگهای تاریخی معروف به "ششماهه" با حملهٔ سپاهیان فرانسه علیه ارتش آلمان آغاز شد.

● ۱شنبه

۲۴ رجب ۳۳۹ ـ ابونصر محمد فارابی از حکما و فلاسفه و اطباء بزرگ ایران، در شهر دمشق بدورد حیات گفت.

۲۴ رجب ۷۵۶ ـ سلسلهٔ ایلخانیان مغول که درسال ۶۵۱ توسط هولاکوخان تأسیس شده بود بعد از ۱۲۵ سال منقرض شد.

۳ اوت ۱۹۱۴ ـ اولین کشتی ارکانال پاناما که کار احداث آن بتازگی تمام شده بود، با پیروزی عبور کرد.

● ۲شنبه

۲۵ رجب ۱۸۳ ـ حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام امام هفتم شیعیان جهان بعد از ۵۵ سال زندگی وفات یافت.

۲۵ رجب ۱۲۴ ـ اولین مأموریت سردار ایرانی "ابومسلم خراسانی" بنفع سلسلهٔ عباسیان و بضرر امویان آغاز شد.

۴ اوت ۱۸۷۵ ـ هانس کریستین آندرسن قصه گوی بزرگ و داستان سرای مشهور دانمارکی وفات یافت.

● ۳شنبه

۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ـ رژیم حکومتی ایران به پایمردی و فداکاری ایرانیان از صورت استبدادی به مشروطه مبدل شد.

۱۴ مرداد ۱۳۳۸ ـ قمرالملوک وزیری یکی از هنرمندان مسلم فرون معاصر ایران بعلت بیماری قلبی وفات یافت.

۵ اوت ۱۹۶۰ ـ کشور "ولتای علیا" که در شمار متصرفات فرانسه در مغرب آفریقا محسوب میشد استقلال پیدا کرد.

روزیکه شاه فرمان داد

در دهه اول مردادماه ۱۳۵۲، واقعه‌ای بس مهم و شگرف در تاریخ ایران روی داد که خیلی زود بصورت یک روز "سنتی" در ایام سال درآمد، اهمیتی چون سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۵ شهریور وقیام ملی ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ وبالاخره ۶ بهمن ۱۳۴۱ یافت. زیرا، آن روز، روز نهم مردادماه ۱۳۵۲، شاهنشاه آریامهر در اجرای سوگندی که روز ۲۶ شهریورماه ودر دومین روز سلطنت خود در مجلس شورایملی یاد کردند که (درهرحال از مدافع حقه ملت ایران دفاع‌کنند و تاپاس‌جان دراجرای این امر مقدس بکوشند) قانون جدید نفت را توشیح فرمودند.

باتوشیح قانون جدیدنفت، درحقیقت فصل جدیدی در تاریخ نفت ایران گشوده وسبب شدتاایران وایرانی، بطور کامل و مطلق، بدون هیچ قید وشرط، حاکم بلا منازع کلیهٔ منابع و تأسیسات نفتی خود گردید و دست شرکتهای نفتی از منابع ثروت ملی ما کوتاه شد...

بدنبال برقراری اصل ملی شدن صنایع نفت در ایران در ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ که برای‌اولین باربپایمردی‌شاهنشاه آریامهر دست ایرانی را برتر از دست بیگانه در امور مربوط به نفت قرار داد، بحطهٔ پیروزیهای نفتی ایران بصورت یک سرگرمی و یا شاید حرفه برای کمپانیهای نفتی درآمد و بااین جهت‌خوب معلوم بودکه این پیروزی نیز بهانه تازه‌ای برای ابراز مخالفت آنان‌خواهدشد کماآنکه مخالفت میرکردند وهمه این مخالفت‌ها نیز سنگی بود که بدربسته خورد زیرا ایران برهبری شاهنشاه خردمند خود تصمیم گرفته بود تا علیه غارت ثروت ملی‌خود توسط‌کمپانیهای نفتی مبارزه کند... و مبارزه کرد و پیروزی نیز یافت.

فرمان شاهنشاه بیدار دل بود که سبب شد تا در بین‌کلیه کشورهای عضو"اوپک" ایران اولین کشوری بود که به سلطهٔ استعماری و شیطانی هفتاد سالهٔ کمپانیهای بین‌المللی نفت پایان داد و در حقیقت ایران با این اقدام شجاعانهٔ رهبر خویش، قدرت ولیانت خود را عملا" به اثبات رسانید...

تئاتر

* کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان یک‌برنامهٔ تابستانی‌بنام "تأترسیار" برای استفاده همه کودکان‌و نوجوانان‌در پارک نیاوران ترتیب داده که شامل فیلم و تأتر و موسیقی بود و... سخت مورد استقبال قرارگرفت.

نمایشگاه

* نمایشگاه آثار هنری سیمین فضائلی در گالری هنر فرودگاه اورلی (پاریس) بمعرض تماشادرآمد.

* نمایشگاهی ازآثار عتیقه ایرانی از روز ۱۱ مردادماه با همکاری وزارت‌اطلاعات‌وجهانگردی در توکیو ژاپن افتتاح شد.

فستیوال

* مسؤولان برگزاری‌جشنواره طوس تصمیم‌گرفتند که جشنواره‌سال آینده طوس وسیع‌تر و مفصل‌تر برگزارشود.

* سومین جشنواره فیلمسازان جوان منطقهٔ آسیا از روز۱۵مرداد ماه درشیراز گشایش یافت. ازایران ۱۲ فیلم جواز شرکت‌در جشنواره را بدست آوردند و از کشورهای دیگر آسیا نیز ۱۱ فیلم شرکت داشتند.

کشاورزی

* برای افزایش تولیدمرکبات اقداماتی برای نهال کاری ۳۳۰۰ هکتاراز باغهای مرکبات شمال‌کشور آغاز شد.

* طرح افزایش تولید مکانیزه ذرت‌برای تأمین علوفه وخوراک دام، چهارده هزارهکتارافزایش یافت.

ورزشی

* بازیهای جام پاسارگاد بین ۱۲ تیم والیبال (۷شهرستان و ۵تهران) از روز شنبه ۱۱ مردادماه برای‌اولین بارآغاز شد.

* برای اولین بار یک مسابقه موتورسواری تاقلهٔ نوچال (بارتفاع ۳۹۳۰متر) جمعه ۱۰ مردادانجام شدکه از"شهرستانک"بارتفاع ۱۷۵۰ مترآغاز شد و "امیرتیمورشاهی"نفر اول مسابقه در۴۱ دقیقه این‌ارتفاع را بالا رفت و... برد!

* مسابقه های تیراندازی قهرمانی‌ایران با شرکت۲۵تیرانداز در تهران پایان یافت و نفرات اول تا سوم ده رشته تیراندازی برگزیده شدند.

* مسابقات مشت زنی‌کارگران تهران انجام شد

یك شکایت جالب

* در عصری که نیاز به برق درروستاها بیش ازپیش‌محسوس‌است، درروستای فتح‌آبادمرودشت (فارس) انجمن ده، موتور روستا رافروخته و سیم‌های برق را جمع‌آوری کرده است درحالی که این موتور برق را استانداری فارس به روستا هدیه کرده بودومعلوم‌نیست‌که چراانجمن ده اقدام به فروش آن کرده است. این‌انجمن‌نه تنهاموتور برق‌اهدائی رادرعین بی‌برقی‌فروخته بلکه‌اقدام بفروش زمینهای مزروعی اطراف روستا نیز کرده است وکشاورزان متعجب و نگران منتظر نتیجهٔ کار هستند.

اطلاعات

www.KetabFarsi.com

ثروت‌بلی، غارت نه !

در طول مدتی که از آغاز نهضت مبارزه با (گرانفروشی ، بدفروشی ،کم‌فروشی) بفرمان شاهنشاه آریامهر سپری می‌شود ، همگام با فعالیت همه جانبه‌ای که هم از سوی دستگاههای مسؤول وهم از سوی مردم که طبقه مصرف کننده هستند ، برای اجرای فرمان رهبر مملکت اعمال شده و می‌شود ، یک شعار ، دهان بدهان همه جا را تسخیر کرده و این شعاری بود که از دولت و دولتیان برخاست و ملت آنرا خیلی زود پذیرفت و در سطح وسیعتری منعکس کرد که ثروت بلی ، غارت نه !

این شعار ، از آن زمان همه جا گیرشد که اولین ثروتمندبزرگ ، مشمول مقررات مبارزه باگرانفروشی شد و در میان ناباوری همه که مبارزه را یک (تب تندو زودعرق) می‌دانستند و چندان امیدی بآن نداشتند ، بدام افتاد و این مسئله که تقریبا " بحال کم سابقه بوده است ، این توهم را پیش‌آورد که شاید هدف از مبارزه با گرانفروشی ، مبارزه با ثروت است و چه شایعاتی که بدنبال این توهم باطل نساختند و برای مبارزه با مبارزه با گرانفروشی شایع نکردند .

ولی وقتی‌دولت شعار ثروت بلی ، غارت نه ! را سرداد و ثابت کرد که با ثروت و ثروتمندان‌لجاج وعنادی درکار نیست بلکه هدف مبارزه باغارت مردم در سطح خیلی وسیعتری است ، شایعات ضدمبارزه با گرانفروشی که توسط‌خود گرانفروشان و برای تحریک افکارعمومی پراکنده شده بودفروکش کرد وآنوقت ، مبارزه شدت یافت تا بقیه غارتگران که با استفاده از احتیاجات عمومی میلیون میلیون برثروت های میلیاردی خود میافزودند حساب کار خود را بکنند و بدانند که فرمان شاه غنی و فقر نمی‌شناسد وبرای غنی وفقر هردو بطور یکسان باید اجراشود . . . چه آن بقالی‌کد ماست را (۲) ریال گرانتر فروخته یا سرمایه داری که هرروز (۲میلیون) ریال گران میفروشد . . .

وزن برای شرکت در مسابقات ایران انتخاب شدند .

* یک گروه (۸۰) نفری موتور سیکلت‌سوار برای انجام‌یک سفر ۲۰ روزه ، روز ۱۱ مرداد از پاریس بمقصد اصفهان حرکت کردند . انتهای مسیرهتل‌شاه عباس اصفهان است .

دوومیدانی

* دوندگان‌جوان سراسرایران از روز ۸ مرداد ماه در تهران (ورزشگاه آریامهر) برای سه روز مبارزه بدور هم گرد آمدند . در این مسابقات چهارتن ازدوندگان جوان رکوردهای تازه‌ای بجای گذاشتند .

فوتبال

* درمسابقات‌فوتبال‌نیروهای مسلح شاهنشاهی با پیروزی نیروی دریائی بر ژاندارمری کل‌کشور ،رده بندی تیمها باین ترتیب اعلام‌شد. نیروی دریایی با (۷) امتیاز اول— نیروی هوائی با (۶) امتیاز دوم — ژاندارمری با (۴) امتیاز سوم — شهربانی با (۲) امتیاز چهارم— نیروی زمینی با (۱) امتیاز پنجم .

جشن ومراسم

* بمناسبت‌بزرگداشت روزنهم مرداد ماه "روزنفت" درسراسرکشور از سوی مؤسسات دولتی و ملی مراسمی‌ترتیب یافت و ازنقش شاهنشاه‌آریامهرورهبری‌های‌معظم‌له سپاسگزاری شد .

* پانزده‌هزارتن از طبقات مختلف‌مردم‌تهران ،روز۱۴مردادماه (روزمشروطیت) بنمایندگی همهٔ مردم تهران‌در باغ بهارستان ،روز مشروطیت را جشن گرفتند و۵ هزار نفرازاینعده‌نیزروز۱۵ مردادنیز در جشن مجلس سنا حضوریافتند .

* بمناسبت روز عید مبعث ، مراسم سلام رسمی در پیشگاه شاهنشاه آریامهر درکاخ گلستان برگزارشد . این مراسم‌روز ۱۵مرداد ماه انجام گردید.

* اردوی کارشناسان و معلمان و دانش‌آموزان استثنائی کشور بمدت‌یک هفته در رامسرتشکیل‌شد .

سیاسی

* بمناسبت سالگرد تأسیس کنفدراسیون سویس ازسوی شاهنشاه آریامهر به "پیرگرابر" رئیس کشور سویس شاد باش گفته شد .

* آقای زاهدی سفیرشاهنشاه آریامهر اعلام داشت که مجموعهٔ تعهدات مالی ایران برای کمک به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و سازمان‌های بین‌المللی‌به ۱۱/۷ میلیارد ریال بالغ شده است .

* از روز ۱۳ مرداد مذاکرات وزیران کشور ایران وعراق دربغداد شروع شد. موضوع سفر ایرانیان برای‌زیارت اعتاب‌مقدسه ، مهمترین موضوع‌مذاکرات وزرای دوکشوربود .

* بمناسبت سالگرد اعلام استقلال کشور "نیجر" درآفریقا از سوی‌شاهنشاه آریامهرپیام شادباشی مخابره شد .

کشف شبکه خرابکاران

دراوایل هفته دوم مرداد ماه مقامات انتظامی موفق‌شدند که یک‌شبکه خرابکاری را که در خراسان به چند اقدام تخریبی دست زده بودندکشف و متلاشی کنند .خرابکاران‌عبارت بودند از (علی‌اصغر دورس — سیدکاظم‌مدنی — بتول فقیه و عبدالله امینی)که در کوی طلاب مشهد سکونت داشتند . دونفر اول بعلت تیراندازی متقابل‌مأموران انتظامی کشته شده ودونفر دیگر که مجروح بودند دستگیر وبه بیمارستان اعزام شدند . این ۴ نفر در چندنقطه مشهد از جمله در انجمن ایران وآمریکا و انجمن ایران وانگلیس مواد منفجره کار گذاشته بودند .

۳۷۸ میلیارد ریال سرمایه گذاری

دومین اجلاسیهٔ کمیسیون مشترک وزیران ایران وجمهوری فدرال آلمان برای همکاریهای اقتصادی با امضای یک پروتکل روز دوشنبه ۹ مرداد ماه پایان یافت و از سوی ایران آقای هوشنگ انصاری وزیرامور اقتصادی و دارائی و از سوی آلمان فدرال‌آقای هانس فریدریش وزیر اقتصادی آن کشور این پروتکل‌را امضاء کردند .

در این پروتکل ، حجم سرمایه گذاری‌های ایران وآلمان غربی در طرحهای مشترک مربوط به (انرژی و صنایع و کشت وصنعت) به حدود۱۴ میلیارد مارک (۳۷۸ میلیارد ریال) برآورد شد و شامل طرحهائی‌دربارهٔ نفت وگاز ،پتروشیمی ، انرژی ، فولادسازی ، شیرین‌کردن‌آب‌دریا ،ارتباطات‌ومخابرات ، کشت وصنعت ، صنایع ماشینی و الکترونیکی ،مصالح ساختمانی‌وحمل‌ونقل‌میباشد .

دانشجویان در صف‌اول مبارزه با گران‌فروشی

ستاد مبارزه با گران‌فروشی رستاخیز در محل حزب آغاز بکار کرد و دانشجویانی که با این ستاد همکاری دارند ، به دریافت شکایات و نظرات مردم پرداختند .

★ **همکاری دانشجویان**

با آغاز اولین‌روز کارستاد مبارزه با گران فروشی‌حزب، گروه دیگری از دانشجویان همکاری خود را با این ستاد اعلام کردند . در جلسه‌ای که با حضور دکتر مهدوی‌تشکیل شد ، قائم‌مقام دبیر کل حزب و وزیر بازرگانی ضمن اشاره به موضوع مبارزه با گران فروشی و سهم همه مردم در این مبارزه گفت : بنظردولت و حزب تا زمانی که نظارت خود مردم وجود نداشته‌باشد، مبارزه با گران فروشی نتیجه مطلوب نخواهد داد .

مهدوی افزود : همکاری دانشجویان با ستاد مبارزه با گران فروشی مغتنم است ، زیرا دانشجویان مسائل را بخوبی درک میکنند و وظایف خود را بخوبی انجام می‌دهند. البته در این مورد باید به نقش خانمها نیز در مبارزه با گرانی‌توجه کرد ، زیراخانمها بخاطر سر و کار داشتن با امر خرید مایحتاج منزل به نحو موثری میتوانند در این زمینه همکاری کنند .

سود عادلانه

فریدون مهدوی سپس به دانشجویان گفت : مبارزه با گران فروشی کاری حساس است و مراقب باشید که‌کسی را بیخودگرفتارنکنید هرکاسبی حق دارد سود عادلانه‌ای از کارکرد خود بدست آورد اما دیگر سود غیرعادلانه مفهومی ندارد .

محل سکونت رضاشاه کبیر موزه میشود

بمناسبت بزرگداشت‌پنجاهمین سال سلطنت پهلوی از طرف آقای محمدعلی سمیعی‌استاندار کرمانشاهان یك گروه تحقیق از چندی پیش کار بررسی پیرامون‌دوران‌اقامت‌اعلیحضرت رضا شاه کبیر در کرمانشاه را آغاز کرده است . این گروه‌موفق‌به‌شناسائی‌ساختمانی شده که در مدت دو سال و نیم اقامت اعلیحضرت رضا شاه کبیر در کرمانشاه، محل سکونت معظم‌له بوده است .

استاندار کرمانشاهان‌دستور داد که خانه مزبور خریداری وبعنوان موزه مورد استفاده‌قرار گیرد.

مسئولان حزب رستاخیز

روز دوازدهم مردادماه از سوی آقای هویدانخست وزیر و دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران شش‌نفر مسؤولان حزبی‌در مرکز و ۲۴ نفرمسؤولان استانها و فرمانداری کل (البته بطور موقت) باین ترتیب معرفی شدند .

* آقای دکترمحمد علی زرنگارمسؤول روابط عمومی .
* آقای محسن دهاء مسؤول‌تشکیلات .
* آقای فرهنگ فدائی‌مقدم مسؤول‌امورمالی واداری .
* آقای رضاملک زاده مسؤول کمیته‌های نظارت .
* آقای حسین ضیاء مسؤول‌طرح و بررسی .
* آقای ابراهیم کوهستانی مسؤول‌اموراجتماعی حزب در مرکز .

★

سیروس معتمدی مسؤول استان‌خراسان — پرویزحجازی مسؤول استان اصفهان — امیر طاهر شکرابی‌مسؤول‌استان آذربایجان شرقی — کوروش پارسای مسؤول‌استان‌خوزستان— سلیمان‌پورمسؤول‌استان‌مازندران— محسن محیط مسؤول استان فارس — منوچهراحمدزاده مسؤول‌استان‌گیلان— امیرفلاح‌مسؤول استان آذربایجان غربی — محمدایران‌پورمسؤول‌استان کرمان— ماشاءالله شجاع‌مسؤول استان‌کرمانشاهان — عبدالمحمد مدنی مسؤول‌استان‌ساحلی‌وبنادر— امین‌اللهمشیروزیری‌مسؤول استان کردستان — حسین سمیعی مسؤول‌استان‌همدان — علی‌ساکی مسؤول استان‌لرستان — ناصرخان‌بلوکی‌مسؤول‌استان‌زنجان— یحیی‌نواب‌مسؤول استان‌یزد— محمدملکزاده مسؤول استان بوشهر— محمدریاحی‌مسؤول استان چهارمحال بختیاری — محمدحسین امامی طبرسی‌مسؤول استان‌ایلام وپشتکوه — مالکی مسؤول استان‌سیستان وبلوچستان — یدالله ثقفی مسؤول فرمانداری کل سمنان — دکترشیرازی مسؤول فرمانداری کل بویراحمدی و کهگیلویه .

www.IranBookFarsi.com

کتاب سبز وزارت خارجه

وزارت امور خارجه در هفته دوم مرداد ماه کتاب سبز ۱۳۵۳ خود را منتشر کرد . براساس مطالب غرورانگیز این کتاب ، ایران در پایان سال ۱۳۵۳ شمسی با (۱۰۸) کشور در (۵) قاره جهان دارای روابط سیاسی در سطح بالا بوده و غیر از آن ، دولت شاهنشاهی در ۱۶ سازمان تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد و ۵۹ سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای دولتی و غیردولتی نیز عضویت یافت که این ، نشانه روشنی است براینکه ایران دارای آنچنان اهمیت سیاسی شده است که در بسیاری از مسائل بین المللی دارای نقش تعیین کننده‌ای شده است .

از پیروزیهای سیاسی ایران در سال گذشته تصویب پیشنهاد ایران با الهام از فرمایشات شاهنشاه آریامهر در مورد ایجاد یک منطقهٔ عاری از اسلحهٔ اتمی در خاورمیانه در ۹ دسامبر ۱۹۷۴ (۱۸ آذر ۱۳۵۳) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بدون حتی یک رای مخالف بوده است .

هزینه‌های درمانی معلمان

شورای آموزش و پرورش تهران در آخرین جلسه خود پس از موافقت با پنج مورد کمک حق‌العلاج ، هرکدام به مبلغ سه تا پنج هزار تومان ، از اداره آموزش و پرورش تهران خواست بررسی کند آیا در این شرایط کمک هزینه بیمه کامل درمانی شده‌اند پرداخت کمک حق‌العلاج بر هم دیگر مشروع است ؟

از خرداد ماه ۵۲ که هزینه مراجعه خانواده‌شان با پرداخت حق بیمه ، بیمه درمانی شده‌اند مبلغ کمک حق‌العلاج از طرف شورا باید پرداخت شود ، ولی بعضی معلمان انتقاد هائی به نحوه درمان خود توسط سازمان خدمات درمانی دارند و بعضی کمک حق‌العلاج از آموزش و پرورش هستند .

دانشگاهی و آموزشی

* مدیر عامل شیلات جنوب اعلام کرد که از سال آینده ماهی جنوب در برنامه تغذیه ایران مدارس قرارداد خواهد شد .

* نظام تازه آموزش متوسطه ، آموزشی متوسطه را به دو دورهٔ سه ساله و یکساله تقسیم میکند که دورهٔ سه‌ساله نیز بدو قسمت آموزشی متوسطه عمومی و آموزشی متوسطه فنی تقسیم میگردد .

* تعداد دانشجویان ایرانی مقیم شهرهای مختلف ایالات متحده آمریکا (۱۵۸۰۰ نفر) اعلام شد .

* آقای اردشیر زاهدی سفیر شاهنشاه آریامهر در واشینگتن چکی بمبلغ ۱۰۰ هزار دلار برای تأسیس صندوق بورس بمنظور تحصیل آمریکائیان در ایران تسلیم کرد .

* کارآموزی و آموزش فنی ۱۰ هزار نفر از کارآموزان و افزارمندان سراسر کشور در ۱۲ نقطهٔ کشور آغاز شد .

* ۶۲ نفر از مسؤولان آموزشی وزارت تعاون و امور روستاها بمنظور تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی روستائیان به روستاهای کشور اعزام شدند تا آموزش جوانان روستائی را بعهده بگیرند .

* براساس برنامهٔ وزارت کار و امور اجتماعی مقدمات آموزش هر سال ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی مقیم خارج فراهم گردید .

* ضوابط تازه حقوق و مزایای هیئت‌های علمی دانشگاهها و مدارس عالی منتشر شد تا بر اساس آن در صورت تصویب در تمام مراکز آموزشی عالی ملاک عمل قرار گیرد .

تئاتر

در سیمه اول مرداد ماه و در رکود و کسادی کامل بازار هنر تأتر درتهران (...وایران!) بروی صحنه آمدن یک کمدی به شیوهٔ "دل‌آرته" فرصت مغتنمی بود برای آنعده‌ای که بدوران رواج فیلم (چه سینمائی و چه تلویزیونی و...چه خصوصی) هنوزهم باین هنر عشق میورزند وهیچ بهانه و عذری را برای دیدن هیچ پیسی نمیپذیرند و نمایشنامه‌ای که در نیمه اول مردادماه بروی صحنه آمد " آندروکلس و شیر " بود بکارگردانی خانمی بنام رعنانوبان (که یکی از همکاران از روی آگهی‌های آنجمن ایران و آمریکا که بزبانی انگلیسی بودآنرا ــ رانانوبان ترجمه کرده بود!)

بطور مقدمه باید گفت که " آندروکلس و شیر " در اصل متعلق به "جورج‌برناردشاو" نویسنده و منتقد معروف "ایرلندی ــ انگلیسی " است و خانم نوبان که قبلا" نیز در آمریکا فعالیت‌هائی در رشته تأتر داشته است (او در دانشگاه ــ ماین ــ آمریکا در رشته تأتر درس خوانده است) با بروی صحنه آوردن آن ، کارخود را در ایران بعنوان یک کارگردان آغاز کرده است و علیرغم همه تلاش و فداکاری او و بعضی ازبازیگران ، نمایشش چندان چشم‌گیر نبود (نخواستم بنویسم ناموفق بود!)

اختلاف سطحی میان بازیگنان وجود داشت که این ، قسمت زیادی از چشم گیر نبودن " آندروکلس و شیر " را سبب میشد... خوب معلوم بود که بعضی کهنه کارتر و بعضی تازه کارترند و تلاشهای قبلی و حین اجرای نمایش خانم نوبان بهیچوجه نتوانسته بود اینودسته را باهم "جور" کند... و با اینوصف همانگونه که درآغاز عنوان شد ، دیدن آندروکلس وشیر " کمدی دل‌آرته " ای که به تعبیری (بعلت تنوع خاصی که درآن وجود دارد ، پس از سالها هنوز میتواند برای همه سرگرم کننده و دیدنی باشد) برای دوستداران تأتر ارزش خاصی داشت ... با آروزی پیشرفتهای بیشتری برای خانم نوبان و همکاران پشت صحنه و روی صحنه او...

تولید نفت خام

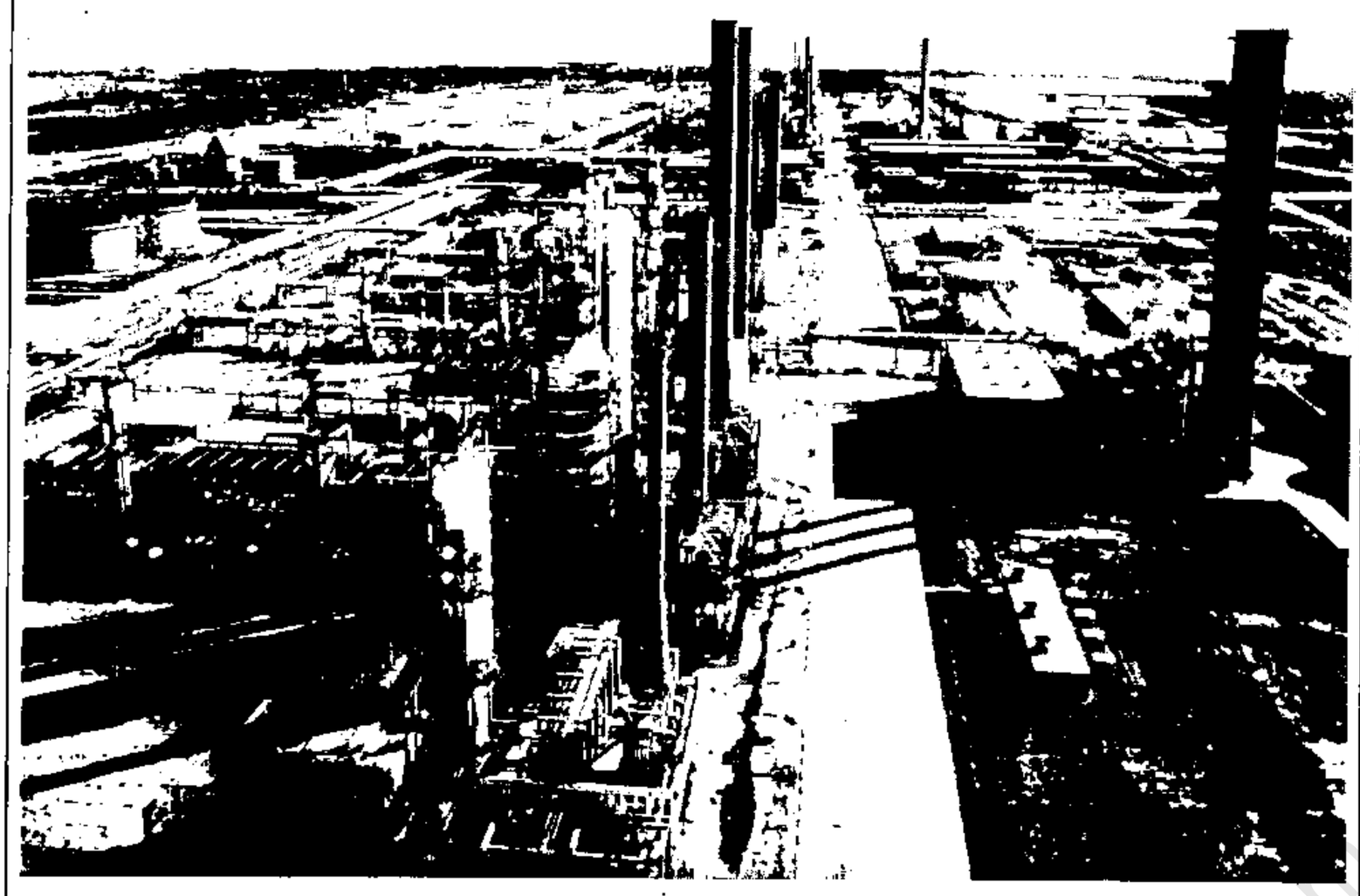

* شرکت ملی نفت ایران میزان تولیدات نفت‌خام را در "خردادماه" باین ترتیب اعلام داشت : حجم تولید نفت خام درخردادماه سال‌جاری توسط شرکت ملی‌نفت ایران وشرکت‌های وابسته به ۱۵۳ میلیون و ۷۶۹ هزار و ۳۲۶ بشکه رسید که ازاین مقدار ۱۳۴/۳۵۲/۹۱۸ میلیون بشکه آن صادر شده‌است . حدمتوسط صادرات نفت خام در ماه مورد گزارش ۴/۴۷۸/۴۳۰ بشکه در روز و حد متوسط تولید نفت خام ۵ میلیون و ۱۲۵ هزار و ۶۴۴ بشکه در روز بوده است .

از کل رقم تولید نفت خام در خردادماه ۱۳۸/۰۷۵/۸۷۰ بشکه توسط شرکت ملی نفت ایران از مناطق نفت خیز جنوب و ناحیهٔ نفت شاه استخراج شدکه ۱۱۸/۳۴۰/۶۷۰ بشکه آن صادر شده است .

سفر

* آقای جمشید آموزگار وزیر کشور و سرپرست امور اداری و استخدام کشور برای یک سفر سه روزه به بغداد رفت .

* یک هیأت از بازرگانان ایران بریاست موسی‌رضا قنادیان برای پانزدهمین اجلاسیهٔ شورای تجارت به ژنو رفت .

* "هنری کانن‌بد" وزیر اقتصاد و دارائی ساحل‌عاج برای مذاکرات اقتصادی روز ۱۲ مرداد وارد ایران شد .

* دکتر احمد مینائی دبیر کل همکاری عمران منطقه‌ای برای گفتگو در زمینه مسائل (آرسی‌دی) به پاکستان رفت .

اخبار متفرقه

* روز هشتم مردادماه دومین کشتی نفت کش ایران بنام "خارک" بظرفیت ۲۲۸ هزارتن بنام نامی شاهنشاه آریامهر در بندر اوزاکا (ژاپن) بآب انداخته شد .

* هفتمین گروه از افسران و سربازان معلول مصری در جنگ اعراب واسرائیل برای توان‌یابی مجدد وارد ایران شدند .

* ۳۶۵ واحد مسکونی ارزان قیمت درکرمانشاه میان سیل‌زدگان وخانواده‌های کم درآمد تقسیم شد .

* کار ترجمه اساسنامه و مرامنامهٔ حزب رستاخیز ملت ایران بزبانهای زنده دنیا پایان یافت و قراراست که متن اساسنامه و مرامنامهٔ حزب در سراسر جهان انتشار یابد .

* اقداماتی که دراجرای اوامر شاهنشاه آریامهر بمنظور بهبود وضع زندگی بازماندگان "شهدا" صورت گرفته است توسط وزیر رفاه اجتماعی برای کارکنان آن وزارتخانه و سازمانهای وابسته تشریح وتوجیه شد .

* مقدمات اجرای قانون تازه راهنمائی در مورد عدم تعقیب رانندگانی که سبب مرگ عابران پیاده در خارج از نقاط خط‌کشی می‌شوند برای اولین بار در خیابان شاهرضای تهران فراهم گردید .

کتاب

* عظمت و انحطاط شهر ماهاگونی .

از : دکتر پرویز فروردین ــ ناشر نامعلوم ! ۲۲۲ صفحه

* جامعهٔ نو

از : دی . اچ . کار . ــ ترجمهٔ محسن ثلاثی ــ ناشر امیرکبیر ــ

گفتگوی نخست‌وزیر و صاحبان صنایع

روز دوشنبه سیزدهم مرداد آقای هویدا نخست‌وزیر و بیرکل حزب رستاخیز ملت ایران با مدیران و صاحبان صنایع ایران جلسهٔ گفت وشنودی داشت و در این جلسه ، سیاست دولت در زمینهٔ مبارزه با گرانفروشی مطرح شد ومدیران و صاحبان صنایع ، آمادگی خود را برای همکاری نزدیک وصمیمانه بادولت در کار مبارزه با گرانفروشی اعلام کردند .

نخست وزیر هویدا ، سیاست قاطع و گذشت ناپذیر دولت را در اجرای اوامر شاهنشاه ، برای حفظ حقوق مصرف کنندگان بیان کرد و درعین حال به صاحبان صنایع و مدیران واحدهای تولیدی و همچنین بازرگانی اطمینان داد که صنایع داخلی همواره مورد حمایت دولت بوده وخواهد بود .

تولد جام

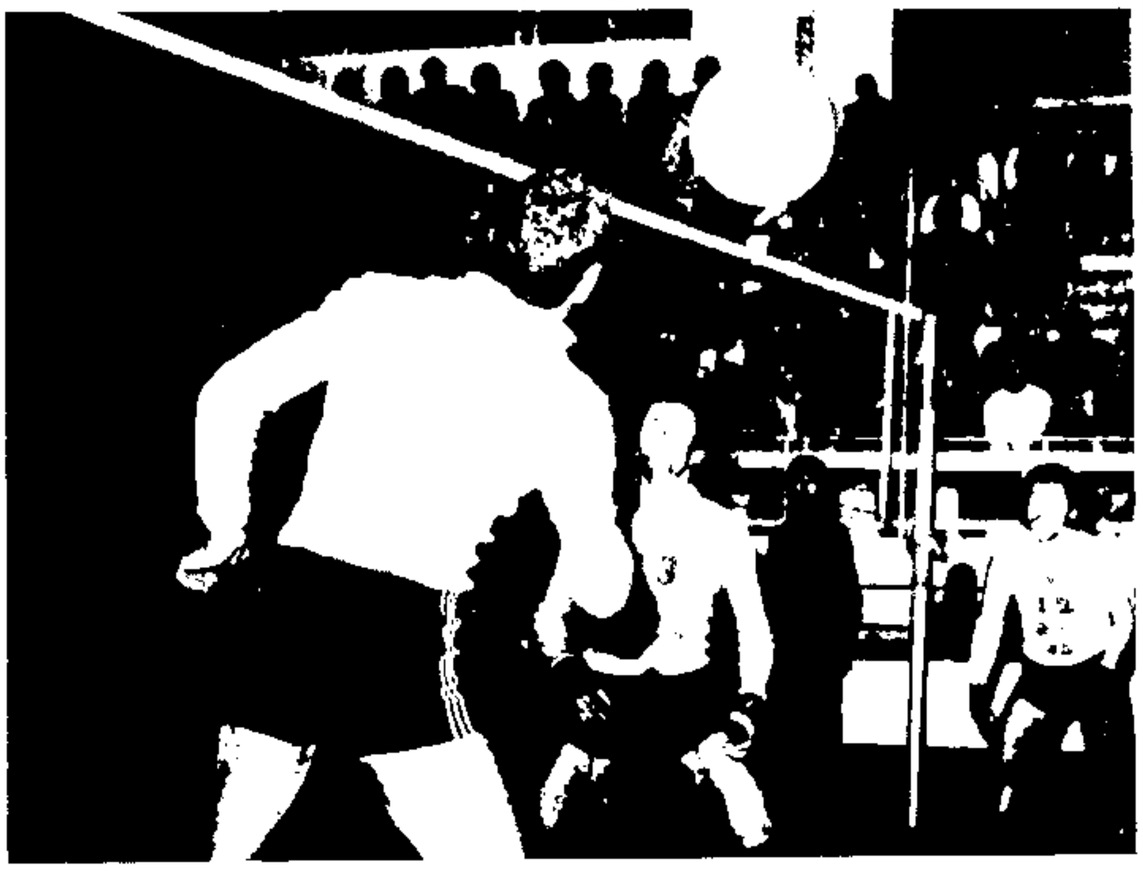

بعد از جام نخب جمشید در فوتبال که امسال ، سومین دوره آن برگزار می‌شود (وفعلا "تعطیل است) برای ایجاد تحرکی نه بطور شوخی وموقت !بلکه دیرپا و مقاوم در والیبال ، جام پاسارگاد متولد شد تا بهمان سبک مسابقات فوتبال جام تخت جمشید تیمهای دوازده‌گانهٔ شرکت کننده درآن بصورت رفت وبرگشت با یکدیگر و در شهرهای خودشان ، روبرو شوند تا آنگه شود پدید که نامرد ومردکیست !

۱۲ تیم والیبال که در نخستین دورهٔ بازیهای والیبال جام پاسارگاد شرکت دارند عبارتند از : گمرک (اهواز) ــ دوب آهن (اصفهان) ــ راه‌آهن (مشهد) ــ پاس (رضائیه) ــ آبگینه (قزوین) ــ پاس (همدان) ــ برق (شیراز) دخانیات و پرسپولیس و تاج و هما وتهران جوان (تهران)

عمرانی و ساختمانی

* عملیات ساختمانی یک دهکده توریستی در "چاکسر" مازندران با ۵۵ میلیون ریال هزینه آغاز شد .

انتصابات

* محمدنقی جبرئیلی به سمت رئیس سازمان آموزشی کشاورزی کشور (وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی)

* مجید یکتائی ــ فروزان سپهر و مهدوی بسمت کارشناس (وزارت امور اقتصادی و دارائی)

* عزت‌الله فولادوند بسمت مدیرکل اطلاعات و روابط عمومی (وزارت امور اقتصادی و دارائی)

* سرتیپ حسین فرزانه بسمت رئیس اداره آگاهی (شهربانی کل کشور)

* سرتیپ ولی محمد زندکریمی بسمت رئیس اداره کل زندانها (شهربانی کل کشور)

قرارداد

* قرارداد ساختمان خط آهن برق تبریز ــ جلفا بطول ۱۴۶ کیلومتر میان ایران و "تکنواکسپورت" شوروی امضاء شد .

* قرارداد احداث ۳۰ دستگاه خانه‌های سازمانی در شهرستان کرج میان اداره کل مسکن و پیمانکار بامضاء رسید .

* قرارداد نصب ۲ مولد برق ۵۰۰ کیلوواتی در زاهدان برای تأمین برق مرکز استان سیستان و بلوچستان امضاء شد .

کار و کارگری

* بیمه ایران اعلام کرد که در ۴ ماهه اول سال جاری بیمهٔ دسته جمعی عمر ، ۱۵۴ درصد افزایش یافته است .

* اساسنامه "سازمان مالی گسترش واحدهای تولیدی" درهیئت وزیران تصویب شد و براساس آن برای خرید سهام مؤسسات تولیدی به کارگران و کشاورزان وام داده میشود . این سازمان یک میلیارد ریال سرمایه دارد .

اقتصاد

* میزان سرمایه گذاری در صنایع غذائی و مصالح ساختمانی آذربایجان شرقی ۵۴ میلیارد ریال اعلام شد .

* اعلام شد که درآمد نفتی ایران نسبت به سال ۱۹۷۳ میلادی (۵) برابر شده‌است .

* میزان مصرف فرآورده‌های نفتی طی سال گذشته در داخل کشور حدود ۱۷ میلیارد مترمکعب اعلام شد .

* با حضوروزیر بازرگانی و صاحبان صنایع ، امکانات سرمایه گذاریهای عظیم دراستان آذربایجان شرقی بررسی شد .

* از روز ۱۳ مرداد ماه مذاکرات ایران و کشور ساحل عاج (آفریقا) برای بررسی امکانات صدور تولیدات صنعتی ایران به ساحل عاج ، در تهران آغاز شد . این اولین مذاکرات دو کشور در زمینهٔ اقتصادی است .

* بانک ملی ۱۰ مرداد پرداخت وام‌های متفرقه و فردی را متوقف کرد و فقط وام پس انداز مسکن خواهد پرداخت .

تشکیل و تأسیس

* اتاق بازرگانی و صنایع مشترک ایران و آلمان فدرال با ۱۴۰ عضو ، روز ۸ مرداد ماه در تهران گشایش یافت .

* با همکاری وزارت تعاون و امور روستاها و کشاورزی و منابع طبیعی و با سرمایه گذاری بخش خصوصی ، یک کارخانهٔ تولید سم "گرانول" برای تأمین نیازمندیهای شالیکاران شمال تأسیس خواهد شد.

* ساختمان آرامگاه "سیبویه فارسی" دانشمند بزرگ ایرانی از روز ۱۲ مرداد ، در شیراز آغاز شد .

* ۵۰ هزار مترمربع مزارع آموزشی برای آشنا ساختن کشاورزان با شیوه‌های نوین کشاورزی در کرمانشاهان ایجاد شد .

* مقدمات ایجاد بزرگترین مجتمع بندری کشور با جدیدترین وسایل ایمنی و انبارهای ترانزیت در بندر شاهپور فراهم شد . این پروژه توسط سازمان بنادر و کشتیرانی کل کشور اجرا خواهد شد .

* برای رفاه مردم ، دولت سیمان راکه تنی ۳۴۰۰ ریال ازخارج وارد میکند ، تنی ۱۸۵۰ ریال عرضه خواهدکرد .

* از روز ۹ مرداد ایران واردن اجرای موافقت نامهٔ مالی ۵ میلیون دلاری متعقد بین دو کشور را بمورد اجرا گذاشتند .

* اعلام شد که در ۴ ماهه اول سال ۱۳۵۴ ارزش ریال نسبت به ارزهای خارجی از (۲/۱) تا (۱۰) درصد افزایش یافته است .

* واحدهای تولیدی که سرمایه آنها ازیکصدمیلیون ریال تجاوز میکند مشمول واگذاری سهام شدند .

* سهام این واحدهای تولیدی براساس ضابطه های اعلام شده به عموم طبقات ملت فروخته خواهدشد .

اداری

* از نیمه اول مرداد ماه سال جاری کارهای ساختمانی "شه بندرعباس " آغاز خواهدشد .

* مجتمع شیمیائی شاهپور در دومرحله توسعه خواهدیافت .

* با آغاز بهره برداری از کارخانجات مجتمع نکاچوب ۳۰۰۰ نفر از روستائیان شمال استخدام میشوند .

* تاپایان سال جاری کارهای ساختمانی وکارخانه بزرگ صنایع تمام خواهدشد .

* قرارداد احداث ۳۰۰ کیلومتر راه بانماهها راه مبادله شد .

* اولین مرحله دوخط کران راه آهن کشوردر کلیه خطوط آغاز شد .

* بندرعباس ازطریق یک راه آهن دوخطهٔ برقی به شهراهواز اتصال خواهدیافت .

* درادامه مبارزه باگرانفروشی بدستور دولت نرخ لوازم یدکی اتوموبیل ودستمزدخدمات براساس قیمتهای دی ۱۳۵۳ برقرارشد .

* اقدامات وزارت تعاون و امور روستاها برای ایجاد بازارهای خرید وفروش کالا درشهرهاوروستاها برای کوتاه کردن دست واسطه هااز خرید وفروش ارزاق عمومی آغازشد .

* متن فرمان همایونی دائر بر اجرای قانون معافیت ورود و صدور اشیاء عتیقه و آثار فرهنگی و هنری اصیل ومعتبرازحقوق و عوارض گمرکی برای اجرا به وزارت فرهنگ و هنر ابلاغ شد .

* بدستور نخست وزیر آموزش عملیات اضطراری در سراسر کشورگسترش یافت و نقائص ایمنی کلیه مؤسسات آغازبه برطرف شدن گردید .

* بمنظور رفاه حال مردم ، تهران به (۱۰) منطقهٔ تلفنی و تلگرافی تقسیم شدتادرکار مراجعان تسریع شود .

* ترازنامهٔ مالی شرکت بیمه ایران در سال ۱۳۵۳ نسبت به سال قبل ۱۳۳ درصد افزایش نشان داد و سود ویژه شرکت به ۴/۷۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال رسید .

* بمنظور آشنائی با فنون جدید گمرکی (۲۳) نفرازمسؤولان گمرکات کشور به ممالک اروپائی اعزام شدند .

* وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی از این پس از اعطای بورس به مستخدمین آزمایشی و پیمانی خودممنوع شدند .

* بتصویب هیأت وزیران مأموریت کارمندان دولت ازاین پس در بخش‌های خصوصی رسمی تلقی میشود .

* بمنظور افزایش قدرت کشش راه‌آهن ، ۱۰۰۰ واگن حمل مواد نفتی ۱۰۰۰ واگن حمل ونقل غلات ، ۷۴ لکوموتیو دیزلی و ۱۰۰ واگن مسافری درجه یک توسط راه آهن خریداری شد .

* رسیدگی به پرسش‌نامه‌های نامزدان عضویت درشوراهای داوری تهران (۴۰۰ نفردر ۳۱ شورا) آغاز شد .

* براساس برنامه وزارت مسکن و شهرسازی سپاهیان دخترمأمور آشناکردن مردم به قوانین ومقررات مالک ومستأجرشدند .

* مقدمات استخدام ۴۰۰ لیسانسیه برای تقویت کادراداری سازمان تأمین اجتماعی درسراسر کشورفراهم گردید .

* ۲۰۰ دانشجو مأمورشدند تا بعنوان بازرسان ویژه حزب رستاخیز ملت ایران نرخها راکنترل کنند .

قدرت ایران

محسن فره‌وشی

رضا سوخته سرائی

منصور برزگر

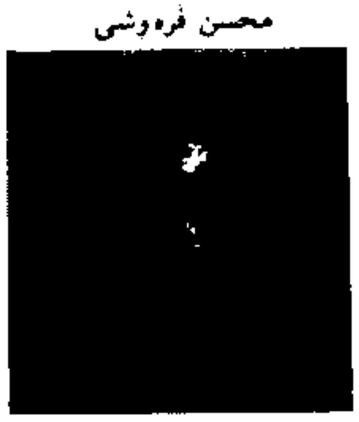

سبحان روحی

تیم ده‌نفرهٔ کشتی آزاد ایران در مسابقات کشتی بین‌المللی لایپزیک (آلمان شرقی) با ۱۳۷ امتیاز بمقام نخست رسید و بعد از ایران ممالک آلمان شرقی ، بلغارستان ، شوروی ، مغولستان ، و مجارستان مقام گرفتند .

کارنامهٔ تیم ده نفری ایران در پایان مسابقات باین ترتیب بود .

۴۸ کیلو ــ سبحان روحی (اول)
۵۲ کیلو ــ قدیرنخودچی (سوم)
۵۷ کیلو ــ محسن فرح وشی (اول)
۶۲ کیلو ــ محمدرضانوائی (سوم)
۶۸ کیلو ــ محمدخرمی (چهارم)
۷۴ کیلو ــ منصوربرزگر (اول)
۱۰۰ کیلو ــ رضاسوخته سرائی (دوم)
۱۰۰ کیلوبالا ــ داودایوب (چهارم)

داریوش واعظی در ۶۲ کیلو و رمضانی خدر در ۵۷ کیلو از دور مسابقات خارج شدند .

www.KetabFarsi.com

تقویم ۵

از ٤شنبه (۱۵ مرداد ـ ۲۷ رجب ـ ۵ اوت)
تاسه‌شنبه (۲۱ مرداد ـ ٤ شعبان ـ ۱۱ اوت)

● ٤شنبه

۵ اوت ۱۲۷۱ ـ سفر تاریخی مارکوپولو ، جهانگرد معروف ایتالیائی که تا چین نیز ادامه یافت ، آغاز شد .

۵ اوت ۱۸۵۰ ـ گی‌دوموپاسان ، نویسنده و ادیب فرانسوی در قرن نوزدهم میلادی قدم بدنیا نهاد .

۵ اوت ۱۹۶۳ ـ قرارداد تاریخی منع آزمایشهای اتمی ۱۷ سال بعد از جنگ دوم جهانی بامضاء رسید .

● ۵شنبه

۶ اوت ۱۹۴۵ ـ اولین بمب اتمی جنگی توسط آمریکائیها دربندر ژاپنی "هیروشیما" منفجرگردید .

۶ اوت ۱۷۱۴ ـ فارنهایت ، مخترع معروف سوئدی "میزان‌الحرارهٔ" خود را اختراع کرد .

۶ اوت ۱۹۶۲ ـ جزیره جامایکا (ژامائیک) استقلال خود و رهائی از سلطهٔ انگلیس را اعلام نمود .

● آدینه

۷ اوت ۱۹۴۱ ـ رابیندرانات تاگور ادیب هندی و اولین برندهٔ آسیائی جایزهٔ نوبل وفات یافت .

۷ اوت ۱۹۶۰ ـ سرزمین ساحل عاج واقع درساحل اقیانوس اطلس درقاره آفریقا استقلال یافت .

۷ اوت ۱۶۸۹ ـ پطرکبیر امپراتورمقتدرقرن ۱۷و۱۸روسیه قیام تاریخی خود را برای سلطنت آغاز کرد .

● شنبه

۸ اوت ۱۹۴۰ ـ در جریان جنگهای بین‌الملل دوم ، نبردهای‌هوائی‌میان آلمان و انگلیس درآلمان وانگلیس آغازشد .

۸ اوت ۱۹۱۹ ـ بموجب قرارداد تاریخی "راولپندی" دولت افغانستان موفق به اعلام استقلال شد .

۸ اوت ۱۲۶۶ ـ عملیات ساختمانی برای احداث "براند نبورگ" تاریخی ترین ابنیهٔ آلمان شروع شد .

● ۱شنبه

۹ اوت ۱۹۶۵ ـ یوسف‌ویلاروئل ، ادیب وشاعرونویسنده بزرگ قرن بیستم بدرود حیات گفت .

۹ اوت ۱۹۴۵ ـ دومین بمب اتمی‌جنگی توسط آمریکائیها در بندر ژاپنی ناگازاکی منفجرشد .

۹ اوت ۱۹۶۳ ـ خودسوزی بودائیان ویتنام بعنوان اعتراض به روش حکومت در سایگون آغاز شد .

● ۲شنبه

۱۰ اوت ۱۹۴۱ ـ شهر تاریخی زاگرب در جریان حملهٔ آلمان نازی به یوگسلاوی بتصرف آلمانیهادرآمد .

۱۰ اوت ۱۸۱۹ ـ کشور ونزوئلا ، کشور نفتخیزآمریکای جنوبی موفق به اعلام استقلال خودشد .

۱۰ اوت ۱۸۷۴ ـ هربرت هوور ، شخصیت سیاسی آمریکا و رئیس جمهوری آن کشورمتولدشد .

● ۳شنبه

۱۱ اوت ۱۷۹۲ ـ پل‌الای وتینی آمریکائی موفق به اختراع ماشین پنبه پاک‌کنی‌شد .

۱۱ اوت ۱۹۴۵ ـ شبه جزیره کره به دو کشور کره جنوبی و کره شمالی با دو حکومت جدا تقسیم شد .

۱۱ اوت ۱۸۶۰ ـ شهرسینمائی هولیوود که امروز مرکز بزرگ هنر سینما در دنیاست تأسیس شد .

مصاحبه با شاهنشاه آریامهر

درجریان یک مصاحبه شاهنشاه آریامهر ، به پرسش های سردبیرروزنامهٔ "السیاسیه" و "کویت‌تایمز" چاپ‌کویت ، دربارهٔ یک سلسله مسائل مهم‌جهانی‌به ویژه‌دربارهٔ اوضاع خاورمیانهٔ عربی‌و مسائل‌داخلی وخارجی ایران پاسخ فرمودند .گزیده‌هائی از بیانات شاهنشاه آریامهررا میخوانیم :

* در صورت لزوم ، برای مبارزه با گران فروشی ، به دادگاههای نظامی متوسل خواهیم شد .

* هرلحظه که سلطان‌قابوس ، تقاضای‌خروج نیروهای‌ایرانی را از آن کشور بکند ، ما از آنجا خارج خواهیم‌شد .

* مصرباید بصورت کشور بسیارنیرومند درآیدو بطوریقین آینده به سود اسرائیل نیست .

* باید سازمان اوپک را تقویت کرد و از نقش این سازمان پشتیبانی نمود .

* قذافی یک متلون المزاج است و هردقیقه نظر خود را تغییرمیدهد .

* ایران دارای ثروت‌های سرشاری‌است ونیازی به ثروت دیگران ندارد .

* معتقدم که آمریکامیتواند اسرائیل را تحت فشارقرار دهد ولی با در نظر گرفتن وضع اسرائیل و تاریخ آنان ، فشار آمریکابه اسرائیل حدوحدودی دارد زیرااسرائیلی‌ها مردمانی بسیار لجوج میباشند .

* موافقت شده است که ایران و عراق نظریات خود را به کلیه کشورهای خلیج فارس ارائه دهند . ما کوشش نداریم که نظرات خود را به دیگران تحمیل نمائیم .

دانشگاهی و آموزشی

* از آغازهفته سوم مردادماه اسامی کامل قبول‌شدگان دانشگاهها و مدارس عالی‌مختلف‌کشور بتدریج مشخص و اعلام شد .

* بمنظور تأمین رفاه حال دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و آسان‌کردن‌کار برگشت‌آنها به‌آمریکا تعداد پروازهای دانشجوئی هواپیمائی ملی ایران (هما) به نیویورک افزایش یافت .

* برای پیاده کردن‌هدف‌های حزب‌رستاخیز ملت ایران مقدمات ایجادکمیته‌ای حزبی‌دردانشگاهها فراهم شد .

* برنامه‌کارکنفرانس‌ارزشیابی انقلاب آموزشی (هشتمین کنفرانس) در رامسر ، اعلام‌گردید .

* بهای کتابهای درسی برای سال تحصیلی (۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۵) تا (۳۰) درصد کاهش داده شد .

مرگ روحانی

* حضرت آیت‌اله العظمی آقای‌حاج سیدمحمدهادی حسینی میلانی ، مرجع تقلیدشیعیان‌جهان پس از یک بیماری طولانی ، در ۸۲ سالگی بدرود حیات گفت .روحانی فقید در محرم سال ۱۳۱۳ هجری قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از تحصیلات ونیل بدرجهٔ اجتهادمدت ۶۰ سال در نجف و کربلا و مشهد به تدریس علوم‌دینی اشتغال داشت ودر خلال تدریس‌به تألیف کتب با ارزش درعلوم دینی همت گماشت .

ازجانب دربار شاهنشاهی معاون وزارت دربار در مراسم تشییع جنازه آیت‌اله میلانی شرکت کرد و از سوی آقای هویدا نخست‌وزیرنیز تلگرام تسلیتی برای بازماندگان آیت‌اله فقیدارسال‌شد .

شهریه‌های تازه

دانشگاهها و مؤسسات عالی آموزشی در مورد شهریهٔ سال تحصیلی آینده دانشجویان خوداعلام داشتند که کسانی که با سپردن تعهد انجام خدمت از مزایای فرمان آموزش رایگان استفاده کنند از پرداخت شهریه معاف خواهند بود . ولی آن دسته که تعهدخدمت نسپارند . شهریه تحصیلی‌رابه مأخذ تعیین شده از سوی وزارت علوم و آموزش باین شرح باید بپردازند .

گروه آموزشی	شهریه سالیانه به‌ریال	هزینه واحدهای درسی
پزشکی	۳۳۰/۰۰۰	۱۷/۸۰۰ ریال
دندان‌پزشکی	۲۰۰/۰۰۰	۵/۵۰۰ ریال
علوم داروئی	۱۶۰/۰۰۰	۴/۵۰۰ ریال
کشاورزی	۲۲۰/۰۰۰	۶/۲۰۰ ریال
دامپزشکی	۲۵۰/۰۰۰	۷/۰۰۰ ریال
علوم	۱۱۰/۰۰۰	۳/۰۰۰ ریال
مهندسی	۱۳۰/۰۰۰	۳/۷۰۰ ریال
انسانی‌واجتماعی	۷۰/۰۰۰	۲/۰۰۰ ریال

اصول تازهٔ انقلاب

جناب امیرعباس هویدا نخست وزیر و دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران

گسترش سریع صنایع مکمل، موضوع توزیع عادلانه‌تر درآمد با مشارکت عموم مردم بویژه کارگران و کارمندان و کشاورزان یا افزایش تولید ایران در واحدهای صنعتی و کشاورزی را و اثرات عظیم اقتصادی و صنعتی کشور را مورد توجه خاص قرار داده و بموجب فرمان مورخ چهارم اردیبهشت یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار ترتیب عرضه کردن سهام کارخانه‌ها را بمردم اعلام نمودیم.

از آنجائیکه این تصمیم با توزیع عادلانه‌تر درآمد ملی و گسترش سیستم صنعتی و تولیدی و عرضه کردن سهام کارخانه‌ها بمردم بطریق فوق الذکر بعنوان اصل چهاردهم انقلاب شاه و ملت اعلام و مقرر میداریم که دولت و حزب رستاخیز ملت ایران با استفاده از تمام امکانات و وسائل خود اجرای این اصل بکوشند و آنرا یک سیاست دائمی و پایدار مملکت بدانند.

نوشهر، بتاریخ پانزدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی.

جناب امیرعباس هویدا نخست وزیر و دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران

چون کلیه اصول انقلاب بر اساس تأمین سعادت و بهزیستی عموم مردم ایران استوار است بموجب این مستند امر تعیین و تثبیت مدام قیمتها و توزیع صحیح کالاها را بر اساس سود عادلانه و مبارزهٔ بی امان با استثمار مصرف کنندگان و پایان دادن به عادت ناپسند گرانفروشی را بعنوان اصل چهاردهم انقلاب شاه و ملت اعلام و مقرر میداریم که دولت و حزب رستاخیز ملت ایران با استفاده از تمام امکانات و وسائل خود اجرای این اصل بکوشند و آنرا یک سیاست دائمی و پایدار مملکت بدانند.

نوشهر، بتاریخ پانزدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی.

روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ماه مصادف با روز عید مبعث بود و مثل هرسال دیگر در آنروز، مراسم سلام عید در پیشگاه شاهنشاه آریامهر برگزار شد اما، مراسم امسال از هر جهت با مراسم سالهای گذشته متفاوت بود زیرا در آن مراسم بود که رهبر خردمند مملکت در جهت تأمین رفاه حال ملت و آسایش عمومی اصول تازه‌ای را به اصول دوازده گانهٔ انقلاب شاه و ملت افزودند و اجرای سریع و صحیح اصول جدید را بعهدهٔ دولت محول فرمودند به این ترتیب که (عرضهٔ سهام کارخانه‌های تولیدی به مردم) بعنوان اصل سیزدهم و (تعیین قیمت‌های حقیقی اجناس و مبارزه با گرانفروشی) بعنوان اصل چهاردهم انقلاب تعیین و اعلام گردید.

رهبر بیدار دل ایران در فرمایشات خود در عید مبعث فرمودند (انقلاب ایران هیچوقت متوقف نمیشود. یا خود من اصولی را بآن اضافه خواهم کرد یا حتی حاضر هستیم که عقاید و نظرات مردم را در مورد بعضی از اصول، غیر از آن اصول کلی که غیرقابل تغییر است مثل منابع طبیعی که متعلق به عموم جامعه است، یا قانون اصلاحات ارضی وغیره، حتی حاضریم که اصول انقلاب ایران را تغییر بدهیم، اگر بهتر و بیشتر با منافع ملت ایران سازگار باشد...) و این جمله، شاه بیت سخنان شاهنشاه آریامهر بود که فرمودند (... فئودالیسم سابق ارضی، داشت به فئودالیسم صنعتی تبدیل میشد...) و اینک بهمت ملوکانه، فئودالیسم تازه بهمان سرنوشتی دچار شده است که فئودالیسم کهنه در ۱۳۴۱ دچار شد.

نفت ایران سوم در دنیا

در سومین هفته مرداد ماه، ایران یک پیروزی درخشان اقتصادی داشت... پیروزی از آن نوع که غرور انگیز برای خودمان و دوستانمان و ناراحت کننده و بحث بر انگیز برای معاندین و مخالفان و دوست نمایان ما بود زیرا بموجب گزارش خبرگزاریها و به نقل از مجلهٔ معروف "فورچون" چاپ آمریکا، شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۹۷۴ مقام ممتازی در میان ۵۰۰ شرکت معظم صنعتی دنیا احراز کرد و در حالیکه دوسال گذشته مقام بیست وهشتم را در دنیا داشت بمقام سوم در سال گذشته رسیده است.

مجله فورچون هرساله ۵۰۰ شرکت بزرگ صنعتی دنیا را که در خارج از ایالات متحده آمریکا فعالیت دارند معرفی میکند. در سال گذشته از نظر کارشناسان اقتصادی آن مجله سه شرکت نفتی مهم دنیا بترتیب مقام‌های اول تا سوم را احراز نموده اند که عبارتند.

۱ ــ شرکت ملی نفت بین‌المللی شل

۲ ــ شرکت ملی نفت انگلیس

۳ ــ شرکت ملی نفت ایران

واین پیروزی بزرگی است که بحسب سیاست نفتی ایران (که شرکت ملی نفت ایران مظهر آن است) گردیده و در ردیف بزرگترین پیروزیهای دههٔ دوم انقلاب شاه و ملت بشمار میرود زیرا شرکت ملی نفت ایران با ارشاد و رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر، اکنون توانسته است در صدر کمپانی بزرگ بین‌المللی قرارگیرد.

بدون تردید، شرکت ملی نفت ایران چنین موفقیت و مقامی را که بتأیید محافل مختلف مطبوعاتی واقتصادی و صنعتی جهان رسیده است بادرک صحیح منویات شاهنشاه آریامهر و اجرای دقیق اوامر رهبر کشور بدست آورده است.

کار و کارگری

* بر اساس دستور سازمان تأمین اجتماعی، کارگران فروشگاههای آهن استان مرکزی زیر پوشش بیمه قرارگرفتند.

* در هفته دوم مردادماه (۳۰) کارگاه مختلف در تهران بعلت نداشتن وسایل ایمنی تعطیل شدند.

* بموجب قانون مربوط به آزمایش متقاضیان پروانه‌های تشکیل مؤسسات کارآموزی که اخیرا "برای اجرا به وزارت کار و امور اجتماعی ابلاغ شده است به کلیه کارگران ماهر گواهینامه تعیین درجه مهارت حرفه‌ای داده میشود.

* با ثبت نام کارگران در ۳ کانون حزبی (تهران ــ کرج ــ ری) از روز ۲۱ مردادماه کانونهای حزب رستاخیز ملت ایران که در سازمان کارگران تشکیل شده است آغاز بکار کرد.

* دوره کار آموزی ۵ ماهه و ۶ ماهه کارآموزان نقشه‌کشی وجوشکاری (واحد کل عملیات ذوب آهن آریامهر) در اصفهان پایان یافت و دورهٔ کارآموزی، کارآموزان بندر بوشهر آغاز گردید.

* برای پرداخت یدهی بابت بیمهٔ کارگران، به کارفرمایان بدهکار یک سال فرصت داده‌شد.

اقتصاد

* در اجرای فرمان شاهنشاه، قیمت مصالح ساختمانی در سراسر کشور تا ۴۰ در صد کاهش یافت.

* از روز ۱۸ مردادماه مذاکرات اقتصادی ایران و ساحل عاج (آفریقا) میان "هنری کاسیدی" وزیر اقتصاد و دارائی آن کشور و آقای فرخ نجم آبادی وزیر صنایع و معادن ایران آغاز شد.

* بموجب تصویب‌نامه های هیأت دولت کمپانی "سوسی‌بنه له کربن دو رایس" فرانسوی یک واحد تولید تراکتور در ایران تأسیس خواهد کرد.

جشنها و مراسم

* در جشن‌های مشروطیت در مجالس سنا ــ و ــ شورا نزدیک ۲۰ هزار "برگزیدهٔ" ملت ایران شرکت کردند و در پرتو ۴۰۰۰۰ لامپ رنگی و سفید هفتادمین سال مشروطیت ایران جشن گرفته شد.

* درآغاز هفته سوم مردادماه پانصدتن از مربیان و سرپرستان (۹۹) مدرسهٔ کودکان استثنائی در سراسر کشور در رامسر بدورهم جمع شدند تا در جریان آخرین پدیده‌های تکنولوژی جهان پیشرفته قرار بگیرند.

* روز ملی ایران در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی دمشق، در سوریه، روز ۱۹ مرداد ماه برگزارشد. غرفهٔ ایران یکی از موفق‌ترین قسمتهای نمایشگاه دمشق محسوب شده است.

عمرانی وساختمانی

* مطالعه برای ایجاد ۳۹۸ کیلومتر راه اصلی برای استان مرکزی پایان یافت و بر اساس قسمتی از راههای دردست مطالعه، شکرک به به شاهراه "تهران ــ رودهن" متصل خواهدشد.

* عملیات گسترده‌ای برای اسفالت جاده‌های بین شهری و راههای شنی کشور که مجموعا "۶۰۰ کیلومتر راه را شامل میشود توسط وزارت راه و ترابری آغاز شد.

* مقدمات احداث (۴) اسکلهٔ تازه در بندربوشهر با تأسیسات مورد نیاز آنها از سوی سازمان بنادر و کشتیرانی فراهم شد.

* عملیات اجرائی نصب ۲۰ کارخانهٔ تولید مصالح ساختمانی پیش ساخته از روز ۲۰ مرداد ماه توسط وزارت مسکن وشهرسازی برای تأمین قسمتی از احتیاجات عمومی آغاز شد.

سیاست

* حضرت "والری ژیسکار دستن" رئیس جمهوری فرانسه، سالگرد روز مشروطیت ایران را به شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران شادباش گفت.

* پیام شادباش از سوی شاهنشاه آریامهر بمناسبت جشن ملی سنگاپور برئیس جمهوری آن کشور مخابره شد.

* در ضیافت شامی که بافتخار آقای هویدا نخست وزیر ایران از سوی "کرنلیو مانسکو" نخست رومانی در شهر بخارست ترتیب داده شده بود. نخست وزیر رومانی با اشاره به نقش‌های شاهنشاه آریامهر و رئیس جمهوری رومانی در گسترش مناسبات دوکشور گفت که "... روابط ایران و رومانی در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی توسعه چشمگیری داشته است..."

* سالگرد جلوس اعلیحضرت ملک حسین پادشاه اردن هاشمی از سوی شاهنشاه آریامهر بآن پادشاه شادباش گفته شد.

* دولت تازهٔ کاموج از دولت شاهنشاهی ایران تقاضای تأسیس سفارتخانه و برقراری روابط دیپلماسی کرد.

کشاورزی و روستائی

* بمنظور تقویت بنیهٔ مالی کشاورزان درفعالیت‌های دامداری درحدود ۸ میلیون ریال بروستائیان و دامداران کرمانشاهان و خوزستان وام پرداخت شد.

* کارهای ساختمانی مراکز درمانی روستائی برای روستائیان شمال پایان یافت و ۱۱ هزارتن از روستائیان شمال مشمول خدمات

مرگ روشنفکر

"فریدون رهنما" روشنفکر هنرمندی که در زمینه‌های مختلف ادبی و هنری صاحب نظر بوده بدنبال یک بیماری طولانی، روز ۱۸ مردادماه بدرود حیات گفت. روشنفکر فقید در سال ۱۳۰۹ شمسی متولد شده بود. وی دارای یک کتاب شعر بزبان فرانسه و کتاب دیگری در زمینهٔ شناخت سینما بود و همچنین از سه فیلم وی باید یاد کرد که هر سه مقام سیمای ایران را در جهان خارج بالا بردند.

سه فیلم رهنما عبارتند از (تخت جمشید ــ و ــ سیاوش در تخت جمشید) که قدیمی‌ترند و (پسر ایران، از مادر خویش بی‌خبراست) که اخیرا" در جشنواره توس نمایش داده شد. براساس اعتقاد آنها که با رهنما از نزدیک آشنا بودند، اعتبار فراوان فریدون رهنما در بینش و شناخت عمیق او از هنر بود و ذهن تحصیل‌گری که هرچند نه آثار فراوانی از خود بجای گذاشت اما هرچه که از او باقی ماند ماندنی‌تر از آن خواهد بود که از دیگران ماند...

www.KetabFarsi.com

تروریست‌های «مارکسیست اسلامی» از جنایات تکان‌دهنده خود پرده برداشتند

لباف — صالحی — خاموشی — بطحائی

بدنبال تلاش پیگیر مأموران انتظامی، شبکه‌ای از اعضاء مارکسیسم اسلامی دستگیر شدند و از زبان خودشان، ماجرای چند فقره ترورهای اخیر برای آگاهی ملت ایران بازگو شد، اینعده عبارت بودند از:

سیمین صالحی (دکتر)
سید محسن خاموشی (دانشجو)
مرتضی صمدیه لباف
محسن بطحائی
وحید افراخته
منیژه اشرف‌زاده کرمانی
محمدطاهر رحیمی
مهدی عبوران

از اعضاء این گروه: یکی بنام خلیل فقیه در قولی خود را تسلیم قانون کرد و یکی دیگر بنام مجید شریف واقفی بجرم چون و چرا در اجرای دستورات صادره توسط دیگر اعضاء گروه اعدام شده وجسد او در بیابانهای مسگرآباد تهران بوسیله مواد آتش‌زا و بنزین سوزانیده شد.

■ ■ ■

درمانی و بهداشتی این مراکز شدند، بهداری و بهداشتی

* با توافقی که بین مرکز اورژانس تهران و ۹۰ بیمارستان و درمانگاه در تهران بعمل آمده است، بیمارانی که نیاز فوری به کمک‌های پزشکی داشته باشند در آن بیمارستانها و درمانگاهها پذیرائی خواهند شد.

* کمیسیون ویژه بررسی کاهش نرخ خدمات درمانی بدستور آقای هویدا در سازمان نظام پزشکی کار خود را آغاز کرد.

نخست‌وزیر در رومانی

طبق دعوتی که نخست‌وزیر رومانی آقای "کرنلیومانسکو" از نخست وزیر ایران آقای امیرعباس هویدا بعمل آورده بود، روز ۲۰ مرداد ماه آقای هویدا در رأس یک هیئت به رومانی سفر کردند و مورد استقبال همای رومانی خود واقع شدند.

درهمان روز ورود، آقای هویدا تاج گلی بربنای یاد بود نبرد آزادی رومانی قرار دادند و از بعدازظهر مذاکرات دو نخست وزیر آغاز شد. نخست‌وزیر ایران شب هنگام در ضیافت شامی که بافتخار ایشان ترتیب داده شده بود شرکت کردند و فردای روز ورود به رومانی در شهر ساحلی کنستانزا، نهار را میهمان چائوشسکو رئیس جمهوری رومانی بودند وسپس از صنایع کشتی سازی رومانی دیدار کردند.

در سومین وآخرین روز سفر رسمی نخست وزیر ایران به رومانی (۲۲مرداد) قرار دادی میان ایران و رومانی بامضاء رسید و سپس نخست وزیر هویدا، بخارست را بقصد پاریس ترک گفتند.

سینما

سوفیالورن به رم بازگشته است تا هم درآفتاب سوزان، پوست خودرا برنزه کند وهم در تهیه یك فیلم جنگی به‌نام «اسکندر» که محصولی است مشترك از ایتالیا و ایران، شرکت جوید. همبازی همین فیلم برت‌لنکستر است. شوهر سوفیا، ودوپسرشان نیز از پاریس به ویلای شخصی خانوادگیشان در مارینو، نزدیك رم آمده‌اند. پس از برداشتن صحنه‌هایی از فیلم مذکور، خانواده‌پونتی، شوهر زن‌ودوپسرشان، باسپانیا یا سویس خواهندرفت تا تعطیل های تابستانی‌شان رابگذرانند. علت این که هنوز مقصد آنها دقیقا گزارش نشده. این‌است که سوفیا می‌ترسدبه پسرانش چشم‌زخمی رسانده شود.

△ △ △

عرض تبریك اطلاعات ـ دوشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۵۴

جناب آقای عزت‌اله فولادوند مترجم و نویسنده ارزشمند

شایستگی شما در بدست آوردن سمت جدید مایه بسی شادمانی و سرافرازی است.

عزت‌اله فولادوند ـ دبیر دبیرستانهای دورود.

اداری

* قانون جدید جرائم راهنمائی و رانندگی از روز شنبه ۱۸ مرداد به اجرا گذاشته شد و جریمه ۵ تخلف به مبلغ (۵۰۰۰ ریال) بالغ شد.

* "امنیت اجتماعی" اخطار کرد که فروشندگان میوه را که میوه به مشتری عرضه نکنند مجازات خواهد کرد.

* آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در مصاحبه‌ای که پیرامون دو اصل تازه انقلاب ایران ترتیب یافته بود اظهار داشتند (درمبارزه باگرانفروشی، باهمکاری بیشتر مردم، سریعتر ومطمئن‌تر میتوان به نتیجه رسید) و افزودند (... برنامه حزب رستاخیز، برای مبارزه با گرانفروشی در سراسر کشور پیاده می‌شود...) و نیز (... با گسترش نظام تعاونی، واسطه‌ها از بین برده میشوند...)

* برنامه حزب برای اجرای اصل چهاردهم انقلاب شاه وملت روز ۱۸ مرداد اعلام شد.

* در اجرای اوامر ملوکانه در زمینه پی‌گیری سرسختانه مبارزه با گران‌فروشی، ازطرف هیأت عالی نظارت بر اتاق های اصناف کشور، انحلال (۱۶) اتاق اصناف در شهرهای مختلف اعلام شد و اعضاء هیأت رئیسه اتاقهای اصناف تهران و اصفهان نیز برکنار شدند و آنها که رئیس صنف‌های خود بودند، آن سمت را نیز از دست دارند. اتاق‌های اصناف منحل شده عبارتند از (بندر پهلوی، آستارا، لاهیجان، رودبار لنگرود، رفسنجان، بم، سیرجان، بافق، جیرفت، شیروان، آبادان، نیشابور، بروجرد، کرمانشاه، یزد) و اتاقهای اصناف (نوشهر، رامسر، همدان، بندرعباس) نیز قبلا" منحل شده بودند.

* بودجه ۶۵۰ میلیون ریالی سال ۱۳۵۵ طرحهای خاص ناحیه‌ای در استان چهارمحال وبختیاری، تصویب شد.

* برای راحتی کار ارتباطات سریع تهران، ناحیه ۸ مخابرات ایران در منطقه امجدیه افتتاح شد.

* توسط وزارت مسکن وشهرسازی، آمارگیری از خانه‌های خالی در محدوده تهران وشهرستانها آغاز شد. خالی گذاشتن خانه‌ها در عرف مبارزه با گرانفروشی نوعی احتکار در مورد عدم عرضه جنس مورد نیاز عموم محسوب میشود.

* ساعات کار اداری سازمان امور دانشجویان کشور بمنظور تأمین رفاه حال دانشجویان ایرانی مقیم خارج افزایش یافت.

* بدنبال برکناری هیأت رئیسه و رؤسای شبکه های ۳۰ گانه اتاق اصناف، بطور کلی اصناف از کنترل قیمت‌ها کنار گذاشته شدند و اینکار بعهده افراد غیرصنفی واگذار شد.

* با تشکیل کانون‌های حزبی در روستاها و شهرها، کار سازمان دهی حزب رستاخیز ملت ایران در سراسر کشور آغاز شد.

* در اجرای اصل ۱۴ انقلاب ایران و بمنظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه کرایه خانه از روز بیستم مردادماه (۲۰) دختر سپاهی انقلاب در (۱۰) واحد راهنمائی روابط و مسائل مربوط به مالک و مستأجر، مشغول فعالیت شدند.

شنا

مسابقه های شنای قهرمانی ایران در سه رشته (شنا ـ شیرجه ـ واترپولو) در ورزشگاه آریامهر از روز ۱۸ خرداد ماه شروع شد. نکته جالب اینکه شناگران تهران بعلت وجود "نوعی دلخوری" از شرکت در مسابقه ها خودداری کردند و بقیه شناگران ایران برای تصاحب مدالها بآب پریدند.

کارگاهها با اجازه وزارت کار قابل توسعه‌اند

توسعه کارگاه و نصب ماشین آلات اضافی در کارخانه‌ها منوطبه کسب اجازه وزارت کار شد.

وزارت کار و امور اجتماعی امروز اعلام کرد بموجب آئیننامه حفاظت و بهداشت، کارفرمایان مکلفند قبل ازایجاد یا توسعه کارگاه مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع دهند. درغیر این صورت چنانچه کارفرمایان نسبت به توسعه کارگاه و نصب ماشین آلات جدید اقدام کنند بلافاصله نسبت به تعطیل کارگاه و تعقیب مسئولان اقدام خواهد شد.

▲ ▲ ▲

نقاشی های طناز اعتضادی در هتل اینترکنتیننتال

نمایشگاهی از آثار طناز اعتضادی نقاش جوان کرمانشاهی درهتل اینترکنتیننتال تهران واقع در خیابان آریامهر گشایش یافت این نمایشگاه تا ۵ شهریور ادامه دارد

www.KetabFarsi.com

برندگان جشنوارهٔ جوانان

* سومین جشنواره فیلمسازان جوان منطقه‌ای آسیا در شیراز، روز ۲۰ مرداد پایان یافت و هنگام توزیع جوایز ابتدا باحترام مرحوم "فریدون‌رهنما" یکدقیقه سکوت اعلام شد و سپس جوایز باین شرح توزیع شد:

۱ ــ جایزهٔ نقرهٔ سازمان رادیو تلویزیون‌ملی‌ایران‌و ۵۰۰ دلار جایزه نقدی به فیلم‌غیر حرفه‌ای "خورشیدکویر" ساختهٔ (فریال‌بهزاد ــ و ــ علامرضاآزادی) از ایران.

۲ــ جایزهٔ نقرهٔ سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و ۵۰۰ دلار جایزهٔ نقدی به فیلم "مرزهای بهشت" ساختهٔ (نوشیرو ناکامیشی) از ژاپن.

۳ ــ جایزهٔ نقرهٔ سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و ۵۰۰دلار جایزهٔ نقدی به فیلم "امروز،جوانان" ساختهٔ (شیگورا ناکانا)ازژاپن

۴ ــ جایزهٔ نقرهٔ سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و ۵۰۰ دلار جایزهٔ نقدی به (استافوردکارنر) کارگردان استرالیائی بخاطر کارگردانی دو فیلم "دهاسترالیائی ــ و ــ العبای آن"

۵ ــ جایزهٔ طلائی‌سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و ۵۰۰ دلار جایزه نقدی آن به فیلم "صدای تازه" ساختهٔ (سهیل‌سوزنی) از ایران.

۶ ــ جایزه طلائی‌اتحادیهٔ‌رادیو تلویزیون‌های آسیا و ۱۰۰۰ دلار جایزه نقدی آن به فیلم "فرود" ساختهٔ (پل‌ماندر) از رلاندو.

۷ ــ فیلمهای "طلوع، غروب، زیارت، عصارخانهٔ‌جماله" نیز بخاطر دارا بودن ویژگی‌هائی مورد تشویق هیئت داوران قرارگرفتند.

... و سه نکته:

اول اینکه از این پس جایزهٔ طلائی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران،جایزه فریدون‌رهنما نامیده میشود.

دوم اینکه در گروه فیلم‌های حرفه‌ای، هیئت داوران هیچ فیلمی را برای کسب جایزه مناسب‌ولایق ندید.

سوم اینکه هیچکدام از فیلمهای اعضاء کانون پرورش فکری کودکان و جوانان مقامی و جایزه‌ای بدست نیاوردند!

بسکتبال

* در روز ۱۸ مردادماه یک سری مسابقهٔ دیگر نیز شروع شد یعنی مسابقات بسکتبال دختران باشگاههای‌تهران ودر این مسابقات فقر عجیبی از لحاظ تیمهای شرکت کننده بچشم میخورد ... ولی با همهٔ این فقرو "نداری!" در اولین مسابقه،تیم دختران آرمایش(۱۱۰) گل به تیم ایزدفرودسی زد و در مقابل (۷) گل خورد واین تفاوت گل (۱۱۰به۷) تا بحال در هیچ جای دنیا و در هیچ بازی دوستانه و غیر دوستانه‌ی سابقه نداشته است...

وزنه برداری

* ازروز۱۵مردادسی‌وپنجمین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی ایران با شرکت ۳۰۰ وزنه بردار از ۱۹ استان و فرمانداری‌کل در شهر"همدان" آغاز شدو تهران و خوزستان و مازندران اول و دوم و سوم شدند.

قهرمانان وزن های مختلف ایندوره از مسابقات عبارتنداز:

مگس وزن ــ سید عباس‌قاسمی از کرمانشاه

خروس‌وزن ــ محمد نصیری از تهران

پروزن ــ داود ملکی ازتهران

سبک وزن ــ نصراله دهنوی‌ار تهران

میان وزن ــ عطار اشرفی از گیلان

میان‌سنگین ــ ابراهیم پوردژم از تهران

سنگین‌وزن ــ هوشنگ‌کارگرنژاد از تهران

فوق سنگین ــ اکبر شکرالهی از خراسان.

معافیت دانشجویان

سازمان امور دانشجویان‌کشور اعلام کرد که طبق تصویب هیأت وزیران، از این پس دانشجویانی که طبق‌ضوابط وزارت‌علوم و آموزشی عالی و پس از موفقیت‌در امتحانات زبان اعزام دانشجو بخارج عزیمت خواهندکرداز‌پرداخت ۱۰ هزارریال عوارض گذرنامه معاف خواهندبود.

تا قبل از این تصمیم، دانشجویان‌سرگرم تحصیل درخارج که برای دیدار خانواده خود به ایران میآمدند، از پرداخت‌عوارض خروج معاف بودند اما ازاین‌پس داوطلبان‌تحصیل در کشورهای خارج به شرط موفقیت درامتحانات زبان اعزام دانشجو و رعایت ضوابط‌وزارت علوم و آموزش عالی از پرداخت عوارض خروج از کشور معاف شدند.

فوتبال

* کاروان تیم‌ملی کشتی آزاد و کشتی فرنگی جوانان ایران دردو گروه، عصر روز ۱۷ مردادماه برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جهان، به "هاسکووو"در بلغارستان‌رفت. این دومین‌باراست که جوانان ایران‌در این مسابقات شرکت میکنند. بار اول درسال ۱۷۹۱در ژاپن بودکه تیم ایران بمقام دومی‌جهان رسید.

* مسابقه‌های‌فوتبال‌قهرمانی کارگران تهران‌ازروز ۱۸ خرداد ماه میان ۱۲ تیم از واحدهای مختلف کارگری آغاز شد.

در مسابقات سالیانه فوتبال جام "پیروزی نفت" دو تیم نفتی، یکی‌تیم "امیر" تهران و یکی تیم "صنعت نفت" اهواز به فینال رسیدند و در یک مسابقهٔ جالب، تیم امیر تهران توانست بانتیجهٔ (۵ به صفر) بر حریف خود پیروز شود و جام را بربایند وبرای فوتبالیست‌های "حمید شیرزادگان" مربی تیم امیر تهران این پیروزی بزرگی‌بود که فقط در مایهٔ فداکاری بدست آمد.

* درمسابقهٔ تدارکاتی قبل از بازیهای تعیین تیم فوتبال آسیا در بازیهای مونترال کانادا، تیم ملی فوتبال ایران (۲بر۱) مغلوب تیم ملی مجارستان شد. تنها گل تیم ایران را علامحسین مظلومی (مهاجم تاج) دردقیقه ۴۳ بازی زد.

اخبار متفرقه

* برای اولین‌بار در ۵۰سالهٔ اخیر گرمای هوا در یک نقطهٔ ایران (آغاجاری) به ۵۰ درجه بالای‌صفر رسید.

* ۷۱ هزار نفر از اشخاص (مستطیع) که‌واجب‌الحج شده اند، برای رفتن بخانهٔ خدا اسم نویسی کردند.

*بمناسبت‌مرگ‌آیت‌الله‌میلانی از سوی دربار شاهنشاهی اعلامیه‌ای در مورد برگزاری مجلس‌ترحیم روحانی فقید منتشر شد.

* بررسی صلاحیت داوطلبان عضویت شوراهای داوری تهران از روز ۱۹ مرداد ماه آغاز گردید.

* بر اساس بخشنامه سازمان ثبت اسناد، تعطیل دفترخانه‌ها باعتبار باز نشستگی سر دفترها ممنوع شد.

* معاینات پزشکی ۷۱ هزار نفر افراد واجب الحج سال جاری از اوایل هفته سوم مرداد ماه شروع شد و تا اواخر هفته دوم شهریورماه ادامه خواهد یافت.

* بزرگترین رقم قاچاق‌در سالهای اخیر توسط مأموران گارد ساحلی ژاندارمری کشور از یک "موتورلنج" کشف شدکه شامل۴۵ کیلوشمش طلا ــ ۷۵کیلوجواهرات، ۱۹۰۰ رشته مروارید و ۸۵۵ ساعت بود. کل بهای این کالای مکشوفهٔ گرانبها به ۴۵۰ میلیون ریال بالغ شده است.

* روز ۲۱ مرداد ماه شورای عالی حفاظت محیط زیست‌باحضور والاحضرت شاهپورعبدالرضاپهلوی در تهران تشکیل جلسه داد تا در مورد بهره وری از حیات وحش و منابع طبیعی به کنکاش بپردازد.

کتاب

رومئو و ژانت

نوشتهٔ: ژان آنوی ــ ترجمهٔ: اسماعیل شنگله ــ از انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران ــ کتابی‌در مایهٔ نمایشنامه ــ باترجمه‌ای روان و چاپی بدون‌غلط (که از عجایب چاپ کتاب درایران است!)

دوجلاد

نوشتهٔ: فرناندوآرابال ــ ترجمهٔ محمود مهدیان ــ ازانتشارات متین ــ کتابی است باز در مایهٔ نمایشنامه باضافهٔ دوضمیمه: یکی "ویژگیهای تأثر پوچ" و یکی "نگرشی به آثار و جهان نگری فرناندوآرابال" و جالب اینکه ضمیمه‌ها، یکی از یکی بهترو هردو از اصل کتاب بمراتب بهترند!

فاسق

نوشتهٔ: هارولد پینتر ــ ترجمهٔ منوچهربیات فخاری ــ این کتاب نیز مایهٔ نمایشنامه ای دارد منتهی ازپاره‌ای جهات بر سایرآثار نمایشنامه نویس نیمه جوان‌انگلیسی برتری دارد... با ترجمه‌ای درحد قابل تحمل!

تحلیلی نوین ازآزادی

نوشتهٔ: موریس کرنستون ــ ترجمهٔ جلال الدین اعلم ــ از انتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر ــ بهای ۱۳۵ ریال (کتاب ۱۶۵ صفحه‌دارد یعنی تقریبا" هر صفحه یک ریال!) ولی مطالب‌کتاب‌این ارزش رادارد. کتاب شامل سه بخش است (معنای آزاد ــ ابهام آزادی خواهی ــ آزادی اراده)

جامعهٔ نو

نوشتهٔ: ای ــ اچ ــ کار ــ ترجمهٔ محسن ثلاثی ــ ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر ــ ۱۱۰ صفحه بهای ۹۵ ریال (همان صفحه‌ای‌یک ریال) با مطالبی نه چندان تازه و ترجمه‌ای نه چندان کهنه!

اعترافات یک خر ابکار

* بدنبال درهم کوبیده شدن یک کانون فساد دیگر که تحت‌عنوان "مارکسیست‌های" اسلامی‌به فریفتن و بهره‌برداری از جوانان ساده لوح برای پیشبرد هدفهای خود پرداخته بودند، یکی از آنان که از نیمه راه،خود را باز یافته و بدامان پرمهرو عطوفت ما در میهن پناه آورده بود اسراری را فاش‌کرد که حتی شنیدن آن نیز موی بر اندام شنونده راست‌میکرد تا چه رسد به تفکر عمقی در بارهٔ آن وعلل و نتایج ایجاد آن اسرار...

"خلیل فقیه دزفولی، خرابکار نادم فرقهٔ‌مارکسیست‌های اسلامی که‌از نیمهٔ راه باز گشته وخودرا به پناه قانون کشانده است، از عجایع و شنایعی سخن میراند که در طول عضویت‌خود درآن فرقه یاگروه "ضاله" شاهد و ناظرآن بوده است... از مرحلهٔ فریب جوانان،تهدیدجوانان، تطمیع جوانان‌تابالاخره بهره برداری سیاسی از آنان یا قتل ناجوانمردانهٔ آنان همه را باز گفت و موشکافت و تأکید کرد که در گروه مارکسیست‌های اسلامی هرکس وارد میشد باید از گوش و چشم وزبان خوددست بکشد... سؤالی نکند و توضیحی نخواهد که چرا؟ چون در آنصورت باتهام خیانت به هم مسلکان، بدست آنان در کوچه پس کوچه ها تیرباران میشد و با شکم پر از مواد آتش‌زا در بیابانها بطوری میسوخت که کمتر اثری از او باقی‌میماند...

"خلیل فقیه دزفولی، از زبان بسیاری از جوانان فریب خورده سخن گفت که قصد پناهندگی بدامان مادر وطن وقانون را دارند و او،نماینده همه آن کسانی است که بدنبال‌آب،سوی سراب کشیده شده‌اند... سرابی که بهرحال قاتل جان آنهاست...

تقویم ۵

از ٤شنبه (۲۲مرداد ۵ شعبان ۱۳اوت)
تاسه‌شنبه (۲۸مرداد ۱۱شعبان ۱۹اوت)

● **٤شنبه:**

۵ شعبان ۱۲۴۳ ــ قراردادشوم ترکمان چای در پایان جنگهای ایران و روسیهٔ تزاری بنفع روسیه امضاء شد.

۵ شعبان۹۰۵ــ قیام تاریخی شاه اسمعیل اول صفوی‌آغاز شدو در نتیجهٔ این قیام سلسلهٔ صفوی بوجودآمد.

۱۳ اوت ۱۹۴۶ ــ " هربرت ، جورج ،ولز" نویسنده خیال پرداز انگلیسی بعد از ۸۰ سال زندگی وفات یافت.

● **۵شنبه:**

۲۳ مرداد ۱۲۹۳ ــ دولت‌انگلستان خودرا درامتیاز نفت دارسی شریک کرد و ۵۰ در صد امتیاز آنرا بدست آورد.

۱۴ اوت ۱۴۵۲ــ لئوناردو داوینچی‌نقاش و هنرمندبزرگ ایتالیائی ، در شهر فلورانس قدم بعرصهٔ وجود نهاد.

۱۴اوت۱۹۴۱ ــ منشورآتلانتیک که‌توسط‌آمریکاوانگلستان تدوین شده بود برای اطلاع همهٔ دنیا منتشر شد.

● **آدینه:**

۲۴ مرداد ۱۳۵۰ ــ فرمان‌شاهنشاه آریامهر در موردایجاد و تشکیل سپاه دین برای اشاعه دین اسلام شرف صدوریافت.

۷ شعبان ۲۵۳ ــ شهر هرات معروفترین شهرهای ایران‌در قرن سوم هجری بتصرف یعقوب لیث صفاری درآمد.

۱۵اوت۱۷۶۹ ــ ناپلئون بناپارت ، سرداربزرگ وامپراطور تاریخی فرانسه در جزیرهٔ کرس متولدشد.

● **شنبه:**

۲۵ مرداد۱۳۲۲ ــ فرمان‌انتصاب‌سرلشکر فضل‌الله زاهدی به نخست وزیری توسط شاهنشاه آریامهرصادرشد.

۱۶ اوت ۱۷۰۷ ــ اتحادتاریخی میان دوملت انگلستان‌و اسکاتلند که هنوز هم پابرجاست ، بوجودآمد.

۱۶ اوت ۱۹۶۰ ــ جزیرهٔ قبرس پس‌از سالهاجنگ وپیکار به همت " اسقف ماکاریوس" استقلال‌یافت.

● **۱شنبه:**

۲۶ مرداد ۱۲۸۵ ــ اولین مجلس شورایملی ایران بطور موقت در محل مدرسهٔ نظام در تهران افتتاح شد.

۹شعبان۵۱۵ ــ شهر تفلیس مرکزسرزمین گرجستان‌بتصرف مسیحیان درآمد وآزار وکشتار مسلمانان شروع شد.

۱۷ اوت ۱۹۴۵ ــ شورش های استقلال طلبی جزایر "هند هلند" که امروزه اندونزی نامیده میشود ، آغاز شد.

● **۲شنبه:**

۲۷ مرداد ۱۳۱۹ــ محمد غفاری ملقب‌به کمال‌الملک‌استاد بزرگ نقاشی ایران در قرون معاصر وفات یافت.

۲۷ مرداد۱۱۷۰ ــ پایتخت ایران از شهر شیرازبه تهران منتقل شد و این انتقال بدستورآقا محمدخان قاجاربود.

۱۸ اوت ۱۴۷۵ ــ میکل آنژ ، هنرمند بزرگ‌ایتالیائی که استاد پیکر تراشی بود در شهر"کاپرس" متولدشد.

● **۳شنبه:**

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ــ قیام تاریخی ۲۸ مرداد اتفاق افتاد وملت دوش بدوش ارتش بهواداری شاهنشاه‌قیام‌کرد.

۱۱ شعبان ۵۲۵ ــ حکیم‌ابوالمجد مجدودبن آدم ، شاعر بزرگ ایران که بنام "سنائی" معروف است متولدشد.

۱۹ اوت ۱۹۵۰ ــ ساختمان نوبنیاد سازمان ملل متحد که بنام "دیواربلورین" معروف است ، افتتاح شد.

تلگرامهای مردم درباره دو اصل تازه انقلاب

دبیر خانه حزب رستاخیزملت ایران اعلان داشت که تلگرامهای متعددی از طبقات مختلف مردم سراسر کشور بعنوان آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیرکل حزب رستاخیزملت ایران واصل شده‌است که طی آن مردم با خوشحالی‌وافر افزوده شدن دو اصل تازه به اصول انقلاب شاه و ملت را تهنیت گفته‌و آمادگی خود را برای همکاری مؤثر با حزب در اجرای هرچه سریعتر اصول جدید اعلام نموده‌اند.

بدینوسیله لازم میداند از احساسات بی‌شائبه و صمیمانه همه هموطنان تشکر کرده واطمینان‌دارد که حزب رستاخیز ملت ایران با همکاری فرد فرد ملت ایران خواهد توانست وظایف خطیری را که در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر بعهده دارد به شایسته ترین وجه بانجام رساند.

▲ ▲ ▲

قرارداد

* برای طرح ریزی و ساختن یک بالایشگاه در اصفهان قراردادی با هزینهٔ۴۷/۷ریال‌میان دو شرکت آمریکایی و شرکت ملی نفت ایران به امضاء رسید.

* قرار داد احداث ۳۳۰ آپارتمان دررضائیه با هزینهٔ ۲۰۲/۱۸۸/۶۰۶ ریال بمدت ۱۸ ماه امضاءشد.

تمبر

انتشار تمبرهای یادگاری در مردادماه به رواج و رونق ماههای گذشته نبود و تنها دو سری تمبر تازه در چهار قطعه (یک سری در سه قطعه) و (یک سری در یک قطعه) انتشار یافت که درهرصورت فرصت مغتنمی‌برای عاشقان تمبروکلکسیون داران تمبر بود.

* * *

۱ ــ اولین سری تمبر منتشر شده در مردادماه عبارت بود ازسه قطعه تمبر نسبةً" زیبا که بمناسبت‌یازدهمین‌سالگردهمکاری عمران‌منطقه‌یی درآغاز مرداد ماه بدست‌علاقمندان تمبررسید. نقش روی این تمبرهاکه هرسه به قیمت (۲) ریال است آثاری‌از کارهای دستی‌سه کشور عضو سازمان همکاری عمران‌منطقه‌یی‌یعنی (ایران ــ پاکستان ــ ترکیه) است و سه حرف (R.C.D) به لاتین و برنگ آبی‌آسمانی‌در پایین‌هرسه تمبر بچشم میخورد.

۲ــ دومین سری تمبری‌که در مرداد ماه جای شایسته‌یی‌در آلبوم‌های تمبربازان‌جای‌گرفت‌تمبری بود که بمناسبت‌هفتادمین سال مشروطیت ایران ، تنها در یک قطعه منتشر شد وبهای آن (۱۰) ریال بود. نقش روی این تمبر یادگاری ، نمائی از سردر مجلس شورایملی در یک زمینهٔ آبی آسمانی است که نظیر این تمبر کمتر در میان تمبرهای یادگاری سابقه داشته است.

سینما

«کالسکهٔ» فریبا شاهین مقدم

فریبا شاهین مقدم

گو اینکه جشنوارهٔ سوم فیلمسازان جوان منطقهٔ آسیا مدتهاست‌بپایان رسیده و فیلمسازان ایرانی و بیگانه ،چه برنده‌ها و چه بازنده‌ها به خانه هاوشهرهای خود بازگشته‌اند اما هنوز دربارهٔ فیلمهای این جشنواره وسازنده‌های آن فیلمها در محافل و مجالس هنری و اجتماعی بحث است و مخصوصا" این بحث‌بیشتر برسر زبانهاست‌که چرا ازفیلمهای ارائه شدهٔ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، هیچکدام برنده جایزه‌یی نشدند و اگر فرض‌کنیم که اختلافی‌میان گردانندگان‌جشنواره و هیئت داوران و کانون وجود داشت ،چرا بایدنوجوانانی مثل " فریباشاهین مقدم " فدای این اختلاف‌ها بشوند با آن فیلم زیبایی که ساخته بود . . . فیلمی که همه‌حتی داوران را نیز تحت تأثیر قرارداد.

* * *

پیرزنی در حالیکه کالسکهٔ بچه‌ای را بجلو میراند وارد پارکی میشود که بچه‌های پر شور و نشاط و در عین حال شیطانی درآن مشغول بازی هستند . . . از نگاههای پیرزن حسرت می‌بارد . . . حسرت کودکان ، یاحسرت کودکی خودش !بچه ها همچنان بازی کنان و جست‌خیزکنان‌از نزدیکی او میگذرندوشور و نشاط‌کودکانهٔ آنها سبب میشود تا کالسکهٔ‌پیرزن واژگون شود وآنوقت . . . آنوقت معلوم میشود که در کالسکهٔ پیرزن اصلا" بچه‌یی وجودنداشته‌است‌بلکه ، پیرزن عروسکی رابجای‌بچه‌درون کالسکه نشانده و به پارک آورده است . . .

فیلم سوپر ۸ رنگی تهیه شده (وجه رنگرنده وبانشاطی) و سراپای فیلم فقط (۴) دقیقه است و فریبا شاهین مقدم‌که‌یک دختر سرزنده و با نشاط ۱۶ ساله است میگفت که فقط (۴) روز وقت صرف آن کرده است . . . (۴) دقیقه فیلم و (۴) روزصرف وقت و (۴) هفته بحث دربارهٔ آن که چرا کالسکهٔ فریباشاهین‌مقدم برای‌او جایزه‌یی نیاورد در حالیکه‌همه‌آنهایی که این فیلم قشنگ و ساده و صمیمی و در عین حال قابل فهم و درک همگانی را دیدند ، معتقد بودند که اگر نه جایزه اول ، اما حتما" جایزهٔ دوم جشنواره راخواهد برد . . . و دریغ که همچنانکه عنوان شد ارزش‌کارفیلم ساز ۱۶ سالهٔ کالسکه فدای اختلافات شد و کالسکهٔ فریبا همچون کالسکهٔ قهرمان فیلمش در پایان ، خالی ماند.

فوتبال

* مسابقات‌انتخابی فوتبال برای راه یابی یکی از تیمهای فوتبال‌آسیابه بازیهای‌المپیک‌مونترال‌کانادااز‌روز۴شنبه۲۹مرداد ماه با شرکت تیمهای ملی ایران ، عراق ، کویت ، بحرین، و عربستان سعودی آغاز شد. قبلا" قراربود لبنان نیز دراین بازیها شرکت داشته باشد ولی‌لبنانیها منصرف شدند.

اعلامیه مشترک ایران و رومانی

ایران ورومانی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را گامی بزرگ در راه صلح وامنیت جهان خواندند و تأکید نمودند که اجرای امنیت اروپا باحل مشکلات در سایر نقاط جهان رابطه نزدیک دارد.

این موضوع در اعلامیه مشترک پایان مذاکرات نخست وزیران ایران و رومانی که ۵/۲۳/ انتشار یافت مورد تأکید قرار گرفته و طی آن گفته شده است که نخست وزیران دو کشور یکباردیگر عزم خود را به ادامه مساعی برای اتخاذتدابیر عملی و مؤثر در راه نیل به خلع سلاح عمومی و کامل و پیش از هرکار، خلع سلاح هسته‌یی که اهمیت فراوانی در برقراری وتحکیم امنیت جهان خواهد داشت تأیید کردند.

مانیا مانسکو نخست وزیر رومانی شاهنشاه آریامهر را به خاطرکوششهای ایران درجهت ایجاد محیط تفاهم وحسن همجواری در خاور میانه مورد تمجید قرارداد و از پیشگامی ایران در زمینه تبدیل خاورمیانه به منطقه‌یی عاری از سلاحهای هسته‌یی و نیز از حل مسالمت آمیز و ثمر بخش اختلافات ایران و عراق ابراز مسرت نمود.

در خصوص اوضاع خاورمیانه نخست وزیران دو کشور بر این نظر بودند که برای رفع بن بستی که دریافتن طرق مناسب برای رفع اختلافات حاصل شده بایستی مفاد قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به مورد اجرا گذارده شود و اعاده حقوق حقه ملی مردم فلسطین و منجمله حق تعیین سرنوشت آنها بدست خودشان رالازم دانستند.

امیرعباس هویدانخست وزیر ایران اهمیتی را که حفظ صلح و امنیت خلیج فارس ازطریق همکاری درمیان کشورهای ساحلی و بدون دخالت خارجی برای صلح و امنیت جهان داراست تشریح کرد. نخست وزیران دوکشور مجددا" پشتیبانی دولتهای خود را از این پیشنهاد که اقیانوس هند به صورت یک منطقه صلح در آید تأیید کردند.

نخست وزیران دو کشور اهمیتی را که به بقاء کشور مستقل و با حق حاکمیت قبرس قائل هستند تأکید نموده اظهار امیدواری کردند که مذاکرات بین نمایندگان جوامع یونانی و ترک قبرس منتهی به حل نهائی وعادلانه مسئله خواهد شد. امیرعباس هویدا از مانسکو برای مسافرت به ایران دعوت بعمل آورد.

در این اعلامیه همچنین بامضاء پروتکلی بین ایران و رومانی نیز اشاره شده است.

جشنها و مراسم

* روز ۴شنبه ۲۲ مرداد برابر با ۵ شعبان و مصادف با میلاد مسعود چهارمین پیشوای شیعیان جهان حضرت علی بن الحسین، امام زین العابدین علیه السلام بود وبهمین سبب درسراسرکشور جشنها ومراسم سرور از طرف طبقات مختلف برپاشد، امام زین العابدین که بلقب "حضرت سجاد و ـ سید سجاد" نیز معروف است فرزند حضرت امام حسین علیه السلام وشاهدخت شهربانو دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی بود.

* درجشنی که بافتخاردانشجویان خارجی کالج (N.E.O) در شهرمیامی ایالت اوکلاهومای آمریکا برپا شد، آقای محمدرضا مرحمتی دانشجوی ایرانی آن کالج ایران را معرفی کرد

اقتصاد

* کشتیرانی ملی آریا برای سرعت درحمل ونقل دریائی ۳۰ فروند کشتی تجارتی جدید اجاره کرد.

* اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن بکلیه بازرگانان اخطار کرد که فروش کالا بدون فاکتور ممنوع است.

* با همکاری مرکز بازرگانی بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد برنامه ویژهٔ آموزشی کارشناسان بازاریابی مرکز توسعهٔ صادرات ایران بمدت ۱۹ هفته بطرزی نوین در تهران و ژنو اجرا میشود.

ملاقات

* روز ۲۶ مرداد، در جریان سفر آقای خلعتبری وزیر خارجهٔ ایران به سوریه، وی بحضور ژنرال "حافظ اسد" رئیس جمهوری سوریه رسید و پیرامون روابط دوکشور مذاکراتی صورت گرفت. خلعتبری که قبلا" با عبدالحلیم خدام وزیر خارجه و "محمودالایوبی" نخست وزیر سوریه مذاکراتی انجام داده بود در یک گفتگو قبل از ملاقات با حافظ اسد اظهارداشت که: (... من سیاست دولت شاهنشاهی ایران را درسطح منطقه و جهان برای همکارم تشریح کردم. مذاکرات مادر محیطی دوستانه انجام شد و بین ما مسائل سیاسی جهان، منطقه عربی خاورمیانه و مسائل مورد علاقه دو کشور مورد بررسی قرارگرفت.)

سیاست

مصاحبهٔ شاهنشاه با السیاسه

در مرداد ماهی که گذشت، شاهنشاه آریامهر، طی مصاحبه‌یی به پرسش های سردبیر روزنامهٔ کویتی "السیاسه" و "کویت تایمز" دربارهٔ یک سلسله مسائل مهم جهانی و به ویژه دربارهٔ اوضاع خاور میانهٔ عربی و مسائل داخلی و خارجی ایران پاسخ گفتند. نکات برجسته‌یی از این مصاحبه وپاسخ‌های رهبر مملکت از نظر خوانندگان محترم میگذرد.

دربارهٔ نفت

* بهتر است مسئلهٔ میزان نرخ نفت در اجتماع آینده "اوپک" بررسی شود که در سپتامبر آینده تشکیل خواهدشد.

* از نفت ۷۰ هزار ماده دیگر میتوان بدست آورد. انرژی اتمی چند مشتق دارد؟

دربارهٔ بودجه

* بعلت تعهدات خود در اجرای طرح‌های توسعهٔ عمرانی و غیره و در شرایط فعلی بازار نفت و همچنین، بعلت پائین آمدن قدرت خرید درآمد نفت دچار کسر بودجه شده‌ایم.

* مادرحال حاضر سالیانه (۴) میلیارد دلار کسری داریم و ممکن است که مجبور به گرفتن وام شویم.

* این کسری در سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حجم کمکهای ما به کشورهای در حال توسعه، اثر میگذارد.

* ما در نظر نداریم باستثنای آنچه که سابقا" تعهد کرده‌ایم سرمایه گذاری های خارجی خود را گسترش دهیم.

دربارهٔ عراق

* موافقت شده است که عراق و ایران نظرات خود را به کلیه کشورهای خلیج فارس ارائه دهند.

* آماده‌ایم که آنچه اکثریت بپذیرند قبول کنیم و کوشش نداریم که نظرات خود را بدیگران تحمیل نمائیم.

* بهیچوجه موافقت نامه‌های محرمانه‌یی میان ایران و عراق وجود ندارد و هیچگونه علتی برای اینگونه شایعات نیست.

دربارهٔ گرانفروشی

* برای مبارزه با تورم و گرانی زندگی، اقدامات لازم بعمل آمده است. ما دارای حزب واحدی که شامل دولت وملت میباشد هستیم که در آن افرادی نیز هستندکه به نرخ های گران اجناس را میفروشند، مادامی که همه عضوحزب واحدی هستند بایدهمه باهم همکاری کنند و اگر لازم شودبه دادگاههای نظامی متوسل خواهیم شد ویا اقدامات فوری و شدیدی اتخاذخواهیم کرد.

دربارهٔ قذافی

* از موقعی که قذافی تهدیدبه انفجار منطقهٔ خلیج فارس کرده است من شبها بخواب نمیروم؟! بسیار ترسیده‌ام بطوریکه از ترس میلرزم؟!

* قذافی به ارتش آزادی بخش کمک میکند؟ آزادی کجا و از چه؟ او یک متلون المزاج است.

* خروج نیروهای ما از عمان به نظر سلطان قابوس بستگی دارد بعلاوه، این منطقه، منطقهٔ قذافی نیست.

قرارداد

* قرارداد احداث ۹۰ مدرسهٔ جدید در سراسرنقاط استان آذربایجان شرقی با پیمانکاران مربوطه امضاء شد.

* قرارداد تکمیل اسکلهٔ موج شکن در ۴ بندر استان بوشهر با هزینه ۴۶ میلیون ریال امضاء و مبادله شد.

* قرارداد ایجاد دو دبستان و دبیرستان در شوس و یزد با هزینه ۱۰ میلیون ریال امضاء و عملیات ساختمانی آغازشد.

www.KetabFarsi.com

ارتش ایران دو موضع جدید را از تصرف شورشیان خارج کرد

ارتش شاهنشاهی ایران در تاریخ ۲۴ و ۲۵ مرداد دو موضع جدید را در نزدیکی شهر راخیوت واقع در سلطان‌نشین عمان از تصرف شورشیان ظفار خارج ساخت و کنترل آنرا بدست نیروهای سلطان قابوس سپرد.

طبق اظهار مقامات آگاه کوشش شورشیان بمنظور بازپس گرفتن مواضع فوق‌الذکر هربار با شکست روبرو شد. مناطق آزاد شده یکی در ۸ کیلو متری شمال شرقی راخیوت و دیگری در ۱۱ کیلو متری شمال غربی این شهر قرار دارد. کماکان در اختیار نیروهای سلطان و ارتش شاهنشاهی میباشد.

کار و کارگری

* دوره آموزش مسائل کار و امور سندیکائی برای نمایندگان کارگران و هیئت مدیره سندیکاهای کارگری استان سیستان و بلوچستان روز ۲۵ مرداد ماه بپایان رسید.

* برای بالا بردن میزان مستمری و بازنشستگی و عرامت دستمزد، جدول حقوقی کارکنان اداری و کارگران کارخانه‌ها بزودی تغییر خواهد کرد.

* میزان مستمری کارگران و بیمه شدگان همه ساله متناسب با تغییرات هزینه زندگی و با توجه به شاخص بانک مرکزی تعیین خواهد شد.

قرارداد

* موافقت نامه‌ی بمبلغ ۲۲۰ میلیون تومان برای ایجاد یک کارخانه ذوب فلز در ایران میان مدیر عامل سازمان عمران و نوسازی با کارخانه‌های لیلاند انگلستان امضاء شد.

* قراردادی برای ایجاد ۲۵۰ خانه سه اطاقه درحوالی تهران، بمدت ۶ ماه میان یک شرکت انگلیسی با دولت ایران بامضاء رسید.

۲۸ مرداد

هفته چهارم مرداد ماه هر سال، بمناسبت تصادف روز ۲۸ مرداد ماه با روز قیام ملی بیست و هشت مرداد ماه ۱۳۳۲ از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در مقام مقایسه میتوان آنرا در ردیف روزهایی چون سوم اسفند ۱۲۹۹ — ۲۱ آذر ۱۳۲۵ — ۶ بهمن ۱۳۴۱ و ۹ مرداد ۱۳۵۲ قرار داد زیرا در این روز همبستگی و یکپارچگی اراده ملت بنوعی غرور انگیز متجلی شد و این تجلی همبستگی، بصورت نقطه عطفی در تاریخ ایران و در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر باقی ماند.

در بیست و هشتم مرداد که از سال ۱۳۳۳ با پیشوی هر ساله یادبود آن جشن گرفته میشود و خاطره قهرمانان و دست‌اندرکاران آن جنبش ملی زنده میشود، ملت برای بازگردانیدن شاه خود قیام کرد و در این قیام از ارتش شاهنشاهی ایران کمک خواست و کمک گرفت و این اتحاد مجدد ملت و ارتش سبب شد تا بار دیگر رهبر عالیقدر ملت ایران که بعنوان اعتراض بعملیات غیر قانونی زمامداران وقت در خارج از میهن نگران ایران بودند، بمیان ملت بازگردند و دوران تازه سلطنت پرافتخار خود را که بدوران سازندگی معروف شده است، آغاز کنند...

آنچه که از بعد قیام ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ در ایران صورت گرفت، مستقیم و غیر مستقیم به قیام ۲۸ مرداد مربوط میشود... از بهره گیری مجدد نفت در سال ۱۳۳۳ گرفته تا انقلاب شاه و ملت و رویدادهای بعدی تا حاکمیت مطلق ایران بر منابع نفتی در ۹ مرداد ماه ۱۳۵۲...

یاد قیام ۲۸ مرداد را گرامی میداریم و همبستگی ملت را در هواداری از شاهنشاه، می‌ستاییم.

آثار باستانی تپه ملیان فارس

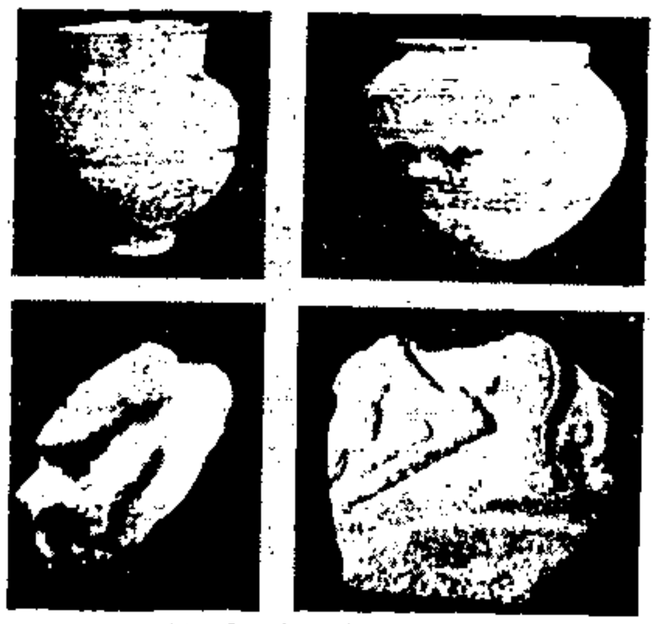

تعدادی از ظروف مکشوفه در تپه ملیان

تپه ملیان بیضای فارس، باتوجه به آثار تاریخی با ارزشی که تاکنون در حفاریهای آن کشف شده است، جزو آثار تاریخی ایران ثبت شد.

در حفاری های این تپه، تاکنون کتیبه‌هائی کشف شده که برروی اکثر آنها خطوطی از دوره ایلامی، همچنین خطوط تصویری (ابتدائی‌ترین خطوط جهان) مشاهده شده است.

در این حفاری‌ها همچنین ظروف، کوزه‌ها و مجسمه‌هائی بدست آمده که براساس مطالعات باستان شناسان متعلق به چهار تا شش هزار سال قبل از میلاد مسیح میباشد

ویلیام امنر، رئیس هیات باستان شناسی و گروه حفاری ملیان و استاد یکی از دانشگاه های آمریکا که گزارش کاملی در باره آثار تاریخی تپه ملیان تهیه کرده است در مورد قدمت تپه ملیان به خبرنگاران گفت: مطالعات انجام شده ثابت میکند که تپه ملیان یک منطقه باستانی است و روزگاری میکون بوده است.

وی عقیده دارد: آثار کشف شده در تپه ملیان بیضا، مربوط به سه دوره «کفتری»، «بانش» و «شقا» می‌باشد. قبل از اسلام ملیان و پرسپولیس دو شهر بزرگ فارس و ایران بودند و باین ترتیب میتوان گفت که تپه ملیان تخت جمشید دوم ایران است.

سفر

* آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر در پایان دیدار رسمی سه روزه خود از رومانی، روز ۲۲ مرداد ماه به پاریس رفت.

* آقای مهندس جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا در رأس یک هئیت پارلمانی بدعوت دولت اندونزی برای شرکت در مراسم گشایش پارلمان اندونزی بآن کشور سفر کرد.

* آقایان هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه تهران و دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی روسای دانشگاهها روز ۲۵ مرداد ماه عازم مسکو شدند.

* ارتشید "عدنان اورسوز" قائم مقام رئیس ستاد ارتش ترکیه بدعوت قائم مقام رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران برای یک دیدار رسمی وارد تهران شد.

* روز ۲۸ مرداد آقای "محمد صبری الحدیثی" کفیل وزارت خارجه عراق در رأس هیأتی برای تکمیل و امضاء سه قرارداد تازه میان ایران و عراق وارد تهران شد.

* آقای فرخ نجم‌آبادی وزیر صنایع و معادن روز ۲۶ مرداد ماه برای انجام مذاکراتی به کشور سوئد رفت.

انتصابات

* دکتر عزت‌الله نگهبانی — رئیس دانشکده ادبیات
* دکتر نیکزاد جاوید — رئیس دانشکده داندانپزشکی
* دکتر زمردیان — رئیس موسسه ژئو فیزیک
* دکتر نیک گهر — سرپرست موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

اقتصاد

* طرح دراز مدت استفاده از نیروگاههای اتمی در خلیج فارس تهیه شد تا آب دریاها شیرین شود.

* وزارت تعاون و امور روستاها برای تأمین کالاهای مورد نیاز مردم به قیمت ارزانتر درصدد تأسیس و ایجاد بازارهای خرید و فروش کالا در روستاها و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از ارزاق عمومی برآمده است.

* با تجدید روابط ایران و عراق معاملات و روابط بازرگانی دو کشور نیز در زمینه مبادلات حسکبار و پشه آغاز شد.

* یک هیأت اقتصادی ایران بریاست معاون طرح ها و بررسی‌های وزارت صنایع و معادن برای انجام چند مأموریت اقتصادی به آنکارا (پایتخت ترکیه) مسافرت کرد.

اعتبارهای تازه برای ایران

ایران بررسی‌های وسیعی را برای کسب اعتبارهای مالی در بازارهای بین‌المللی سرمایه آغاز کرده است، علاقه ایران به کسب اعتبارهای تازه بر اثر گسترش سریع برنامه‌های اقتصادی کشور مطرح شده است، درآمد سرشار نفتی ایران سبب شد که چشم‌اندازهای پیشرفت در کشور ما به سرعت گسترش یابد.

هم‌اکنون مذاکراتی برای کسب یک اعتبار ۸۰ میلیون دلاری برای ایران در لندن ادامه دارد. این اعتبار صرف ایجاد یک مجتمع بزرگ کاغذ سازی در ایران خواهد شد. این مجتمع با همکاری آلمان و بریتانیا بوجود خواهد آمد. گزارش‌های رسیده از پایتخت‌های عربی گوناگون نشان می‌دهد که مذاکرات در زمینه چندین اعتبار مهم دیگر برای ایران نیز جریان دارد. در شرایط تورم بین‌المللی کسب اعتبار به منظور سرمایه گذاری در کشور و افزایش سطح تولید یک سیاست درست و دوراندیشانه بشمار می‌رود.

مهمترین رقم اعتباری که ایران اکنون در پی آن است برای ایجاد یک مجتمع بزرگ پتروشیمی، که با همکاری فنی ژاپن ساخته خواهد شد، در نظر گرفته شده است.

سیاست

* یادداشت تفاهمی میان ایران و ساحل عاج بامضاء رسید که بر اساس آن قرار شد ایران برای تأمین قسمتی از احتیاجات ساحل عاج، تولیدات صنعتی بآن کشور صادر کند.

به فرمان شاهنشاه

استادان دانشگاه نشان میگیرند

بفرمان شاهنشاه آریامهر ، بمنظور تشویق افرادی‌که خدمات ارزنده‌ای برای توسعه و ترویج علوم وفنون آموزش عالی و تحقیقات علمی کشور کرده‌اند براساس آئین‌نامه‌ای نشان‌آموزش وپژوهش اهدا می‌شود .

بنابراین آئین‌نامه ، نشان‌درجه اول آموزش مخصوص استادان دانشگاهها وموسسات آموزش عالی است که علاوه بر انجام وظیفه آموزشی وانتشار کتابهای درسی ، درتوسعه آموزش عمومی وپیشرفت آن درکشور یادر جهان،فعالیتهای برجسته داشته باشند . نشان درجه دوم آموزش بعضو هیات علمی دانشگاه یاموسسه آموزش عالی داده میشود که در امر آموزش‌و تهیه کتابها ومواد درسی ، بنحو شایسته‌ای انجام وظیفه کرده باشد .

نشان درجه یك پژوهش برای کسی درنظر گرفته میشود که تحقیقات او بکشف یا اختراع ارزنده‌ای منجر شود .

نشان درجه دوم پژوهش نیز بافرادی که بر بثمر رساندن تحقیقات علمی نقش موثری داشته باشند داده میشود . نشانهای‌درجه اول آموزش و پژوهش بپیشنهاد دانشگاه یا موسسه آموزش عالی مربوط پس‌از تائید وزارت علوم ویا بپیشنهاد وزارت علوم وتائید کمیسیون اعطای نشان وبه فرمان شاهنشاه داده می‌شود . در مورد نشان درجه اول پژوهش موافقت شورای پژوهشهای علمی کشورنیز ضروریست و نشان در پیشگاه علیاحضرت شهبانو اعطا می‌شود

پیام البکر

عبدون حمادی وزیر خارجه جمهوری‌عراق با پیامی ازجانب احمد حسن‌البکررئیس‌جمهوری عراق برای شاهنشاه آریامهر وارد تهران شد ودر فرودگاه مهرآباد مورد استقبال غلامرضا تاج‌بخش معاون‌سیاسی وزارت امور خارجه و جمعی دیگراز مقامات ایرانی و سفیرعراق در دربار شاهنشاهی قرارگرفت .

آمارگیری از ۶۵۰ هزار واحد صنعتی آغاز شد

کار آمارگیری صنعتی ایران به سرعت تکمیل میشود و نتایج آن بزودی اعلام خواهد شد . این برنامه و بودجه و رئیس مرکزآمار همکاری بانك‌مرکزی با بودجه‌ای بیش از ۶۰۰ میلیون ریال‌انجام میدهد.

دوسوم از واحد های صنعتی‌کشور کارگاه های کوچکی هستند که در روستاها وجود دارند . تعداد این کارگاه ها از ۴۰۰ هزارواحد تجاوز کرده است.

نزدیك به ۲۰۰ هزار واحد صنعتی متوسط نیز در روستاها ، شهر های متوسط و شهر های بزرگ وجود دارد .

رویدادهای باستان‌شناسی

شهرک توریستی درمحل تفرج گاه خلفای عباسی

آقای محمدعلی سمیعی استاندار کرمانشاه ۴ مرکزتوریستی جدید را که آماده بهره برداری است در طی مراسمی تحویل وزارت اطلاعات وجهانگری داد .

این مراکز که‌بصورت "شهرک" بنا شده هر یک ظرفیت سکونت و زندگی ۱۰۰ تا ۳۰۰ خانواده را دارد .

استاندارکرمانشاه گفت : با بهره برداری‌ازاین "شهرک‌ها" برای مسافران خارجی و توریست‌هائی که آماده بازدید از مراکز تاریخی ودیدنی استان کرمانشاه هستنداین امکان پدید می‌آید که بتوانند روزهای اقامت خود را در استان کرمانشاه در این شهرک‌ها بسربرند . نخستین‌شهرک‌توریستی در منطقه "ریجاب" ساخته شده که سالیان پیش تفرجگاه خلفای عباسی بوده و حتی سابقه تاریخی وجود دارد که هارون‌الرشید خلیفه عباسی ماه عسل خود را در این منطقه گذرانده است .

دومین شهرک توریستی در کنار بیستون با آن عظمت تاریخی بنا شده و سومین شهرک در کنار شهرکرند است که از خوش‌آب وهواترین مناطق استان است و چهارمین شهرک توریستی درمحل سرپل‌ذهاب است‌که‌درچهارفصل‌سال‌امکان‌زندگی در آن وجود دارد .

درایجاد شهرک‌های یاد شده تأسیسات تفریحی و زندگی بنحوی پیش بینی شده که توریست‌های خارجی می‌توانند مانند "شهرک" های اروپائی درآن سکونت کنند .

دانشگاهی و آموزشی

* شرایط معرفی و استخدام دانشجویان و دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل‌که‌درازای‌استفاده ازمزایای فرمان "آموزش‌رایگان" تعهد خدمت سپرده‌اند تعیین شد .

* دارندگان تحصیلات عالی ، درآینده بدون امتحان استخدامی ، باستخدام دولت‌در خواهند آمد .

* بدستور وزیرعلوم و آموزش عالی و بمنظور رفاه وتسریع در انجام امور دانشجویانی که‌از خارج برای گذرانیدن‌تعطیلات تابستانی و دیدارخانواده خود بایران‌آمده‌اند و تهیه مقدمات اعزام دانشجویانی که برای ادامه تحصیل عازم خارج هستند ، ساعات کار سازمان اموردانشجویان کشور افزایش‌یافت .

* اداره گذر نامه و شهربانی کشور و اداره وظیفه عمومی در انجام این امر با سازمان امور دانشجویان کشور همکاری صمیمانه و نزدیکی خواهند داشت .

* براساس تصمیمات گرفته شده ، تا تکمیل‌ظرفیت دانشگاههای کشور ، بطور مرتب اسامی افراد دخیره در کنکور در جراید اعلام شده وخواهدشد .

* یکصدتن از دانشجویان دانشگاه آریامهر آمادگی‌خودرا برای همکاری با دولت درکار مبارزه با گرانفروشی اعلام کردند.

* اردوگاه بزرگ چمخاله که‌بفرمان‌شاهنشاه آریامهر در اختیارسازمان جوانان شیر وخورشید سرخ ایران قرارگرفته است، از سال آینده بصورت یک اردوگاه مستقل بین‌المللی‌درخواهد آمد .

* اردوی بین‌المللی‌لژیون خدمتگزاران بشر که با شرکت جوانان داوطلبی‌از (هندوستان ، پاکستان ،اندونزی ،فیلیپین ، سری‌لانکا وایران) در مشهد تشکیل شده بود روز ۲۶ مرداد ماه بعد از یکماهپایان یافت .

تأسیس‌وافتتاح

* در کازرون فارس، کتابخانهٔ ملی افتتاح شد و مقدمات تأسیس کتابخانهٔ مسجد جامع نیز فراهم‌شد .

* طرح احداث مجتمع "مرغ‌مادر" در اصفهان با هزینهٔ ۱۳۵ میلیون ریال پایان یافت و مورد بهره‌برداری قرارگرفت .

نظام تازه حقوق دانشگاهیان

شورای مرکزی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور نظام تازه حقوق و مزایای هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی را تصویب کرد . براساس این نظام دریافتی هر عضو هیأت علمی با حداقل ۱۴۰ امتیاز و حداکثر ۱۴۰۰ امتیاز بر اساس سه عامل زیر تعیین می‌شود : حقوق با حداکثر ۷۰۰ امتیاز :

شرایط زیستی محل خدمت با حداکثر ۴۲۰ امتیاز و امتیازات ویژه دانشگاهی باحداکثر۲۸۰امتیاز.

حقوق هر عضو هیأت علمی از چهار عنصر امتیازات تحصیلی ـ امتیازات کارآیی و تجربه علمی و آموزشی ـ امتیازات‌کارآیی و دستاورد پژوهشی ـ امتیازات مراتب هیأت علمی تشکیل می‌شودکه حداکثر به ترتیب ۱۲۰ ، ۵ / ۱۵۷ ، ۱۵۷/۵ و ۱۷۵ امتیاز دارد .

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی‌کشور از این پس با رعایت اصول طرح یادشده مقررات وضوابط استخدام و انتخاب و ارتقاء اعضاء هیأت علمی خود را تنظیم می‌کنند و پس ازتصویب مراجعی‌که از آن یاد شد ، به اجرا در خواهند آورد .

یك دختر ایرانی با ۸ مدال طلا

مسابقه‌های شنا ، شیرجه و واترپولوقهرمانی ایران روز ۲۲ مردادماه با پیروزی قهرمانان خوزستان پایان یافت . این مسابقات که از اولین روز با جنجال آغاز شده بود با آشفتگی و اعتراض نیز به کارخود پایان داد .

در قسمت مردان تیم آبادان اول شد ، آبادانی‌ها بعد ازآنکه بمقام اولی خود اطمینان‌پیداکردند دیگر منتظر توزیع جوایز نشدند و بحالت اعتراض ورزشگاه شنا را ترک کردند . این اعتراض به سبب محرومیتی است که فدراسیون شنا برای حسین نسیم (بازیکن واترپولو آبادان) در نظر گرفته است ، هم چنین تیم واترپولو آبادان که قراربود دیدارنهائی را با تیم شمیران برگذار کند ، بهمین علت‌از روبرو شدن با حریف خودداری کرد و تیم شمیران نا گزیر برای حفظ ظاهر باتیمی منتخب از طرف فدراسیون روبرو شد و بازی دوستانه‌یی انجام داد . از سوی دیگر یدالله‌باشت‌باوی (شیرجه رو آبادانی) که‌در شیرجه از تخته اول شده بود بعنوان همدردی باشناگران همشهری خود در مسابقه شیرجه از سکو شرکت نکردو به این ترتیب کلیه قهرمانان آبادانی ۵/۲۲ مسابقه‌های شنا ، شیرجه ، و واترپولو قهرمانی ایران را تحریم کردند .

حسین نسیم (بازیکن ملی پوش تیم واترپولو آبادان) روز قبل ضمن مسابقه با تیم تهران با علی‌سرشار داور مسابقه بشدت درگیر شدوکمیته فنی فدراسیون شنا اورا بمدت سه ماه از شرکت‌در مسابقه ها محروم کرد .

رده بندی تیم‌ها : واترپولو : ۱ ـ شمیران ۲ ـ آبادان ۳ ـ اصفهان ۴ ـ شهرری

شنای مردان : ۱ ـ آبادان ۲ ـ اصفهان ۳ـ اهواز

شنای بانوان : ۱ ـ اهواز ۲ ـ آبادان ۳ ـ آغاجاری

نسترن حسنی زاده (شناگر معروف اهوازی) در این مسابقات شش مدال طلا در قسمت انفرادی و دو مدال طلا در مسابقه تیمی‌بدست آورد و ستاره مسابقه ها لقب گرفت .حسنی زاده سال پیش نیز در مسابقه‌های قهرمانی‌ایران ۷ مدال‌طلا گرفته بود . او مهمترین عامل قهرمانی تیم دختران اهوازبود و غیر از او دو دختر دیگرجنوبی افسانهٔ‌ریحانی (از آغاجاری) و فریده پورعباس(از آبادان) بهترین شرکت کنندگان در گروه زنان بودند .

جدیدی درپیش گرفته امیدوارم صفحه فکاهی رافراموش نکنند همچنین سابقا "جدولی داشت که برای ما دانش آموزان خارج ازکشور هم فال وهم تماشا بود زیرا با سرگرم شدن می‌توانستیم به زبان فارسی و کلمات و اصطلاحات آن بیشتر بیاندیشیم و این امر نوعی ورزش فکری برای ما بود. امیدوارم باین مسئله نیز توجه بیشتری کنید. حالا که عکسهای رنگی مجله از بین رفته در انتخاب عکسهای سیاه و سفید دقت بیشتری بخرج دهید درحالی که مقدارشان را نیز بایدبنظر من زیادتر از این شماره کنید خلاصه برکمیت و کیفیت عکسها بیافزایید.

تلاش

انتقادات شما کمک با ارزشی است برای بهتر کردن تلاش. به تذکرشمادرموردفکاهی و جدول در شماره‌های آینده ترتیب اثر خواهیم داد.

* * *

آقای علی معین از ترکیه

امیدورام بعنوان یک دوست سلام گرم مرابپذیرید، من برای شما و سایرکارکنان مجله آروزی موفقیت بیشتری می‌کنم هفته پیش هنگامی‌که بدیداریکی ازدوستان ایرانیم که او هم در استانبول است رفته بودم ضمن پذیرائی گرم او یک‌شماره ازمجله شما رانیز قدری مطالعه کردم ، مطالب مفید و خوبی داشت و عجیب است‌که باوجود چندین سال دوری‌هربار که چشم انسان‌به خطوط‌زبان فارسی می‌خورد ناخود آگاه تمام احساسات انسان نیز بطرف زادگاهش جذب‌می‌شودو من برای مدتی مانند فیلم سینما خاطرات کودکیم و دوران دبیرستانم رادرایران بیاد آوردم واقعا" چقدر لذت بخش است وقتی که پس ازگذشت چندین سال مجددا" انسان بیاد وطن می‌افتد.

تلاش

بسیار خوشحالیم که به حدف خود که آشنا کردن ایرانیان به ایران باشد رسیده‌ایم و دیدار تلاش شما رابایران کشانده وخواستارآن کرده، شماره‌های بعدی آنرا برایتان ارسال خواهیم کرد.

آقای پرویز نبوی ازانگلستان

بالاخره تلاش شماره۴۹ بعدازمدتهارسید ، باتغییرات مفصلی که در نوع کاغذ وطرح رو و پشت جلد در آن داده شده‌درمرحله اول‌بنظر بیگانه است‌امابعداز کمی‌تأمل دوست همیشگی‌خودرا که بنظر کمی لاغرتر و رنگ‌پریده تر می‌آمد شناختم. امیدوارم که‌درشماره شهریور ماه حالش رااز هرنظر بهتر وسرحال‌تربببینم. فکرکنم که گرمای بیش از حد امسال تهران‌که برای همه‌غیر منتظره و ناراحت کننده بود حتی در دوست مانیز بی اثر نبوده است. در هرحال منتظرشماره آینده هستم.

تلاش

کارکنان مجله سعی‌خود رادر بهتر کردن آن مبذول می‌دارند. امیداست که‌مورد پسندخوانندگان‌عزیزباشد.

* * *

آقای هوشنگ خوبی‌ازسویس

من تنها یکسال است‌که پس از گرفتن دیپلم به ژنو آمده‌ام وباسابقه چندین‌ساله برادرم در دانشگاه اینجا از همان ابتدای ورودم با مجله آشنایی نزدیک پیدا کردم، دراین شماره جدید مطلب ساری مرایکباره بدوران درس دبیرستان برد که راجع به شهرهای ایران غالبا" این چنین‌شروع‌می‌شد. شهرساری مرکز استان مازندران در کنار دریای‌خزر، مشرق رودخانه تجن واقع شده ودر ۵۳ درجه و ۵ دقیقه طول و۳۶ درجه و ۴دقیقه‌عرض جغرافیایی و... " واین را ازته دل می‌گویم‌که برای‌هرشهری‌این مطلب‌تکرار می‌شد و من حتی‌الان عرض‌و طول تهران را نمی‌دانم چه رسدبه بقیه‌شهرستانها. چه خوب بود اگر راجع به شهر زیبایی‌چون ساری مطلب به نحودیگری‌آغاز می‌شد چون اقرارمی‌کنم که با این مقدمه ازخواندن‌بقیه‌مطالب‌گذشتم. آیابهترنیست‌روش نقل مطلب بخصوص راجع به شهرها و شهرستانها و نقاط جغرافیایی را به نوع دیگری بیان کنید، البته من صلاحیت تذکراین مطلب راکه باید بچه ترتیب باشد تا متنوع‌ترشود ندارم‌اما همین قدرمی‌دانم که با این شروع ،واقعا" ما دانش‌آموزان ازخواندن دلسرد می‌شویم. سعی‌کنید راه جدیدی برای تلاش‌پیداکنید.

تلاش

از تذکر جالب و بجای شماسپاسگزاریم. حرف‌شماکاملا" صحیح استوسعی می‌شود در شماره های آینده مطالب متنوعتر و جالب‌تر تهیه و تنظیم شود.

آقای یعقوبی

نامه شما ازسبزواررسید شماره‌های ۴۸ و ۴۹ رابرایتان دراسرع وقت ارسال‌خواهیم داشت.

آقای سیدابوالفضل‌ناصر

چیان اراکی

ازلطف‌شماسپاسگزاریم. شعر شمادریافت‌شد امیدواریم در این زمینه همواره موفق باشید. اگرامکان چاپ شعر مصور شما باشد آنرادر شماره‌های‌بعدی‌خواهید دید.

آقای کورش فیاضی

نامه شما رسید خواسته شما را بوسیله پست ارسال خواهیم داشت.

روزنامه فروش خردسال

این عکس را آقای محسن قدیمی از لیون برای ما فرستاده اند

توصیه سردبیر

اگر فرصت خواندن همه مطالب تلاش را ندارید سردبیر توصیه می‌کند که این دومطلب را حتماً بخوانید.

قصه گناه

فریده گل سرخی

صفحه ۷۶

. . . سرش را از روی نرده بلند کرد. حالا دیگر مدتی بودکه گریه نمی‌کرد. حالا پلکهایش می‌سوخت باوجود اینکه دیگر از نور روز هیچ باقی نمانده بود، چشمهایش رابهم فشرد. . .

گفتگو با فرهاد مشکوة

هما احسان

صفحه ۲۶

هما احسان

. . . من بودن را عشق می‌دانم. احساس شرکت در یک کل جهان، انسان را به عشق می‌رساند. عشق را نمی‌توان داشت ولی می‌توان عاشق بود. من عاشق کارم هستم زیرا احساس زمان را از من می‌گیرد.

فریده گل‌سرخی

همکاران این شماره

نویسندگان: مهندس حسین آوارگان ــ هما احسان ــ بهرام افرهی ــ بهمن افشین ــ عباس پهلوان ــ علی‌اصغر حلبی ــ فاطمه راعی ــ نصرت رحمانی دکتر عنایت‌الله رضا ــ ثریا رهنما ــ علی زرین‌قلم ــ شاپور زندنیا ــ حبیب‌الله شاملویی دکتر مهرانگیز صدوقی ــ محمود عاصمی ــ فریده گلسرخی ــ فریدون مشیری ــ نصرت‌الله نوح.

گفتگو با: دکتر محمدرضا آل‌طه ــ دکتر باستانی‌پاریزی ــ دکتر عباس زریاب‌خویی ــ محمدرضا عبرت ــ فرهاد مشکوة.

رئیس هیأت تحریریه: محمد آسیم

ویراستاران: علی‌اصغر حلبی ــ ابوطالب حقیقی ــ بهمن افشین

عکس روی جلد از: دکتر محمود روح‌الامینی

عکس‌های داخل از: غلامحسین ملک‌عراقی

طرح و تنظیم صفحات: بهزاد گلپایگانی

دستیار: فریدون شاکری

مدیر اداری: محمود عاصمی

مسؤول آرشیو: مسعود حکمی

گروه اداری: اشرف اصانلو ــ ملیحه رهین‌عشقی ــ شهین ثنایی ــ آفاق محمدیون

دستیاران: احمد دهریززاده ــ قاسم فخیمی

چاپ: چاپخانه سکه.

محل اداره: بزرگمهر غربی شماره ۱۴۸
تلفن: ۶۶۴۵۳۲
بها: ۲۵ ریال

www.KetabFarsi.com